

رئیس جمهور در سخنرانی آنلاین مجمع عمومی سازمان ملل
استراتژی ایران در عرصه دیپلماسی را شرح داد

مقاومت هوشمند عقلانیت راهبردی

■ به دنبال تعامل مثبت با همه کشورهای جهان بخصوص همسایگان هستیم ■ سیاست جمهوری اسلامی ایران حفظ ثبات و تمامیت ارضی همه کشورهای منطقه است ■ تحریم دارو در دوران کرونا جنایت علیه بشریت است ■ آزادی در کوله پشتی سربازان بیگانه جانی شود ■ ما به وعده های دولت آمریکا اطمینان نداریم

صفحه ۲



سلام زنان هندبال به قهرمانی جهان

تیم ملی هندبال دیروز در آخرین بازی
مرحله گروهی سوریه را شکست داد
و برای نخستین بار به جمع ۴ تیم اول آسیا
و مسابقات قهرمانی جهان صعود کرد

صفحه ۱۸

احتمال بازگشایی مرزها برای گردشگران خارجی

عزت‌الله ضرغامی: رئیس جمهور برای لغو سیاست منع صدور ورود به ایران
قانع شده است

صفحه ۷

عکس: همشهری آنلاین رشتنی



فصل ستاره‌ها روایت چهل و یکم

روایت مهجور

۸ داستان کمتر شنیده شده
از رشادت‌های زنان در
سال‌های دفاع مقدس را در
ویژه‌نامه زنان و جنگ بخوانید

۱۶ صفحه ویژه‌نامه

در لباس سربازی

همزمان با آغاز هفته
دفاع مقدس نمایشگاهی ویژه
با حضور رئیس‌جمهور در
باغ‌موزه دفاع مقدس افتتاح شد

۱

ملودرام جنگی

سینمای دفاع مقدس
مهم‌ترین گونه‌ای است که در
سال‌های پس از انقلاب شکل
گرفته است

۱۳

«آن روزها»

ناشنیده‌هایی از زبان
شاهدان عینی؛ مجموعه‌ای
که به سراغ کارگردانان
مستندهای جنگ رفته است

۲۲

تلخ‌تر از زخم جنگ

روایت ۳ جانباز از روزهای
دشواری که بیماری در تلافی
با سالمندی، زندگی را بر آنان
سخت کرده است

۱۰

اسناد منتشر نشده دفاع مقدس در نمایشگاه لباس سربازی

مستندی از دفاع مقدس به روایت مقام معظم رهبری برای نخستین بار در باغ موزه دفاع مقدس رونمایی شد



معروض دید باز دید کنندگان قرار گرفته است. در این مراسم کتاب «جهاد مقدس» تازه‌ترین اثر انتشارات انقلاب اسلامی با موضوع «دفاع مقدس در بیانات رهبر انقلاب»، با حضور رئیس‌جمهور و نمایان می‌باشد. در این مراسم گفت: فلسفه قیام امام حسین(ع) این بود که ملت‌ها را از جهالت و نادانی بیرون بیاورد و از گمراهی نجات‌شان دهد. وی افزود: برگزاری مراسم تجلیل و تکریم از پیشکسوتان این عرصه جلوه‌ای از روشننگری نسبت به راه، پیام و هدف شهیدان است تا هیچ‌کس در عالم دچار جهل نشود و در جهل نماند و اگر کسانی به‌دردی به دلیل فتنه‌گران و شیطنان

نمایشگاه «در لباس سربازی» که به روایت رهبر انقلاب از جنگ تحمیلی می‌پردازد دیروز به میزبانی شهرداری تهران در باغ موزه دفاع مقدس افتتاح شد. سید ابراهیم رئیسی رئیس‌جمهور، علیرضا زاکانی شهردار تهران و جمعی از مقامات لشکری و کشوری از جمله سرلشکر محمدباقری، سردار حسین سلامی و سردار حسین اشتری در این افتتاحیه حضور داشتند. طی این مراسم از پیشکسوتان دفاع مقدس تجلیل و قدرانی شد.

این نمایشگاه به همت دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای و همکاری بنیاد حفظ و نشر آثار دفاع مقدس برپا شده است. به گزارش پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، در این نمایشگاه دائمی بخش‌های منتشر شده‌ای از اسناد اقدامات و مکاتبات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دوران دفاع مقدس، برای اولین بار در معرض دید مخاطبان قرار گرفته و بخش‌هایی از مأموریت‌ها و پشت‌صحنه فرماندهی نظامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در سال‌های جنگ تحمیلی را بازگو می‌کند. در بخشی از این نمایشگاه لباس رزم و اسلحه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دوران دفاع مقدس در

یادداشت

فرزانه آئینی: دبیر گروه سیاسی

روایت دیگر

روایت جنگ اگر نگوییم روایتی مردانه است، اغلب در رئای فتح‌الفتح مردان است و لبریز از رشادت‌ها و ایثارگری‌های آنان. یعنی مردانی کوچک و بزرگ با لباس خاکی بر تن، کلاه آهنی بر سر و لیخندی بر لبان خشک‌شان که تا اواره دفاع و جنگ بسر زبان می‌چرخد بی‌درنگ مقابل چشم بیننده، ششونده و خوانندگان آن - روایت - ترسیم می‌شود. روایتی با تکیه بر نقش آفرینی‌های خط مقدمی مردان که حتما در رهای شهادت جویشان قابل تعظیم و احترام بی‌پایان است، مقابل این روایت غالب که در لوی آن مدح ایثارگری، دفاع و جانفشانی‌هایشان مکرر گفته شده است، بازخوانی ۸ سال دفاع مقدس روایتی گمشده از نقش زنان در جنگ دارد. روایتی که لایه‌ای کارهای تیمی زنان در زیرزمین خانه‌هایی فرسنگ‌ها دورتر از مناطق جنگی، امدادرسانی در بیمارستان‌های صحرایی یا همراهی نوجوانان با مردان جنگ و فرزندآوری برای قهرمانان جنگ محصور شده است، قوام این همراهی زنانه چنان است که مجالی به بروز آنچه بر زنان در همه آن سال‌ها گذشت نمی‌دهد. متن کامل را در ویژه‌نامه «زنان و جنگ» بخوانید.

توصیه‌های مهم اورژانس به ۶۰ هزار زائر ایرانی

سلامت

رئیس کمیته بهداشت و درمان اربعین حسینی تدابیر اورژانس کشور برای مراسم اربعین حسینی را تشریح کرد. پیمان صابریان گفت: حدود ۶۰ هزار زائر برای مراسم اربعین ۱۴۰۰ مجوز حضور در کشور عراق را دریافت کرده‌اند به این شکل که ورود این افراد از طریق خطوط هوایی از فرودگاه‌های تهران، تبریز، شیراز و مشهد است و در بازگشت زائران می‌توانند در صورت تمایل به صورت زمینی به کشور بازگردند که مرز مهرا در اولویت است. در کمیته بهداشت و درمان با مرکز مدیریت اطلاعات آی تی و سازمان فناوری اطلاعات و سازمان حج و زیارت هماهنگی صورت گرفته است تا افرادی که تمایل به حضور در مراسم اربعین را دارند ۲۴ ساعته در کشور در انتظار بمانند و کارت واکسن ثبت شده در سامانه وزارت بهداشت را دریافت کنند. صابریان افزود: شرط دوم انجام آزمایش پی‌سی‌آر است که باید با جواب منفی و اعتبار ۷۲ ساعته باشد. نتایج آزمایش‌ها نیز در سامانه وزارت بهداشت ثبت می‌شود، زائران نباید هیچ علامتی از بیماری داشته باشند. توصیه می‌شود نکات بهداشتی در ایام اربعین رعایت شود، در ۲ شهر نجف و کربلا توسط هیأت پزشکی جمعیت هلال احمر، ۲۰ مرکز درمانی ایجاد شده است و خدمات سلامت ارائه خواهد شد. وی با بیان اینکه در زمان بازگشت مرزهای زمینی آمادگی

دارند از همه زائران برگشتی آزمایش پی‌سی‌آر بگیرند و در صورت آلودگی، آنها را جداسازی کنند تا سلامت خود را به‌دست بیاورند، گفت: زائران باید در کشور عراق توصیه‌های بهداشتی را رعایت کنند و اگر دچار علائم کرونا شدند به نزدیک‌ترین مرکز بهداشت و درمان مراجعه کنند. او گفت: توصیه می‌شود بیماران خاص، سالمندان، بیماران مزمن سیستم ایمنی و زنان باردار به این سفر نروند. موضوع گرم‌زدگی نیز مسئله‌ای است که برای مقابله با آن بسته جامع بهداشت و سلامت تدوین شده است. وی با بیان اینکه وجود ندارد، افزود: اگر فردی در کشور عراق به بیماری کرونا مبتلا شد باید در مراکز بهداشتی و درمانی مداوا شود و در جلسه‌ای که با وزارت بهداشت عراق داشتیم مقرر شد مراکز درمانی عراق همه بیماران را پذیرش کنند و در صورت نیاز از طریق هوایی بیماران به کشور منتقل خواهند شد. صابریان در خصوص آخرین اقدامات سازمان اورژانس برای خدمت‌رسانی به زائران حسینی در مرزهای کشور توضیح داد: هم‌اکنون ۳۰ پایگاه اورژانس در نقاط مرزی مستقر شده‌اند، همچنین با تلاش‌های صورت گرفته ۸ درمانگاه بیمارستان صحرایی برای خدمت‌رسانی به زائران حسینی احداث شده که در این مراکز بیش از ۱۴۵ نفر از متخصصان و کادر درمانی فعالیت دارند.

جهت سفارش آگهی در هلمشهری

با شماره های ۱۸۱۹ و ۰۰۸۴۳۲۱۷ تماس بگیرید.

Rahnama.com

rahnama.com

niazmandiha.official

hamshahrionline.ir

hamshahrinewspaper

بیکاری همشهری

مطمئن‌ترین آگهی‌های ایران
پایه‌دین و سایت نیازمندی‌ها
rahnama.com

6 260641 200359

مقاومت هوشمند؛ عقلانیت راهبردی

تأکید بر ضرورت برقراری «عدالت»، «صلح» و «تعامل مؤثر با دنیا» در عرصه جهانی ۳ محور اساسی نقش ابراهیم رئیسی در هفتاد و ششمین مجمع عمومی سازمان ملل بود. او در لوای این سه محور استراتژی دولتش در عرصه دیپلماسی را تشریح کرد و گفت: بر پایه مقاومت هوشمند و عقلانیت راهبردی، جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌المللی پویا و نقش آفرین خواهد بود.

سخنرانی رئیس‌جمهور در مجمع عمومی سازمان ملل به این دلیل حائز اهمیت بود که رویکردها و راهبردهای دولت سیزدهم در عرصه دیپلماسی را شرح داد و از این منظر هم‌نگاه‌های بسیاری به آن دوخته شده بود. آن هم در شرایطی که این روزها پیش از هر زمان دیگری ضرورت از سرگیری مذاکرات وین برای احیای برجام تبدیل به یکی از کلیدواژه‌های مقامات اروپایی و آمریکایی شده و رئیس‌جمهور آمریکا نیز به‌عنوان دومین سخنران نشست دیروز سازمان ملل از آمادگی این کشور برای بازگشت به توافق هسته‌ای سخن گفت.

نطق رئیس‌جمهور کشورمان البته فقط معطوف به برجام نبود و چند محور اصلی داشت، «صلح و امنیت پایدار در گرو اجرای عدالت است»، «امریکا به جای تغییر «روش زندگی» خود با جهان «روش جنگ» خود را تغییر می‌دهد»، «تحریم، روش جدید جنگ امریکا با ملت‌هاست؛ تحریم دارو در دوران کرونا جنایت علیه بشریت است»، «سیاست جمهوری اسلامی ایران حفظ ثبات و تمامیت ارضی همه کشورهای منطقه است»، «اگر مجاهدت شهیدان سپهبد قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس نبود مراد داش همسایه مدیترانه‌ای اروپا بود»، «آزادی در کوله پشتی سربازان بیگانه جانی نمی‌شود»، «رژیم اشغالگر قدس بزرگ‌ترین تشکیلات تروریسم دولتی است»، «ما به وعده‌های دولت امریکا اطمینان نداریم»، «سلاح اتمی هیچ جایگاهی در دکرترین دفاعی و بازدارندگی ایران ندارد» مهم‌ترین فرازهای سخنان رئیس‌جمهور بود. در این میان اما انتقادات صریح رئیسی از سیاست امریکا در منطقه شاخص‌ترین محور نطق رئیسی بود، صراحتی که نشان از سبک موضع دولت سیزدهم در قبال امریکا دارد، در پی این انتقادات، رئیسی گریزی به طرح پایدها و شایدهای چندو چون سیاست راهبردی جمهوری اسلامی ایران برای مذاکره با امریکا برای احیای برجام زد. که در حقیقت پاسخی بود به نطق جویابین در آغاز این نشست.

تحریم، روش جدید جنگ امریکا با ملت‌هاست

رئییی در سخنرانی آنلاین خود در مجمع عمومی به این مقدمه که ایران سرزمین فرهنگ و تمدن است؛ سرزمین دانش و معنویت؛

باید: آماده‌بازگشت به برجام هستیم

پیش از سخنرانی رئیس‌جمهور کشورمان جویابین رئیس‌جمهوری آمریکا نیز برای نخستین‌بار در سازمان ملل سخنرانی کرد. طبق سنت رئیس‌جمهور امریکا به‌عنوان میزبان پس از برزیل دومین سخنرانی و انجام می‌دهد، باین بخش نخست سخنرانی خود را به شرح اقداماتش اختصاص داد و در ادامه به توافق هسته‌ای و برجام رسید. او در این زمینه مدعی شد که «امریکا همچنان به جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای یابیند است.» به گزارش ایسنا، باین ادامه داد: «ایالات متحده آماده بازگشت به توافق هسته‌ای با ایران است منوط به اینکه تهران نیز به‌صورت کامل آن را اجرا کند.» رئیس‌جمهور امریکا گفت که این کشور با چین، فرانسه، روسیه، برتانیای و آلمان همکاری می‌کند تا بازگشت ایران به توافق هسته‌ای، «در امنیت کامل و از طریق دیپلماسی» میسر شود. باین گفت: «ایالات متحده تنها به‌عنوان آخرین راه‌حل به گزینۀ نظامی متوسل می‌شود.»

دیپلماسی

به‌صورت چندجانبه بلکه در دیدارهای دو جانبه که محور همه آنها نیز توافق هسته‌ای و مذاکرات وین خواهد بود؛ هر چند پیش از این گمانه‌هایی درباره احتمال برگزاری نشست کمیسیون مشترک برجام در نیویورک مطرح شده بود، اما سخنگوی وزارت خارجه کشورمان که در نیویورک حضور دارد و جوزپ بورل، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا هم‌ر دو تأکید کرده‌اند که نشست ۴+۱ در دستور کار نیست.

با این حال ژان لودریان، وزیر خارجه فرانسه در توییته که خبر از دیدار خود با وزیر خارجه ایران داده، نوشته: «این هفته جلسه‌ای در مورد توافق هسته‌ای ایران برگزار می‌کنیم.» جمله‌ای که به‌گفته سخنگوی وزارت خارجه نشان از علاقه و تمایل غربی‌ها برای ازسرگیری مذاکرات با ایران است؛ چنان‌که به‌نظر می‌رسد در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل نیز پیام‌هایی میان طرف‌های مذاکره ردوبدل خواهد شد. دیروز وزیر خارجه انگلیس با همتای آمریکایی خود دیدار کرد و براساس اطلاعاتیه منتشرشده، ایران و مذاکرات وین از محورهای رایزنی‌های دوطرف بوده است. پیش از این نیز وزارت خارجه انگلیس در اطلاعاتیه‌ای از دیدار الیزابت تراس، وزیر خارجه این کشور با وزیر خارجه کشورمان خیبر داد و

سرزمین استقامت و استقلال، ملت ایران، ملتی است خدابرست و مپهن دوست؛ هویت‌گرا و جهان‌نگر، گفت: ملت ما صدها سال برابر سلطه‌طلبان از حق خود برای تعیین سرنوشت و آزادی، محافظت کرده و پیشروترین کشور در نظام سیاسی انتخابی در غرب آسیا بوده است. انقلاب اسلامی جهشی بزرگ برای تحقق آرمان‌های ملی و اسلامی ملت ایران ازجمله آزادی، استقلال و مردمسالاری دینی بود. رئیسی در ادامه سخنرانی به بحران‌های آمریکا اشاره کرد: در سال گذشته، ۲ تصویر تاریخ‌ساز شد: ۶ ژانویه که کنگره آمریکا مورد هجوم مردم امریکا قرار گرفت، و در اگوست که مردم افغان از هواپیمای آمریکایی به پایین پرتاب شدند. از کپیتال تا کابل یک پیام به جهان مخابره می‌شود و آن: نظام سلطه امریکا بی‌اعتبار است؛ چه در داخل چه در خارج. آنچه امروز در منطقه دیده می‌شود بیانگر آن است که نه تنها سلطه‌گر و تفکر سلطه‌گری بلکه پروژه تحصیل هویت غربی شکست خورده است. نتیجه هژمونی طلبی، خونریزی و بی‌ثباتی و نهایتاً شکست و فرار است. امروز امریکا از عراق و افغانستان خارج نمی‌شود بلکه اخراج می‌شود. با این حال، هرزبه این عدم‌بهرمندی از عقلانیت را ملت‌های مظلوم از فلسطین و سوریه تا یمن و افغانستان، و از سوی دیگر مالیات‌دهندگان آمریکایی می‌پردازند.

رئییسی با اشاره به روش‌ها و سیاستگذاری‌های اشتباه امریکا ادامه داد: تحریم روش جدید جنگ امریکا با ملت‌هاست. تحریم علیه ملت ایران نه از زمان برنامه هسته‌ای و نه حتی انقلاب اسلامی شروع شد بلکه از سال ۱۹۵۱ یعنی زمان ملی شدن صنعت نفت آغاز گردید و منجر به کودتای نظامی علیه دولت منتخب ملت ایران شد توسط امریکایی‌ها و انگلیسی‌ها. تحریم، به‌خصوص تحریم دارو، در دوران کرونا، جنایت علیه بشریت است. او افزود: من به نیابت از ملت ایران و میلیون‌ها پناهنده‌ای که میهمان کشور هستند ضمن محکوم کردن تداوم تحریم‌های غیرقانونی امریکا به‌خصوص در اقلام بشردوستانه، خواستار ثبت این جنایت سازمان‌پافته علیه بشریت، به‌عنوان نماد و واقعیت حقوق بشر امریکایی هستم.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی دولت، رئیس‌جمهور در بخش دیگری از سخنرانی‌اش به سیاست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی اشاره کرد: سیاست ما حفظ ثبات و تمامیت ارضی همه کشورهای منطقه است. اگر قدرت و نقش ایران در کنار دولت و ملت‌های سوریه و عراق نبود و اگر مجاهدت شهید ابومهدی المهندس و سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی نبود، امروز داش همسایه می‌دیرانه‌ای اروپا بود. البته، داشی آخرین موج از افراترکابی نخواهد بود.

رئییسی ادامه داد: «تلاش جدید برای بلوک‌بندی‌های جنگ سردی یا منزوی کردن کشورهای مستقل کمکی به امنیت انسان‌ها نمی‌کند. رفتار گزینشی راه‌حل معضل تروریسم نیست. تروریسم

ایران

رئییسی در مجمع عمومی سازمان ملل

استراتژی کشورمان در عرصه دیپلماسی را شرح داد



رئیس‌جمهور ایران، عیبراهیم رئیسی، در جریان سخنرانی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد

همه طرف‌ها باید به توافق هسته‌ای و قطعنامه سازمان ملل متحد در عمل پایبند بمانند. ۱۵ گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، پایبندی ایران به تعهدات خود را تأیید کرده است. اما امریکا به تعهد خود که لغو تحریم‌هاست عمل نکرده است، نقض عهد کرده است، از برجام خارج شده است، تحریم‌های بسیار بیشتری را بر ملت من تحمیل کرده است.

او افزود: امریکا به اشتباه فکر می‌کرد ما مستأصل می‌شویم اما ایستادگی ما جواب داده و همواره جواب خواهد داد. مقاومت هوشمند و پویای جمهوری اسلامی، برآمده از عقلانیت راهبردی است. ما به وعده‌های دولت امریکا اطمینان نداریم. رئیس‌جمهوری رهبر عظیم‌الشان انقلاب اسلامی، حرمت تولید، ساخت و انباشت تأکید کرد: سیاست راهبردی جمهوری اسلامی ایران طبق فتوای رهبر عظیم‌الشان انقلاب اسلامی، حرمت تولید، ساخت و انباشت سلاح اتمی است و سلاح اتمی هیچ جایگاهی در دکرترین دفاعی و بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران ندارد. جمهوری اسلامی ایران گفت‌وگویی را مفید می‌داند که نتیجه آن لغو تحریم‌های ظالمانه باشد. او ادامه داد: جمهوری اسلامی ایران در عین دفاع قاطع از آزادی، اخلاق و معنویت، تمامی حقوق و منافع ملت ایران، به‌دنبال همکاری و همکاری گسترده اقتصادی و سیاسی با جهان است. من به‌دنبال تعامل مؤثر با همه کشورهای جهان به‌خصوص کشورهای همسایه هستم و دست‌ان را به گرمی می‌فشارم.

رئییسی سخنرانی خود را با این جملات به پایان برد: دوران جدیدی آغاز شده است. جمهوری اسلامی ایران آماده است که برای ایجاد جهانی بهتر نقش آفرینی کند؛ جهانی مملو از عقلانیت، عدالت، آزادی، اخلاق و معنویت.

هفتاد و ششمین مجمع عمومی سازمان ملل، دیروز رسماً آغاز به‌کار کرده است. مجمع عمومی که هفته ادامه خواهد داشت؛ ریاست هیأت ایرانی حاضر در این نشست را حسین امیرعبدللهیان، وزیر خارجه کشورمان بر عهده دارد. رئیسی، به‌دلیل رعایت پروتکل‌های پاندمی کرونا در این نشست حاضر نشد.

ریشه در بحران‌های مختلف ازجمله بحران هویتی و اقتصادی دارد: تهی بودن زندگی مدرن از معنا و معنویت و همچنین گسترش فقر و تبعیض و ظلم، تروریست پرورنده؛ رشد فزاینده تروریسم بومی در غرب، شاهدی بر این واقعیت تلخ است. تلخ‌تر از آن، استفاده از تروریسم به‌عنوان ابزار سیاست خارجی است. با استانداردهای دוגانه نمی‌توان با تروریسم مقابله کرد؛ یک چا تروریسم را ساخت، مثل ساختن داعش، و جای دیگری با آن مبارزه کرد. او گفت که همکاری درگیری‌ها و نزاع‌ها در منطقه‌ما، بعد از توجه به خداوند متعال، فقط یک چیز است: حاکم نمودن اراده ملت‌ها بر سرنوشت متعال، فقط یک چیز است: حاکم نمودن اراده ملت‌ها بر سرنوشت خویش از طریق مراجعه به آرای عمومی آنها. اما تحقق این مهم ۲ مقدمه اساسی دارد: قطع تجاوزگری بیگانگان و توقف اشغال و همکاری صادقانه دولت‌ها برای مقابله با تروریسم.» رئیسی تأکید کرد که «حضور نظامی امریکا در سوریه و عراق مهم‌ترین مانع برای تحقق دموکراسی و اراده مردم است. آزادی در کوله‌پشتی‌های سربازان بیگانه جای نمی‌گیرد.

رئیس‌جمهوری همچنین با تکرار ضرورت تشکیل دولت فراگیر در افغانستان خواستار توقف فوری تجاوز خارجی به یمن شد. رئیسی در ادامه نیز گفت که رژیم اشغالگر قدس، سازمان‌دهنده بزرگ‌ترین تشکیلات تروریسم دولتی است که دستور کار آن، کشتار زنان و کودکان در غزه و کرانه باختری است. او تأکید کرد که راه‌حل فقط «مراجعه به آرای همه فلسطینی‌ها اعم از مسلمان و مسیحی و یهودی در قالب برگزاری یک همه‌پرسی فراگیر» است.

رئییسی در ادامه با اشاره به توافق هسته‌ای گفت: امروز همه جهان ازجمله خود امریکایی‌ها ادعان دارند که پروژه مقابله با ملت ایران که در دوره اخیر در نقض شکل و محتوای برجام جلوه گر شد و با سیاست فشار حداکثری و خروج خودسرانه از توافق بین‌المللی برجام دنبال شد، به‌طور کامل شکست خورده است. با این حال، سیاست ظلم حداکثری هنوز رها نشده است. ما جیزی بیش از حق خود نمی‌خواهیم. ما خواستار اجرای حقوق بین‌الملل هستیم.

رایزنی‌های برجامی وزرای خارجه ۴+۱ با ایران در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل آغاز شد

دهیم.» اما محمد اسلامی درباره دیدار با مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز گفت: «ملاقات با مدیر کل آژانس در امتداد و پیرو بازدید ایشان و مذاکرات و گفت‌وگوهای تهران بود. ما تأکید کردیم که هیچ انحرافی در برنامه هسته‌ای نداریم و باید با رفتار حرفه‌ای و فنی و به دور از نفوذهای سیاسی، روابط ایران و آژانس مبتنی بر قوانین و مقررات تسهیل و تسریع شود.» اسلامی همچنین در حاشیه نشست سالانه آژانس با وزیر انرژی آلمان دیدار داشت و در مصاحبه‌ای با یک خبرگزاری ژاپنی گفت: «امریکا باید تمام تحریم‌ها علیه ایران را لغو کند و خیلی فوری به توافق هسته‌ای بازگردد. سپس ایران به‌صورت گام به گام مطابق با آنچه امریکا انجام می‌دهد، دست به اقدام خواهد زد.»

روسیه همیشه میخائیل اولیانوف، نماینده روسیه در سازمان‌های بین‌المللی نیز نخستین مقام خارجی بود که به این دیدار واکنش نشان داد و در توییته نوشت: «ما صادقانه امیدواریم که ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به روابط ثمربخش خود همانند زمانی که این روابط به‌طور منفی تحت تأثیر سیاست فشار حداکثری امریکا قرار نگرفته بود، بازگردند و آن را توسعه دهند.» به‌نظر می‌رسد در روزهای پیش‌رو اخبار مختلفی از نیویورک و آینده توافق هسته‌ای شنیده خواهد شد؛ در شرایطی که غربی‌ها تمایل زیادی برای از سرگیری مذاکرات وین نشان داده‌اند و روزهای شلوغی در انتظار دیپلمات‌های ایران در نیویورک است.

خط‌ر نشان کرد:ما با جاهلیت مدرنی مواجه هستیم که مجهز به علم فناوری سلاح است و قدرت مالی و نظامی فراوانی پشت این جاهلیت مدرن است که ندانسته‌های خود را به عالم عقده می‌کنند

زشت‌ترین کارها به‌عنوان جلوه‌های تمدن و مدنیت در این عالم جاهلیت مدرن معرفی می‌شود و آن قدرت غلطی که می‌تواند چهره این‌ جاهلیت را برمال کند و نقاب از صورت شمر بردارد، یاد و نورانیت شهیدان و بیان فلسفه عاشورا و راه عاشوراییان است.

مقدس می‌شود. دوم اینکه در رأس نظام ما حاکمیتی است که نیابت از امام عصر(عج) دارد و امر و نظر او برای ما حجت امام زمان (عج) است و قدسیت حاکمیت به این است که جانشینی از طرف حجت خدا به نظام قدسیت می‌بخشد و نیروهای مسلح ما مخترع هستند که تحت فرماندهی فرمانده معظم کل فوا خدمت می‌کنند که امر او را اطاعت کنند، وظیفه و تکلیف خود را انجام داده‌اند و افتخار ماست که تحت نظر ولی فقیه جامع‌الشرایطی که جانشینی امام عصر(عج) را دارد، هستیم. رئیسی

اسناد منتشر نشده دفاع مقدس در نمایشگاه لباس سر بازی

به گزارش تسنیم، رئیسی ادامه داد: هیچ امری، شخص، زمان و زمینه قدسی نمی‌شود؛ مگر در پر تو خداوند متعال؛ رمز قدسیت دفاع و نظام ما اول این است که میمنتی بر دین، کتاب و سنت است. نظام اسلامی که می‌خواهد ارتباطاتش براساس دین تنظیم شود،

یادبود

هاشم امانی

از مبارزان دوران انقلاب در گذشت

هاشم امانی از مبارزان دوران انقلاب در گذشت. حزب مؤتلفه اسلامی در بیانیه‌ای با اعلام خبر درگذشت او نوشت: «روح بلند عبد صالح خدا و مبارزی سرستوگی ناپذیر و مجاهدی صادق از تبار شیر مردان فدائیان اسلام و یاوران امام، رهبری و انقلاب و نمونه کاملی از گروه السابِقون و پایمردانی موصوف به کالجبل راسخ جناب آقای حاج هاشم امانی همدانی به باران و برادران شهید خویش پیوست.» این مبارز انقلابی متولد ۱۳۰۳ در خیابان خیام تهران و از بازاریان مذهبی و فعال در امور اجتماعی بود. در ساره فعالیت‌های انقلابی او در این بیانیه آمده است: «مرحوم امانی به همراه یارانش در جریان اجرای حکم شرعی حسنعلی منصور نخست وزیر شاه و عامل اجرای کاپیتولاسیون آمریکایی دستگیر شده بود. وی ابتدا به همراه شهیدان صادق امینی، محمد بخارایی، مرتضی نیک‌نژاد و رضا صفار هرندی به انعام محکوم شد، اما رژیم شاه حکم او و شهید مهدی عراقی را به حبس ابد تغییر داد.» بر اساس این اطلاعیه مرحوم حاج هاشم امانی ۱۲ سال در زندان ششاه بود و کمی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی به همراه دیگر یارانش نظیر مرحوم عسکراولادی از زندان آزاد شد و یاری نهضت امام (ره)، ادامه داد و پس از پیروزی انقلاب نیز هیچ مسئولیت دولتی و اجرایی را نپذیرفت. مراسم تشییع و تدفین پیکر پاک امانی امروز ساعت ۸:۳۰ صبح «از مقابل

مسجد علی ابن موسی الرضا (ع) واقع در خیابان ۱۷ شهریور، خیابان شهید قادری، تقاطع خیابان شهید عظیم زادگان برگزار و در قطعه ۲۱ بهشت زهرا (س) و در جوار یاران شهیدش آرام خواهد گرفت.»

دفاعی

بزرگداشت حماسه دفاع

مسئولان امنیتی و دفاعی کشور دیروز با صدور پیام‌هایی چهل و یکمین سالگرد دفاع مقدس را تکریم کردند

بزرگداشت چهل‌ویکمین سالگرد هفته دفاع مقدس محور مشترک اظهارنظر دیروز چهره‌های نظامی، امنیتی و دفاعی کشورمان بود؛ آنها ضمن بزرگداشت رشادت‌های ۸سال دفاع مقدس بر اقتدار و امنیت کشور تأکید کردند.

پیام سرلشکر باقری خطاب به نظامیان آمریکا

در همین راستا سرلشکر محمدباقری، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح با تبریک و گرامیداشت هفته دفاع مقدس گفت: جنگ تحمیلی، این توطئه جهانی که با هدف نابودی انقلاب و محو نظام جمهوری اسلامی ایران طراحی شده بود، در برخورد با سد مقاومت مردم نامد ماند و این تهدید بزرگ خرافات اراده ابرقدرت‌ها، عامل استحکام بنیان‌های انقلاب شد. او تأکید کرد که با گذشت ۴ دهه از جنگ جهانی هشت‌ساله علیه ایران سربلند، با صراحت و اطمینان می‌توان گفت منشأ بسیاری از پیروزی‌ها و پیشرفت‌های انکارناپذیر و خیره‌کننده و در عین حال بازدارنده کشور طی این مدت ریشه در دفاع مقدس و قدرت و انرژی نهفته در فرهنگ آن دارد. دفاع مقدس، در حقیقت رمز ماندگاری و جهان‌شمولی انقلاب اسلامی و گنجینه ارزشمند و ثروت ملی ایرانیان برای کشف راه‌ها و مسئولیت‌های خطیر فرا رو برای ارتقای عزت، کرامت، پیشرفت و پیش‌روندگی میهن اسلامی به سمت قله‌های رفیع اقتدار و منزلت جهانی است. به گزارش ایرنا، سرلشکر باقری خطاب به سربازان و نظامیان آزاداندیش آمریکا گفت: اجازه ندهید حاکمان بی‌خرد دولت امریکا و جنایتکاران تروریست و خون‌آشام نشسته در اتاق‌های فرماندهی ارتش این کشور با چهره پر دازی‌های موهوم و سخیف، بین شما و حقایق و واقعیات بین‌المللی فاصله اندازند و شما را پیاده‌نظام سحرشده سیاست‌های سلطه و جنگ‌افروزی خود قرار دهند! آنها در تلاشند شما را از گرو نه تفکر و نامل پیرامون برخی مسائل و واقعیات تلخ آشکار و انکار ناپذیر جهان که محصول طراحی و برنامه‌ریزی لابی صهیونیستی است، بترسانند و بگریزانند.

دشمنان ملت ما در سرائیشیی سقوط هستند

فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز در آستانه سالگرد چهل‌ویکمین سالگرد دفاع مقدس دشمنان مردم ایران را در سرائیشیی سقوط و افول ارزیابی کرد و گفت: آنها در حال فرار هستند و از مردمک چشم‌های ملت ایران فاصله می‌گیرند و کوچک‌تر می‌شوند. سردار سرلشکر حسین سلامی دیروز در حاشیه آیین تجلیل از پیشکسوتان دفاع مقدس، گفت: دفاع مقدس یک حادثه تاریخی سلب و توقف‌پذیر نبود بلکه به‌عنوان حقیقت جاری در جامعه ادامه دارد.

بیانیه ارتش

در همین راستا ارتش جمهوری اسلامی ایران نیز در بیانیه‌ای به مناسبت چهل‌ویکمین سالگرد هفته دفاع مقدس اعلام کرد که امروز به برکت خون شهدان انقلاب و ایثارگری رزمندگان، دفاع از منافع ایران اسلامی فراتر از مرزهای جغرافیایی رقم خورده و فرزندان برومند ایران در هر نقطه از دنیا که منافع نظام جمهوری اسلامی ایران ایجاب کند بر چرم برافراختار کشورمان را به اهتزاز در می‌آورند و به‌مدالانه رهاور داین اقتدار، شکست هیمنه پوشالی نظام سلطه‌طلب بوده است.

سرنوشت عین‌الاسد در انتظار پایگاه حریر است؟

ازروز قبل سردار سرلشکر محمدباقری، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح در واکنش به اقدامات گروهک‌های ضدانقلاب در اقلیم شمال عراق گفت: «یکی از محل‌های توطئه علیه ما پایگاه حریر آمریکایی‌هاست که باید جمع شود. ما حضور پایگاه حریر در کنار مرزهایمان و برگزاری جلسات توطئه ضدانقلاب را در داخل این پایگاه تحمل نخواهیم کرد و اینها باید بساطشان را جمع کنند…» پایگاه حریر در واقع یک فرودگاه کوچک است که با حضور آمریکایی‌ها تبدیل به یکی از مقرهای طراحی، هدایت و پشتیبانی از عملیات گروهک‌های ضدانقلاب مستقر در اقلیم شمال عراق شده است. اما حالا گویا کاسه صبر مقامات کشورمان لبریز شده است. آنها پیش از این نیز بارها ضمن درخواست از دولت عراق برای اخراج نیروهای آمریکایی از پایگاه حریر، مستقیماً به آمریکایی‌های این‌زده هشدار داده‌اند که در صورت تکرار شرارت‌ها ساط آنها را جمع خواهند کرد. حال باید منتظر ماند و دید که آیا سرنوشتی مانند عین‌الاسد در انتظار پایگاه حریر است یا اینکه آمریکایی‌ها بدون آنکه دچار ضربه مغزی شدید شوند این پایگاه را ترک خواهند کرد.

خادمان حسینی شهر در راه کربلای معلی

نیروهای خدمات شهری با حضور شهردار تهران از حرم عبدالعظیم حسنی (ع) برای خدمت‌رسانی به زائران اربعین به نجف و کربلا اعزام شدند

زیارت‌شان هم زیارت سیدالشهداست – این عزیزان را بدرقه کنیم. البته پیش از شیوع کرونا تعداد بیشتری و نزدیک به ۲هزار نیرو از سوی شهرداری تهران به مراسم اربعین اعزام می‌شد اما امسال به‌واسطه کاهش سهمیه، سهمیه‌های ۲۰۰نفری به شهرداری اختصاص پیدا کرد. عمده این افراد، کسانی هستند که در کف محله‌های شهر، به مردم خدمتگزاری می‌کنند. ضمن اینکه ۸تربلی با امکانات و تجهیزات برای ارائه خدمت به عراق ارسال می‌شود.» در این مراسم تعدادی از اعضای شورا و معاون امور فرهنگی و اجتماعی شهرداری نیز حضور داشتند.

نیروهای درمانی در کنار نیروهای خدماتی

اینطور که مدیرعامل سازمان مدیریت پسماند شهر تهران اعلام کرده از میان ۳۰۰نفر نیروهای معاونت خدمات شهری ۱۰۰نفر در شهر نجف و ۲۰۰نفر در کربلا مستقر می‌شوند.

صدرالدین علیپور گفت: «این افراد از سازمان‌های مدیریت پسماند، آتش‌نشانی، بهشت‌زها و شرکت شهرسالم هستند. همچنین امسال قرار است جدا از استقرار تیم‌های پزشکی و آتش‌نشانی با اهداف مشخص سایر نیروها به نظافت و پاکسازی منطقه‌ای در مسیرها بپردازند.» علیپور به اهمیت توجه شرابط کروانی و سلامت این افراد اشاره داشت و گفت: «برای بالا بردن ایمنی و بهداشت نیروهای اعزامی همه افرادی که به کربلا و نجف اعزام می‌شوند باید ۲دوز واکسن را دریافت و همچنین تست بی‌سی آر داده باشند. هم‌اکنون همه افراد این ۲دوز واکسن را دریافت کرده‌اند و تست بی‌سی آر در محل سازمان مدیریت انجام داده‌اند.»

حمید چوبینه، مدیرعامل شرکت شهر سالم نیز در این باره به اعزام تیم‌های پزشکی و درمانی شهرداری به مناسبت اربعین به عراق گفت:«حدود ۱۰پزشک و پرستار داوطلب در ۲ایگاه نجف و کربلای معلّا و به‌صورت ویژه برای عمود۷۰۷ که در اختیار بسیج شهرداری تهران است در نظر گرفته خواهند شد. این افراد از روز ۳۰شهریور (دبرور) به‌مدت ۱۰روز در کربلا و نجف فعال خواهند بود.»

مراسم بدرقه نیروهای خدماتی شهرداری تهران برای حضور در مراسم اربعین و خدمت‌رسانی به زائران روز گذشته با حضور شهردار تهران در حرم عبدالعظیم حسنی (ع) در شهری برگزار شد. در ابتدای این مراسم که ۳۰۰خادم و عاشق حسینی برای عزیمت به نجف اشرف و کربلای معلی حضور داشتند، مراسم عزاداری و سینه‌زنی هم برگزار شد.

به گزارش همشهری، شهردار تهران در جمع نیروهای خدمات شهری شهرداری تهران بعد از تقدیر از آنها برای داوطلب شدن در ارائه خدمات به نیروهای اعزامی از سوی معاونت خدمات شهری شهرداری تهران به مناسبت اربعین حسینی گفت: «زیارت قسمت و دعوت است و امروز این دعوت قسمت نفرت شده است. حرکت بزرگ این بزرگواران در خدمتگزاری در رضایت شهیدالشهداست و حماسه‌ای تاریخ‌ساز به حساب می‌آید.»

علیرضا زاکانی با بیان اینکه اربعین نماد اتحاد جبهه‌های جنگ تحمیلی و جریان آخرالزمانی است، افزود: «بنابر این، این نماد قدرت است و هر سال باید باشکوه‌تر از سال گذشته برگزار شود. با وجود شیوع کرونا، این حماسه و نماد در مسیر خود همچنان در حال حرکت است. ما با همه وجود اربعین و حرکت در مسیر ایا عبدالله الحسین (ع) را افتخار می‌دانیم. اما امسال که از حضور در مراسم اربعین محروم شدیم، غیبه‌شما سروران (باکبانان و نیروهای اعزامی به عراق) را می‌خوریم. بنابر این حضور در اربعین همراه با آمادگی است و یک‌نماد اتحاد از عناصر جبهه حق به شمار می‌آید که باید پاس نگاه داشته شود.»

نکته دیگری که شهردار تهران به آن اشاره کرد مربوط به هفته گرامیداشت دفاع مقدس بود. زاکانی گفت: «این ایام مزین به نام بسیج است. همچنین فرهنگ شهادت، اربعین و شهادت‌طلبی با نظام مقدس مایبوستگی جاودانه دارد.» او در جمع خبرنگاران و در توضیح بیشتر در خصوص افراد اعزامی به مراسم اربعین گفت: «این عزیزان، جزو بهترین‌های تهران محسوب می‌شوند چرا که همه وجود خودشان را وقف خدمت به محله‌ها و نوکری مردم می‌کنند. ما اینجا آمدمیم تا در کنار آرامگاه شاه‌عبدالعظیم حسنی (ع) – که

اعضای شورای شهر تهران با یک فوریت طرح «الزام شهرداری به اصلاح فرآیندها و سامانه شهرسازی با رویکرد کاهش زمان صدور پروانه و گواهی‌های ساختمانی» موافقت کردند

کاهش زمان صدور پروانه با حذف موانع

مهدی چمران: خبر اجبار بانوان به استعفا از شهرداری تهران صحت ندارد

نام شهدای بزرگ دفاع‌مقدس، مدافعین حرم، سرداران بزرگ اسلام چون شهید حاج‌قاسم سلیمانی را گرامی می‌داریم؛ چراکه امروز به یمن و برکت خون و نام آنان انقلاب زنده است و تا وقتی به فلسفه شهادت معتقد باشیم، می‌توان زنده بود و به آینده و پیشرفت امید داشت.»

صدور پروانه در ۴۲روز

۲فوریت طرح «الزام شهرداری به اصلاح فرایندها و سامانه شهرسازی با رویکرد کاهش زمان صدور پروانه و گواهی‌های ساختمانی» اکثرین دستور جلسه بود که مطرح شد و در نهایت اعضای پارلمان شهری با یک‌فوریت آن موافقت کردند. ابتدا جعفر بندی شریبانی، عضو هیأت‌رئیس شورای شهر تهران با قرائت متن طرح به برخی از دلایل و اهداف اشاره کرد و گفت: «سازماندهی کیفی و کمی صدور پروانه و گواهی‌های ساختمانی، لزوم مدیریت زمان ماندگاری پرونده در فرایند صدور پروانه و گواهی‌های ساختمانی و تسریع در تکمیل فرایندهای هوشمندسازی سامانه شهر سازی، اهداف ذکر شده در طرح هستند.» سپس رئیس کمیسیون شهرسازی و معماری شورای شهر تهران آسنادی از میانگین زمان صدور پروانه در سال ۹۹ارائه داد و گفت: «سال گذشته میانگین صدور پروانه‌های ساختمانی ۴۴۳روز و ۴است و میانگین زمان متقاضی ۴۴۵روز بوده است که پس از آن به مرور زمان به ۱۵۴روز و در نهایت هم به ۶روز کاهش یافته است. این مدت زمان‌ها قابل قبول نیستند و این‌رو با رویکرد می‌توان این فرایند را تسریع کرد، فرایند اول در قالب برنامه کوتاه‌مدت که باید موانع اضافی صدور پروانه حذف شود و در فرایند بلندمدت هم باید با هوشمندسازی، کارها را شروندیساری کنیم.» مهدی عباسی در ادامه تأکید کرد: «یکی از موانع، ماندگاری پرونده در کار تابل‌هاست که ایمن‌ موضوع تا حدودی قابلیت گزارش‌گیری از مناطق دارد.

زینب زینال‌زاده

خبرنگار

شورا

اعضای پارلمان شهری دیروز با تصویب یک فوریت طرح‌های «الزام شهرداری به اصلاح فرایندها و سامانه شهرسازی با رویکرد کاهش زمان صدور پروانه و گواهی‌های ساختمانی» و «کیفیت خدمات‌رسانی و تکمیل هوشمندسازی سامانه شهر سازی» نشان دادند عزم خود را برای رفع موانع در حوزه شهرسازی و ارائه خدمات مطلوب در بستر فضای الکترونیک جزم کرده‌اند. به موجب این طرح‌ها از یک‌سو کاهش فرایند صدور پروانه ساختمانی که از مطالبات شهروندان بوده است، محقق و از سوی دیگر با راه‌اندازی واحد راهنمایی و مشاوره ویژه شهرسازی در مناطق، طرح تک‌ریم ارباب‌رجوع عملیاتی می‌شود و میزان سردرگمی و بلاتکلیفی مردم به حداقل می‌رسد.

به‌گزارش همشهری، رئیس شورای شهر تهران به مناسبت آغاز هفته دفاع‌مقدس در تطق پیش از دستور خود به سخنان مقام معظم رهبری در رابطه با ایجاد امید در جامعه اشاره کرد و گفت که ملت فهیم حتی در سخت‌ترین مشکلات همچون جنگ تحمیلی ناامید نشدند؛ چراکه امید پایه پیروزی ما بوده و هست. مهدی چمران با بیان اینکه عده‌ای سعی دارند با مطرح کردن برخی از مسائل ریشه امید را خشک کنند، تأکید کرد: «امیدی و یاس یعنی شکست؛ در حالی‌که موفقیت، پیروزی و پایداری ما بر پایه امید بوده و هم جمهوری اسلامی و هم مکتب اسلام براساس امید بنا شده است. ما به این امید زنده هستیم و جلو آمدم و به پیروزی‌های بزرگ دست یافتیم و باز هم جلوتر خواهیم رفت و هفته دفاع‌مقدس هم یکی از این موارد است؛ چراکه در شرایطی بسیار نامناسب توانستیم ایستادگی کنیم و پیروز شویم.» او ادامه داد: «از نزدیک شاهد مسائل دفاع، جنگ و چر بانات و روحیه ایجاد شده برای مردم، بودم، اما ملت با امید و به پشتوانه کلام حضرت امام(ره) به جبهه رفتند و با دست نیمه خالی در مقابل دشمن تا بن دندان مسلح ایستادند و پیروز شدند و اجازه ندادند یک وجب خاک از کشور جدا شود.» رئیس شورای اسلامی شهر تهران همچنین با بیان اینکه دفاع‌مقدس یک تجربه بزرگ بود، ادامه داد: «تجربه‌ای که براساس ایمان، اعتقاد، شجاعت، شهادت‌طلبی و متکی بودن به‌خود، کسب شد و نتیجه‌اش را امروز در قدرتی که به‌دست آورده‌ایم می‌بینیم و مغرور هم نیستیم؛ زیرا هستند کشورهایی که چیزهای بیشتری دارند، ولی این اعتقادات و خدایی بودن را ندارند و این فرق بزرگی بین ما و آنهاست.»

رئیس شورای شهر تهران با اشاره به این جمله شهیدمصطفی چمران که شهادت برنده‌ترین سلاح است، در پایان تطق خود گفت: «یاد و



علیرضا زاکانی

واگذاری غیرقانونی باغ ۴هزار متری در منطقه ۳اشاره کرد و گفت که سازمان فرهنگی و هنری آن را به شهرداری منطقه تحویل داده و با هزینه ۲۰میلیارد تومان این باغ تجهیز شده و طی قراردادی با امضای شهردار منطقه و ۲عضو شورای پنجم شهر تهران به‌مدت ۱۰سال به شهرداری تهران «در بند ۴قرارداد ذکر شده که بهره‌بردار می‌تواند قسمت‌هایی از جمله کافه، فروشگاه و غرفه صنایع‌دستی را برای استفاده هنر جوان به‌اشخاص حقیقی و ثالث‌اجاره دهد. همچنین فقط در بند دیگری عنوان شده که پرداخت هرگونه مجازات غیر ضروری به واحدهای شهرسازی و معماری در جامعه، آگاهی‌بخشی و ارتقای رعایت ضوابط مقررات شهرسازی و معماری در جامعه و کمک به رف مشکلات شهروندان مطرح و با موافقت اعضای شورای شهر تهران تصویب شد. براساس این طرح شهرداری شهرداری تهران و ارائه لایحه مربوط به شورا ایجاد واحد ارائه خدمات شهرسازی و معماری اقدام کند. به‌گفته رئیس کمیسیون معماری و شهرسازی شورای شهر تهران این طرح در سال ۸۳با امضای مهدی چمران و با هدف ایجاد واحدهای مشاوره و راهنمایی حقوقی شهرداری تهران ابلاغ شد و طرح ارائه شده در راستای ارائه خدمات در حوزه شهرسازی خواهد بود.

واگذاری غیرقانونی ۱۰ساله یک باغ

در جلسه دیروز، حبیب کاشانی با رأی اعضا به عنوان خزانه‌دار شورا انتخاب شد؛جلسه‌ای که آذکر داشت و در ابتدا ناصر امانی به

مهم از بابت میراث فرهنگی، امنیتی و طبیعی روند استعلام ۳تا ۵ماه طول می‌کشد و همین فرآیند را طولانی می‌کند.» به‌هر ترتیب، یک‌فوریت الزام شهرداری به اصلاح فرایندها و کاهش زمان خدمات شهرسازی به تصویب شورا رسید. چمران نیز در پایان جلسه و در جمع خبرنگاران در این رابطه گفت: «برای کاهش زمان صدور پروانه ساختمانی که درخواست شهروندان این است و به کاهش فساد و هزینه‌های منجر می‌شود، در سال پایانی مدیریت شهری قبلی اقدامی در دستور کار قرار گرفت. آقای گلیپایانی، معاون معماری و شهرسازی هم پیگیر این مسئله بودند و اکنون می‌توان با انجام دادن یکسری فرآیندهای اداری و اتوماسیونی کار را پیش برد. بخشی از کار در گلوگاه مناطق شهرداری و دفاتر الکترونیک و بخش‌های در نظام مهندسی گیر است و باید به سرانجام برسد.»

آسیب‌شناسی‌ها انجام شده است

معاون شهرسازی و معماری شهرداری تهران هم در جریان بررسی طرح کاهش فرآیند صدور پروانه ساختمانی گفت: «فرآیند کنونی مورد رضایت همکاران شهرداری و شهروندان نیست و این‌رو برای اصلاح آن کارهای کارشناسی مفصلی انجام شده است.» عبدالرضا گلیپایانی تأکید کرد: «ساختار داخلی و اقدامات هر مرحله را آسیب‌شناسی کردیم و برای رفع آسیب‌ها اقداماتی انجام شده یا در حال انجام است، اما در برخی مناطق مانند محدوده‌های

انجام دادن یکسری فرآیندهای

اداری و اتوماسیونی زمان صدور پروانه ساختمانی کاهش می‌یابد. بخشی از کار در گلوگاه مناطق شهرداری و دفاتر الکترونیک و بخشی در نظام مهندسی گیر است و باید به سرانجام برسد

نهیضتی برای امیدآفرینی

تطق پیش از دستور علیرضا نادلی: نهفت امیدآفرینی باید در اولویت کار مدیریت شهری و اعضای شورای شهر قرار گیرد؛ چراکه امروز نیاز داریم با کار و خدمت و اقدامات موثر، از یک‌سورضایتمندی شهروندان را ایجاد کنیم و از سوی دیگر طراحی‌های درستی در این زمینه داشته باشیم. در دهه ۶۰، با وجود جنگ، حساسه دفاع ۸ساله، محاصره اقتصادی و سیاسی و مشکلات داخلی، مردم خوشحال و شاد بودند و همه مسائل را تحمل می‌کردند. اکنون در آغاز یک دوره پر از فعالیت، نشاط و انگیزه کاری، چه در دولت و دستگاه‌های اجرایی و چه در شورا و شهرداری تهران هستیم و مناسب است با یک رویکرد درست به حال خوب مردم و همشهریان ببیندیشیم. شاید امروز نخستین چیزی که حس رضایت در شهروندان ایجاد می‌کند، پاسخگوی مناسب در هنگام مراجعه شهروندان به مراکز مختلف مدیریت شهری و شهرداری‌های مناطق و... است. از این‌رو می‌بایست برای نیاز اولیه شهروندان زودتر از نیازهای ثانویه فکر، طراحی و اقدام شود. اگر در کرونا مردم نیاز به زدن واکسن دارند تا احساس امنیت کنند، این موضوع باید اولویت داشته باشد. اگر در کرونا شهروندان با اتوبوس و مترو تردد می‌کنند و نیاز به ناوگان گسترده‌تر دارند، با بدروی این کار تمرکز شود. شهروندان در بحران کرونا با ماندن در خانه، باز دست دادن عزیزانشان، با از بین رفتن کسب و کارشان، با تحمل تحریم‌های ظالمانه استکبار و با مدیریت بد و کاهلان ۸سال گذشته، به‌افسردگی سوق داده شده‌اند و نیاز به نهفت امید دارند. این جنبش و نهفت برای جوشش و تأثیرگذاری عمیق‌تر به تولیدات هنری اعم از سرود و موسیقی خوب، نمایش و تئاتر و... نیاز دارد. در نهفت امید به جای انتشار پیام‌های مرگ، ناامیدی و افسردگی که متأسفانه معمول شده است، سخنان امیدآفرین گفته می‌شود.

شهروندسپاری راهی برای مقابله با تخلفات

یک‌فوریت طرح الزام شهرداری به اصلاح فرایندها و سامانه شهرسازی با رویکرد کاهش زمان صدور پروانه و گواهی‌های ساختمانی تصویب شد. طرحی که به‌گفته رئیس کمیسیون شهرسازی و معماری شورای شهر تهران منجر به تسهیل و تسریع امور مربوط به حوزه شهرسازی و رضایتمندی شهروندان می‌شود. مهدی عباسی در گفت‌وگو با همشهری در تشریح فرایند کاهش صدور پروانه ساختمانی گفت: «با حذف فرایندهای زاید و کارهای اضافه و بررسی‌های بی‌بوده، می‌توان فرایند صدور پروانه را کاهش داد، البته این کار نیاز به بررسی در قوانین دارد تا اگر لازم است قوانین اصلاح یا تقویت شوند.» او یقین دارد باید امور حوزه شهرسازی، شهروندسپاری شود: «کنته مهم این است با فراهم‌شدن بسترهای هوشمندسازی و با استفاده از تکنولوژی، خدمات توسط شهروندان تعریف و پیگیری می‌شود و در نهایت نظارت عالیه برای شهرداری باقی می‌ماند. در چنین بستری می‌توان از اقدامات تخلف‌گونه برخی جلویی‌روانین را نظام‌مندتر کرد.» او همچنین به زمان‌بر بودن عملیاتی‌شدن کاهش فرایند زمان صدور پروانه اشاره و تأکید کرد: «قطعا این موضوع زمان‌بر است اما نباید اجازه دهیم این مدت زمان طولانی شود. در واقع اصلی که در شهرسازی اهمیت دارد، این است که اجازه ندهیم قوانین هر سال تغییر کنند. می‌بایست قوانین متعلق حداقل برای مدت ۴سال تدوین کنیم تا مردم خیال‌شان راحت باشد با قوانین و مقررات ثابت مواجه هستند.» به‌گفته عباسی تغییر قوانین بستر ایجاد تخلفات و بستر بلاتکلیفی و سرگردانی است: «بخشی از قوانین و برخی از بخشنامه‌ها موجب سردرگمی می‌شود و الزام ایجاد می‌کند تا فرد سازنده به سنت تخلف برود. بنابر این چنین قوانینی باید بازنگری شود تا مشکلات حوزه شهرسازی به حداقل برسد.» رئیس کمیسیون برنامه و بودجه شورای شهر تهران به شفافیت در عوارض ساختمانی هم اشاره کرد و گفت: «لزام است اعداد و ارقام به‌گونه‌ای تعریف شوند تا مردم بتوانند میزان عوارض ساختمان‌شان را محاسبه کنند. برای تحقق این کار نیاز به نرم‌افزار و فرمول ساده است که در صورت محقق‌شدن تردد مردم در میان دفاتر شهر داری و کارشناس کمتر می‌شود و می‌توانند حق و حقوق‌شان را در بستر الکترونیک مطالبه کنند.»

نرخ سود وام مسکن چقدر است؟

بررسی ها نشان می دهد؛ با رسیدن قیمت هر برگه از اوراق تسه به حدود ۶۶هزار تومان

نرخ بهره تسهیلات مسکن اوراق ممتاز به ۱/۱۷درصد رسیده است



سقف تسهیلات خرید مسکن با استفاده از اوراق ممتاز صد درصد افزایش پیدا کرده است و به دلیل ۲ برابر شدن نیاز متقاضیان، این تسهیلات به خرید اوراق امتیاز: تسهیلات مسکن (تسه) از فرابورس ایران، قیمت این اوراق با افزایش مواجه شده است. از آنجایی که این اوراق بخشی از هزینه دریافت تسهیلات محسوب می شود، افزایش قیمت آنها به بالا رفتن نرخ بهره وام مسکن منجر شده است. به گزارش همشهری، هفته گذشته، افزایش سقف پرداخت وام مسکن با اوراق ممتاز (تسه) به شعب بانک عامل مسکن ابلاغ شد و این مسئله با برهم زدن رابطه عرضه و تقاضای اوراق حق تقدم در فرابورس ایران، به رشد قیمتی این اوراق دامن زد. هر برگه از اوراق امتیاز تسهیلات مسکن (تسه) معادل امتیاز دریافت ۵۰۰ هزار تومان تسهیلات مسکن است و بر همین اساس متقاضیان برای دریافت وام ۲۰۰ میلیون تومانی در تهران ۴۰۰ برگه از اوراق تسه خریداری کنند؛ این در حالی است که پیش از این با سقف ۱۰۰ میلیون تومانی وام مسکن، هر متقاضی نهایتاً باید ۲۰۰ برگه از این اوراق را خریداری می کرد.

اوراق گران تر، نرخ سود بالاتر

در معاملات دیروز، اوراق امتیاز تسهیلات مسکن (تسه) میانگین قیمت هر برگه از این اوراق به حدود ۶۶هزار تومان رسید و با این حساب، برای دریافت هر ۱۰۰ میلیون تومان تسهیلات مسکن با اوراق ممتاز، باید ۲۰۰ برگه از اوراق به میانگین قیمت ۱۳ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان خریداری شود. به عبارت دیگر، یک متقاضی دریافت ۱۰۰ میلیون تومان وام مسکن باید ۱۳۲ هزارصد از کل مبلغ وام را برای خرید امتیاز این تسهیلات هزینه کند و البته در جریان بازپرداخت اقساط تسهیلات، اصل و فرع این مبلغ را به بانک برگرداند. در این وضعیت، هرچه قیمت اوراق تسه افزایش یابد، متقاضی باید بخش بیشتری از تسهیلات دریافتی را برای خرید اوراق هزینه کند و به همین نرخ سود تسهیلات دریافتی او افزایش می یابد. در شرایط فعلی، نرخ اسمی سود تسهیلات مسکن با اوراق ممتاز ۱۷،۵ درصد است اما نرخ بهره این تسهیلات با احتساب قیمت ۶۶هزار تومانی اوراق تسه به ۲۱،۱۷ درصد می رسد که ۳،۶۷ درصد بیش از نرخ بهره اسمی تسهیلات است. البته این میزان همزمان با تغییر قیمت اوراق تسه تغییر می کند و فرضاً اگر قیمت هر برگه از این اوراق به ۱۰۰ هزار تومان برسد، در آن صورت نرخ

هزینه وام تهرانی ها

بانک عامل مسکن اوراق امتیاز تسهیلات مسکن را به جای تمام یا بخشی از سود سپرده های مشتریان به آنها اختصاص می دهد و افرادی که می خواهند بدون سپرده گذاری و انتظار در این بانک، تسهیلات خرید یا تعمیر مسکن دریافت کنند می توانند با خرید این اوراق از صاحبان اولیه آنها در فرابورس، نسبت به دریافت وام اقدام کنند. طبق دستورالعمل پرداخت تسهیلات مسکن با اوراق ممتاز، متقاضی باید به ازای هر ۵۰۰ هزار تومان تسهیلات درخواستی، یک برگه از اوراق تسه را خریداری و به بانک عامل مسکن ارائه کند؛ از این رو برای دریافت ۱۰۰ میلیون تسهیلات با اوراق ممتاز باید ۲۰۰ برگه اوراق تسه خریداری شود و متقاضیان تهران نیز برای دریافت وام ۲۰۰ میلیون تومانی خرید مسکن باید ۴۰۰ برگه از این اوراق را خریداری کنند. قیمت این تعداد از اوراق تسه به میانگین قیمت دیروز، معادل ۲۶ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان است. همچنین زوجین تهرانی می توانند تا ۲ برابر تسهیلات فردی خرید مسکن وام بگیرند که در این

وام جعاله ۵ساله

متقاضیان دریافت تسهیلات خرید مسکن می توانند همزمان با دریافت این تسهیلات، از وام جعاله بانک مسکن نیز استفاده کنند که طبق بخشنامه جدید شورای پول و اعتبار، سقف مبلغ آن از ۴۰ میلیون به ۸۰ میلیون تومان افزایش یافته است. البته این تسهیلات به واحد مسکونی تعلق می گیرد و مبلغ آن برای متقاضیان انفرادی و زوجین یکسان است. ضمناً این تسهیلات با سررسید ۵ساله و با نرخ سود ۱۷،۵ درصد اعطا می شود و مانند تسهیلات خرید مسکن، باید برای دریافت آن اوراق تسه خریداری شود. البته پیش از این بانک عامل مسکن، نیمی از مبلغ تسهیلات جعاله را از محل منابع داخلی و بدون نیاز به ارائه اوراق تسه اعطا می کرد و به همین واسطه متقاضیان باید برای دریافت نیمی از این تسهیلات اوراق تسه خریداری می کردند اما در مورد تسهیلات جعاله ۸۰ میلیون تومانی، هنوز بانک مسکن اعلام نکرده است که پرداخت از محل منابع داخلی را نیز در دستور کار دارد یا نه.

بانک مرکزی نسبت به خطرات شرط بندی آنلاین هشدار داد

قطع شریان مالی قماربازها



بانک مرکزی سرانجام از جزئیات عملیات گسترده برای قطع شریان مالی قماربازها و شرط بندی آنلاین پرده برداری کرد و به شهروندان هشدار داد که در دام این فعالیت های مجرمانه و دارای شانیه پولشویی نیفتند؛ چرا که ممکن است سروکارشان به دادگاه کشیده شود. دیروز مهرا ن محرمیان، معاون فناوری بانک مرکزی از برخورد با فعالیت های قمار و شرط بندی سایبری در حوزه انتظامی و امنیتی، فرهنگی و اجتماعی، فناوری ارتباطات و اطلاعات، اقتصادی، حقوقی و قضایی و خدمات بانکی و پرداخت خبر داد و گفت: پیشنهادهایی از سوی بانک مرکزی به نهادهای مسئول ارائه شده است تا نهایتاً هزینه این رفتار مجرمانه، برای مرتکبان و مسببان افزایش یابد.

او بازیگران اصلی در قمار و شرط بندی سایبری را به ۴ لایه استفاده کنندگان، پشتیبانان شریان های مالی، پشتیبانان کسبو کاری و سرشاخه تقسیم کرد و گفت: در لایه اول قماربازها و اجاره دهندگان ابزارهای بانکی و پرداخت قرار دارند و اجاره کنندگان کارت و ارائه دهندگان غیرمجاز خدمات پرداخت نیز

در لایه شریان های مالی قرار می گیرند. به گفته محرمیان، در لایه پشتیبانان کسبو کاری این توسعه دهندگان تارنماها، تبلیغ کنندگان و گردانندگان تارنماها هستند که زمینه انجام این عمل مجرمانه را تسهیل می کنند تا در نهایت سرشاخه ها به عنوان ذی نفعان اصلی سود ببرند. این مقام بانک مرکزی از مقابله با قمارخانه داران، مقابله با قماربازان، یافتن سرشاخه های اصلی و نهایتاً انجام سلسله اقدامات پیشگیرانه برای به دام انداختن کاربران شبکه های اجتماعی و فضای مجازی به عنوان سرفصل مبارزه با این فعالیت ها یاد کرد و گفت: جوی برخی فعالیت ها در دسته پرداخت های ریالی برای تسهیلات قماربازی و شرط بندی را گرفته ایم و تنها راه باقی مانده برای انجام این عمل مجرمانه، سوءاستفاده از روش کارت به کارت است که این مسیر هم با توجه به برنامه های ما به زودی تا حد بسیار زیادی مسدود خواهد شد.

معاون فناوری بانک مرکزی با اشاره به هماهنگی بین قوه قضاییه، وزارت اطلاعات، پلیس فتا با همکاری شبکه بانکی و پرداخت های الکترونیکی تصریح کرد: این همکاری ها شامل مواردی مانند

شناسایی و ارجاع اجاره دهندگان کارت های بانکی به قمارخانه های سایبری، شناسایی و ارجاع قماربازان شناسایی شده، شناسایی و ارجاع قماربازان مالی قماربازها و شرط بندی آنلاین پرده برداری کرد و به شهروندان هشدار داد که در دام این فعالیت های مجرمانه و دارای شانیه پولشویی نیفتند؛ چرا که ممکن است سروکارشان به دادگاه کشیده شود.

محرمیان همچنین از مسدودسازی سایت های قماربازی و همچنین ارائه دهندگان خدمات پرداخت با کمک دادستانی کل کشور خبر داد و افزود: شناسایی قماربازان از طریق واکاوی شناسایی و ارجاع سرشاخه های قمار و شرط بندی و همچنین رسیدگی به پرونده های ارجاع شده از سوی نهادهای است.

محرمیان همچنین از مسدودسازی سایت های قماربازی و همچنین ارائه دهندگان خدمات پرداخت با کمک دادستانی کل کشور خبر داد و افزود: شناسایی قماربازان از طریق واکاوی شناسایی و ارجاع قماربازان مالی قماربازها و شرط بندی آنلاین پرده برداری کرد و به شهروندان هشدار داد که در دام این فعالیت های مجرمانه و دارای شانیه پولشویی نیفتند؛ چرا که ممکن است سروکارشان به دادگاه کشیده شود. دیروز مهرا ن محرمیان، معاون فناوری بانک مرکزی از برخورد با فعالیت های قمار و شرط بندی سایبری در حوزه انتظامی و امنیتی، فرهنگی و اجتماعی، فناوری ارتباطات و اطلاعات، اقتصادی، حقوقی و قضایی و خدمات بانکی و پرداخت خبر داد و گفت: پیشنهادهایی از سوی بانک مرکزی به نهادهای مسئول ارائه شده است تا نهایتاً هزینه این رفتار مجرمانه، برای مرتکبان و مسببان افزایش یابد.

او بازیگران اصلی در قمار و شرط بندی سایبری را به ۴ لایه استفاده کنندگان، پشتیبانان شریان های مالی، پشتیبانان کسبو کاری و سرشاخه تقسیم کرد و گفت: در لایه اول قماربازها و اجاره دهندگان ابزارهای بانکی و پرداخت قرار دارند و اجاره کنندگان کارت و ارائه دهندگان غیرمجاز خدمات پرداخت نیز

نقد خبر

شایسته گزینی یا موازی کاری؟

بانک تخصصی دولتی و دیگری مدیرعامل بانک خصوصی که گفته می شود یکی از آنها ممکن است به عنوان گزیننه نهایی برای تصدی ریاست کل بانک مرکزی معرفی شود، بر چه اساسی صورت گرفته و افزون بر این سابقه و صلاحیت ۲چهره کمتر شناخته شده نزد نظام بانکی به چه نحوی صورت گرفته است؟

نتیجه اینکه بی تردید احسان خاندوزی درصدد شفاف سازی و شایسته گزینی است اما رمز موفقیت او همان است که قانون اراملاک تصمیم گیری قرار داده و همه براساس آنچه در مقررات تعیین شده، گزینش و منصوب شوند. بی تردید دستورالعمل نحوه احراز هویت و سلب صلاحیت حرفه ای مدیران بانک ها و مؤسسات اعتباری مستند به قانون برنامه پنجم توسعه و این نامه منصوب هیأت

وزیران می تواند متر و شاخصی برای شفافیت گزینش بانکداران باشد. براساس این دستورالعمل، شرط تصدی مدیریتی بانک ها دارا بودن دانشنامه کارشناسی یا بالاتر در رشته های مرتبط، داشتن حداقل ۱۰ سال سابقه کار در نظام بانکی برای رئیس و نایب رئیس هیأت مدیره و حداقل دوسوم اعضای هیأت مدیره، داشتن ۱۰ سال سابقه کار در نظام بانکی برای مدیرعامل و قائم مقام و حداقل ۵سال سابقه فعالیت در سمت های مدیریتی و همچنین کسب حد نصاب لازم در مصاحبه تخصصی بانک مرکزی خواهد بود.

اعضای کمیسیون احراز و سلب صلاحیت حرفه ای مدیران بانک ها هم معاون نظارتی، مدیرکل مقررات، مجوزهای بانکی و مبارزه با پولشویی، مدیرکل عملیات و تعهدات، مدیرکل اعتبارات، مدیرکل حقوقی و مدیرکل اقتصاد همکاری از تصمیم گیری چه خواهد بود؟

دوم: این کمیته قرار است تا چه اندازه در چنین مدیران بانکی نقش ایفا کند و آیا دامنه اختیارات و وظایف آنها تنها شامل اعضای هیأت مدیره بانک های دولتی می شود یا اینکه ممکن است سطوح هیأت عامل، معاونان و حتی سرپرست های بانک ها را دربرگیرد. در این صورت استقلال عمل هیأت مدیره و حاکمیت شرکتی در بانک ها چه وضعیتی پیدا خواهد کرد؟

سوم: شاخص ها و ملاک های تعیین مدیران واحراز صلاحیت و شایستگی آنها چیست و اعضای کمیته انتصابات بانکی مستند به کدام قانون و مقررات قرار است معیارهای انتخاب و پیشنهاد را تعیین کنند و در صورت موازی کاری با حیطه اختیارات و وظایف بانک مرکزی و اختلاف با سر احراز صلاحیت حرفه ای مدیران بانکی بین وزارت اقتصاد و بانک مرکزی تکلیف چه خواهد بود.

چهارم: عضویت بانکدار، یکی مدیرعامل

نبض بازار

بساز بفروش ها زمینگیر شدند

بالا رفتن قیمت زمین و هزینه نهاده های

ساختمانی، عرصه را بر تولید کنندگان

مسکن شهری تنگ کرده است

گرانای زمین و رشد ادامه دار هزینه تولید مسکن باعث شده سازندگان خرد و بساز بفروش ها قادر به ادامه فعالیت نباشند و حتی قرار دادهای مربوط به پروژه های جدید خود را فسخ کنند. به گزارش همشهری، بخش بزرگی از هزینه تولید مسکن به خصوص در تهران و شهرهای بزرگ مربوط به ارزش زمین است که همواره تورم آن از تورم کالای مسکن بیشتر بوده و سال به سال سهم آن از هزینه تولید افزایش پیدا می کند. گرانی مسکن و بالا رفتن هزینه نهاده های ساختمانی به خودی خود ساخت وساز مسکونی را تحت تأثیر قرار داده اما حالا، از بین رفتن صرفه اقتصادی ساخت مسکن روی زمین های گران قیمت هم به عامل بزرگی برای کشیده شدن ترمز تولید مسکن شهر تبدیل شده است.

ساخت وساز صرفه ندارد

آمارهای غیررسمی حاکی از این است که در جریان تورم اخیر بازار املاک، میانگین سهم زمین از هزینه تمام شده تولید مسکن در شهر تهران به بالای ۵۰ درصد رسیده و حتی این نسبت در مناطق شمالی و اعیان نشین پایتخت رکورد ۸۰ درصدی را نیز شکسته است. در این وضعیت، از یک سو سازندگان باید نقدینگی قابل توجهی برای خرید زمین و آغاز ساخت وساز داشته باشند و از سوی دیگر باید تراکم دریافتی برای احداث بنا به قدری باشد که ساخت مسکن در زمین گران قیمت را توجیه پذیر کند؛ اما حالا، آنگونه که سازندگان می گویند از هر دو جهت عرصه بر تولید کنندگان مسکن بسته شده و حتی بسازفروش ها هم زمینگیر شده اند. قاسمی، یکی از سازندگان مناطق جنوبی تهران در گفت و گو با همشهری این موضوع را تأیید می کند و می گوید: یک سازنده در صورتی در یک پروژه شخصی یا مشارکتی به سود می رسد که بعد از صرف هزینه روی زمین، ارزش افزوده بسیار بیشتری نسبت به قیمت زمین و مجموع هزینه های صرف شده ایجاد شده باشد تا هم خواب یکی دوساله سرمایه را توجیه کند و هم اجرت و دستمزد او از این کار تأمین شود. او می افزاید: این در حالی است که با اجرای مقررات سخت گیرانه برای اعطای تراکم به پروژه های مسکونی و همچنین سختگیری در مواجهه با تخلفات ساختمانی در کمسیون ۱۰۰ او، عملاً صرفه اقتصادی ساخت وساز مسکونی روی زمین های گران قیمت پایتخت نابود شده است؛ چرا که دیگر ارزش افزوده فعالیت ساختمانی به قدری نیست که ساخت وساز را توجیه کند. به عقیده او، اگر یک سازنده بتواند با تخلف از قواعد شهرسازی، بنا را یک طبقه مرتفع تر بسازد، سود قابل توجهی به جیب می زند اما اگر همین یک طبقه از کل پروژه کم شود، آنگاه حتی معادل سود بانکی نیز سود نخواهد کرد. قاسمی می گوید: به دلیل از بین رفتن صرفه ۲۰۰ میلیون تومان جریمه فسخ کرده و به نظر می رسد که با توجه به گران تر شدن نهاده های ساختمانی، این فسخ برایش سودآور بوده است.



پروژه جدید ممنوع!

از اوایل سال گذشته تا اواخر این سال، اطلاعات مرکز آمار ایران از افول ساخت وساز مسکونی در تهران حکایت داشت و در تهران دوره، شاخص بخش ساختمان نشان دهنده افزایش تکابوی سازندگان برای تکمیل پروژه های نیمه تمام و پرهیز آنها از آغاز پروژه های جدید بود. اکنون نیز، برخی از سازندگان تهرانی می گویند که روی تکمیل پروژه های قبلی خود متمرکز شده اند و حداقل تا زمانی که تکلیف ساخت وساز های دولتی در حوزه مسکن مشخص نشود، قصد آغاز پروژه جدید ندارند. سالمی، یکی از سازندگان مسکن در منطقه ۷ تهران به همشهری می گوید: با وجود اینکه همچنان ساخت وساز مسکونی در این منطقه صرفه اقتصادی دارد، اما هزینه تمام شده یک پروژه به قدری است که بسیاری از سازندگان بدون تکمیل پروژه قبلی خود و فروش حداقل بخشی از آن، قادر به شروع کار جدید نیستند. او میهنم بودن آتیه بازار مسکن شهری در سال های آینده را نیز از عواملی پروژه های جدید مسکونی بعد از این دوره زمانی برای عرضه در بازار تکمیل شوند.

سوپر مارکت

مورد عجیب قیمت شکلات صبحانه

شکلات صبحانه در بیش از ۷ماه گذشته، ۲۵درصد گران شده که این رقم در مقایسه با دیگر اقلام خوراکی چندان زیاد نیست. به گزارش همشهری، نگاهی به قیمت برندهای مختلف شکلات صبحانه در سوپرمارکت‌ها نشان می‌دهد این خوراکی محبوب از زمستان سال گذشته تاکنون افزایش قیمت زیر ۳۰درصدی داشته است، این در حالی است که بیشتر اقلام مصرفی و حتی کالاهای اساسی تنها در نیمه اول امسال رشد ۳۰درصد و بالاتر را در قیمت خود تجربه کرده‌اند.

در ماه‌های اخیر قیمت شیر و دیگر لبنیات پرمصرف شامل پنیر و ماست و کره، انواع مرباها، گوشت، برنج، نان و بسیاری دیگر از اقلام مصرفی خانوار رشد زیادی داشت و این در شرایطی بود که اقلام ذکر شده تولید داخل کشور و بی‌نیاز از صرف ارز برای واردات مواد اولیه بود. اما شکلات صبحانه با اینکه ماده اولیه مورد استفاده برای تولید آن یعنی کاکائو وارداتی است، گرانی کمتری را از سر گذراند است. به‌نظر می‌رسد کاهش قدرت خرید مردم با توجه به تورم موجود و خروج اقلام لوکس از سبد خرید بخش زیادی از مردم جامعه را بتوان تنها دلیلی دانست که تولیدکنندگان را واداشته در تغییرات قیمت این محصول جانب احتیاط را رعایت کنند تا سهمشان از بازار بیش از این کاهش نیابد. شکلات صبحانه یکی از خوراکی‌های محبوب خانواده‌ها مخصوصا بچه‌دارهاست، اما گفته می‌شود فروش آن طی یک سال و نیم اخیر به نصف رسیده است. هم‌کنون قیمت یک شیشه ۳۰۰ تا ۳۳۰ گرمی هم شکلات صبحانه بسته به برند آن بین ۴۴ تا ۶۵ هزار تومان در برندهای ایرانی متغیر است و نوتلای معروف هم با قیمت کمتر از ۱۱۰ هزار تومان در سوپرمارکت‌ها پیدا نمی‌شود. قیمت بسیار بالا باعث شده این محصول از سبد خرید بسیاری از خانواده‌ها خارج شود. آمار فروش سوپرمارکت‌ها نشان می‌دهد حتی شکلات‌صبحانه‌های ۱۰۰ گرمی طلقی عرضه شده از سوی شرکت‌های لبنی هم چیزی حدود ۳۰درصد خریدارانشان را از دست داده‌اند.

نام کال	مشخصات	قیمت
فرمند	رنگ رنجدندقی شیری- ۱۰۰ گرمی	۱۸,۰۰۰
فرمند	فندقی- ۳۳۰گرمی	۵۵,۰۰۰
فرمند	کنجدی- ۳۳۰گرمی	۴۴,۰۰۰
لپلاپ	فندقی- ۳۳۰گرمی	۵۷,۰۰۰
مروسا	فندقی- ۳۰۰گرمی	۴۵,۰۰۰
باراکا	رنگ شیریی فندقی- ۳۳۰گرمی	۵۲,۰۰۰
فرمند	رنگ رنجدندقی توت‌فرنگی- ۳۳۰گرمی	۵۲,۰۰۰
کوپا	دارک- ۱۷۰ گرمی	۳۶,۹۰۰
میدنلا	کریم کاکائو فندقی- ۳۳۰گرمی	۶۵,۰۰۰
کوپا	کریم کاکائویی کنجدی- ۳۳۰گرمی	۳۶,۹۰۰
آیسودا	شوکتاپ‌درنگ- ۱۶۰ گرمی	۱۶,۰۰۰

پوست موز زیر پای بازار میوه

کارشناسان معتقدند وضع قوانین سختگیرانه برای واردات موز بازار دیگر میوه‌ها را نیز درگیر گرانی خواهد کرد



بعد از بحران‌های متوالی بازار میوه کشور در سال گذشته که از مقررات خاص و سختگیرانه برای واردات موز نشأت می‌گرفت، به‌نظر می‌رسد مسئولان مربوطه برای ایجاد تسهیل در واردات این میوه به جمع‌بندی رسیده‌اند، اما ابلاغیه جدید وزارت جهادکشاورزی نشان می‌دهد بحران دیگری در راه است. به گزارش همشهری، سال گذشته قیمت موز یکبار در تیرماه و بار دیگر در ۳۰ تاهم زمستان از ۶۰ هزار تومان فراتر رفت و به حذف این میوه از سبد خرید مردم منجر شد. مشکلات تامین ارز واردات این محصول و اعطای مجوز واردات آن تنها به صادرکنندگان سیب دلیل این بحران اعلام شد و تلاش برای رفع موانع ارزی واردات به‌ صورت مجوز نامحدود برای واردات ختم شد و در نهایت قیمت این میوه را در فروردین امسال پایین آورد و بحران فرونشست. اما براساس مکاتبات اخیر وزارت جهادکشاورزی با گمرک، محدودیت‌های جدیدی برای واردات برطرف‌دار ترین میوه وارداتی وضع شده و بعد از چندین‌ماه مماشات در زمینه تعیین منشأ ارز واردات موز، دوباره واردات این محصول به تأیید شدن ارز حاصل از صادرات سیب درجه یک و دو منوط شده است؛ قانونی که می‌تواند بار دیگر بحران موز را در بازار میوه کشور تکرار کند.

سخت کردن واردات، تصمیمی غیر کارشناسی است افزایش قیمت موز در سال گذشته در شرایطی بود که بازار دیگر محصولات باغی هم چندان آرام و بی‌خاشیه نبود و این تازه در شرایط ترسالی بود. امسال، خشکسالی و کاهش بارندگی تولید بیشتر محصولات کشاورزی را کاهش داده و قطعا بازار میوه مشکلات بیشتری خواهد داشت؛ مشکلاتی که به اعتقاد کارشناسان این حوزه، با ایجاد محدودیت در واردات موز، تشدید خواهد شد. رئیس اتحادیه باارفروشان میادین میوه و تره‌بار تهران در گفت‌وگو با همشهری با ابراز مخالفت با تغییر شرایط واردات موز، این تصمیم را برای دیگر میوه‌ها چالش‌برانگیز

کاهش چشمگیر تقاضا برای میوه

کرونا و تعطیلی تالارهای پذیرایی و کاهش برگزاری مراسم حتی به‌صورت خصوصی‌در منزل، مصرف میوه را نسبت به‌سال‌های پیش تا ۲۵درصد کاهش داده است. رئیس اتحادیه باارفروندگان میوه و سبزی تهران با بیان این مطلب در گفت‌وگو باهمشهری گفت: این آمار تنها مربوط به تالارهاست، اما کاهش تقاضا به این مورد محدود نیست و مدیریت مصرف میوه نیز درم، این آمار را بالاتر هم برده است. اسدالله کارگرفرود: گرچه کاهش مصرف میوه خبر خوبی نیست، اما با توجه به افت تولید میوه در کشور به‌دلیل شرایط خشکسالی، از ایجاد کمبود در بازار جلوگیری کرده است؛ چراکه اگر میزان مصرف به اندازه قبل بود با کمبود میوه و گرانی مواجه می‌شدیم. بی تأکید بر اینکه بازار میوه هم‌کنون از لحاظ تنوع و قیمت در شرایط بسیار خوبی است، اضافه کرد: در فصلی به‌سر می‌بریم که تولیدات میوه کشور مکمل دیگر بنگر شده‌اند و در کنار میوه ورودی فصل زمستان، میوه‌ها تابستانی هم هنوز در بازار کشور موجود است، این تنوع در بازار میوه کاهش قیمت میوه به‌دست کم تثبیت قیمت‌ها را به‌دنبال داشته است. رئیس اتحادیه باارفروشدگان میوه و سبزی تهران در زمینه گرانفروشی‌های موردی (به‌طور مثال قیمت ۷۵ هزار تومانی گلانی در برخی میوه‌فروشی‌ها) تأکید کرد که اتحادیه با عرضه‌کنندگان میوه با قیمت‌های بالا بر خورد می‌کند.



خودرو
طرح سه‌اماندھی واردات خودرو در حالی برای بررسی و اعلام نظر نهایی شورای نگهبان ارسال شده‌است که برخی فعالان صنعتی و کارشناسان با اشاره به ابهامات و اشکالات آن، طرح مذکور را فاقد کارآمدی لازم برای کاهش قیمت خودروهای وارداتی و تولید دانسته و تأکید می‌کنند که بر خسی تبصره‌های پیش‌بینی‌شده در طرح ماندروود شورای رقابت به واردات خودرو منشا مفاسدی مانند گرم‌شدن بازار خرید و فروش برگ ثبت سفارش خودرو خواهد شد. با احمد نعمت‌بخش، دبیر انجمن خودرو وسازان ایران دراین‌باره گفت‌وگو کرده‌ایم.

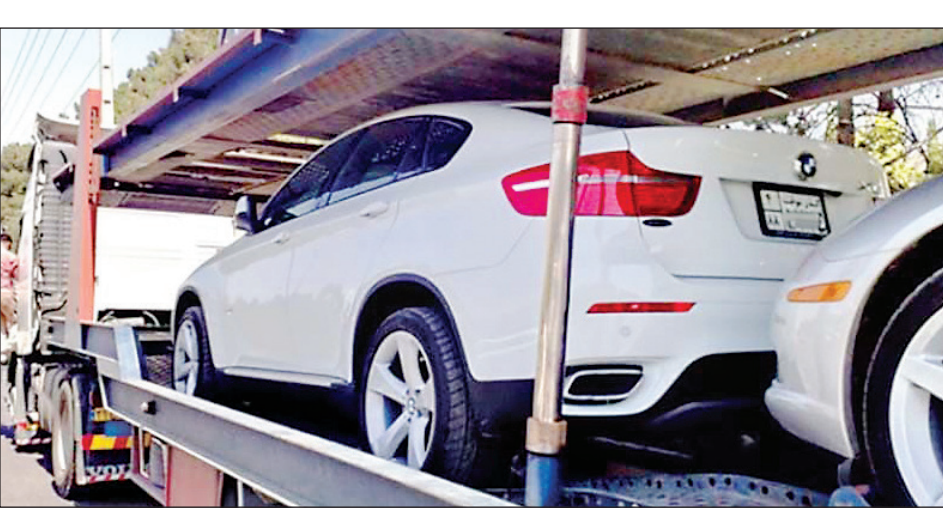
رویکرد خودروسازان داخلی به طرح واردات خودرو چیست؟
خودروسازان نه‌تنها هیچ‌گاه مخالف واردات خودرو نبوده‌اند بلکه واردات مدیریت‌شده خودرو به میزان ۵۰درصد مجموع تولیدات صنایع مختلف می‌تواند نه فقط برای خودروسازان بلکه هر صنعت دیگری مفید باشد. در واقع این شیوه واردات کمک می‌کند تا مرسوم و بنگاه‌های تولیدی مانند خودروسازان با کم و کیف و قیمت محصولات خارجی آشنا شوند. با ایجاد رقابت در تولید و بازار به بالندگی صنایع کمک می‌کند و از این نظر خودروسازان مشکلی با واردات خودرو ندارند. اما در طرح جدید مجلس برای واردات خودرو و ابهامات و اشکالات اساسی وجوددارد که طرح مذکور ا تا کارآمد کرده است. همچنین باید توجه کرد که واردات خودرو با تعرفه معقول و نه تعرفه صفر کارآمد خواهد بود، ضمن اینکه افزایش تعرفه واردات خودرو در طرح مذکور، ا تا کارآمد به ۸۶درصد توسط مجلس در واقع به‌معنای تعرفه مؤثر ۱۳درصدی برای واردات خودرو است که تعرفه چندانی بالا نیست، چراکه مبنای محاسبه قیمت خودروهای وارداتی در گمرکارز ۴۲۰۰تومانی است با این روند برای محاسبه تعرفه واردات یک خودروی ۱۰هزار دلاری این رقم با نرخ ۲۴ تا ۲۷ هزار تومانی کنونی دلار آزاد و ضرب در ۸۶درصد

تعرفه محاسبه نمی‌شود بلکه برای استخراج تعرفه مؤثر واردات این خودرو ۱۰ هزار دلار در نرخ ۴۲۰۰تومانی دلار ضرب و ۸۶درصد این رقم به‌عنوان تعرفه واردات خودرو محاسبه می‌شود.

به‌نظر شما طرح مجلس برای واردات خودرو تا چه حد کارآمد است؟
این طرح دارای ابهامات و اشکالات متعددی است. گرچه در طرح مذکور واردات خودرو در مقابل صادرات خودرو، قطعات و نیرومحر که پیش‌بینی شده که از جمله محاسن آن محسوب می‌شود اما ایراد و ابهام اساسی این طرح، واردات خودرو بدون انتقال ارز است. چرا اجازه واردات بدون انتقال ارز به صنایع آلات صنعتی، قطعات بدکی و مصرفی ماشین‌آلات نمی‌شود؟ همچنین واردات خودرو بدون انتقال ارز از راه‌های و راه‌های فرار زیادی دارد که به بازار ارز کشور لطمه زده و نخستین پیمان آن افزایش نرخ ارز است، چرا که براساس طرح مذکور همه افراد حقیقی و حقوقی می‌توانند به روش‌های غیرقانونی و غیررسمی و خارج از نظارت بانک مرکزی با پرداخت ریال در داخل کشور از مورد نیاز برای واردات خودرو را در دیگر کشورها دریافت کرده و در قالب واردات خودرو به کشور بازگردانند. این امر موجب افزایش تقاضا و افزایش نرخ ارز در بازار غیررسمی شده و با دامن‌زدن به رشد تورم، به

دبیر انجمن خودروسازان در گفت‌وگو با همشهری ابهامات واردات خودرو را تشریح کرد

احتمال ورود خودروسازان به واردات خودرو



با توجه به ابهامات و اشکالات اساسی طرح واردات خودرو، تصویب این طرح در شورای نگهبان بعید است

سیاست‌های پولی و بانکی و اقتصادی دولت لطمه می‌زند. در واقع این طرح منجر به تولید غیرقانونی ارز، پولشویی و تهطیر پول‌های کثیف می‌شود و بانک مرکزی نمی‌تواند نظارتی بر منشأ ارز واردات خودرو داشته باشد.

در شیوه‌رسمی انتقال ارز یک شرکت به طرق قانونی کالا را صادر می‌کند. با این صادرات در قبال بانک مرکزی و سازمان امور مالیاتی متعدد به رفع تعهدات ارزی و بازگشت ارز حاصل از صادرات برای تامین نیازهای ارزی کشور است. علاوه بر آن ورود سرمایه‌های خارجی ایرانیان یا اتباع خارجی به کشور بسا واردات خودرو و ماشین‌آلات صنعتی، قطعات بدکی و مصرفی است. چرا اجازه واردات بدون انتقال ارز به صنایع آلات صنعتی، قطعات بدکی و مصرفی فرار زیادی دارد که به بازار ارز کشور لطمه زده و نخستین پیمان آن افزایش نرخ ارز است، چرا که براساس طرح مذکور همه افراد حقیقی و حقوقی می‌توانند به روش‌های غیرقانونی و غیررسمی و خارج از نظارت بانک مرکزی با پرداخت ریال در داخل کشور از مورد نیاز برای واردات خودرو را در دیگر کشورها دریافت کرده و در قالب واردات خودرو به کشور بازگردانند. این امر موجب افزایش تقاضا و افزایش نرخ ارز در بازار غیررسمی شده و با دامن‌زدن به رشد تورم، به

۶



صردور مجوز واردات خودرو بدون انتقال ارز منجر به ایجاد شبکه غیر قانونی موازی بسا بانک مرکزی خواهد شد

در نیمه نخست سال اتفاق افتاد

دلار در صدر بازارهای سرمایه‌گذاری

آمارها نشان می‌دهد در شرایطی که میانگین بازده سرمایه‌گذاری در بورس در نیمه نخست سال ۶/۴درصد بوده است، قیمت هر دلار آمریکا در این مدت بیش از ۱۰درصد رشد کرده است



تورم مصونیت بدهد، وجود ندارد یا دست‌کم کمتر به مردم معرفی شده است. علیرضا توکلی‌کاشی، کارشناس بازارهای مالی در این‌باره به همشهری می‌گوید: در بسیاری از کشورهای دنیا ابزارهای مالی مختلفی برای حفاظت در برابر تورم وجود دارد، اما در ایران به‌دلیل اینکه چنین ابزارهایی به مردم معرفی نشده است، دارایی‌ها به سطح در آمدنشان به پایین‌ترین حد ممکن در چند دهه گذشته رسیده است، حفظ قدرت پول و مصونیت در برابر تورم است. این روند پرشتاب تورم که از سال ۱۳۹۷ به‌دنبال تشدید تحریم‌ها آغاز شده است به‌دنبال رشد نقدینگی در حال افزایش است و انطور که کارشناسان برآورد می‌کنند با توجه به کسری بودجه شدید دولت، احتمالاً در ماه‌های آینده همچنان افزایش خواهد یافت. این موضوع ضرورت محافظت در برابر تورم را برای مردم بیشتر کرده است؛ چراکه همین حالا هم بخش زیادی از قدرت خرید مردم در نتیجه رشد شدید تورم از دست رفته است. به همین دلیل مردم برای اینکه از خد برخی برآوردهای غیردقیق نشان می‌دهد میزان ارزی که در اختیار مردم است از سال ۹۷ تاکنون به‌دلیل افزایش تحریم‌ها و رشد شدید تورم از ۱۸ تا ۲۰میلیارد دلار به محدوده ۴میلیارد دلار و

میزان سرمایه‌گذاری مردم در بازار طلا و ارز با وجود اینکه بازارهای طلا، ارز و سهام در زمره بازارهای پرریسک محسوب می‌شوند و اغلب مردم در زمره سرمایه‌گذاران کم‌ریسک هستند، اما حجم سرمایه‌گذاری مردم به‌دلیل تلاطم‌های اقتصادی و رشد شدید تورم در فقدان ابزارهای مالی ضدتورمی، با افزایش این بازارها در طول سال‌های گذشته به‌دلیل فقدان ابزارهای مالی ضدتورمی، با افزایش زیادی مواجه شده است. درواقع مردم به‌دلیل رشد شدید تورم دل به دریا رده‌اند و بخشی از دارایی‌هایشان را در بازارهای طلا و ارز و اخیرا تورم وجود دارد، اما در ایران به‌دلیل اینکه از خد برخی برآوردهای غیردقیق نشان می‌دهد میزان ارزی که در اختیار مردم است از سال ۹۷ تاکنون به‌دلیل افزایش تحریم‌ها و رشد شدید تورم از ۱۸ تا ۲۰میلیارد دلار به محدوده ۴میلیارد دلار و

میانگین بازده بازارها در نیمه نخست سال

بازار	پایان شهریور	مقدار تغییر	درصد تغییر
دلار – تومان	۲۷۶۵۰	۲۶۰۰	۱۰٫۵۶
شاخص بورس – واحد	۱۳۰۷۷۰۷	۵۳۲۹۳	۶۳٫۷
سکه – تومان	۱۱۲۶۰۰۰	۵۹۴۰۰۰	۵۲٫۷
مسکن – تومان	۳۰۲۷۴۰۰۰	۱۲۲۶۰۰۰	۴۰٫۵



توصیف کرد. مصطفی دارایی‌نژاد، توضیح داد: واردات موز به تأیید صادرات سیب درجه یک و دو و استفاده از ارز حاصل از آن محدود شده است؛ درحالی‌که بخشی از سیب تولیدامسال کشور دچار تگرگ شده و عملا صدور سیب درجه یک کشور بازار داخلی این محصول را با مشکل کمبود و گرانی مواجه خواهد کرد. وی با تأکید بر غیر کارشناسی بودن این تصمیم و این شیوه واردات، افزود: باید این امکان ایجاد شود که در قبال صادرات تمامی محصولات کشاورزی اعم از سبزی و صیفی و میوه، مجوز برای واردات محصولاتی مثل موز، انبه، نارنگیل، زنجبیل و دیگر محصولات مورد نیاز کشور که تولید داخلی ندارند، فراهم شود. به اعتقاد این مقام صنفی، ایران دارای ۶۶ کالای کشاورزی مناسب برای صادرات است و ایجاد امکان واردات در ازای صادرات دیگر محصولات کشاورزی نه‌تنها ازآوری بیشتری برای کشور دارد، بلکه تبعیض موجود میان تولیدکنندگان را هم از بین می‌برد.

تولیدکننده‌ها پیمان فروشی می‌کنند نبود تنوع در محصولات صادراتی نتهاتی را بسبب علاوه بر تبعیض میان کشاورزان موجب ایجاد رانت و پست‌بانی آن گرانی در بازار شده است. رئیس اتحادیه باارفروشان میادین میوهو تره‌بار تهران با بیان این مطلب گفت: قوانین کنونی موجب شده هرساله به‌ویژه سال‌هایی که تولید سیب پایین است، رانت ایجاد شود و تولیدکننده‌ها «پیمان سیب» را به هم‌دیدگر بفروشند که نتیجه این پیمان فروشی، گرانی در بازار است. به‌گفته دارایی‌نژاد، قیمت موز وارداتی بسا ارز آزاد هم‌اکنون در میادین مرکزی بین ۲۳ تا ۲۴ هزار تومان است و این قیمت برای ایجاد تعادل در قیمت میوه‌های داخلی تولیدشده است، اما این تصمیم غیر کارشناسی قیمت موز را بالا می‌برد و سایر میوه‌ها هم گران می‌شوند. تسری تبعات این تصمیم به بازار دیگر میوه‌ها در حالی است که کیفیت بخشی از تولید ۴۵ میلیون تنی امسال سیب کشور به‌دلیل تگرگ‌زدگی در مقایسه با سال گذشته پایین‌تر است و اگر گرار باشد فقط سیب خوب تولید صادر شود، این محصول به‌خودی‌خود دلیل محکمی برای گرانی دارد.

کاهش ۳۰درصدی تولید بر تقال

تولید هندوانه به‌دلیل شرایط کم‌آبی کشور و با تصمیمی از پیش تعیین شده تا ۵۰درصد کاهش یافته است، اما این کاهش تولید تأثیر منفی در بازار نخواهد داشت. رئیس اتحادیه باارفروشان تهران با اشاره به این مطلب درباره تولیدات این محصول و دیگر میوه‌ها گفت: هندوانه همان‌ا و اراک هم‌اکنون در بازار عرضه شده و هندوانه درفول و اهواز هم از هفته آینده به بازار می‌آید و چالشی در زمینه این محصول تا شب یلدا نخواهیم داشت. میوه‌های تابستانی مثل گلابی، هلو، زعفرانی، هلو انجیری و... نیز با توجه به پایان فصل برداشت در سردخانه‌ها وجود است و به‌تدریج سبب، بر تقال و نارنگی هم به این مجموعه اضافه خواهد شد. به‌گفته دارایی‌نژاد، امسال تولید مرکبات استان مازندران، ۶۰میلیون تن بوده که ۲۰۰ هزار تن کمتر از آمار تولیدی پارسل است، اما با توجه به میزان ۱٫۵ میلیون تنی مصرف داخلی، نه‌تنها کمبودی در بازار نیست، بلکه باید برای صادرات یک میلیون تن از این تولیدات نیز برنامه‌ریزی شود. او همچنین از کاهش ۳۰درصدی تولید بر تقال خبر داد و تأکید کرد که این کمبود، با رشد ۳۰درصدی تولید نارنگی جبران می‌شود.

از نسنجیده است و امیدواریم که شورای نگهبان با توجه به چنین اشکالاتی این بخش از مصوبه ارد کند.

آیا امسکان واردات خودرو توسط هر شخص حقیقی و حقوقی وجود دارد؟

امکان واردات خودرو توسط همه اشخاص حقیقی و حقوقی وجود ندارد، چراکه نیازمند پاس کردن استانداردهای ۸۵گانه‌ای است که باید در آزمایشگاه‌های مرجع سازمان استاندارد با پرداخت هزینه ۲۰۰ تا ۳۰۰میلیون تومانی طی شود و در نهایت هم ممکن است خودروهای وارداتی توسط اشخاص، استانداردهای اجباری این سازمان را پاس نکنند. اما در صورتی که اجازه واردات انبوه یک برند خودرو به چندین واردکننده داده شود و این واردکنندگان ملزم به ارائه خدمات پس از فروش، فراهم‌کردن ابزار تعمیرات، تامین قطعات بدکی، آموزش‌های لازم و... شوند، این شیوه واردات خودرو توسط برخی از افراد با شرکت‌ها به‌صرفه خواهد بود؛ چراکه گمرک با صورت رندوم مثلاً: ۱۰۰ خودروی وارداتی یکی را انتخاب می‌کند و با انجام آزمایش‌های لازم مجوز واردات بقیه این خودروها را می‌دهد. با این روند واردات خودرو توسط هر شخص حقیقی و حقوقی با تیراژ محدود فاقد صرفه اقتصادی و بسیار زمان‌بر خواهد بود.

نگار شما در مورد تعیین تیراژ خودروهای وارداتی توسط شورای رقابت چیست؟
ایراد اصلی این طرح ورود ششورای رقابت به عرصه واردات خودرو است. پرسش مطرح آن است که با افزایش قیمت پراید از ۳۵ به ۱۵۰میلیون تومان، این شورا چه گلی به سر بازار خودروهای داخلی زده که باید در واردات خودرو نیز دخالت کند؟ تعیین هر عمه یکبار تعداد خودروهای وارداتی توسط شورای رقابت، منشا فساد و شکل‌گیری نوعی رقابت کاذب برای واردات خودرو می‌شود به فرض اینکه ششورای رقابت مجوز واردات ۱۰ هزار خودرو را بدهد، آیا برای واردات خودرو نوعی مسابقه بین اشخاص حقوقی و حقیقی شکل نخواهد گرفت که نخستین پیمان آن راه افتادن خرید و فروش برگ ثبت سفارش خودرو و است؟ اگر بخواهند به افراد مختلف برای واردات خودرو سهمیه بدهند نیز منجر به داغ‌شدن بازار اعضاهای طلایی می‌شود.

آیا این طرح می‌تواند موجب کاهش قیمت خودروهای تولید داخل یا وارداتی شود؟
اگر اشکالات اساسی این طرح رفع شود، می‌تواند بسر بازار خودروهای وارداتی

تأثیرگذار باشد؛ گرچه تأثیرگذاری این طرح بر بازار خودروهای وارداتی نیز بستگی به تعداد و قیمت خودروهای وارداتی دارد. اما طرح واردات خودرو در کاهش قیمت خودروهای پرتیراژ داخلی بی‌تأثیر خواهد بود، چراکه با استانداردهای موجود واردکنندگان نمی‌توانند خودروهای ارزان‌قیمتی را وارد کنند که رقب این خودروها سال گذشته تاکنون افزایش قیمت زیر ۳۰درصدی داشته است، این در حالی است که بیشتر اقلام مصرفی و حتی کالاهای اساسی تنها در نیمه اول امسال رشد ۳۰درصد و بالاتر را در قیمت خود تجربه کرده‌اند.

در ماه‌های اخیر قیمت شیر و دیگر لبنیات پرمصرف شامل پنیر و ماست و کره، انواع مرباها، گوشت، برنج، نان و بسیاری دیگر از اقلام مصرفی خانوار رشد زیادی داشت و این در شرایطی بود که اقلام ذکر شده تولید داخل کشور و بی‌نیاز از صرف ارز برای واردات مواد اولیه بود. اما شکلات صبحانه با اینکه ماده اولیه مورد استفاده برای تولید آن یعنی کاکائو وارداتی است، گرانی کمتری را از سر گذراند است.

به‌نظر می‌رسد کاهش قدرت خرید مردم با توجه به تورم موجود و خروج اقلام لوکس از سبد خرید بخش زیادی از مردم جامعه را بتوان تنها دلیلی دانست که تولیدکنندگان را واداشته در تغییرات قیمت این محصول جانب احتیاط را رعایت کنند تا سهمشان از بازار بیش از این کاهش نیابد. شکلات صبحانه یکی از خوراکی‌های محبوب خانواده‌ها مخصوصا بچه‌دارهاست، اما گفته می‌شود فروش آن طی یک سال و نیم اخیر به نصف رسیده است. هم‌کنون قیمت یک شیشه ۳۰۰ تا ۳۳۰ گرمی هم شکلات صبحانه بسته به برند آن بین ۴۴ تا ۶۵ هزار تومان در برندهای ایرانی متغیر است و نوتلای معروف هم با قیمت کمتر از ۱۱۰ هزار تومان در سوپرمارکت‌ها پیدا نمی‌شود. قیمت بسیار بالا باعث شده این محصول از سبد خرید بسیاری از خانواده‌ها خارج شود. آمار فروش سوپرمارکت‌ها نشان می‌دهد حتی شکلات‌صبحانه‌های ۱۰۰ گرمی طلقی عرضه شده از سوی شرکت‌های لبنی هم چیزی حدود ۳۰درصد خریدارانشان را از دست داده‌اند.

نام کال	مشخصات	قیمت
فرمند	رنگ رنجدندقی شیری- ۱۰۰ گرمی	۱۸,۰۰۰
فرمند	فندقی- ۳۳۰گرمی	۵۵,۰۰۰
فرمند	کنجدی- ۳۳۰گرمی	۴۴,۰۰۰
لپلاپ	فندقی- ۳۳۰گرمی	۵۷,۰۰۰
مروسا	فندقی- ۳۰۰گرمی	۴۵,۰۰۰
باراکا	رنگ شیریی فندقی- ۳۳۰گرمی	۵۲,۰۰۰
فرمند	رنگ رنجدندقی توت‌فرنگی- ۳۳۰گرمی	۵۲,۰۰۰
کوپا	دارک- ۱۷۰ گرمی	۳۶,۹۰۰
میدنلا	کریم کاکائو فندقی- ۳۳۰گرمی	۶۵,۰۰۰
کوپا	کریم کاکائویی کنجدی- ۳۳۰گرمی	۳۶,۹۰۰
آیسودا	شوکتاپ‌درنگ- ۱۶۰ گرمی	۱۶,۰۰۰



کروانی

شرکت توسعه بازاریابی و فروش ماد با وکالت از بانک ملت

شرکت توسعه
بازاریابفروش ماد



در نظر دارد املاک مشروحه ذیل با شرایط ویژه از طریق مزایده عمومی شماره ۹/ ۱۴۰۰ به فروش برساند، متقاضیان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر و همچنین دریافت اسناد مزایده از تاریخ ۱۳/۰۶/۱۴۰۰ لغایت ۰۷/۰۷/۱۴۰۰ از ساعت ۸/۳۰ الی ۱۵ به آدرس ذیل مراجعه فرمایند.

نقد و اقساط			
کاربری	پیش پرداخت	تعداد اقساط (ماه)	نرخ سود اقساط
صنعتی // مزروعی	۱۰٪	حداکثر ۶۰ ماهه	
مسکونی // تجاری // اداری // سرقتی // خدماتی	۴۰٪	حداکثر ۳۶ ماهه	۱۸٪

(۲۰٪ حداکثر دو ماه بعد (همزمان با تحویل ملک در املاک غیر متصرف دار) ۲۰٪ حداکثر ۴ ماه بعد ۲۰٪ ۵ ماه بعد از پرداخت اول) و (۲۰٪ هنگام تنظیم سند در دفتر خانه می‌باشد.
(۲) نحوه فروش نقد و اقساط ۲۰٪ پیش پرداخت (به استثنای کاربری صنعتی و مزروعی) الباقی بصورت اقساط طبق جدول مندرج در آگهی می‌باشد.
(۳) سایر شرایط مزایده فروش املاک در اسناد مزایده درج گردیده است.
با عنایت به شیوع ویروس کرونا و لزوم رعایت پروتکل های بهداشتی و حقوق شهروندی ؛
(۱) متقاضیان شرکت در مزایده شامل اشخاص حقیقی و حقوقی می‌توانند جهت دریافت اسناد مزایده به سایت شرکت ماد به آدرس www.MaadMellat.ir قسمت مزایده ها مراجعه فرمایند.
(۲) شرکت کنندگان می‌بایست اسناد مزایده را در پاکت درب بسته بصورت لک و مهر شده به آدرس دفتر مرکزی شرکت از طریق پست سفارشی ارسال و یا به نمایندگی استان تحویل نمایند.

آخرین مهلت تحویل اسناد مزایده تا پایان وقت اداری روز یکشنبه مورخ ۱۱/۰۷/۱۴۰۰ می‌باشد.
● ضمناً جلسه بازگشایی پاکت و قرانت پیشنهادات واصله ساعت ۱۰ صبح روز شنبه مورخ ۱۷/۰۷/۱۴۰۰ در محل دفتر مرکزی شرکت برگزار می‌گردد.
● شرکت در قبول یا رد یک یا کلیه پیشنهادات مختار خواهد بود.
● توضیحات:
(الف) در فروشهای نقدی شرایط پرداخت بصورت ۴۰٪ پیش پرداخت ۴۰٪ حداکثر ۲ ماه بعد (همزمان با تحویل ملک در املاک غیر متصرف دار) و ۲۰٪ هنگام تنظیم سند در دفتر خانه می‌باشد.
(ب) نحوه فروش نقد و اقساط (درصد پیش پرداخت، تعداد اقساط و نرخ سود اقساط) طبق جدول مندرج در آگهی می‌باشد. (در فروش اقساطی اولویت با اقساط کمتر می‌باشد).
(ج) در صورتیکه متقاضی شریک مشاع / مالک / راجان باشد:
(۱) در فروش های نقدی شرایط پرداخت بصورت ۲۰٪ ثمن معامله (همزمان با تنظیم میایعه نامه) ۶۰٪ بصورت

ردیف	کد شناسه	کاربری	متراژ (متر مربع) عرصه	قیمت پایه	مبلغ با احتساب تخفیف	شرایط فروش	آدرس	توضیحات
۱	۵۴۳۷	تجاری	قدرالسهم	۳۶۷/۸	۲۵۰,۰۰۰,۰۰۰	۰۰۰	تهران شمال میدان رسالت - خ رسالت بسمت غرب جنب تالار نمونه پلاک ۸۶۹ جدید و ۹۰ قدیم	با وضعیت موجود (ملک شامل ۶۱/۸۰ متر مربع همکف تجاری ۱۷۴/۳۰ متر مربع زیرزمین اول انبار تجاری ۳۱/۶۸ متر مربع زیرزمین دوم انبار می باشد مساحت زمین ۱۸۲ متر مربع و پس از اصلاحی ۱۷۳/۶۶ متر مربع است. مساحت اعیانی طبق پاناکار ۱۷۲/۷۰ همکف تجاری ۱۸۲/۷۰ زیرزمین تجاری ۴۵ مترمربع انباری و تاسیسات زیر زمین که با متراژ سند مغایرت دارد).
۲	۳۰۷۴۴۶	مسکونی	قدرالسهم	۴۲/۹۱	۱۸,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۱۶,۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰	تهران بلوار فردوس بعد از شقایق خیابان لاله مرکزی نبش همافر مجتمع طلوع پلاک ۳۷ طبقه دوم غربی واحد ۳۹	با وضعیت موجود دارای پارکینگ و انباری
۳	۴۹۷۶	بانک	قدرالسهم	۹۱/۹۷	۴۰,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۳۶,۴۵۰,۰۰۰,۰۰۰	تهران خیابان امام خمینی بعد از ساختمان سابق مجلس نبش کوچه شهروزی	با وضعیت موجود - هزینه و مسئولیت تغییر شغل بعهدہ خریدار می باشد - دارای ۳۲ مترمربع نیم طبقه (بدون مجوز) می باشد.
۴	۱۵۲۸	تجاری-اداری-مسکونی	۲۰/۲۵	۴۹۲	۴۱۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۳۵۲,۷۵۰,۰۰۰,۰۰۰	تهران خیابان ولیعصر خیابان شهید مطهری مقابل خیابان سرداران ساختمان محل سابق شعبه بانک ملت پلاک ۳۷۱	با وضعیت موجود - هزینه و مسئولیت رفع تصرف و هزینه های مربوطه بعهدہ خریدار می باشد. (ملک بصورت یکجا فروخته میشود. ملک مشتمل بر یک واحد تحت شعبه بانک، و طبقات فوقانی (مسکونی و اداری) میباشد همکف تجاری ۱۸۳ متر مربع طبقه اول اداری ۱۸۸ متر مربع طبقه دوم مسکونی ۱۰۱ متر مربع، عرصه پس از اصلاح ۹۵/۳۰ متر مربع- طبقه فوقانی در اجاره غیر میباشد طبقه اول با کاربری اداری در اختیار مسافر میباشد و مسافر دارای حقوق متکسب میباشد طبقه دوم دارای کاربری مسکونی در بد متصرف میباشد).
۵	۳۰۶۹۱۱	مسکونی	۸۱/۶	۱۰۶	۱۶,۲۹۶,۷۵۰,۰۰۰	۱۳,۸۵۲,۳۲۷,۵۰۰	تهران - خیابان دماوند - وحیدیه - ایستگاه مدرسه - پلاک ۳۸۹ جدید - ۳۹۷ قدیم	با وضعیت موجود - ملک مشاعی (سهم بانک ۵۷۹۴۴ سهم از ۹۶۰۰۰ سهم عرصه و اعیان) - دارای متصرف مسئولیت رفع تصرف و هزینه های مربوطه بعهدہ خریدار می باشد. (عرصه دارای ۶۱/۲ مترمربع اصلاحی می باشد. - عرصه پس از اصلاح ۷۵/۵۰ متر مربع و اعیان پس از اصلاح ۸۸ متر مربع)
۶	۴۱۴۴	تجاری	قدرالسهم	۴۴۰/۲۵	۴۴۷,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۳۸۰,۳۷۵,۰۰۰,۰۰۰	تهران خیابان ستارخان نرسیده به چهارراه خسرو مجتمع تجاری دریای نور طبقه همکف محل سابق شعبه بانک	با وضعیت موجود (اعیان شامل ۴۴۰/۲۵ متر مربع که ۵۳/۸۰ متر مربع نیم طبقه می باشد) - دارای ۴ باب انباری و ۱۶ واحد پارکینگ
۷	۳۰۶۳۵۱	تجاری	قدرالسهم	۱۴۷/۹۹	۲۹,۷۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۰۰۰	تهران شهرک صنعتی نصیرآباد - رباط کریم بعد از نگهدانی دست راست بازارچه تجاری درسا، قطعه ۸	با وضعیت موجود - دارای متصرف مسئولیت رفع تصرف و هزینه های مربوطه بعهدہ خریدار می باشد. (ملک در اجاره آقای اسکندری قرار دارد و ارزیابی با کسر حق کسب و پیشه می باشد. - پلاک به عمق ۷/۵ متر دارای عقب نشینی می باشد - دارای برق سه فاز و چاه نیمه عمیق و فاقد آب لوله کشی و گاز می باشد).
۸	۴۰۹۵	مرغداری	۶۰۶۷/۵۰	۲۷۱۲/۷	۲۲۵,۰۸۴,۸۴۲,۰۰۰	۲۰۲,۵۷۶,۳۵۷,۸۰۰	کیلومتر ۲۸ جاده مخصوص کرج مقابل کارخانه قطعات فولادی ایران	با وضعیت موجود (عرصه دارای ۶۱/۲ مترمربع اصلاحی می باشد. - عرصه پس از اصلاح ۷۵/۵۰ متر مربع و اعیان پس از اصلاح ۸۸ متر مربع)
۹	۴۰۲۴	اداری	۶۱۵	۵۷۷/۷	۴۷,۲۰۸,۰۰۰,۰۰۰	۴۲,۴۸۷,۲۰۰,۰۰۰	ساوجبلاغ - جاده قدیم تهران - هشتگرد - ورودی تهراندشت - روستای آران - روستای سلطان آباد - خیابان وحدت - جنب حسینییه - محل قدیم بانک ملت	با وضعیت موجود (عرصه به صورت هبه می باشد و فاقد سند مالکیت بوده و فروش به صورت قرارداد عادی می باشد).
۱۰	۳۰۵۰۳۸	مسکونی	۱۷۴	۵۵۷/۷	۲۳,۰۴۴,۴۰۰,۰۰۰	۱۹,۵۸۷,۷۴۰,۰۰۰	البرز - کرج - نظر آباد الغدیر جنوبی غدیر ۱۵ روبروی پلاک ۳۸۱ جنب مجتمع مسکونی آمیتیس	با وضعیت موجود - آبار تمان مشتمل بر پنج طبقه (یک طبقه پارکینگ و انباری در همکف و چهار طبقه تکواحدی مسکونی بالای همکف)

ردیف	کد شناسه	کاربری	متراژ (متر مربع) عرصه	قیمت پایه	مبلغ با احتساب تخفیف	شرایط فروش	آدرس	توضیحات
۱۱	۳۰۷۵۹۹	صنعتی	۱۴۷۴۵	۲۶۹۳/۵	۱۶۸,۵۸۳,۰۰۰,۰۰۰	۰۰۰	میانه - اول جاده ترک - شهرک صنعتی توسعه عمران میانه - قطعات ۵۵-۵۸-۵۹	با وضعیت موجود - دارای ماشین آلات - متراژ اعیان تقریبی می باشد.
۱۲	۳۰۶۹۸۵	مسکونی	قدرالسهم	۵۴/۱	۱,۹۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۰۰۰	بستان آباد - شهرک ولیعصر - پلک ۱ - طبقه دو - واحد شمال شرقی	با وضعیت موجود - ملک دارای متصرف مسئولیت رفع تصرف و هزینه ها بعهدہ خریدار می باشد. طبق استعلام شهرداری ۹۷/۰۴/۱۰ ملک در طرح جامع توسعه شهری و عقب نشینی قرار نمی گیرد.
۱۳	۳۰۶۶۷۷	مسکونی	قدرالسهم	۱۰۳/۲۵	۱۴,۳۳۴,۹۸۲,۲۰۰	۱۲,۹۰۱,۴۸۳,۹۸۰	تبریز - جاده اتل گلی - کوی الهی پرست - ۱۰ متری دوم شرقی - طبقه اول واحد شرقی - پلاک ۱۵	با وضعیت موجود - ملک مشاعی (سهم بانک ۵۷۸/۴۹ سهم عرصه و اعیان) - (دری متصرف مسئولیت رفع تصرف و هزینه ها بعهدہ خریدار می باشد.
۱۴	۳۰۶۹۰۱	خدماتی	۲۱۵۸	۵۵۹/۷	۸,۲۰۶,۲۵۰,۰۰۰	۷,۳۸۵,۶۲۵,۰۰۰	جاده تبریز - آذرشهر، بعد از ایلخچی - نرسیده به سه راهی دریاچه ارومیه - روبروی پل جزیره اسلامی - جنب ایران خودرو	با وضعیت موجود - ملک مشاعی (سهم بانک ۱۰۱ سهم مشاع از ۹۶۰ سهم عرصه و اعیان) - دارای متصرف مسئولیت رفع تصرف و هزینه ها بعهدہ خریدار می باشد. (طبق گواهی پاناکار ملک به عنوان جایگاه سوخت GNC می باشد. - فاقد ماشین آلات)
۱۵	۳۰۶۳۷۶	مسکونی	۲۱۵/۷	۲۵۵/۷۶	۳,۲۲۹,۷۸۰,۰۰۰	۰۰۰	گوان - خ سعدی - روبروی بخشدار - جنب کوچه پیروز	با وضعیت موجود - ملک مشاعی (سهم بانک سه دانگ مشاع از شش دانگ) - دارای متصرف مسئولیت رفع تصرف و هزینه های مربوطه بعهدہ خریدار می باشد. (ملک دارای عقب نشینی می باشد)

ردیف	کد شناسه	کاربری	متراژ (متر مربع) عرصه	قیمت پایه	مبلغ با احتساب تخفیف	شرایط فروش	آدرس	توضیحات
۱۶	۱۰۸۲۰	صنعتی	۲۰۶۶/۵۴	۸۸۸/۳۳	۱۶۸,۲۱۸,۱۰۰,۰۰۰	۱۵۱,۳۹۶,۲۹۰,۰۰۰	ارومیه - خ ابوالمفتحی - جنب روغن نباتی قو	با وضعیت موجود - دارای ماشین آلات - مقدار اعیان تقریبی می باشد.
۱۷	۲۰۶۶	مسکونی-تجاری	۲۷۵	۱۳,۳۶۲,۱۵۲,۷۷۷	۱۲,۰۲۵,۹۳۷,۴۹۹	نقد	ارومیه - خ چهارمحال بختیاری	با وضعیت موجود - ملک مشاعی (سهم بانک ۲۹ سهم مشاع از ۴۴ سهم عرصه و اعیان) - دارای متصرف مسئولیت رفع تصرف و هزینه ها بعهدہ خریدار می باشد. (ملک دارای سه باب مغازه بمساحت ۲۸ مترمربع می باشد).

ردیف	کد شناسه	کاربری	متراژ (متر مربع) عرصه	قیمت پایه	مبلغ با احتساب تخفیف	شرایط فروش	آدرس	توضیحات
۱۸	۳۰۷۳۲۷	مسکونی	۱۱۰/۳۵	۹۲/۶۴	۲,۲۸۹,۲۷۰,۰۰۰	۲,۰۶۰,۳۴۴,۰۰۰	شهر نیمیلوک خیابان معلم ۷	با وضعیت موجود - دارای متصرف مسئولیت رفع تصرف و هزینه های مربوطه بعهدہ خریدار می باشد. - متراژ اعیان تقریبی می باشد.
۱۹	۱۰۲۳۳	صنعتی	۶۴۷۷	۱۶۸۲	۶۱۹۰,۶۴۴,۶۷۷	۳,۳۵۵,۵۱۴,۹۴۲	سرایان شهرک صنعتی کیلومتر ۵ جاده سرايان آيسک شرکت کشاورزی بهاران سرايان	با وضعیت موجود - ملک مشاعی (سهم بانک ۱۰۱ سهم مشاع از ۶۶۷۷ سهم مشاع از ۶۶۷۷ سهم عرصه و اعیان) - (فاقد ماشین آلات - متراژ اعیان تقریبی می باشد. - دارای متصرف مسئولیت رفع تصرف و هزینه ها بعهدہ خریدار می باشد. (شامل دو امتیاز ۱/۲ آبیچ و یک امتیاز برق ۲۰ کیلو وات و انشعاب گاز می باشد).
۲۰	۳۰۷۱۵۲	مسکونی	۱۷۳/۱۹	۱۴۳	۱,۸۱۱,۵۳۳,۹۱۹	۱,۴۴۹,۲۲۷,۱۳۵	قائن نیمیلوک بلوار ولیعصر خیابان حافظ پلاک ۸ روبروی در مانگاه	با وضعیت موجود - ملک مشاعی (سهم بانک ۳۱۸۲۰۶۱ سهم مشاع از ۵۴۴۰۰۰۰ سهم شش دانگ) - دارای متصرف مسئولیت رفع تصرف و هزینه های مربوطه بعهدہ خریدار می باشد.
۲۱	۳۰۷۱۵۴	مسکونی	۳۱۳	۱۶۴/۰۱۷	۳,۷۳۸,۰۸۷,۰۰۰	۲,۹۹۰,۴۶۹,۶۰۰	قائن نیمیلوک بلوار ولیعصر و لیعصر ۱۳ پلاک ۴۰ (پلاک نصب شده در ب منزل ۳۸)	با وضعیت موجود - دارای متصرف مسئولیت رفع تصرف و هزینه های مربوطه بعهدہ خریدار می باشد. (ملک در طرح تعریض می باشد - متراژ اعیان تقریبی می باشد).
۲۲	۳۰۷۲۵۰	مسکونی	۴۱۷/۲	۳۱۱/۱۴	۱۱,۱۳۹,۵۶۳,۹۳۳	۰۰۰	فردوس خیابان حاشیه بلوار جمهوری اسلامی حدفاصل خیابان جانبازان و آیت اله معنوی جانبازان ۱ پلاک ۹۴	با وضعیت موجود - ملک مشاعی (سهم بانک ۴/۴۲ دانگ مشاع از شش دانگ) - (دری متصرف مسئولیت رفع تصرف و هزینه ها بعهدہ خریدار می باشد. (۶۱ متر مربع زیرزمین ۱۹۸/۵ همکف ۴۰۰ تیم طبقه ۱۱/۶، خریشته)
۲۳	۳۰۷۳۰۱	مسکونی	۳۰۰	۱۹۵/۵	۱,۳۹۳,۲۷۹,۵۰۰	۰۰۰	فردوس خیابان حافظ حافظ ۳ چهار راه سوم میلان ۱۲ متری (خیابان وحدت- وحدت ۲)	با وضعیت موجود - ملک مشاعی (سهم بانک ۱۱/۱۶ سهم مشاع از ۶۰ سهم شش دانگ) - دارای متصرف مسئولیت رفع تصرف و هزینه های مربوطه بعهدہ خریدار می باشد.

ردیف	کد شناسه	کاربری	متراژ (متر مربع) عرصه	قیمت پایه	مبلغ با احتساب تخفیف	شرایط فروش	آدرس	توضیحات
۲۴	۳۰۶۶۸۱	مسکونی	۲۴۰	۱۵۰/۶۶	۶,۴۶۸,۰۰۰,۰۰۰	۵,۱۷۴,۴۰۰,۰۰۰	مشهد بلوار فرامرز عباسی فرامرز ۳۳ رسالت ۴۷ خیابان سپهر ۱۰ پلاک ۲۷ طبقه اول	با وضعیت موجود - موجود ملک مشاعی (سهم بانک ۱۹۶ سهم مشاع از ۶۰۰ سهم اعیان) - (دری متصرف مسئولیت رفع تصرف و هزینه های مربوطه بعهدہ خریدار می باشد. (عرصه وقف می باشد).

ردیف	کد شناسه	کاربری	متراژ (متر مربع) عرصه	قیمت پایه	مبلغ با احتساب تخفیف	شرایط فروش	آدرس	توضیحات
۲۵	۳۰۷۵۷۷	مسکونی	۲۵۰	۲۳۴	۴,۹۹۸,۴۰۸,۰۰۰	۰۰۰	گره بلوار مدرس ۱۱ (بلوار شهید صادقی خیابان آزادی قطعه سوم سمت شرق)	با وضعیت موجود - ملک مشاعی (سهم بانک صد و چهل و هفت ممیز دوازده هزارم سهم مشاع از دویست و پنجاه سهم عرصه و اعیان) - (دری متصرف مسئولیت رفع تصرف و هزینه ها بعهدہ خریدار می باشد. (همکف مسکونی ۵۵ مترمربع، پارکینگ ۵۰ مترمربع و طبقه اول ۱۱۹ مترمربع می باشد).

ردیف	کد شناسه	کاربری	متراژ (متر مربع) عرصه	قیمت پایه	مبلغ با احتساب تخفیف	شرایط فروش	آدرس	توضیحات
۲۶	۳۰۷۷۴۴	مسکونی	۱۷۶/۹۴	۱۳۵	۱,۷۵۲,۷۶۰,۰۰۰	۰۰۰	خرمشهر - کوی نخل (طویجات) - خیابان دوم اصلی - بین ۹۰۸ فرعی	با وضعیت موجود - دارای متصرف مسئولیت رفع تصرف و هزینه ها بعهدہ خریدار می باشد.
۲۷	۳۰۷۷۲۵	مسکونی	۱۴۲/۷	۹۵	۳,۹۵۴,۰۰۰,۰۰۰	۰۰۰	خرمشهر - کوی طالقانی - خلیج فارس - خیابان شاه پسند - کوچه بن بست	با وضعیت موجود - دارای متصرف مسئولیت رفع تصرف و هزینه ها بعهدہ خریدار می باشد.
۲۸	۳۰۶۰۳۳	تجاری	قدرالسهم	۱۶/۳۷	۴۹۶,۹۹۰,۰۰۰	۰۰۰	آبادان خیابان دبستان - نبش امام - پاساژ سیدضیا پلاک ۵۷ شادگان - کوی عبودی - ساحلی ۱۰ - پشت پایگاه بسیج مالک اشتر	با وضعیت موجود - ملک دارای متصرف مسئولیت رفع تصرف و هزینه ها بعهدہ خریدار می باشد. (صرفاً براساس مالکیت عرصه و اعیان)
۲۹	۳۰۶۳۸۸	مسکونی	۲۱۳/۸۶	۲۸۵/۶۰	۷,۵۸۴,۲۴۵,۰۹۶	۰۰۰	اهواز - بلوار پاسداران - بین زغمز و زمره بالای فروشگاه علمیان قائدیه طبقه دوم واحد شرقی	با وضعیت موجود - ملک مشاعی (سهم بانک ۵۷/۲ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم عرصه و اعیان) - (ملک دارای متصرف مسئولیت رفع تصرف و هزینه ها بعهدہ خریدار می باشد.
۳۰	۳۰۶۸۸۸	مسکونی	قدرالسهم	۱۱۷/۹۲	۳,۴۰۹,۱۲۰,۰۰۰	۰۰۰	آبادان - کوی قدس - بهار ۱۲ - پلاک ۲۹	با وضعیت موجود - ملک دارای متصرف مسئولیت رفع تصرف و هزینه ها بعهدہ خریدار می باشد.
۳۱	۳۰۷۴۴۵	مسکونی	۲۸۲/۹۰	۱۶۹/۷۴	۱۶,۳۹۲,۴۰۰,۰۰۰	۰۰۰	اهواز گلستان کوی ۲۲ بهمن خیابان اندیشه ۴ - پلاک ۹۳	با وضعیت موجود - ملک مشاعی (سهم بانک ۴۱/۳۱ صدم سهم مشاع از یکصد سهم عرصه و اعیان) - (دری متصرف مسئولیت رفع تصرف و هزینه ها بعهدہ خریدار می باشد.
۳۲	۳۰۶۹۲۷	مسکونی	۳۰۰	۱۹۳	۹,۹۶۱,۴۹۳,۴۰۰	۸,۹۶۵,۳۴۴,۰۶۰	اهواز گلستان کوی ۲۲ بهمن خیابان اندیشه ۴ - پلاک ۹۳	با وضعیت موجود - دارای متصرف مسئولیت رفع تصرف و هزینه های مربوطه بعهدہ خریدار می باشد. (ملک سه طبقه مشتمل بر همکف به مساحت ۶۲/۳۴ مترمربع، اول ۵۱ مترمربع و دوم ۱۲/۴۵ مترمربع می باشد. (مساحت عرصه عقب نشینی است).
۳۳	۳۰۷۷۶۹	مسکونی	۶۲/۳۴	۱۲۶/۷۹	۳,۳۴۶,۲۳۰,۰۰۰	۳,۰۱۱,۵۹۸,۰۰۰	خرمشهر - بلوار نقدی - خیابان حافظ - خیابان قانئ	با وضعیت موجود - ملک دارای متصرف مسئولیت رفع تصرف و هزینه ها بعهدہ خریدار می باشد. (ملک سه طبقه مشتمل بر همکف به مساحت ۲۸۹/۵۵ مترمربع)
۳۴	۳۰۷۷۷۳	مسکونی	۳۱۴/۵۲	۱۴۲/۰۲	۴,۱۱۶,۸۴۰,۰۰۰	۳,۷۰۵,۱۵۶,۰۰۰	خرمشهر - کوی آریا - کوچه شهید کریم پور - فرعی هشتم سمت چپ منزل دوم	با وضعیت موجود - ملک دارای متصرف مسئولیت رفع تصرف و هزینه ها بعهدہ خریدار می باشد. (مساحت عرصه اصلاحی ۲۸۹/۵۵ مترمربع)
۳۵	۲۲۶۷	اداری	۴۹۱/۲۹	۱۵۸/۲۴	۴۴,۳۳۴,۷۵۰,۰۰۰	۳۷,۶۸۴,۵۳۷,۵۰۰	خرمشهر - خ فردوسی - محل سابق بانک ملت شعبه شهید جهان آرا خوزستان - اهواز - پردیس - روبروی شهرک محلاتی - جنب ایستگاه برق پلک ۳ ط ۴	با وضعیت موجود (طبقه همکف ۱ واحد اداری به مساحت ۱۱۵/۵ متر مربع و در نیم طبقه با کاربری اداری ۴۲/۲۹ متر مربع می باشد).
۳۶	۳۰۷۲۸۵	مسکونی	قدرالسهم	۱۰۷/۴	۳,۳۸۹,۴۰۰,۰۰۰	۲,۸۸۰,۹۹۰,۰۰۰	گتوند - خیابان استقلال - خیابان وحدت - جنب حسینییه - بین کوچه شهیدا و کوچه شهدای اسدی	با وضعیت موجود - دارای متصرف مسئولیت رفع تصرف و هزینه های مربوطه بعهدہ خریدار می باشد.
۳۷	۹۹۸۶	مسکونی	۵۷۲/۳۵	۸۰	۱۱,۸۶۷,۰۰۰,۰۰۰	۰۰۰	نقد و اقساط	با وضعیت موجود - ملک دارای متصرف مسئولیت رفع تصرف و هزینه ها بعهدہ خریدار می باشد.

ردیف	کد شناسه	کاربری	متراژ (متر مربع) عرصه	قیمت پایه	مبلغ با احتساب تخفیف	شرایط فروش	آدرس	توضیحات
۳۸	۳۰۶۸۹۳	مسکونی-تجاری	۳۰۵/۳	۴۸۷	۴,۳۸۶,۹۸۴,۳۷۵	۰۰۰	کیلومتر ۵۵ زنجان به بیجار - ایچرود، شهرستان حلب، خیابان امام خمینی، باند کندرز سمت جنوبی	با وضعیت موجود - ملک مشاعی (سهم بانک ۳۶/۲۴ سهم از ۹۶ سهم) - (دری متصرف مسئولیت رفع تصرف و هزینه های مربوطه بعهدہ خریدار می باشد. (اعیانی شامل زیرزمین ۲۱۰ مترمربع، همکف ۲۳۰ مترمربع، طبقات ۲۴۰ مترمربع می باشد. ملک دارای ۴ باب تجاری به مساحت ۷۰ مترمربع می باشد. ملک دارای خلاقی می باشد).

۳۹	۳۰۷۵۷	مزروعی	۷۵۲۰	-	۹,۴۰۰,۰۰۰,۰۰۰	***	نقد و اقساط	زنجان - پایین کوه - جاده دو اسب	با وضعیت موجود - ملک مشاعی(سهم بانک ۱۲ سهم از ۹۶ سهم) - (ملک به صورت زمین مزروعی بوده و فاقد اعینانی می باشد- مورد معامله اراضی مزروعی دیمزار با قابلیت تبدیل به کاربری مسکونی است.قسمتی از پلاک مذکور به مساحت۸/۱۶۰ متر مربع خارج از محدوده قانونی مصوب شهر و داخل در حریم شهر و مابقی در داخل محدوده قانونی و حریم شهر و کلا در طرح خیابان و فضای سبز کمربندی شمالی واقع گردیده است و انتقال عرصه در صورت نداشتن موافق قانونی از سایر ادارات و سازمان های و نیز عدم تغییر کاربری برای املاک خارج از محدوده از نظر شهرداری بلا مانع است)
استان سمنان آدرس و تلفن نمایندگی: سمنان یلوار ۱۷ شهرویر مدیریت شعب بانک ملت استان سمنان طبقه سوم اداره تدارکات و ساختمان تلفن: ۰۲۳-۳۳۳۷۲۵۶									
ردیف	کد شناسه	کاربری	متراژ (متر مربع) عرصه	قیمت پایه	مبلغ یا احتساب تخفیف	شرایط فروش	آدرس	توضیحات	
۴۰	۹۲۰	تجاری	۱۲۶/۴۲	۳۵۸/۶۴	۹۱,۶۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۷۷,۸۶۰,۰۰۰,۰۰۰	سمنان خیابان امام خمینی نرسیده به چهار راه مازندران محل قدیم بانک ملت	با وضعیت موجود (ملک دارای ۱۰۵/۸۰ متر مربع نیم طبقه می باشد (طبق اعلام شهرداری قسمتی از ملک تجاری میراث تاریخی است). سند مالکیت فاقد متراژ می باشد.	
۴۱	۹۷۸۹	صنعتی	۳۴۴۹۰۰	۴۰۷۲۷/۱	۹۲۳,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰	***	سمنان شهرک صنعتی شرق منتهی الیه شمال شرقی شهرک ماشین آلات	با وضعیت موجود - مقدار اعیان تقریبی می باشد - اولویت فروش با خرید یکجا به همراه ماشین آلات می باشد. با وضعیت موجود -اولویت فروش با خرید یکجا به همراه عرصه و اعیان می باشد- در صورت فروش جداگانه ، مسئولیت هزینه جداسازی ، حمل و خروج ماشین آلات و بازسازی احتمالی اعیناتی بر عهده خریدار خواهد بود.	
استان قزوین آدرس و تلفن دفتر نمایندگی : قزوین یلوار شهید حاج قاسم سلیمانی روبروی دانشگاه رجاء مدیریت شعب استان قزوین اداره تدارکات و ساختمان تلفن: ۰۲۸-۳۳۶۷۲۰۷۹									
ردیف	کد شناسه	کاربری	متراژ (متر مربع) عرصه	قیمت پایه	مبلغ یا احتساب تخفیف	شرایط فروش	آدرس	توضیحات	
۴۲	۱۴۹۷	تجاری	قدرالسهم	۱۷۱/۳	۱۱۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۹۹۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	قزوین - خیابان سعدی - روبروی کوچه شهید سرلشکر بابایی	با وضعیت موجود (طبقه همکف بانفساح ۷/۲۴مترمربع بالکن داخلی مغازه و پارکینگ قطعه یک مساحت۱۲/۵ مترمربع در طبقه زیرزمین و پارکینگ قطعه دو مساحت ۱۲/۵ مترمربع در طبقه زیرزمین می باشد)	
استان کردستان آدرس و تلفن نمایندگی استان: سنندج خ فردوسی سه راه نمکی مدیریت شعب بانک ملت طبقه دوم اداره تدارکات و ساختمان تلفن: ۰۸۷-۳۳۳۲۳۲۲۸-۳۳۳۲۰۵۶۷									
ردیف	کد شناسه	کاربری	متراژ (متر مربع) عرصه	قیمت پایه	مبلغ یا احتساب تخفیف	شرایط فروش	آدرس	توضیحات	
۴۳	۳۰۶۳۲۹	مسکونی	۱۹۴	۹۴	۲,۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰	نقد	سرآباد - خیابان امام شافعی - بالاتر از مسجد حضرت محمد (ص)	با وضعیت موجود - ملک دارای متصرف مسئولیت رفع تصرف و هزینه ها بعهده خریدار می باشد.	
۴۴	۳۰۶۴۵۵	مسکونی	قدرالسهم	۹۲/۵	۷,۳۰۰,۰۰۰,۰۰۰	نقد	مریوان - بهاران - جنب مسجد قبا	با وضعیت موجود - ملک دارای متصرف مسئولیت رفع تصرف و هزینه ها بعهده خریدار می باشد.	
۴۵	۳۰۶۶۹۹	مسکونی	۳۷۵/۶۵	-	۱۲,۶۷۱,۲۰۰,۰۰۰	نقد	سنندج خیابان ۱۷ شهرویر کوچه پهنام کوچه امید پلاک ۱۲	با وضعیت موجود (طبق طهر سند در صورت تجدید بنا مالک ملزم به رعایت تعریض ۷۰ مترمربع (اعلامی شهرداری) می باشد عرصه پس از اصلاح ۳۰/۵/۶۵متر مربع - اعیناتی ملک تخریب شده است).	
۴۶	۶۶۴	بانک	۱۸۳/۸۰	۴۳۶/۶۲	۷۸,۱۳۵,۴۰۰,۰۰۰	نقد	سنندج - خیابان کارگر	با وضعیت موجود (عرصه پس از اصلاحی ۱۷۵ مترمربع بوده (کاربری تجاری) و اعیان ملک شامل زیرزمین (کاربری انباری) ۱۳۹/۹۱ مترمربع و (کاربری تأسیسات) ۱۷/۲۵ مترمربع و (کاربری خزانه)۱۲/۵ مترمربع و طبقه همکف با کاربری شیبه بانک ۱۷۵ مترمربع و نیم طبقه با کاربری شیبه بانک ۹۶/۹۰ مترمربع می باشد - کلیه نازک کاری ملک بر اساس آتش سوزی از بین رفته و با توجه به آتش سوزی اسکلت ملک از حیث انتفاع خارج گردیده است).	
۴۷	۳۰۶۰۷۳	کشاورزی	۲۳۸۶	۱۳۱۲	۹۴۰,۱۵۰,۰۰۰	نقد	سنندج - روستای کیلانه	با وضعیت موجود- ملک مشاعی (سهم بانک یک سهم مشاع از شانزده سهم عرصه و اعیان)- فاقد ماشین آلات- متراژ اعیان تقریبی می باشد- دارای متصرف مسئولیت رفع تصرف و هزینه های مربوطه بعهده خریدار می باشد.(ملک دارای یک حلقه چاه دستی و انتشارک تک فاز برق می باشد)	
استان کرمان آدرس و تلفن نمایندگی استان: کرمان یلوار شهید صدوقی ساختمان مدیریت بانک ملت طبقه دوم اداره ساختمان تلفن:۰۲۴-۳۳۴۳۷۷۱۰-۱۱									
ردیف	کد شناسه	کاربری	متراژ (متر مربع) اعیان	قیمت پایه	مبلغ یا احتساب تخفیف	شرایط فروش	آدرس	توضیحات	
۴۸	۳۰۷۴۷۸	تجاری	قدرالسهم	۶۵/۱۲	۹,۴۳۲,۴۰۰,۰۰۰	***	بلوار جهاد- نشی کوچه شماره یک- برج پزشکی یاستور	با وضعیت موجود - سیستم سرمایش چیلر و سیستم گرمایش یکپنج مرکزی و ۳ فن کوئیل معيوب می باشد.	
۴۹	۳۰۷۴۷۴	تجاری	قدرالسهم	۶۱	۸,۵۴۰,۰۰۰,۰۰۰	نقد	کرمان بلوار جهاد کوچه ۱نشی کوچه	با وضعیت موجود - سیستم سرمایش چیلر و سیستم گرمایش یکپنج مرکزی و فاقد فن کوئیل می باشد.	
۵۰	۳۰۷۴۷۶	تجاری	قدرالسهم	۶۱	۸,۶۰۱,۰۰۰,۰۰۰	نقد	کرمان بلوار جهاد کوچه ۱نشی کوچه	با وضعیت موجود - سیستم سرمایش چیلر و سیستم گرمایش یکپنج مرکزی و فاقد فن کوئیل می باشد.	
۵۱	۳۰۷۴۷۷	تجاری	قدرالسهم	۷۵/۷۶	۱۱,۳۶۴,۰۰۰,۰۰۰	نقد	کرمان بلوار جهاد کوچه ۱نشی کوچه	با وضعیت موجود - سیستم سرمایش چیلر و سیستم گرمایش یکپنج مرکزی و فاقد فن کوئیل می باشد.	
استان کرمانشاه آدرس و تلفن نمایندگی استان: کرمانشاه چهار راه بسیج ساختمان مدیریت بانک ملت اداره تدارکات و ساختمان تلفن: ۰۸۲-۳۸۲۲۹۲۰۳									
ردیف	کد شناسه	کاربری	متراژ (متر مربع) عرصه	قیمت پایه	مبلغ یا احتساب تخفیف	شرایط فروش	آدرس	توضیحات	
۵۲	۷۸۶	مسکونی- تجاری	۲۹۳	۶۶۲	۲۹۹,۷۵۰,۰۰۰,۰۰۰	نقد	خیابان افشار طوس نرسیده به میدان جوانشیر	با وضعیت موجود (اعیان وضع موجود) (تجاری انباری طبقه زیرزمین ۲۴۰ متر مربع + تجاری طبقه همکف ۲۳۰ متر مربع و مسکونی طبقه اول ۲۱۲ متر مربع+ ترانس طبقه اول ۲۸متر مربع) جمعا بمساحت ۷۱۰ متر مربع و مجاز آن (طبقه زیرزمین ۲۴۰ متر مربع با استفاده تجاری انباری و طبقه همکف ۲۳۰ متر مربع با استفاده تجاری و طبقه اول ۱۹۲ متر مربع با استفاده مسکونی) جمعا بمساحت ۶۶۲ متر مربع اعلام گردیده که دارای حدود ۴۸ متر مربع تخلخل ساختمانی است. در محدوده یافت تاریخی شهر کرمانشاه واقع گردیده و ضوابط آن در زمان ساخت و ساز لازم الاجراست).	
استان گلستان آدرس و تلفن دفتر نمایندگی: گرگان سه راه گلشهر نبش عدالت ۷۳/۲مدیریت شعب بانک ملت طبقه پنجم تلفن: ۰۱۷-۲۲۵۵۲۵۶۰۰۱۷									
ردیف	کد شناسه	کاربری	متراژ (متر مربع) عرصه	قیمت پایه	مبلغ یا احتساب تخفیف	شرایط فروش	آدرس	توضیحات	
۵۳	۳۰۷۶۷۷	مسکونی	قدرالسهم	۲۵۸/۶۵	۶۴,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰	نقد	گرگان ناهارخوران شهرک سروش، سروش ۸ ،مجتمع کاج ،طبقه سوم	با وضعیت موجود	
استان لرستان آدرس و تلفن نمایندگی: خرم آباد خیابان علوی حه فاصل میدان امام خمینی و میدان امام حسین ساختمان سربستی بانک ملت اداره تدارکات و ساختمان تلفن: ۰۶۶-۳۳۴۰۵۲۰۳۰-۳۳۳۳۴۹۴۰									
ردیف	کد شناسه	کاربری	متراژ (متر مربع) عرصه	قیمت پایه	مبلغ یا احتساب تخفیف	شرایط فروش	آدرس	توضیحات	
۵۴	۳۰۶۱۷۴	مسکونی	۲۷۹	۱۹۸	۶,۶۳۳,۱۷۴,۷۵۰	نقد	کوهدشت -خیابان داراب کوشکی - کوچه شهید محمدتقی جلیلیان	با وضعیت موجود- ملک مشاعی (سهم بانک ۳۸/۶۷سهم از ۹۶سهم) - دارای ماشین آلات - متراژ اعیان تقریبی می باشد- دارای متصرف مسئولیت رفع تصرف و هزینه های مربوطه بعهده خریدار می باشد.	
۵۵	۳۰۴۹۹۰	صنعتی	۱۸۹۴۸	۳۲۳۳	۳۷,۱۵۰,۳۶۳,۳۱۲	نقد	دورود یک کیلومتر ۶ جاده قدیم بروجرد درایاب سنگیری بهنما	با وضعیت موجود - ملک مشاعی (سهم بانک ۳۴/۸۷ سهم مشاع از ۹۶ سهم مشاع - دارای متصرف مسئولیت رفع تصرف و هزینه های مربوطه بعهده خریدار می باشد- دارای متصرف مسئولیت رفع تصرف و هزینه های مربوطه بعهده خریدار می باشد- دارای متصرف مسئولیت رفع تصرف و هزینه های مربوطه بعهده خریدار می باشد.	
۵۶	۳۰۶۳۲۸	مسکونی- تجاری	۱۸۰	۲۱۱/۲۸	۲۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	نقد	دورود - کوی الغدیر - فاز ۱ - خیابان امام رضا ع - کوچه بهران هشتم	با وضعیت موجود - دارای متصرف مسئولیت رفع تصرف و هزینه های مربوطه بعهده خریدار می باشد.(ملک شامل همکف ۱۱۶/۲۸مترمربع (که از این مساحت ۲۳/۱۷مترمربع تجاری در دو دهنه و ۹۲/۵۲مترمربع مسکونی) - طبق کارشناسی ملک دارای انتفاعات می باشد).	
۵۷	۳۰۶۴۲۰	صنعتی	۱۵۵۰/۵	۷۸۳/۲	۱۳,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	نقد و اقساط	دورود - چغادار - شهرک صنعتی	با وضعیت موجود- فاقد ماشین آلات - متراژ اعیان تقریبی می باشد - دارای متصرف مسئولیت رفع تصرف و هزینه های مربوطه بعهده خریدار می باشد. (دارای چاه نیمه عمیق و امتیاز برای ۱۰۰ کیلووات ، ترانس و متعلقات و آب و گاز منصوب می باشد).	
۵۸	۱۰۴۱۴	مسکونی- تجاری	۱۵۹/۸۵	۴۲۴/۸۵	۶,۹۳۷,۶۷۷,۰۸۳	نقد و اقساط	بروجرد - انتهای خ شریعتی - نرسیده به سه راه طالقانی روبروی درمانگاه	با وضعیت موجود - ملک مشاعی(سهم بانک ۳۴/۸۷ سهم مشاع از ۹۶ سهم مشاع - دارای متصرف مسئولیت رفع تصرف و هزینه های مربوطه بعهده خریدار می باشد.(طبق گواهی پایانکار کاربری ملک تجاری - مسکونی - کسول و انباری مسکونی میباشد)	
۵۹	۱۰۷۴۰	مسکونی	قدرالسهم	۱۴۹/۷	۱۵۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	نقد و اقساط	نورآباد - خیابان رضوان - روبروی منزل دکتر شیرخانی	با وضعیت موجود - دارای متصرف مسئولیت رفع تصرف و هزینه های مربوطه بعهده خریدار می باشد.	
۶۰	۱۱۲۷۱	مسکونی	۳۹۶	۶۶	۱,۳۶۵,۰۰۰,۰۰۰	نقد و اقساط	یلدختر روستای مورانی	با وضعیت موجود- ملک مشاعی (سهم بانک چهاردانگ ونیم مشاع از ششدانگ) - دارای متصرف مسئولیت رفع تصرف و هزینه های مربوطه بعهده خریدار می باشد.	
۶۱	۳۰۴۳۲۷	مسکونی	۱۸۰	۱۳۰	۸,۷۸۰,۰۰۰,۰۰۰	نقد و اقساط	الشتَر-میدان شهید باهنر- خیابان قهرمان - خیابان امام علی - کوچه غدیر یک	با وضعیت موجود - دارای متصرف مسئولیت رفع تصرف و هزینه های مربوطه بعهده خریدار می باشد	
۶۲	۳۰۴۴۶۶	مسکونی	۳۰۵/۵۲	۳۴۲	۳۱,۶۰۳,۳۳۳,۳۳۳	نقد و اقساط	خرم آباد - خیابان علوی - کوچه شهید چنگانی	با وضعیت موجود- ملک مشاعی (سهم بانک ۳۳/۶۸۲ دانگ از ۶ دانگ) - دارای متصرف مسئولیت رفع تصرف و هزینه های مربوطه بعهده خریدار می باشد.	
۶۳	۳۰۴۴۹۸	مسکونی	۵۵۷/۶۵	۱۲۰	۱,۶۱۰,۰۰۰,۰۰۰	نقد و اقساط	یلدختر روستای یاعلم	با وضعیت موجود - دارای متصرف مسئولیت رفع تصرف و هزینه های مربوطه بعهده خریدار می باشد.	
۶۴	۳۰۴۵۰۰	مسکونی	۳۴۴	۱۵۰	۱,۵۲۰,۰۰۰,۰۰۰	نقد و اقساط	یلدختر روستای یاعلم	با وضعیت موجود- دارای متصرف مسئولیت رفع تصرف و هزینه های مربوطه بعهده خریدار می باشد.	
۶۵	۳۰۴۵۰۱	مسکونی	۳۴۵	۱۳۰	۱,۴۶۰,۰۰۰,۰۰۰	نقد و اقساط	یلدختر روستای یاعلم	با وضعیت موجود - دارای متصرف مسئولیت رفع تصرف و هزینه های مربوطه بعهده خریدار می باشد.	
۶۶	۳۰۴۵۰۳	مسکونی	۳۶۰/۷۳	۱۰۰	۱,۴۰۰,۰۰۰,۰۰۰	نقد و اقساط	یلدختر روستای یاعلم	با وضعیت موجود - دارای متصرف مسئولیت رفع تصرف و هزینه های مربوطه بعهده خریدار می باشد.	
۶۷	۳۰۴۸۶۴	مسکونی	۱۲۱/۸۴	۹۰	۲,۷۵۰,۰۰۰,۰۰۰	نقد و اقساط	لرستان - کوهدشت - رومشگان - روستای بازوند	با وضعیت موجود - دارای متصرف مسئولیت رفع تصرف و هزینه های مربوطه بعهده خریدار می باشد.	
۶۸	۳۰۴۸۶۵	مسکونی	۲۴۴/۲۶	۱۲۰	۳,۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰	نقد و اقساط	کوهدشت - رومشگان - روستای بازوند	با وضعیت موجود - دارای متصرف مسئولیت رفع تصرف و هزینه های مربوطه بعهده خریدار می باشد.	
۶۹	۳۰۴۸۶۶	مسکونی	۵۱۶/۰۱	۱۷۰	۴,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰	نقد و اقساط	لرستان- کوهدشت- رومشگان - روستای بازوند	با وضعیت موجود - دارای متصرف مسئولیت رفع تصرف و هزینه های مربوطه بعهده خریدار می باشد.	
۷۰	۳۰۵۵۵۴	صنعتی	۲۸۰۰	۱۵۸۸	۶۵,۴۸۷,۰۱۰,۰۰۰	نقد و اقساط	لرستان - نورآباد - شهرک صنعتی شهرستان دلفان - شرکت شیرواره	با وضعیت موجود - دارای ماشین آلات - متراژ عرصه موجود ۲۷۷۲/۰۴ مترمربع - تعداد ۲۱ اصله درخت شمر و غیر شمر کارشناسی شده - دارای چاه نیمه عمیق)	
۷۱	۳۰۵۸۶۶	صنعتی	۵۰۰۰	۱۴۲۰	۴۷,۷۱۱,۰۰۰,۰۰۰	نقد و اقساط	شهرک صنعتی شماره ۲ خرم آباد	با وضعیت موجود - دارای متصرف مسئولیت رفع تصرف و هزینه های مربوطه بعهده خریدار می باشد.	
۷۲	۳۰۵۸۸۲	مسکونی- تجاری	۳۹۷	۲۷۰	۷۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	نقد و اقساط	خرم آباد - بلوار ولایت - بین نگارستان ۲۰ و ۲۱	با وضعیت موجود - دارای متصرف مسئولیت رفع تصرف و هزینه های مربوطه بعهده خریدار می باشد.	
۷۳	۳۰۶۰۹۷	مسکونی	۳۵۲	۸۵	۹۰,۴۷۵,۰۰۰,۰۰۰	نقد و اقساط	الشتَر - خیابان گلزار شهدا - بن بست ۹۰۴ - انتهای کوچه	با وضعیت موجود - دارای متصرف مسئولیت رفع تصرف و هزینه های مربوطه بعهده خریدار می باشد.	
۷۴	۳۰۶۲۰۳	مسکونی	قدرالسهم	۱۴۱/۰۲	۹,۸۷۰,۰۰۰,۰۰۰	نقد و اقساط	کوهدشت - خیابان بوعلی - گلستان ۱۰	با وضعیت موجود - ملک مشاعی (سهم بانک ۲۹/۶۹ سهم مشاع از ۹۶ سهم) - دارای متصرف مسئولیت رفع تصرف و هزینه های مربوطه بعهده خریدار می باشد.	
۷۵	۳۰۶۲۹۹	مسکونی	۱۹۲/۲۸	۲۱۴/۹	۶,۴۹۴,۶۸۷,۵۰۰	نقد و اقساط	بروجرد - شهرک اندیشه - فاز ۳ - کوچه کاج ۱ - پلاک ۴۶	با وضعیت موجود- ملک مشاعی (سهم بانک ۳۴/۸۷ سهم مشاع از ۹۶ سهم) - دارای متصرف مسئولیت رفع تصرف و هزینه های مربوطه بعهده خریدار می باشد.	
۷۶	۳۰۶۳۱۶	مسکونی	۱۶۷/۹	۱۳۸	۸,۸۰۰,۰۰۰,۰۰۰	نقد و اقساط	نورآباد - خیابان ۲۴ متری طالقانی - کوچه شهید حقی	با وضعیت موجود- دارای متصرف مسئولیت رفع تصرف و هزینه های مربوطه بعهده خریدار می باشد.	
۷۷	۳۰۶۳۲۹	مسکونی	۱۷۲/۲۳	۳۲۱	۹,۷۰۰,۰۰۰,۰۰۰	نقد و اقساط	دورود - انگشترنه - معیاد ۲۴ - بن بست اول - سمت چپ	با وضعیت موجود- ملک مشاعی (سهم بانک۳۳/۱۶۶ دانگ مشاع از ششدانگ) - دارای متصرف مسئولیت رفع تصرف و هزینه های مربوطه بعهده خریدار می باشد.	
۷۸	۳۰۶۵۴۲	مسکونی	۲۵۰	۳۲۵	۴۰,۲۵۱,۱۵۰,۰۰۰	نقد و اقساط	الیگودرز - خیابان فرهنگ - کوچه شهید حاتم	با وضعیت موجود- ملک مشاعی (سهم بانک ۳۳/۱۶۶ دانگ مشاع از ششدانگ) - دارای متصرف مسئولیت رفع تصرف و هزینه های مربوطه بعهده خریدار می باشد.	
۷۹	۳۰۶۵۸۴	مسکونی	۱۹۴/۲۶	۲۱۰	۶,۱۸۷,۲۰۰,۰۰۰	نقد و اقساط	سلسله - فیروزآباد - بلوار امام (ره) - خیابان سعدی	با وضعیت موجود- ملک مشاعی (سهم بانک ۳۳/۱۶۶ دانگ مشاع از ششدانگ) - دارای متصرف مسئولیت رفع تصرف و هزینه های مربوطه بعهده خریدار می باشد.	
۸۰	۳۰۶۵۸۵	مسکونی	۲۸۳/۷۲	۱۹۳	۵,۶۵۰,۰۰۰,۰۰۰	نقد و اقساط	سلسله - فیروز آباد - بلوار شورا	با وضعیت موجود- ملک مشاعی (سهم بانک ۳۳/۱۶۶ دانگ مشاع از ششدانگ) - دارای متصرف مسئولیت رفع تصرف و هزینه های مربوطه بعهده خریدار می باشد.	
۸۱	۳۰۶۸۳۳	مسکونی	۱۱۰/۵	۱۱۹/۶۹	۱,۲۷۱,۶۶۶,۶۶۷	نقد و اقساط	بروجرد - خیابان طالقانی - کوچه شهید گیوه کی - پلاک ۷	با وضعیت موجود - ملک مشاعی(سهم بانک ۳۰/۵۲ سهم مشاع از ۹۶ سهم) - دارای متصرف مسئولیت رفع تصرف و هزینه های مربوطه بعهده خریدار می باشد.	
۸۲	۳۰۶۸۷۸	مسکونی	۲۵۲/۶۴	۱۲۰	۲,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰	نقد و اقساط	خرم آباد - ویسکان - خیابان فرهنگ - کوچه نیلوفر ۱	با وضعیت موجود- ملک مشاعی (سهم بانک ۳۳/۱۶۶ دانگ مشاع از ششدانگ) - دارای متصرف مسئولیت رفع تصرف و هزینه های مربوطه بعهده خریدار می باشد.	
۸۳	۳۰۷۱۰۷	مسکونی	۱۰۴/۳۵	۸۸/۱۶	۳,۷۰۰,۰۰۰,۰۰۰	نقد و اقساط	بروجرد - خیابان وحدت - مقابل زورخانه - کوچه نافر - کوچه مروت پلاک ۳۰	با وضعیت موجود - دارای متصرف مسئولیت رفع تصرف و هزینه های مربوطه بعهده خریدار می باشد.(متراژ اعیانی طبق پایانکار۱۴۷/۹۱مترمربع می باشد)	
۸۴	۳۰۷۱۷۹	مسکونی	۱۸۲	۱۳۱	۲۴,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	نقد و اقساط	خرم آباد - خیابان مجاهدین اسلام - روبروی بیمارستان شهید رحیمی - کوچه بن بست کلیا.	با وضعیت موجود - دارای متصرف مسئولیت رفع تصرف و هزینه های مربوطه بعهده خریدار می باشد.	
۸۵	۳۰۷۲۵۴	مسکونی	قدرالسهم	۶۴/۳۹	۱,۷۶۸,۳۳۲,۳۳۳	نقد و اقساط	بروجرد - خیابان طالقانی - خیابان نظامی گنجوی - کوچه شهید جیتی - پلاک ۳	با وضعیت موجود- ملک مشاعی (سهم بانک ۴/۲۴۴ دانگ مشاع از ششدانگ) - دارای متصرف مسئولیت رفع تصرف و هزینه های مربوطه بعهده خریدار می باشد.	
۸۶	۳۰۷۲۵۵	مسکونی	۱۵۴/۰۱	۲۳۱/۲	۱,۱۱۷,۴۲۸,۱۲۵	نقد و اقساط	بروجرد - کشتارگاه - بلوار کشاورز - اسدآباد - کوچه نصر ۷ - پلاک ۲	با وضعیت موجود - ملک مشاعی (سهم بانک ۳۲/۵۰۷ سهم مشاع از ۹۶ سهم) - دارای متصرف مسئولیت رفع تصرف و هزینه های مربوطه بعهده خریدار می باشد.	
۸۷	۷۰۸۵	مسکونی	۱۷۰	۲۷۱	۱۸,۱۵۰,۰۰۰,۰۰۰	نقد و اقساط	الشتَر خ بروجردی روبروی منبع آب ب ۴۰۰	با وضعیت موجود - دارای متصرف مسئولیت رفع تصرف و هزینه های مربوطه بعهده خریدار می باشد.	
۸۸	۷۰۸۷	مسکونی	۸۰/۸۳	۱۶۰	۷,۴۲۰,۰۰۰,۰۰۰	نقد و اقساط	کوهدشت خ خاقانی نرسیده به ۳۰ متری تقاطع باهنر(کامل)	با وضعیت موجود - دارای متصرف مسئولیت رفع تصرف و هزینه های مربوطه بعهده خریدار می باشد.	
استان مازندران آدرس و تلفن دفتر نمایندگی: ساری میدان امام مدیریت شعب بانک ملت طبقه چهارم نمایندگی شرکت ماد تلفن: ۰۱۱-۳۳۳۷۸۱۹۲-۳۳۳۳۷۴۰۰									
ردیف	کد شناسه	کاربری	متراژ (متر مربع) عرصه	قیمت پایه	مبلغ یا احتساب تخفیف	شرایط فروش	آدرس	توضیحات	
۸۹	۳۰۷۱۰۰	خدماتی	۵۴۳۵	۹۵۶۰	۱۰۱,۶۶۰,۴۴۴,۲۲۳	نقد	قائنشهر میدان جانبازان ابتدای کمربندی روستای پرچی کلا بیمارستان نیا بوشیج	با وضعیت موجود - ملک مشاعی (سهم بانک ۱۷۲۱/۲۶ سهم مشاع از ۵۴۳۵ سهم مشاع - دارای متصرف مسئولیت رفع تصرف و هزینه ها بعهده خریدار می باشد. (بیمارستان نیمه کاره - مجوز ساخت بنیاد مسکن جهت ساخت بیمارستان ۶۰ تخت خوابی در ۵ طبقه با زیربنای ۸۷۱۸ مترمربع اخذ شده است) - به دلیل تغییرات صورت گرفته و نامشغلی بودن دقیق بعضی از حدود، متراژ اصلاح مندرج در سند با طبیعت همخوانی نداشته لذا اصلاح سند مالکیت به عهده خریدار می باشد. -بخش اعظمی از تأسیسات و ترانس برق موجود نمی باشد. سرفقلی با وضعیت موجود - هزینه و مسئولیت تغییر شغل بعهده خریدار می باشد.	
۹۰	۵۱۴۸	تجاری	-	۱۳۰	۱۶۹,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	نقد	تنگابن خیابان بعد از بل	سرفقلی با وضعیت موجود - هزینه و مسئولیت تغییر شغل بعهده خریدار می باشد. (اعیناتی کاملا تخریب شده است - عرصه متعلق به غیر می باشد و صرفا اعیان و سرفقلی واگذار می گردد).	
۹۱	۵۸۷	تجاری	-	۳۲	۶۹,۳۰۰,۰۰۰,۰۰۰	نقد	چالوس خیابان امام نرسیده به بانک ملت سمت شمال خیابان		
استان مرکزی آدرس و تلفن دفتر نمایندگی: اراک خیابان امام خمینی ساختمان مدیریت شعب بانک ملت تلفن: ۰۸۶-۳۳۳۲۸۰۲۰-۳۳۳۲۰۶۲۲									
ردیف	کد شناسه	کاربری	متراژ (متر مربع) عرصه	قیمت پایه	مبلغ یا احتساب تخفیف	شرایط فروش	آدرس	توضیحات	
۹۲	۳۰۴۴۰۸	مسکونی	قدرالسهم	۷۷/۸۵	۳,۵۱۰,۰۰۰,۰۰۰	نقد و اقساط	دلیجان - میدان شهید چمران - خیابان چمران یک - سمت راست طبقه ۳ غربی	با وضعیت موجود - ملک مشاعی (سهم بانک ۴/۴۵ دانگ مشاع از ششدانگ)	
۹۳	۳۰۶۳۴۶	مسکونی	۳۰۰	۲۴۷	۳,۶۸۱,۰۰۰,۰۰۰	نقد و اقساط	محلات - نیم ور - بلوار خیام	با وضعیت موجود- ملک مشاعی (سهم بانک ۳۲/۵۰۷ سهم مشاع از ششدانگ) - دارای متصرف مسئولیت رفع تصرف و هزینه های مربوطه بعهده خریدار می باشد.	
استان یزد آدرس و تلفن نمایندگی: یزد مدیریت شعب بانک ملت اداره تدارکات و ساختمان تلفن: ۰۳۵-۳۵۳۲۳۰۰۱۷-۲۱۶۴۶۶۰-۳۱۶۶۴۶۵									
ردیف	کد شناسه	کاربری	متراژ (متر مربع) عرصه	قیمت پایه	مبلغ یا احتساب تخفیف	شرایط فروش	آدرس	توضیحات	
۹۴	۱۰۲۲۱	صنعتی	۲۱۶۸/۷۵	۸۰۹۷/۱	۴۴۶,۱۱۷,۰۰۰,۰۰۰	نقد و اقساط	شهرک		



بارش‌های پاییزی از راه رسید

رگبار، رعدوبرق و وزش باد شدید هوای استان‌های شمالی گیلان، مازندران، گلستان و اردبیل را پاییزی کرد



حمیده یازکی

خبرنگار

هفته گذشته پس از طرح شایعه‌ای درباره بروز آب و هوای پاییزی و باران‌های سیل‌آسا در روزهای پایانی تابستان، سازمان هواشناسی در گفت‌وگو با همشهری اعلام کرد این موضوع صحت ندارد و وضعیت هوا در شهرهای مختلف عادی خواهد بود. با وجود این، استان‌های شمالی کشور در روزهای گذشته شاهد بارندگی، رگبار و کاهش نسبی دما و حتی رانش زمین (مازندران) بودند. در روزهای اخیر بار دیگر بازار شایعه‌ها داغ شده و هشدارهایی درباره بارش‌های بسیار شدید و سیل آسا دست به‌دست می‌شود.

رانش زمین در مسیر رویان پیش‌بینی‌های هواشناسی نشان می‌دهد این بار هم نباید منتظر تغییرات آب‌وهوایی شدید باشیم، اما همین باران‌های اندک در شمال کشور طی روزهای گذشته موجب شد آب‌های جاری زیر زمین افزایش یابد و مسیر گلندرد در فاصله بین شهرهای نور و بلده مازندران را دیگر دچار رانش

۶

کارشناس هواشناسی: شرایط جوی هوای شمال کشور در این روزها به شکل رگبار، رعدوبرق و وزش باد شدید موقتی است و سامانه بارشی از روز یکشنبه به بعد تضعیف خواهد شد، هم‌اکنون هشدار سطح زرد برای این استان‌ها صادر شده و وضعیت بحرانی اعلام نشده است

هم ادامه خواهد داشت. کارشناس سازمان هواشناسی با بیان اینکه روزهای پنجشنبه و جمعه یک سامانه بارشی جدید از سمت شمال غرب کشور وارد کشور خواهد شد به همشهری می‌گوید: در استان‌های ساحلی دریای خزر و اردبیل باران خواهد بارید. کبری رفیعی، با بیان اینکه استان‌های اردبیل، گیلان، مازندران و گلستان در این روزها با افزایش دمای هوا هم مواجه خواهند شد، اظهار می‌کند: با این حال از روز جمعه تا یکشنبه دما در این استان‌ها کاهش خواهد یافت، وی ادامه می‌دهد: شرایط جوی هوای شمال کشور در این روزها به شکل رگبار، رعدوبرق و وزش باد شدید موقتی است و سامانه بارشی از روز یکشنبه به بعد تضعیف خواهد شد. هم‌اکنون هشدار سطح زرد برای این استان‌ها صادر شده و وضعیت بحرانی اعلام نشده است.

آبادگی مدیریت بحران

مدیرکل بحران استان‌های گلستان و گیلان هم از صادر نشدن هشدارهای هواشناسی برای این استان‌ها خبر می‌دهد. امیر مرادی، مدیرکل بحران گیلان به همشهری می‌گوید: مدیریت بحران کشور و اداره کل هواشناسی گیلان تاکنون هشداری به ما نداده‌اند، اما اگر آب‌وهوای استان شرایط غیرعادی پیدا کند آماده هستیم. مدیرکل بحران گلستان هم با بیان همین نکته به همشهری می‌گوید: اقدامات پیشگیرانه برای سیلاب‌های تابستانی مراد و شهرپور از ۴ ماه پیش از مراد به دستگاه‌های مربوط اعلام شد تا کارهای ضروری و اضطراری مانند لایروبی رودخانه‌ها و مسیرهای آب و ایمنی پل‌ها را انجام دهند. رسول حسام، ادامه می‌دهد: در این مدت ماشین‌ها و ابزار لازم برای امداد و نجات نیز بررسی و تعمیر شده‌اند تا در هنگام بروز حادثه بتوانیم واکنش سریع داشته باشیم. به‌تاژگی نیز دستورالعملی برای آمادگی فصل زمستان ابلاغ شده است که از اختیار همه فرمانداران استان قرار گرفته و این هفته جلسه‌ای هم درباره آن برگزار خواهد شد.

گرد و خاک در جنوب

در شرایطی که استان‌های شمالی درگیر بارش و رگبارهای پاییزی هستند، به گفته مدیرکل پیش‌بینی و هشدار سریع سازمان هواشناسی، در درواز آینده در جنوب سیستان و بلوچستان، جنوب کرمان و برخی نقاط هرمزگان هم به‌ویژه در ساعات بعدازظهر و اوایل شب، رشد ابر، گاهی رگبار و رعد و برق و وزش باد شدید موقت مورد انتظار است؛ رگبار و وزش بادی که با گرد و خاک همراه خواهد بود. صادق ضیاییان ادامه می‌دهد: تا فردا (۳۱ شهریور) در شرق خراسان جنوبی و شمال سیستان و بلوچستان در منطقه زابل خیزش گرد و خاک و کاهش کیفیت هوا انتظار می‌رود و همچنین خلیج فارس و بخش‌های شرقی دریای عمان موج و تلاطم پیش‌بینی می‌شود. مدیرکل بحران سیستان و بلوچستان درباره بروز گردخود در این استان به همشهری می‌گوید: خطراتی که هفته گذشته و این هفته برای استان صادر شد، اخطار سطح زرد است. بادهایی از این دست در سیستان و بلوچستان نهادینه نشده و گردوغبار کیفیت هوای استان را کاهش می‌دهد. علیرضا شهرکی، می‌افزاید: ستادهای بحران شهرستان‌ها و فرمانداریه‌ها امور را کنترل می‌کنند و هلال احمر و راهداری شمال استان در آمادباش هستند تا در صورت بروز حادثه وارد عمل شوند. وی ادامه می‌دهد: هنگام بروز هشدار سطح زرد توصیه ما این است که تردهای جاده‌ای به حداقل برسد و افراد سالمند و بیماران ربوی در منزل بمانند تا دچار مشکل نشوند.

قاجاق آرد عشایر به جنوب

طی ۶ماه نخست امسال بیش از ۱۰ تن آرد قاجاق در شهرستان کهگیلویه در استان کهگیلویه و بویراحمد کشف و ضبط شد



ستاره حجتی

خبرنگار

این بار آسیب‌های قاجاق و فروش غیرقانونی، به عشایر و روستاهای کهگیلویه و بویراحمد رسیده است و قوت لایموت مردم سر از دامداری‌ها در می‌آورد و خوراک دام می‌شود. عمده این دامداری‌ها در خارج از استان و در استان‌های جنوبی کشور قرار دارند.

آرد عشایر، خوراک دام

محمدمیرزا، یکی از عشایر این استان درباره فروش سهمیه آرد دولتی عشایر به دلالت می‌گوید: چاره‌ای نداریم. می‌شود نان کمتری خورد، اما نمی‌شود مثلاً پول دوا و درمان را نداد یا بچه را بی‌کشش و کلاه به مدرسه فرستاد. او درباره روش انجام این کار می‌گوید: ما بخشی از سهمیه آردمان را در یافت نمی‌کنیم؛ یعنی اینطور نیست که ما برویم آرد را بگیریم و بعد به دلال و قاجاقچی بدهیم. یک نفر آشنا بود، پیشنهاد داد و ما قبول کردیم. او پول را به ما می‌دهد و بعد خودش از کارخانه یا شرکت آرد را به هر کجا که فروختند، می‌برد. عیسی، یکی از دامداران بوشهری است که از آرد برای تهیه خوراک دام استفاده می‌کند و می‌گوید: قیمت خوراک دام بالا و سهمیه اختصاص یافته کم است. برای ما که دامداری‌های کوچکی داریم، خرید خوراک به قیمت آزاد اصلاً صرف ندارد. مجبوریم یا نان خشک از نانوائی‌ها بگیریم یا آرد. نظارت بر نانوائی‌های داخل استان خیلی زیاد است و ما ناچاریم این محصول را از دلال‌هایی که از خارج استان آرد می‌آورند، تأمین کنیم.

کشف ۱۰تن آرد قاجاق

قاجاق گسترده آرد در کهگیلویه و بویراحمد در حالی اتفاق می‌افتد که براساس اعلام سازمان غذا و دارو، نان قوت و غذای اصلی ۴۳درصد از خانوارهای ششهری و ۵۶درصد از خانوارهای روستایی و عشایر را شامل می‌شود

و تغذیه در این استان بر پایه نان است.

بنا بر آمار منتشر شده در رسانه‌های محلی این استان فقط طی یک هفته گذشته بیش از چهارتن و نیم، آرد عشایری قاجاق جاسازی شده در خودروها در مبادی خروجی شهرستان کهگیلویه کشف شده است. رئیس تعزیرات حکومتی شهرستان کهگیلویه در این‌باره می‌گوید: با هوشیاری مأموران در روز جمعه‌ای که گذشت، ۵۴کیسه آرد ۴۰کیلوگرمی در جاده خروجی به سمت بهبهان کشف شد. آرد را بین کاه و پونجه جاساز کرده بودند. محمد

۱۸)مبلغ بازپرداخت تشده اوراق مشارکت: شرکت فاقد هر گونه مبلغ بازپرداخت تشده اوراق مشارکت است.

۱۹)مبلغ دیون شرکت و همچنین مبلغ دیون اشخاص ثالث که توسط شرکت تضمین شده‌است: مطابق با صورت‌های مالی حسابرسی شده ۱۳۹۹/۰۶/۳۱ مجموع بدهی‌های شرکت برابر با ۷۰۰۴۲۸۸۱ ریال می باشد. همچنین بر اساس یادداشت ۴۲ همراه صورت‌های مالی حسابرسی شده مزبور بدهی‌های احتمالی به‌همراه مبلغ تضمین‌های اعطایی در خصوص بدهی‌های اشخاص ثالث شرکت فاقد تعهد و بدهی های احتمالی میباشد.

۲۰)مدت پذیرهنویسی: پذیرهنویسی از اول وقت اداری روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۰/۰۶/۳۱ آغاز و تا پایان رقت اداری روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۰/۰۷/۲۹ به‌مدت ۳۰ روز ادامه خواهد داشت. تذکر: چنانچه سقف سرمایه تعیین‌شده قبل از انقضای مهلت پذیرهنویسی تکمیل و وجوه مربوطه تأمین گردد، عملیات پذیرهنویسی متوقف خواهدشد.

۲۱)حداقل و حداکثر سهایی که هنگام پذیرهنویسی باید تعهد شود: حداقل ۱ سهم و حداکثر ۳۸۷۴۶۳۸ سهم و با رعایت حدود مقرر در ماده ۳۳ قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه گری.

۲۲)مشخصات متعهد پذیرهنویسی و میزان تعهدات آن:

نام متعهد	شخصیت حقوقی	میزان تعهدات	موضوع فعالیت
شرکت سرمایه گذاری نیرو	سهایی عام	خریدکلیه حق تقدم های استفاده نشده ظرف ۹روز پابایی با رعایت حدود مقرر در ماده ۳۳ قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه گری	سرمایه گذاری درسهام و اوراق بهادار

۲۳)روزنامه کثیرالانتشار: روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه‌ها و آگهی‌های ناشر در آن منتشر می‌شود روزنامه دنیای اقتصاد می باشد. همچنین اعلامیه مذکور در روزنامه های همشهری و اطلاعات و (بر اساس مفاد مادهٔ ۱۷۷ لایحه اصلاحی قسمتی از قانون تجارت) نیز منتشر می گردد.

۲۴)چگونگی پذیرهنویسی: با توجه به ثبت شرکت بیمه آرمان (سهایی عام) نزد سازمان بورس و اوراق بهادار، پذیرهنویسی سهام این شرکت تماماً از طریق شبکه کارگزاری انجام خواهد شد. متقاضیان پذیرهنویسی می توانند در مهلت تعیین‌شده برای پذیرهنویسی نسبت به ارائه تقاضای سفارش خرید اقدام نمایند. ضمناً خریداران حق تقدم فوق، می‌بایست علاوه بر مبلغ پرداختی بابت حق‌تقدم، مبلغ اسمی هر سهم را نیز به کارگزار مربوطه بپردازند.

۲۵)مشخصات حساب بانکی ناشر: مبلغ ارزش اسمی حق تقدم‌های دریافتی توسط کارگزار ناظر در پایان هر روز معاملاتی، پس از تسویه وجوه در اتاق پایاپای شرکت سپرده‌گذاری مرکزی اوراق بهادار و تسویه وجوه، به حساب زیر واریز می‌گردد:

حساب شماره ۰۳-۰۲۱۵۰۰۸۴-۵۰۰ به‌نام شرکت بیمه آرمان سهایی عام، نزد بانک ایران زمین شعبه مرکزی کد ۵۰۰

۲۶)کلیه اطلاعات و مدارک مربوط به شرکت شامل: اساسنامه، طرح اعلامیه پذیرهنویسی و آخرین صورت‌های مالی به اداره ثبت شرکت ها و مؤسسات غیرتجاری تهران تسلیم شده‌است. همچنین گزارش توجیهی هیئت‌مدیره در خصوص افزایش سرمایه، گزارش بازرس قانونی و بیانه ثبت سهام در دست انتشار در سایت رسمی ناشران اوراق بهادار به آدرس www.Codal.ir در دسترس علاقه‌مندان می‌باشد.

نام سهامدار	نوع شخصیت حقوقی	تعداد سهام	درصد مالکیت
شرکت بانک ایران زمین	سهایی عام	۲۹۶,۷۵۹,۱۸۵	٪۱۹,۷۸
شرکت بانک گردشگری(سهایی عام)	سهایی عام	۲۳۲,۲۴۹,۹۹۷	٪۱۵,۵۱
شرکت پاتین بین الملل پردیس(سهایی خاص)	سهایی خاص	۱۵۱,۴۹۸,۵۴۴	٪۱۰,۰۹
سایر سهامداران حقیقی و حقوقی		۸۱۸,۹۹۲,۲۲۴	٪۵۴,۶۲
جمع		۱,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰	٪۱۰۰

۲۸)نحوه عمل در صورت عدم تکمیل پذیرهنویسی سهام شرکت: در صورت عدم تکمیل پذیره نویسی سهام، شرکت سرمایه گذاری نیرو(سهایی عام) تعهد نموده اند تا حداکثر هرروز پایانی با رعایت حدود مقرر در ماده ۳۳ قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه گری نسبت به خرید حق تقدم های اقدامه اقدام نمایند.

نکات مهم:

- مسئولیت صحت و قابلیت اتکای اطلاعات اعلامیه پذیرهنویسی بر عهده ناشر است.
- ناشر، شرکت تأمین سرمایه، حسابرس، ارزش یابان و مشاوران حقوقی ناشر، مسئول جبران خسارت وارده به سرمایه‌گذارانی هستند که در اثر قصور، تقصیر، تخلف و یا به‌دلیل ارائه اطلاعات ناقص و خلاف واقع در عرضه اولیه که ناشی از فعل یا ترک فعل آن‌ها باشد، متضرر گردیده‌اند.
- ثبت اوراق بهادار نزد سازمان بورس و اوراق بهادار، به‌منظور حصول اطمینان از رعایت مقررات قانونی و مصوبات سازمان بورس و اوراق بهادار و شفافیت اطلاعاتی بوده و به‌منزله تأیید مزایا، تضمین سودآوری و یا توصیه و سفارشی در مورد شرکت‌ها یا طرح‌های مرتبط با اوراق بهادار توسط سازمان نمی‌باشد.
- پذیره نویسان می توانند در صورت مشاهده هر گونه تخلف از موارد یادشده در این اعلامیه مراتب را کتبی به سازمان بورس و اوراق بهادار به آدرس زیر ارسال نمایند.
- تهران – ابتدای خیابان ملاصدرا – شمارهٔ ۱۲ سازمان بورس و اوراق بهادار – اداره نظارت بر انتشار و ثبت اوراق بهادار سرمایه‌ای
- مطابق با ماده ۳۳ قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه‌گری، تمکک بیش از ۲۰ درصد سهام شرکت‌های بیمه‌ای برای اشخاص حقیقی و حقوقی مجاز نمی‌باشد.
- اشخاص حقوقی که یک شخص حقیقی یا حقوقی همزمان بطور مستقیم یا با واسطه در آنها بیش از ۲۰ درصد حق رای داشته باشند.
- در رعایت ماده ۴ آیین‌نامه شماره ۴۰ ضوابط تأسیس مؤسسات بیمه غیردولتی، وزارتخانه ها، مؤسسه های دولتی، مؤسسه ها و نهادهای عمومی غیردولتی و شرکت های موضوع ماده ۲ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت- نمی توانند جزء مؤسین شرکت بیمه باشند.
- اشخاص حقوقی دولتی و وابسته به آنها نمی‌توانند در پذیرهنویسی سهام شرکت بیمه آرمان (سهایی عام) شرکت نمایند. در صورت شرکت نهادهای مذکور در پذیره نویسی، وجوه واریزشده در مدت متعارف عودت خواهد شد.

هیئت‌مدیرهٔ شرکت بیمه آرمان (سهایی عام)



اعلامیه پذیرهنویسی سهام

شرکت بیمه آرمان (سهامی عام)

ثبت‌شده به شماره ۴۱۹۸۰۱ و شناسهٔ ملی ۱۰۳۲۰۷۱۸۲۳۷

به‌اطلاع می‌رساند به‌استناد مصوبهٔ مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۹/۱۰/۰۱ و مجوز شمارهٔ ۹۹/۴/۲۸۰۶۷۸ مورخ ۱۳۹۹/۰۷/۱۲ بیمه مرکزی ج.ا.ایران و مجوز شمارهٔ ۱۶۳-۹۶۴/۷۸۸۸۴۹-۱۳۹۹/۰۹/۱۶ سازمان بورس و اوراق بهادار مقرر گردید سرمایه شرکت از مبلغ ۱,۵۰۰ میلیارد ریال به مبلغ ۲,۵۰۰ میلیارد ریال افزایش یابد. در مهلت تعیین شده جهت استفاده از حق تقدم خرید سهام، تعداد ۹۳۶,۱۲۵,۳۶۲ سهم از سهام جدید توسط سهامداران شرکت پذیره نویسی گردیده است. با عنایت به انقضای مهلت استفاده از حق تقدم مذکور و به‌منظور تحقق افزایش سرمایه، تعداد ۶۳۸۷۴۶۳۸ سهم ۱۰۰۰۰ ریالی استفاده نشده سهامداران برای پذیرهنویسی عمومی با عنایت به مجوز شمارهٔ ۴۹-۱۰۷۱۰۹۰۱۰۳۰۴۰۴۰۰ مورخ ۱۴۰۰/۰۶/۲۳ ادارهٔ ثبت شرکت‌ها به‌شرح زیر عرضه می‌گردد:

۱)موضوع فعالیت شرکت:

۱-انجام عملیات بیمه ای براساس پروانه فعالیت صادره از سوی بیمه مرکزی ج.ا.ا و ضوابطی که بیمه مرکزی ج.ا.ا اعلام می کند.

۲-تحصیل پوشش بیمه های انکابی از کشور دررابطه با بیمه نامه های صادره در چهارچوب ضوابط بیمه مرکزی ج.ا.ا

۳-سرمایه گذاری از محل سرمایه، ذخایر و اندوخته های فنی و قانونی در چهارچوب ضوابط مصوب شوراییایی بیمه.

تصره:میزان پذیرش و نگهداری ریسک در چارچوب ضوابطی است که بیمه مرکزی ج.ا.ا تعیین و ابلاغ می نماید.

۲)مرکز اصلی و نشانی شعب شرکت و کدپستی: ساختمان مرکزی تهران ، بلوارمیرداماد ،خیابان شمس تبریزی جنوبی ،پلاک ۰,۴ کد پستی ۱۵۴۹۸۵۶۱۱۱و همچنین دارای شعبه میباشد.

۳)سرمایه فعلی شرکت: ۱,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال

۴)موضوع افزایش سرمایه: اصلاح ساختار مالی

۵)محل افزایش سرمایه: آورده نقدی

۶)مبلغ افزایش سرمایه: ۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال

۷)مبلغ سرمایه پس از افزایش: ۲,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال

۸)مدت شرکت: نامحدود

۹)نوع سهام: عادی با نام و شرکت فاقد سهام ممتاز است.

۱۰)ارزش اسمی هر سهم: ۱,۰۰۰ ریال.

۱۱)مبلغ مشارکت شده توسط سهامداران شرکت: ۹۳۶.۱۲۵.۳۶۲.۰۰۰ ریال.

۱۲)تعداد سهام قابل عرضه به عموم: ۶۳۸۷۴۶۳۸ سهم.

۱۳)مشخصات اعضای هیئت‌مدیره و مدیرعامل شرکت:

اشخاص حقیقی یا حقوقی	شمارهٔ ثبت اشخاص حقوقی	شمارهٔ ملی اشخاص حقوقی	نشانی	تأیید شده	نام پدر	شماره شناسنامه	کد ملی	سمت/موقعیت/تبعات غیر موظف نیز درج گردد:
مجید قلی پور	—	—	—	—	حسن	۹۸	۲۱۶۱۷۰۰۱۹	مدیرعامل وعضو هیئت مدیره/موظف
رضا آقا پابایی	—	—	—	—	والی الله	۴۵۹۶	۰۰۴۴۱۳۷۷۷	رئیس هیئت مدیره/غیرموظف
حمیدرضا امیرحسنانی	—	—	—	—	عبدالرحمان	۴۹۷	۰۰۵۹۲۴۰۶۴۴	نائب رئیس هیئت مدیره/موظف
کلیدیز پیکارجو	—	—	—	—	پرویز	۱۷۷۶	۰۰۵۵۰۱۷۲۲۰	عضو هیئت مدیره / غیرموظف
داوود العالی‌فره	—	—	—	—	حسن	۹۹۹	۲۷۵۴۲۳۲۱۶۶	عضو وادیر هیئت مدیره/ غیرموظف
قشالی	—	—	—	—	مرتضی قلی	۱	۶۸۸۹۶۸۴۲۴۳	عضو علی‌ ابیدل
ایوباطل فره محاملو	—	—	—	—	محسن	۱۲۴۸۷	۰۰۰۸۳۷۷۶۰۱	عضو علی‌ ابیدل
مهدی ایرانی کلیان	—	—	—	—				

۱۴)شرایط حضور و حق رأی صاحبان سهام در مجمع عمومی:

درکلیه مجمع عمومی صاحبان سهام میتواند شخصا یا وکیل یا قائم مقام قانونی اشخاص حقوقی و حقیقی، نماینده یا نمایندگان شخص حقوقی صرف نظر از تعداد سهام خود به شرط ارائه مدارک و وکالت یا نمایندگی حضور به هم رسانند. هر سهامدار برای هر یک از سهم فقط یک رأی خواهد داشت.

۱۵)مقررات اساسنامه راجع به تقسیم سود، تشکیل اندوخته و تقسیم دارایی بعد از تصفیه:

تقسیم سود طبق ماده ۹۰ اصلاحیه قانون تجارت بین صاحبان سهام فقط پس از تصویب مجمع عمومی جایز خواهد بود در صورت وجود وجود منافع تقسیم ۱۰درصد از سود سالانه بین صاحبان سهام الزامی است. طبق مواد ۱۴۰ و ۲۳۸ قانون تجارت هیأت مدیره مکلف است هر سال یک بیستم از سود خالص شرکت را بعنوان اندوخته قانونی موضوع نماید. همین که اندوخته به یک دهم سرمایه رسید موضوع کردن آن اختیاری است و در صورتی که سرمایه شرکت افزایش یابد،کسر یک بیستم مذکور ادامه خواهد یافت تا وقتی که اندوخته قانونی به یک دهم سرمایه بالغ گردد. به پیشنهاد هیأت مدیره و تصویب مجمع عمومی عادی ممکن است قسمتی از سود خالص برای تشکیل سایر اندوخته‌ها کنار گذاشته شود تقسیم دارایی بعد از تصفیه طبق مفاد اساسنامه و با عنایت قوانین و مقررات مربوطه به عمل خواهد آمد.

۱۶)تعداد و امتیازات سهام ممتاز شرکت: شرکت فاقد سهام ممتاز است.

۱۷)مبلغ و تعداد اوراق مشارکت قابل تبدیل به سهم: شرکت فاقد هر گونه اوراق مشارکت قابل تبدیل به سهام است.

یادداشت یک

سنگر و ققمقه‌های خالی



سعید مروتی
روزنامه‌نگار

۱ وقتی جمشید حیدری فیلم «مرز» را براساس فیلمنامه‌ای از سیروس الوند کارگردانی کرد و سعید راد و داوود رشیدی را مقابل دوربین هدایت کرد، فقط چند ماه از شروع جنگ می‌گذشت هنوز هیچ کس شناخت و تجربه‌ای در زمینه سینمای جنگ نداشت. فیلم مرز هم بیشتر از فضای فیلم‌های حادثه‌ای و وسترن تبعیت می‌کرد و فضایش هم شبیه فیلم‌های دهقانی مرسوم و متداول آن سال‌ها بود. مرز قرار بود بفروشد که فروخت.

۲ در آخرین روزهای تابستان ۱۳۶۴، همه تماشاگرانی که با حضورشان جای سوزن انداختن در سالن سینما باقی نگذاشته بودند، با سوت و کف به استقبال هنر نمای سعید راد و جمشید آریا می‌رفتند. «عقاب‌ها» ی خاجیکیان آمده بود تا همه رکوردهای قبلی فروش را جابه‌جا کند. در دهه ۶۰ هیچ فیلم جنگی‌ای به اندازه عقاب‌ها تماشاگر را به هیجان نمی‌آورد؛ تماشاگری که برایش مهم نبود مهم‌ترین سکانس‌های نبرد هوایی عقاب‌ها با استفاده از فیلم‌های آرشیوی ارتش ساخته شده است. تماشاگری که عاشق صحنه‌ای بود که سعید راد و جمشید آریا ترک موتور نشسته بودند و درحالی‌که دشمن تعقیبشان می‌کرد به سمت مرز ایران می‌رفتند. تماشاگری که سعید راد را در قامت خلبان دوست داشت و از دیدن سکانس‌های جنگی فیلم به هیجان می‌آمد. همه نقدهایی که زمان اکران عقاب‌ها نوشته شد لحن منفی داشت ولی تماشاگری که بارها و بارها پای تماشا سی آخرین فیلم موفق ساموئل خاچیکیان می‌نشست، نقد فیلم نمی‌خواند. اگر هم می‌خواند آن تأثیر نمی‌گرفت.

۳ بهزاد بهزادپور و رفقایاش در خرمشهر با سربازان عراقی در گیر شده‌اند. تعقیب و گریز و تیراندازی و زدن تانک عراقی که حاضران در سالن سینما را به هیجان می‌آورد. «بلمی به‌سوی ساحل» فیلم پارتیزانی دلخواه نوجوان‌ها و جوان‌هاست. فیلم حماسی رسول ملاقلی‌پور که شور و اشتیاق و هیجان در آن موج می‌زند. همین شور و شوق است که فضای تهییجی متناسب با زمان را می‌سازد. کار کرد فیلم جنگی در میانه‌های جنگی که هنوز با نقطه پایانی فاصله زیادی دارد.

۴ استایل اسلحه به‌دست گرفتن خسرو ضیایی و اردلان شجاع‌کاوه و درگیری گروه چهارنفره ایرانی‌ها با لشکر بان عراقی، جذابیت می‌سازد و هیجان می‌آفرینند. «گذرگاه» با انبوهی از لحظات و فعل‌هایی که با معیارهای سینمای واقع‌گرا، غیرمنطقی و اغراق شده‌اند، پرچم فیلم جنگی را بالا نگه می‌دارد. فیلم شهریار بحرانی بدون پای‌ریگر شناخته شده و بدون ستاره، با هیجانی که می‌آفریند در تهران و شهرستان‌ها می‌فروشد.

۵ مهدی نریان رجز می‌خواند و پیش می‌رود. بچه‌های گردان کمیل یا شهید شده‌اند یا تشنه لب از هوش رفته‌اند. نیروی کمکی وقتی می‌رسد که مهدی نریان شهید شده است شجاعان ایستاده می‌میرند. «پرواز در شب» رسول ملاقلی‌پور می‌شود نقطه آغاز برای گذر از سینمای جنگ و رسیدن به سینمای دفاع مقدس.

۶ خمیاره مقابل عارفی زمین می‌خورد. عارفی روی زمین دراز کشیده و سر از خاک که برمی‌دارد. می‌شود ترس را به‌عنوان حسی انسانی در چهره‌اش دید. عارفی رویتن تن نیست و با سلسلی که گلوله‌هایش تمام نمی‌شود یک‌تنه به لشکر دشمن نمی‌زند. در «دیده‌بان» تمرکز حاتمی کیا بر خودی‌هاست. عراقی‌ها را از نزدیک نمی‌بینیم. مسئله فیلمساز نمایش دشمن نیست. تصویر حماسی از جنگ هم در دستور کار قرار ندارد. دیده‌بان نگاهی است از درون به بچه‌های جنگ. درست مثل «مهاجر» که منتقدان شیفته‌اش می‌شوند ولی تماشاگران زیاد تحویلش نمی‌گیرند. نمایش واقعیت، بدون آر تیست بازی و با تمرکز بر روابط آدم‌های جنگ، رفاقت‌ها و دل‌تنگی‌ها و مهاجری که پیش می‌رود و جان می‌گیرد.

۷ وقتی وحید و علی، کارگردان و آهنگساز از سر صحنه فیلم جنگی‌شان به دل جبهه رفتند و لوکیشن پر نرگد در چشم بر هم زدنی شد چزابه و ماز اواسط دهه ۷۰ به میانه‌های دهه ۶۰ رفتیم. در واقع با نبوغ‌آمیزترین تجربه سینمای دفاع مقدس مواجه شده بودیم. «سفر به چزابه» رسول ملاقلی‌پور، هنوز و همچنان همه آنچه غایت توقع و انتظار ماز سینمای دفاع مقدس است، عرضه می‌کند. چگونه می‌شود سکانسی را که صمد رزمنده اردبیلی با موبایل (که تصویری از آن ندارد و فکر می‌کند بیسم است) از گذشته به حال متصل می‌شود و با دخترش که بزرگ شده صحبت می‌کند، ستایش نکرد. چطور می‌توان تحت تأثیر غم غربتی که سایه‌اش بر سراسر فیلم افکنده شده قرار نگرفت؟ برای ما که در ۲۱ بهمن ۱۳۷۴ در آخرین روز جشنواره بیست و چهارم فجر، با چشمانی حیرت‌زده سفر به چزابه را تماشا می‌کردیم چه ضیافتی دلپذیر تر و «حال خراب‌کن»‌تر از این وجود داشت؟

۸ چهره پریشان و نگران خسرو شکیبایی در قامت رضا ضایی‌منش که نگران همسر باردارش است و بعد نمایش التهاب و انفجار حاصل از حمله عراقی‌ها به شهر، به بیمارستان و به شهروندان بی‌پناه. دوربینی که یک لحظه آرام و قرار ندارد و جهنم تمام‌عیاری که مشاهدش را قبلا در هیچ فیلم جنگی ایرانی‌ای ندیده‌ایم. با «کیما»ی احمد رضا درویش، سینمای ایران ملودرام جنگی را در سطحی فراتر از اندازه‌های متوسط و معمول تجربه می‌کند.

۹ وقتی صادق مشکینی به نیت گرفتن عکس یادگاری در جبهه، سر از خط مقدم درآورد و هر چه کوشید به عقب بازگردد بیشتر پیش رفت، ما برای نخستین بار به موقعیت‌های کم‌دی به بار نشسته در فیلمی جنگی خندیدیم. «لبلی با من است» سرفصلی تازه برای کمال تبریزی و پرویز پرستویی و آزمونی موفقیت‌آمیز در ورود به عرصه‌ای بود که سال ۷۴ هیچ‌کس فکر نمی‌کرد که می‌شود به آن ورود کرد، که می‌شود با جنگ شوخی کرد. می‌شود در نقد ریاکاری چنین ظرافتی به خرج داد و عجیب‌تر و جالب‌تر از همه اینکه می‌شود چنین فیلمی را به سلامت به نمر رساند و گرفتار مشکلات و سوء تفاهم و سوء برداشت نشد؟

۱۰ این فصل آخر است. می‌رسیم به آخرین فیلم جنگی‌ای که بهترین فیلمساز سینمای جنگ ایران کارگردانی‌اش کرد. جایی که محمود (مهدی احمدی) به بدنه تانک می‌کوبد، جایی که زن و بچه‌هایش به تنلوب با چهره‌های خندان و گاهی نگران در میانه رویا- کابوس و واقعیت ظاهر می‌شوند و جایی که بهترین فرزندان این سرزمین پرپر می‌شوند تا خاک وطن از دست نرود. لحظه‌ای ممد ساکت (جمشید هاشم‌پور) چاقوی ضامن‌دارش را به‌دست می‌گیرد و دلاورانه به دل دشمن می‌زند را از خاطر نمی‌بریم. سسال‌های گذشته و جای خالی رسول ملاقلی‌پور همچنان به چشم می‌آید.

راویان حماسه

حوزه سینمای جنگ قابل بررسی‌اند. اما اگر اهمیت، استمرار و تأثیرگذاری را مینا قرار دهیم عملا به تعداد انگشت‌شماری کارگردان می‌رسیم؛ کارگردان‌هایی که عملا بخش مهمی از تاریخ سینمای دفاع مقدس را آثار آنها تشکیل می‌دهد؛ ابراهیم حاتمی‌کیا، رسول ملاقلی‌پور و احمد رضا درویش به این فهرست می‌شد چهره‌های دیگر، (مثلا محمدعلی باشه‌آهنگر) را هم اضافه کرد که هم دغدغه و هم استمرار و هم ویژگی‌ها و شاخصه‌هایی قابل مطالعه در آثارشان به چشم می‌خورد ولی در نهایت و با در نظر گرفتن همه ابعاد ماجرا و گذر از تک‌چهره‌هایی که گریزی به سینمای دفاع مقدس زده‌اند اما در این حوزه ماندگاری نداشته‌اند در نهایت به همین سه کارگردان می‌رسیم.

نگاهی به فهرست پر تعداد فیلم‌های سینمای دفاع مقدس نشان می‌دهد که انبوهی از کارگردان‌ها در این حوزه طبع آزمایی کرده‌اند. از فیلمسازیانی که بیشتر به دنبال حادثه‌پردازی بوده‌اند تا چهره‌هایی که برای بیان اعتقادات‌شان وارد این عرصه شده‌اند تا کارگردان‌هایی که در مقطعی فیلم جنگی را نقطه مناسبی برای شروع فعالیت حرفه‌ای دانسته‌اند، ما با طیف‌های متنوعی مواجه هستیم که هر کدام به سهم خود گوشه‌ای از سینمایی را شکل داده‌اند که فیلم جنگی یا فیلم دفاع مقدسی نامیده می‌شود. دربارہ ویژگی‌ها و شاخصه‌های فیلم‌ها و فیلمسازان و دست‌بندی‌هایی که بر مبنای قواعد ژانر می‌توان انجام داد، حرف و حدیث بسیار است و ما عملا با انبوهی فیلم و کارگردان مواجهیم که در

تولد یک ژانر

به نمایش عمومی در نیامد. با چنین پیشینه‌ای سینمای ایران به دوران پس از انقلاب ورود پیدا کرد؛ سینمایی که با پیروزی انقلاب پوست انداخت و متحول شد و طولی نکشید که عراق به مرزهای کشورمان تجاوز کرد. با آغاز جنگ تحمیلی طبیعی بود که سینمای ایران هم به این رخداد مهم بپردازد. هر چند در سال‌های اولیه جنگ، نداشتن تجربه در ساخت فیلم جنگی، فقدان شناخت از حال و هوای حاکم بر جبهه‌ها باعث شد تا نخستین نمونه‌های این ژانر، آثار قابل قبولی از کار در نیایند؛ سال‌هایی که هنوز سینمای جنگ هویت نیافته بود. هر چند از دل همین تجربه‌ها و همین فیلم‌ها، سینمایی قهرمان‌محور پدید آمد که در دهه ۶۰ تماشاگران بسیار داشت.

تعداد فیلم‌های جنگی‌ای که در سال‌های قبل از پیروزی انقلاب ساخته شده‌اند از تعداد انگشتان یک دست هم کمتر است. «خون و شرف» و «خدا حافظ تهران» از ساخته‌های ساموئل خاچیکیان که اولی در دهه ۳۰ و دومی در دهه ۴۰ ساخته شدند احتمالا بیشتر به دلیل علاقه سازنده‌شان به حادثه‌پردازی جلوی دوربین رفتند؛ آن هم با کمترین امکانات و تجربه که نتیجه‌اش را می‌شود در کیفیت پایین سکانس‌های جنگی مثلا خدا حافظ تهران مشاهده کرد. در مورد خون و شرف هم خود خاچیکیان بارها به اینکه فیلم صرفا با ابتکار شخصی و با دست خالی ساخته شد اشاره کرده‌است. در دهه ۵۰ فیلم «تبه ۳۰۳» درباره حضور نظامی ارتش ایران در عمان و جنگ ظفار اشاره کرد؛ فیلمی که

بلمی به‌سوی ساحل



تولد یک ژانر

سینمای دفاع مقدس مهم‌ترین گونه‌ای است که در سال‌های پس از انقلاب شکل گرفته است

[مسعود پویا روزنامه‌نگار

«تعداد فیلم‌های جنگی که در سال‌های قبل از پیروزی انقلاب ساخته شده‌اند از تعداد انگشتان یک دست هم کمتر است. «خون و شرف» و «خدا حافظ تهران» از ساخته‌های ساموئل خاچیکیان که اولی در دهه ۳۰ و دومی در دهه ۴۰ ساخته شدند احتمالاً بیشتر به‌دلیل علاقه سازنده‌شان به حادثهٔ پر دازی جلوی دوربین رفتند؛ آن هم بسا کمترین امکانات و تجربه که نتیجه‌اش را می‌شود در کیفیت پایین سکانس‌های جنگی مثلاً خدا حافظ تهران مشاهده کرد. در مورد خون و شرف هم خود خاچیکیان بارها به اینکه فیلم صرفاً با ابتکار شخصی و با دست خالی ساخته شد اشاره کرد. در دهه ۵۰ فیلم «تپه ۳۰۳» درباره حضور نظامی ارتش ایران در عمان و جنگ ظفار اشاره کرد؛ فیلمی که به نمایش عمومی درنیامد.

با چنین پیشینه‌ای سینمای ایران به دوران پس از انقلاب ورود پیدا کرد؛ سینمایی که با پیروزی انقلاب پوست انداخت و متحول شد و طولی نکشید که عراق به مرزهای کشورمان تجاوز کرد.

با آغاز جنگ تحمیلی طبیعی بود که سینمای ایران هم به این رخ‌داده مهم بپردازد. هرچند در سال‌های اولیه جنگ، نداشتن تجربه در ساخت فیلم جنگی، فقدان شناخت از حال و هوای حاکم بر جبهه‌ها باعث شد تا نخستین نمونه‌های این‌ ژانر، آثار قابل‌قبولی از کار در نیابند؛ سال‌هایی که هنوز سینمای جنگ هویت نیافته بود. هرچند از دل همین تجربه‌ها و همین فیلم‌ها، سینمایی قهرمان‌محور پدید آمد که در دهه ۶۰ تماشاگران بسیار داشت. در بررسی سینمای جنگ نقش و اهمیت فیلم‌هایی چون «عقاب‌ها»، «گذرگاه»، «بلمی به‌سوی ساحل» و «کانی‌مانگا» را نباید فراموش کرد؛ فیلم‌هایی که به جای شخصیت بیشتر به حادثه اهمیت می‌دادند و به گیشه سینماها رونق می‌بخشیدند. آنچه از آن به‌عنوان سینمای دفاع مقدس یاد می‌شود با فیلم «دیار عاشقان» آغاز شد، با «پرواز در شب» ادامه یافت و با «پدیده‌بان» و «مهاجر» اوج گرفت. در این میان باید سهمی ویژه برای مجموعه «روایت فتح» قائل شد.

کاری که مرضی آوینی و گروهش انجام دادند ارائه تصویری بی‌واسطه از فضای حاکم بر جبهه‌ها بود. با تصاویری که اغلب به شیوه دوربین روی دست فیلمبرداری شده بود و با گفتار متن‌هایی که آوینی خود می‌نوشت و می‌خواند، شیوه تازه و بدیعی در مستندهای جنگی شکل گرفت که بعدها مستند اشرافی نامیده شد؛ مستندهایی که سینمای دفاع مقدس را وارد فضای تازه کرد. بررسی فیلم‌های جنگی نشان‌دهنده این نکته است که بهتر ین فیلم‌های این ژانر معمولاً پس از پایان جنگ ساخته شده‌اند؛ اتفاقی که در سراسر جهان رخ داده و در ایران هم به نوعی شاهد این

سیری در یک دوران سپری شده

وفیلمی بدون پس‌زمینه

عقاب‌ها (ساموئل خاچیکیان ۱۳۶۴)

«**هوشنگ گلکانی**: … فیلم، شخصیت ندارد. همه آدم‌ها (در هر یک از سه دسته ایرانی‌ها، کردها و نظامیان عراقی) شبیه همدیگرند و جز قیافه آنها، هیچ عاملی که بتواند آنها را از یکدیگر تفکیک کند، وجود ندارد (شخصیت‌پردازی). همه آنچه در خانه خلبانان می‌گذرد (و مثلاً قرار است کوشش‌های شخصیت‌پردازانه باشد) به کلیشه‌ای‌ترین شکل، فقط به قلقلک دادن سطحی‌ترین احساسات عامه تماشاگر می‌پردازد… حادثه‌ها و تصویرها پس‌زمینه‌نارند.به بیان دیگر، می‌توان گفت که فیلم، فضاسازی ندارد. از تمامی صحنه‌هایی که در ایران می‌گذرد، اصلانمی‌توان آن التهاب و فضای آشنای روزهای جنگ را احساس کرد. آدم‌هایی در جلوی دوربین بازی می‌کنند و در پشت آنها، هیچ چیز نیست. انگار عکس آدمی را از زمین‌های بریده باشند و روی تکه مقوای دستی چسبانده باشند. دیالوگ‌ها عموماً بد است و برخی از آنها اصلاً ناچاسا… داستان به کردستان عراق که کشیده می‌شود، مشکل زبان و دیالوگ بیشتر خودش را نشان می‌دهد. شیخ می‌گوید که با احترام مهمانان بهتر است فارسی صحبت کنند، اما از آن پس همگی از کرد و عرب – حتی هنگامی که مهمانان ایرانی نیز حضور ندارند – فارسی صحبت می‌کنند. این موضوع هم به باور تماشاگر لطمه می‌زند و هم به‌دلیل لپچه‌ها (برغم کوشش دوبلور ها) صحنه‌ها مضحک جلوه می‌کند. درست‌ترین راه این بود که در این صحنه‌ها آدم‌ها به زبان خودشان صحبت کنند و زیرنویس فارسی برای فیلم تهیه شود… نکته عجیب این است که از آن شیوه بیانی سابق خاچیکیان نشانه‌های اندک و کوچکی در «عقاب‌ها» مانده است. از آن نوع نورپردازی، زاویه‌ها و حرکت‌های دوربین و میزانش‌ها

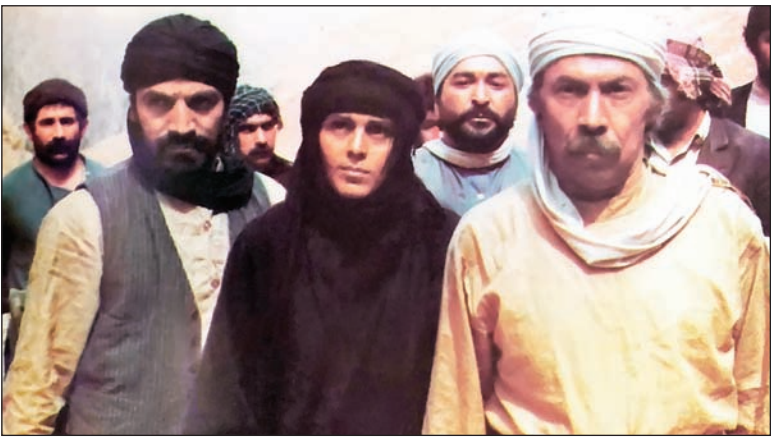
خبری نیست؛ برع‌رم آنکه موضوع و حادثه‌ها، با توجه به شناختی که از خاچیکیان وجود دارد، این گنجایش را داشته که باز هم شاهد تکرار همان شیوه‌ها باشیم. اما خاچیکیان در این مورد خاص دست به یک غافلگیری می‌زند. تنها در صحنه اتاق کنترل فرودگاه، هنگام ردیابی هواپیماهای دشمن و سقوط ۲ هواپیما ی ایرانی، دوربین روی دست و حرکت‌هایش برای ایجاد اضطراب و هیجان استفاده می‌شود. با توجه به دوسه فیلم آخر خاچیکیان، قبل از دیدن عقاب‌ها، تیترا این نوشته را نیز انتخاب کرده بودم: «خاچیکیان؛ فیلمسازی از یک دوران سپری شده». اما پس از تماشای فیلم و مقایسه‌اش با ساخت و پرداخت بیشتر فیلم‌های فارسی این روزها، می‌بینیم که اصلاً خود سینمای ایران (جز حرفه‌ها و لحظه‌های گذرا و تک و توک فیلم‌های متفاوت) هنوز در همان دوران سپری شده سیر می‌کند. فیلم، شماره ۳۰، آبان ۱۳۶۴

این فیلمو

سینمای دفاع مقدس

درنگ

۲۳۰۲۳۶۳۰ ☎



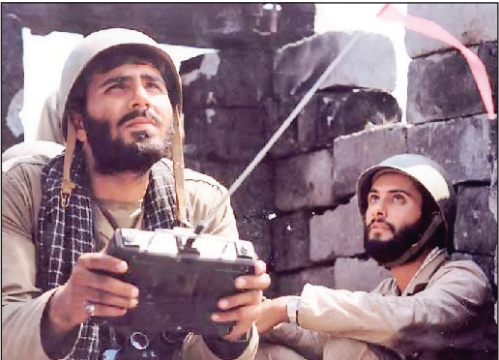
اولین فیلم جنگی «مرز» ساخته جمشید حیدری نخستین فیلم جنگی سینمای پس از انقلاب است. فیلم درست یک‌سال پس از آغاز جنگ تحمیلی اکران عمومی شد. داستان در حوالی مرز، پاسگاه مرزی و روستایی در اطرافش می‌گذشت. سیروس الوند، فیلمنامه را براساس فیلم‌های حادثه‌پرداز هالیوودی نوشته بود. با توجه به اینکه هنوز تجربه‌ای در خصوص سینمای جنگ وجود نداشت، فیلم در پرداخت، بیشتر به الگوی سسینمای دهقانی که جریان مرسوم و متداول آن سال‌ها بود ساخته شد.



الگوبرداری از سینمای پارتیزانی

«گذرگاه» سومین فیلم پر تماشاگر جنگی و یکی از پر مخاطب‌ترین فیلم‌های پس از انقلاب است؛ فیلمی حادثه‌پرداز که سازنده‌اش شهریار بحرانی تحصیل کرده سینما بود و گذرگاه را با الگوبرداری از فیلم‌های پارتیزانی ساخته بود.

گذرگاه تنها فیلم سینمای پس از انقلاب است که بدون بازیگر شناخته شده بسیار خوب فروخت.



داستان رفاقت

مثل دیده‌بان، در «مهاجر» هم این آدم‌های جنگ هستند که در اولویت فیلمساز قرار دارند نه خود جنگ؛ با این تفاوت که در مهاجر با داستان پرتنگ‌تری سروکار داریم.

مهاجر بیش از هر چیز فیلمی درباره رفاقت است؛ رفاقت میان محمود و اسد که حاتمی‌کیا آن را بسیار خوب از کار در آورده است و مهم‌تر از آن شاید جانب‌خشی‌دن به جسمی بی‌جان (مهاجر) باشد.



عراقی، وسط آن همه کوه و تپه و ماهور، درست روی درختچهای تنها، در فضایی به نسبت باز و گسترده گیر می‌کند که حتماً از ارتفاع بالا، به چشم بیاید و دیده شودا)… تحول را می‌توان در بریدن کناره‌های سفید بیرق «فاتحانک‌الفتحنا مینا» دانست (برای زخم‌بندی مجروحان) که حتی «داره به آیه‌هایش می‌رسد» و علت؟ ناگری‌های ناشی از کمبودها، وسایل پانسمان نیست، گلوله کم است، نفرت نیز، نیروی کمکی نرسیده است، تانک نیست، دیده‌بان هم…

جوانان امروز، شماره ۱۰۱۰۰، ۱۳۰۱ تیر ۱۳۶۷



اولین تصویر متفاوت جنگ

«حسن کاریخش فیلم «دیار عاشقان» را در حالی کارگردانی کرد که هنوز سینمای جنگی ایران با الگوبرداری از آثار خارجی کار خود را پیش می‌برد. دیار عاشقان نخستین فیلم سینمای ایران است که می‌کوشد به آدم‌های جنگ نزدیک شود و تصویری واقعی از رزمندگان ارائه دهد. همین نگاه متفاوت باعث شد ضعف‌های تکنیکی فیلم به فراموشی سپرده شود. پرویز پرستویی با دیار عاشقان به سینما آمد و نخستین جایزه‌اش را هم از جشنواره فیلم فجر گرفت.



استقبال پس از پذیرش قطعهنامه

«کانی‌مانگا» چند روز پس از پذیرش قطعهنامه ۱۵۹۸اکران عمومی شد و فراتر از تصور سازندگان با استقبال مردم مواجه شد. سیف‌الله داد در کانی‌مانگا الگوی موفق و امتحان پس داده عقاب‌ها با سر و شکل حرفه‌ای‌تر و خوش‌ساخت‌تر پیروی کرد. چالش قهرمان (فرامرز قریبیان) با ضدقهرمان (اکبر سسنگی) جذاب بود و کیفیت بالای صحنه‌های نبرد هلی کوپترها، کانی‌مانگا را به فیلمی خوش‌پرداخت تبدیل کرد.



ملودرام جنگی

«حاتمی‌کیا در «از کرخه تا راین» برای نخستین‌بار به تماشاگر عام و گسترده فکر می‌کند؛ اینکه می‌توان با پیگیری سر‌نوشت آدم‌های جنگ، سراغ جذب مخاطبان تازه هم رفت. فیلم آزمون‌ی است برای سازنده‌اش که توانایی خود را در ساخت ملودرام بسنجد.

از کرخه تا راین نشان می‌دهد ملودرام اگر درست ساخته شود می‌تواند هر تماشاگری را با خود درگیر کند.

افسوس

وتفسیری بر پذیرش قطعهنامه

دیده‌بان (ابراهیم حاتمی‌کیا ۱۳۶۷)

«**مسعود پورمحمد**: دومین فیلم حاتمی‌کیا را می‌توان هم افسوسی و هم تفسیری بر پذیرش قطعهنامه ۵۹۸ دانست. با آنکه مقدمات فیلم مدت‌ها پیش از آن فراهم شده بود و هرچند در خود فیلم مدت‌ها کوچک‌ترین صحبتی در این‌باره نیست و ماجرای آن تنها به مقاومت بخش کوچکی از نیروهای ایرانی در برابر یکی از هجوم‌های عراق می‌پردازد. اما فضای حاکم بر فیلم، حال و هوای پس از قطعهنامه است. با همان مشخصه. محور فیلم اول حاتمی‌کیا، «هویت» جنبه متحول‌کننده جنگ در ارتباط با انسان‌ها بود. شخصیت اصلی



فیلم، فردی بود کاملاً بیگانه با جبهه و فرهنگ آن و اصولاً بیگانه با فرهنگ که در مجاورت سا مجروحان جنگی و در برخورد با آنها به‌خودش بازی می‌گردد و هویت انسانی خود را پیدا می‌کند و دست‌کم در مورد گذشته‌اش به تردید می‌رسد. از همین زاویه، آن فیلم با آنکه ماجراهایش در شهر می‌گذرد یک فیلم کاملاً جنگی است. اما «دیده‌بان» ضمن آنکه مسیر بازیابی هویت را ادامه داده

است (و در اعلی درجه‌ان) و با اینکه به‌عنوان یک فیلم جنگی، حتی یک‌نم‌ا‌هم خارج از جبهه ندارد، بیش از همه متأثر از پشت جبهه است. در واقع تم اصلی فیلم تحولی است که در خود جنگ دارد اتفاق می‌افتد. بارزترین تجلی این

تحول را می‌توان در بریدن کناره‌های سفید بیرق «فاتحانک‌الفتحنا مینا» دانست (برای زخم‌بندی مجروحان) که حتی «داره به آیه‌هایش می‌رسد» و

علت؟ ناگری‌های ناشی از کمبودها، وسایل پانسمان نیست، گلوله کم است، نفرت نیز، نیروی کمکی نرسیده است، تانک نیست، دیده‌بان هم…

فیلم، شماره ۷۹، مرداد ۱۳۶۸



مثالث غریب
موضوع فقط این نیست که در «نجات یافتگان» شخصیت زن برای نخستین بار در سینمای ایران از پشت جبهه به میان آتش و خون می آید؛ نکته اصلی مثلث غریبی است که ملاقلی پور در فیلمش می سازد و فضای آخرالزمانی که به مدد تسلطش بر تکنیک و شناختش از جنگ خلق می کند. نجات یافتگان هنوز هم یکی از رادیکال ترین فیلم های سینمای دفاع مقدس است.



سفر نوستالژیک
سفر نوستالژیک ر رسول ملاقلی پور به جزا به پس از گذشت بیش از ۲۷دهه همچنان جایگاه خود را به عنوان بهترین فیلم سینمایی دفاع مقدس حفظ کرده است. فیلمساز از سال ۷۴ به سال ۶۴ می رود و از اطراف پرندک به جبهه جزا به؛ جایی که گذشته و حال با هم در آمیخته می شوند تا فیلمساز برای قهرمانان دفاع مقدس سنگ تمام بگذارد.



اولین کم‌دی جنگی
«به ندرت پیش می آید نخستین تجربه ها در حوزه هایی که قبلا کسی سراغش نرفته، بهتر ین دستاوردها را به همراه داشته باشد؛ اتفاقی که در مورد «یلی با من است» رخ داد. نخستین کم‌دی جنگی سینمای ایران هنوز هم در نوع خودش بهترین است؛ فیلمی که فاصله معنادار طنز و هجو را رعایت می کند و بدون توهین و شوخی های سخیف تماشاگرش را می خنداند و از آزمون دشار سربلند بیرون می آید.



چرا جنگ‌بیدیم؟
محمدعلی پاشه آهنگر در فیلم «ملکه» می کوشد به این سؤال پاسخ بدهد که در دهه ۹۰ چگونه باید سراغ جنگ رفت و فیلم دفاع مقدسی این دوران باید چه ویژگی هایی داشته باشد. پاسخ ملکه به این سؤال ها را می شود در ترکیب پیچیده شاعرانگی و خشونت، نمایش دلآوری و رشادت در کنار آسیب های پدیده جنگ بررسی کرد.



جنگ عامه پسند
«اخراجی ها» بعد از سال ها فیلمی که منسوب به سینمای دفاع مقدس بود را به صدر جدول گیشه رساند. مسعود ده نمکی به عنوان پدیده سینمای تجاری نیمه دوم دهه ۸۰، توانست مؤلفه های سینمای عامه پسند را به پشت خاکریزها بیاورد. با وجود مخالفت های فراوان منتقدان و برخی کنشگران عرصه سیاست، مردم اخراجی ها را دوست داشتند و از اخراجی ها ۲ بیشتر از قسمت اول استقبال کردند.



عرض اندام تکنیکی
احمد رضا درویش به عنوان یکی از فیلمسازان شاخص سینمای دفاع مقدس سراغ یکی از بلندپروازانه ترین پروژه های سینمایی اش رفت؛ «دوئل» که مثل اغلب ساخته های درویش ساختاری دوباره دارد. یک عرض اندام تکنیکی تمام عیار است. نیمه اول فیلم، به لحاظ عظمت و شکوه در حد بهترین نمونه های سینمای جنگ دنیااست.



آدم های جنگ در دل اجتماع
«نقطه عطف تلاقی آدم های به جا مانده از جنگ با روزگاری که عوض شده است. حاتم کیبا در «آژانس شیشبهای» از فراموش شدن ارزش ها و آرمایان دفاع مقدس می گوید؛ فیلمی که در زمان اکرانش همه جناح های سیاسی را وادار به واکنش می کند، موفقیتش را مدیون رعایت قواعد ژانر و زمانه شناسی سزاند؛ اقتباسی هوشمندانه از فیلم «بعدازظهر سگی» ساخته سیدنی لومت.



زن ها در حاشیه و متن جنگ
اهمیت فیلم «ویلا یی ها» در تصویری است که از زن ها در ایام دفاع مقدس می سازد. منیر قیدی در نخستین فیلم بلند سینمایی اش تأثیر مستقیم جنگ را بر خانواده ها بررسی می کند؛ روایتی کاملاً زنانه که جای خالی اش در عرصه سینمای دفاع مقدس کاملاً محسوس بود. برای نخستین بار این مادران و همسران زندمندان هستند که بیشتر از مردان جنگ، در کانون توجه فیلمساز قرار گرفته اند.



دایره بسته، دریچه های تازه
«تنگه ابوقریب» محصول تلاش و تفاهم و همکاری نهاد انقلابی (سازمان اوج) با فیلمساز برخاسته از جریان روشنفکری (بهرام توکلی) است؛ کوششی برای گشودن دریچه های تازه به روی سینمای دفاع مقدس. درست عکس سمیری که کاراکترهای فیلم تنگه ابوقریب طی می کنند و گویی در دایره ای بسته گرفتار شده اند. فیلم محصول تلاشی فناورانه نیز هست. تجربه ای در تکنیک و رهایی از قید و بندهای معمول که حاصل تفاهم جمع به ظاهر نامگون تهیه کننده و کارگردان است.



تصویر متفاوت جنگ
«در شرایطی که سرداران سینمای دفاع مقدس کمتر در این عرصه حضور دارند، به نظر می رسد باید به حضور چهره های جوان خوشامد گفت. محمدحسین مهدویان به عنوان فیلمساز متولد دهه ۶۰ هم در مجموعه «آخرین روزهای زمستان» و هم در فیلم «ایستاده در غبار» نشان می دهد فیلمسازان جبهه ندیده هم می توانند آثاری قابل تامل درباره جنگ بسازند.

فلک، داروندارم این سرزمین است

مزرعه پدیری (رسول ملاقلی پور ۱۳۸۳)

«جواد طوسی: «مزرعه پدیری» را از نظر بیان قصه، ساختار و قالب اجرایی و تداخل دنیای ذهنی و واقعی، می توان آخرین قسمت از تریلوزی ساخته و پرداخته رسول ملاقلی پور بعد از «سفر به جزا به» و «هیوا» به شمار آورد.

دقیق شدن در این نکات که چرا این سفر ذهنی پر مرارت دست از سر ملاقلی پور بر نمی دارد، بحث جداگانه ای را می طلبد اما تداوم حضور و پرسه زدن ملاقلی پور در این دنیای کابوس گونه و رفتن دوباره به پیشباز خواب های هولناک، می تواند نوعی تخلیه کردن کنایه آمیز باشد. انگار که او برای کنار آمدن با دنیای به هم ریخته و پر از نیرنگ و ریای پیرامونش و رخ به رخ شدن با خیل آدم های از دست رفته و رنگ عوض کرده و روزمرگی را ندارد.

ملاقلی پور برای گریز از این موقعیت برزخی، ترجیح می دهد به رؤیاها و کابوس های پناه ببرد و با نمایش مرگ و زندگی عشق های به خون کشیده شده، پایمردی و سلحشوری اسطوره های گمنام و در میان گلوله و آتش و خون، به آرامش برسد. فیلم با نمای عمومی از یک مزرعه، شروع و تمام می شود. هدف ملاقلی پور از تکرار این لوکیشن و تأکید بر آن در بخش هایی از فیلم، ایجاد افقی گسترده تر برای مزرعه (به عنوان سرزمین) و رسیدن به مفهومی ملی و میهنی بوده است. منتهی او با اصول و قواعد خود، این مفهوم را عنیت می بخشد. محوریت شخصیت محمود شوکتیان (مهدی احمدی)، در واقع نوعی ادای دین دوباره ملاقلی پور به شهید حسن شوکت پور است. او قبلاً نیز فیلم «سفر به جزا به» را به این رزمنده تقدیم کرده بود. اما در اینجا ملاقلی پور، با نگاهی تاویل گونه و در عین حال نوستالژیک، به شخصیت مورد علاقه اش نزدیک می شود.

محمود شوکتیان قرار است راوی دلتنگی ها و هجرانی های ملاقلی پور باشد. دنیای عاشقانه او را همسرش سودابه (آنته فقیه نصیری) و فرزندانش احسان و ریحانه، پر می کنند. ملاقلی پور این دنیای سرشار از عشق و دلدادگی را به موازات دنیای پر خشونت جبهه و جنگ، مرحله به مرحله پیش می برد و این ویژگی بارز نگاه خاکستری اوست. انگار که آن پیوند و عشق و همدلی و وصل، همواره باید در تیرس حادثه و اتفاقی ناگوار باشد.

دنیای تصویر، شماره ۱۳۵، مهر ۱۳۸۳

مایادگار عصمت غمگین اعصاریم

سفر به جزا به (رسول ملاقلی پور ۱۳۷۵)

«سعید عقیقی: «سفر به جزا به» به دلیل منطق ویژه خود، فرم روایی غافلگیرکننده اش در دوایر محدود و ملتهب، فیلم باارزشی است که با توجه به توان بالقوه فوق العاده اش در این زمینه می توانست به اثری استثنایی بدل شود.

شاید توجه بیشتر به ساساختار از پیش اندیشیده و تعیین شده، جسارت بیشتر و شتاب کمتر در محدوده نوآوری های فرمی، مکث دقیق تر روی جزئیات هر صحنه و قابلیت های آن، به وضعیتی ایده آل منجر می شد. اما در شکل کنونی هم، سفر به جزا به از بهترین های سینمای ایران در سال های اخیر است؛ جبهش بلندی برای فیلمسازی که از فیلم های- اغلب- ناکارآمد و معمولی پیشین او به چنین کیفیتی رسیده است.

موفقیتی که بیش از هر چیز، مرهون درهم تنیده شدن نظم و بی نظمی است؛ پیوندی که در آن، مفاهیمی چون «غریزه»، «احساس»، «منطق»، «کمال گرایی» و ضدیت با آن، «آرمان خواهی» و بی آرمانی، همگی زیر چتر ظرفیت برآون، ساختاری فیلم گردآمده و مجموعه ای قابل اعتنا فراهم کرده اند. در تجربه سفری که به همراه فیلمساز و آهنگساز از سر می گذرانیم، جزئیات هوشمندانه را از یاد نمی بریم (مثل تابلوی «پیش شمشیر غمت رقص کنان خواهیم رفت»- که هنگام قدم زدن علی و وحید در حال حمل به درون صحنه است و دقایقی پس از ورودشان به جزا به، آن را مقابل سنگ مراد می بینیم)؛ اما باور می کنیم که به دنیای پیش رو راهی نداریم. حتی وحید که با تمام وجود سعی دارد خود را به این دنیا متصل کند و طبعاً به قصد «باوراندن» و ثبت حضور و حل کردن تضاد میان این دو دنیا- نهان مایه اصلی فیلم- در لحظه بازگشت همراه علی، فرمانده و چند تن دیگر، عکسی به یادگار می گیرد، دمی در فضای دلخواهش به سر می برد و گسسته از- و ناهمخوان با- آن، شکست می خورد و به دنیای «واقعی» برتاب می شود. اکنون با منطق دنیای جدید، شمایل جهان پیشین به تمامی محو می شود و تصویر به جا مانده، چیزی جز عکس یادگاری وحید و علی کنار تانک- د کور فیلم- نیست. و بدین سان، سفر به پایان می رسد: «سفری دشخوار و تلخ/ از دهلیزهای خم اندر خم و پیچ اندر پیچ از پی هیچ» [الف بامداد].

فیلم، شماره ۱۹۳، آبان ۱۳۷۵

قناعت

هور در آتش (عزیزالله حمیدنژاد ۱۳۷۱)

«خسرو دهقان: «هور در آتش» خوشبخت. این فیلم یکی از خوش اقبال ترین فیلم های سینمای ایران در دهه اخیر بوده است، تا آنجا که در محدوده کار همکاران منتقد و حرفه نقدنویسی گفت و گو می کنیم، ادبیات سینمایی دست افشار منتقدین نشان می دهد که فیلم در کل پذیرفته شده است و در یک کلام هور... مهربان است. همه در فواید و مکانیسم مهربانی نوشته اند. هر یک به سیاقی. مهربانی گرداگرد یا چند جانبه منتقد و فیلم و فیلمساز. همگی خواننده را به مجلس صفا و لطف دعوت می کرده اند و بر یک قول متفق اند: هور در آتش آری، خیلی هم آری... و اما... مشکل بنیانی فیلم از محسناتش است که نشأت می گیرد. از آب در نیامدن فیلم، از خوبی هایش مایه می گیرد. این ردیف کردن شمار پایان ناپذیری صفت خوب، مثبت، سالم و کمداعا، فیلم را برای منتقدان تحمل پذیر کرده است، چون منتقدین خواسته ناخواسته به قیاس نشسته اند.

از میان بد و بدتر، به بد رضا داده اند. فیلم سالم نتیجه اش این می شود که کار نمی کند، که روی دست می ماند... و اما... همچنان مهم ترین مشکل هور... در خوب بودنش است. نتیجه این خوبی، فیلم تخته شده که زیر و بم ندارد، که آدم بد و خوب ندارد، که کشش ندارد، که درام در آن اتفاق نمی افتد، که نزاعی در نمی گیرد، که کششی صورت نمی گیرد.

وقتی فیلمی فاقد سوپر استار باشد تا که، از تماشاگران در سالن سوت و کف بگیرد، آنچه روی پرده می گذرد فیلم بی بو و خاصیتی می شود که، اصلاً چرا باید مردم به دیدارش بروند... شخصیت پردازی فیلم ظریف است.

آدم ها به هم کمک می کنند. باباعقیل هوای مولایی را دارد و مولایی یواشکی و دور از چشم باباعقیل فانوس را از آب سرد، بیرون می آورد. بسیجیان همه عاشقند و فرمانده مودب است و همه به هم تعارف می کنند. ما فیلم مودب را دوست داریم پس که از فیلم های بی ادب رنج کشیدیم، اما تماشاگران چرا باید بروند و آدم های خطاناپذیر مودب را روی پرده ببینند... با این همه، موضع ما همچنان بسیار روشن است. فیلم را کماکان می پسندیم و بر باور خود تردیدی نداریم. اما هور... هیچ چیز دل انگیزی ندارد که برای مدت درازی در خانه دل جاکوش کند. فیلم حداقل از هر چیز را دارد.

حداقل فکر و ذوق و پرداخت و سینما. و این حداقل ها برای ما کفایت می کند. ما به این حداقل ها قانع هستیم. قناعت پیشه ماست...

سوره سینما، شماره ۴، پاییز ۱۳۷۲

راویان حماسه

درباره ابراهیم حاتمی کیا، رسول ملاقلی پور و احمد رضا درویش
مهم‌ترین فیلمسازان سینمای دفاع‌مقدس

نگاهی به فهرست پر تعداد فیلم‌های سینمای دفاع‌مقدس نشان می‌دهد که انبوهی از کارگردان‌ها در این حوزه طبع آزمایی کرده‌اند. از فیلمسازی که بیشتر به‌دنبال حادثه‌پردازی بوده‌اند تا چهره‌هایی که برای بیان اعتقادات‌شان وارد این عرصه شده‌اند تا کارگردان‌هایی که در مقطعی فیلم جنگی را نقطه مناسبی برای شروع فعالیت حرفه‌ای دانسته‌اند، ما با طیف‌های متنوعی مواجه هستیم که هر کدام به سهم خود گوشه‌ای از سینمایی را شکل داده‌اند که فیلم جنگی یا فیلم دفاع‌مقدسی نامیده می‌شود. درباره ویژگی‌ها و شاخصه‌های فیلم‌ها و فیلمسازان و دسته‌بندی‌هایی که بر مبنای قواعد ژانر می‌توان انجام داد، حرف و حدیث بسیار است و ما عملاً با انبوهی فیلم و کارگردان مواجهیم که در حوزه سینمای جنگ قابل بررسی‌اند. اما اگر اهمیت، استمرار و تأثیرگذاری را مینا قرار دهیم عملاً به تعداد انگشت‌شماری کارگردان می‌رسیم؛ کارگردان‌هایی که عملاً بخش مهمی از تاریخ سینمای دفاع‌مقدس را آثار آنها تشکیل می‌دهد: ابراهیم حاتمی کیا، رسول ملاقلی پور و احمد رضا درویش. به این فهرست می‌شد چهره‌های دیگر، (مثلاً محمدعلی باشه آهنگر) را هم اضافه کرد که هم دغدغه و هم استمرار و هم ویژگی‌ها و شاخصه‌هایی قابل مطالعه در آثارشان به چشم می‌خورد ولی در نهایت و با در نظر گرفتن همه ابعاد ماجرا و گذر از تک‌چهره‌هایی که گریزی به سینمای دفاع‌مقدس زده‌اند اما در این حوزه ماندگاری نداشته‌اند در نهایت به همین سه کارگردان می‌رسیم.

ابراهیم حاتمی کیا

ستایش‌شده‌ترین فیلمساز سینمای دفاع‌مقدس که خیلی زود و از همان گام‌های اول کشف شد و مورد توجه منتقدان و مدیران قرار گرفت؛ از فیلم بدون‌عنوان‌بندی «هویت» گرفته که خسرو دهقان منتقد مهم و تأثیرگذار دهه ۶۰ بر فرجه‌اش مهر تأیید زد تا «دیده‌بان» که سر فصل تازه‌ای در سینمای دفاع‌مقدس رقم زد. حاتمی کیا در انتهای دهه ۶۰ با دیده‌بان و «مهاجر» محبوب‌ترین کارگردان جنگ، میان منتقدان و مدیران سینمایی بود. تصویری که حاتمی کیا در فیلم‌های اولیه‌اش از مفهوم جنگ و آدم‌های درگیر آن به نمایش می‌گذاشت و پرهیزش از ورود به عرصه نمایش نبرد کلاسیک و تأکیدش بر روابط انسانی و فاصله‌گرفتن از حادثه و کوشش برای ترسیم حال و هوای حاکم بر جبهه‌ها، حاتمی کیا را چنان محبوب کرد که فیلم‌هایش با ساموئل فولر و هوارد هاگز مقایسه شدند. حاتمی کیا بعد از شکست فیلم «وصل نیکان» متهم شد که شهر را نمی‌شناسد، با فیلم «از کرخه تا راین» برای نخستین بار توانست با مخاطب گسترده ارتباط برقرار کند. ملودرام تأثیرگذار ابتدای دهه ۷۰، باعث شهرت و محبوبیت عام حاتمی کیا شد. بعد از فیلم فرم‌گرای «خاکستر سبز»، حاتمی کیا با دو فیلم «بوی پیراهن یوسف» و «برج مینو» کوشید تا در دل سینمای دفاع‌مقدس فضای تازه‌ای را تجربه کند. با فیلم «آژانس شیشه‌ای» که نقطه اوج کارنامه فیلمساز در دهه ۷۰ است، داستان پیگیری سرنوشت آدم‌های جنگ در دل اجتماع همچنان دنبال می‌شود. فیلم‌نماین «روبان قرمز»، نمایانگر کوشش حاتمی کیا برای انطباق دغدغه‌هایش با شرایط روز جامعه بود؛ حاتمی کیایی که در فیلم‌های بعدی‌اش، «هوج مرده» و «به نام پدر»، ورسיוن‌های متفاوتی از حاج کاظم آژانس شیشه‌ای ارائه داد؛ حاج کاظمی در مواجهه با عصیان و اعتراض فرزندان. حاتمی کیا در دهه ۸۰ کوشید تا در عرصه‌های دیگر هم تجربه‌اندوزی کند و در دهه ۹۰ سرافق‌فیلم‌های عظیم‌تر و تکنیکال‌تر رفت که شاید بتوان گفت «چ» موفق‌ترین فیلمش در این سال‌هاست. حاتمی کیایی که گرچه سال‌هاست یک فیلم کلاسیک دفاع‌مقدسی نساخته، همچنان جزو مهم‌ترین فیلمسازان سینمای دفاع‌مقدس است.

رسول ملاقلی پور

از نخستین استعدادهای فیلمسازی بعد از انقلاب و نخستین چهره مهم سینمای دفاع‌مقدس که کارش را با فیلم ساده «تینوا» آغاز کرد. فیلم پارتیزانی «بلبی به‌سوی ساحل» هیجان و حادثه و تعلیق و تسلط نسبی در خلق صحنه‌های جنگی را نمایان می‌کرد و با «پرواز در شب» ملاقلی پور عملاً سنگ بنای سینمای دفاع‌مقدس را گذاشت. پرواز در شب، به‌عنوان فیلمی آغازگر و کلیدی نقطه تمایز فیلم کلاسیک جنگی و فیلم دفاع‌مقدسی را نمایان کرد. داستان نمایش، حال و هوای خاص حاکم بر جبهه‌ها بعد از جرقه «دیار عاشقان» (حسن کار بخش ۱۳۶۲) با پرواز در شب و مهدی نریان فرمانده گردان کمیل و نیروهایش شروع شد. بسیاری از عناصر آشنای سینمای دفاع‌مقدس ابتدا در پرواز در شب به‌کار گرفته شدند و بعدها به دیگر فیلم‌ها راه یافتند؛ هرچند فیلم در نمایش حماسی، شکست کمتر بدیلی یافت. «افق»، کوششی موفق برای یافتن مخاطب گسترده بود؛ حماسی‌ترین فیلم ملاقلی پور و احتمالاً پرتماشاگرین اثرش. بعد از پایان جنگ، ملاقلی پور موقتاً ساخت فیلم جنگی را کنار گذاشت و سراغ درام‌های اجتماعی رفت.

فیلم‌های «مجنون» و «خسوف» ارتباطی با فیلم‌های قبلی سازنده‌اش نداشت و با «پناهنده» ملاقلی پور قهرمان دفاع‌مقدسی‌اش را که در فیلم دلتنگ از دست‌دادن دوستان و همرزمانش است، بازمی‌یابد. در میانه دهه ۷۰، ملاقلی پور با «تجارت‌یافتگان» و «سفر به جزایه» نه فقط شاهکارهای کارنامه‌اش که بهترین فیلم‌های سینمای دفاع‌مقدس را می‌سازد. هر دو فیلم و به‌خصوص سفر به جزایه، در سال‌های بعد مورد توجه قرار گرفتند ولی در زمان ساختشان با بی‌مهری مواجه شدند. «هیوا» در تداوم تجربه‌های قبلی

ایستاده بر سر مرز دو سینما

ایستاده در غبار (محمدحسین مهدویان، ۱۳۹۵)



«محمدسعید محمصی: «ایستاده در غبار» را، هم می‌توان به‌عنوان یک مستند تماشایی دانستی دید و هم آن را یک فیلم سینمایی داستانی به شمار آورد...نکته مهم در این فیلم تنها این نیست که اصلاً مستند است یا نه، نکته مهم و اساسی این است که باعث می‌شود توان سینمایی مستند برای داستان‌گویی را ارتقا ببخشد؛ به‌ویژه در زمانی که بسیاری از شخصیت‌های تاریخ شده (یا نشده) حضور دارند و زنده‌اند و در نتیجه می‌توانند به‌عنوان راویان اصلی حرف بزنند و اگر هم کسانی از آنها زنده نیستند یا مثل احمد متوسلیان اصلاً معلوم نیست زنده‌اند یا نه و از آنها راش‌هایی، سخنرانی‌های ویدئویی یا نوارهای صوتی موجود است. مهدویان از میان این همه داشته‌ها و نداشته‌ها به فرمولی عملی دست یافته است: اصل قرار دادن سخنان شاهدان و همراهان شخصیت اصلی (متوسلیان) به‌عنوان حاشیه صوتی و همراه کردن این سخنان با انواع تصاویر بازسازی شده (بازی بازیگران در مکان‌های کاملاً بازسازی شده) و در آمیختن این تصاویر با تصاویر مستندی که به‌صورت راش در آرشیو صدا و سیما یا مراکز دیگر موجود است و اگر تصویر مؤثری موجود نبود اما نوارهای صوتی از همان شخصیت‌ها موجود بود، استفاده از این نوارهای صوتی و خلق صحنه‌هایی که بتوان از این نوار صوتی یک صحنه مستند نما ساخت. به‌نظر فرمولی عملی می‌آید اما کاری است که می‌تواند پوست فیلمساز را بکند!... تمام فیلم (از نظر تصویری) بازسازی شده است، اما کل فیلم را به‌عنوان یک مستند می‌بینیم. تضاد یا حتی تناقض این نحوه از کار باعث جذابیت آن شده و بر ارزش کار دلالت می‌کند... در عین حال فیلمبرداری این نوع فیلم هم با بقیه تفاوت دارد. به‌دلیل ضرورت استفاده از راش‌های جنگی موجود و ضرورت مستند نمایی کامل، نحوه و مواد فیلمبرداری باید مشابه راش‌های موجود تنظیم بشود، اما نه در حدی که نتیجه فیلمبرداری از حد استاندارد فعلی پایین‌تر بیاید! این کاری است که در ایستاده... انجام شده فیلم به شیوه ۱۶ میلیمتری فیلمبرداری شده، کیفیت تصاویر گرینی است، تکان‌های ناشی از فیلمبرداری روی دست، گاه خیلی زیاد است (با اینکه استیدی کم‌های امروزی امکان فیلمبرداری فوق‌العاده نرم را فراهم کرده)، یکدستی سبک فیلمبرداری چنان است که تصاویر را کاملاً به راش‌های موجود همانند کرده (به حدی که بیننده نمی‌داند کدام کبب از راش‌های موجود است و کدام تصاویر فیلمبرداری شده برای فیلم) و همه اینها فیلم را جذاب کرده است...

فیلم، شماره ۵۱۰، تیر ۱۳۹۵

داستان رفتن یا ماندن

ویلاپی‌ها (منیر قیدی، ۱۳۹۶)



«روبرت صافاریان: «ویلاپی‌ها» در نگاه اول چند داستان است. یک جور فیلم اپیزودیک است که مرز خیلی پر رنگی اپیزودهای آن را از هم جدا نمی‌کند و مکان واحد روی دادن اتفاقات (مجموعه‌ای از چند خانه ویلاپی در خوزستان در نزدیکی جبهه جنگ، که همسران تعدادی از رزمندگان در آن زندگی می‌کنند) آنها را به هم متصل می‌کند. دو داستان اصلی‌ترند: داستان سسیما (طناز طباطبایی) که شوهرش به جنگ رفته و او می‌خواهد بچه‌هایش را به خارج از کشور ببرد تا از جنگ آسیب نبینند، اما مادر شوهرش (ثریا قاسمی) با این کار مخالف است و به هر وسیله‌ای می‌کوشد مانع شود. و دیگر داستان خانم خیری (پریناز ایزدیار) که مدیر مجتمع و بسیجی معتقد و نسبتاً خشکی است (یا ابتدا چنین به‌نظر می‌رسد) و رابطه او با شوهرش و نوسانات او بین خوشی‌ها و دل‌بستگی‌های زندگی شخصی و وظایف اعتقادی‌اش. داستان‌های فرعی‌تری هم هست مثل داستان عشق معصومه دختر جوانی به راننده ماشین که هر از گاهی برایشان آذوقه می‌آورد، اما هیچ کس حواسش به او نیست. با داستان یکی دیگر از زن‌های مجتمع که وقتی خبر شهادت شوهرش را می‌آورد، می‌فهمیم فرزندش در واقع از مرد دیگری است و البته قدری مبهم تعریف می‌شود. اما در واقع ارتباط این داستان‌ها و به‌خصوص دو داستان اصلی خیلی بیشتر از آن است که ابتدا به‌نظر می‌رسد. در واقع یک روایت مادر در اینجا کار می‌کند و آن همان داستان قدیمی زنی است که می‌خواهد مهاجرت کند و روایت فیلم طوری طراحی شده که نشان دهد او اشتباه می‌کند و سرانجام پشیمان می‌شود. کسی که در پایان نظرش را عوض می‌کند سیماست. طی چند وقتی که او در کنار زنان دیگری که شوهرانشان در جبهه هستند زندگی می‌کند، به این نتیجه می‌رسد که راه‌حل فرار نیست و باید مثل بقیه بماند و انتظار بازگشت شوهرش را بکشد...

همشهری ۲۴، شماره ۸۸، خرداد ۱۳۹۶

داشتن‌ها و نداشتن‌ها

تنگه ابوقریب (بهرام توکلی، ۱۳۹۷)



«پوریا ذوالفقاری: «تنگه ابوقریب» بخشی از جذابیتش را مدیون نور انداختن به گوشه‌های نادیده است، به حادثه‌ای که در زمان وقوع بحث پایان قریب‌الوقوع جنگ از حد زمزمه گذشته بود و بسیاری سر خانه و زندگی‌شان بازگشته بودند. آنها که عازم شدند، تصویری از آنچه انتظارشان را می‌کشید، نداشتند.

همین جدی شدن تدریجی موقعیت، همین از شهر آغاز کردن، در جاده ادامه دادن و در جهنم به پایان رساندن داستان، سیری می‌سازد که اتهاماتی از این جنس که «تنگه ابوقریب فیلم اجراست» را بی‌اساس می‌سازد. این فیلم در یک تقسیم‌بندی کلی سه مرحله دارد: نخست بخش شهر و شیوخی‌ها و رسیدن خبر ضرورت رویارویی با آخرین جامدطلبی دشمن، بعد شیوخی و خنده راهی شدن و مواجهه با آنها که از فاجعه بازگشته‌اند. جایی که آن کودکان سرگردان، آن آدم‌های تشنه و تنها، آن بدن‌های تاول زده و آن پیکرهای بی‌جان تلنبار شده، ما و شخصیت‌ها را از جهنم پیش‌رو آگاه می‌کنند. از شب عملیات تا روز عقب‌نشینی تاکت‌های عراقی هم فصل سوم و پایانی شکل می‌گیرد.

همشهری ۲۴، شماره ۱۰۲، شهریور ۱۳۹۷



ایران ۱۳:۳۰ بنگلادش ۲۰

شاگردان ایران دوست پس از ۲ سال و ۵ ماه در دیداری رسمی به میدان می روند
تیم ملی فوتبال زنان امروز در مقدماتی جام ملت‌ها با بنگلادش بازی دارد

چالش فوتبالی زنان ایران



سلام زنان به هندبال جهان

تیم ملی هندبال دیروز در آخرین بازی مرحله گروهی سوریه را شکست داد
و برای نخستین بار به جمع ۴ تیم اول آسیا و مسابقات قهرمانی جهان صعود کرد

۱۸



تن تن در خطر اخراج

در کاتالونیا برای برگزاری رونالدکومان ساعت شمار گذاشته اند

۱۹

بهبان بی بهانه

حالا دیگر فرهاد معیبدی توجیهی
برای عدم موفقیت ندارد

ریزش مربیان استقلالی

رحمتی، نکونام و فکری فعلا
بیرون گود هستند

۱۹



همه چیز ورزشی

چهارشنبه ۳ شهریور ۱۴۰۰ | ۱۵ صفر ۱۴۴۳ | سال بیست و نهم | شماره ۸۳۲ | ۴ صفحه

شاید زندگی ام را کتاب کنم

سعید عزت‌اللهی معتقد است ایران به عنوان تیم اول آسیا در مقابل
کره جنوبی دست بالا را دارد اما ملی پوشان حق مغرور شدن ندارند

نکته بازی

زبان بی نظیر فوتبال



در شبی که پور تو با ۵ گل موریرنزه را در هم کوبید، مهدی طارمی هم ۲ گل زد. مهدی در شروع فصل جدید به اندازه پارسال خوب عمل نکرده بود و به این ۲ گل نیاز مبرم داشت. با این همه، بازی یکشنبه شب

یک نمای قابل توجه دیگر هم داشت؛ جایی که یکی از هواداران پورتو روی سکوهای ورزشگاه بنری در دست داشت که با زبان فارسی روی آن نوشته شده بود: «مهدی ژاکنت را به من بده.» احتمالاً این دوست‌مان از گوگل ترنسلیت استفاده کرده و منظورش از ژاکنت، همان پیراهن طارمی بوده است! هر چه هست اما چنین اتفاقاتی ارزش‌های فوتبال را در دنیای امروز مشخص می‌کند. با چقدر هزینه فرهنگی می‌شد کاری کرد که یک پر تغالی بنری به زبان فارسی بنویسد؟ آن هم با چاشنی تأیید و تحسین؟

همه جاهمین قول رامی دهد



علیرضا منصوریان که برای فصل جدید به‌عنوان سرمربی نفت آبادان برگزیده شده، وعده داده تیمی شبیه نفت تهران خواهد ساخت. نفت در لیگ چهاردهم زیر نظر منصوریان تیم خوبی بود که حتی تا روز آخر شانس قهرمانی داشت. این روند در لیگ پانزدهم هم ادامه یافت و تیم فقید تهرانی در مهم‌ترین کارش، مانع از قهرمانی پرسپولیس شد. با این حال بعد از آن دیگر منصوریان در مربیگری روی خوش ندید و در تیم‌هایی مثل استقلال، ذوب‌آهن، تراکتور و آلومینیوم موقف عمل نکرد. جالب اینجاست که علیمنصور اغلب هم وعده ساختن تیمی مثل همان نفت تهران را داده، اما عملی نشده است. فکر نمی‌کنیم برای یک مربی خوب باشد آخرین تجربه موقفش به ۶ سال پیش بر گردد و همه چا از آن سابقه حرف بزنند. در این ۶ سال چه کردی بزرگوار؟

با این یکی دوست باش!



شرایط در باشگاه استقلال طوری پیش می‌رود که آدم اتفاقات ۲ ساعت بعد را هم نمی‌تواند پیش‌بینی کند. با وجود این شواهد حاکی از آن است که جدال مجیدی-مددی به‌طور کامل به سود سرمربی استقلال به پایان رسیده است؛ به این ترتیب که مدیرعامل آبی‌ها ناچار به استعفا شد. مددی در آخرین موضع‌گیری‌هایش از قطعی نبودن ادامه حضور مجیدی روی نیمکت این تیم خبر داده بود، بنابراین جدایی او به سود فرهاد است و احتمال ابقای مجیدی را افزایش می‌دهد. اگر این اتفاق رخ بدهد، فرهاد به‌زودی با چهارمین مدیرعامل دوران حضورش در استقلال کار خواهد کرد. سرمربی آبی‌ها در ۳ مقطع لطف کرد و از بحالت فتنی، سعادتمند و مددی در آمد. خدا کند لاف‌آبی‌ها فرهاد این نفر چهارم داخل گل جوی برود. مردم خسته شده‌اند دیگر.

آمار بازی

18

تیم ملی برزیل بهترین آمار و بیشترین گل زده را در دور مقدماتی جام جهانی فوئسال به جا گذاشت. مرحله گروهی رقابت‌های جام جهانی فوئسال ۲۰۲۱ در لیوتوانی به پایان رسید و تیم به مرحله حذفی رسیدند که ایران هم یکی از این ۱۶ تیم است. در مرحله گروهی ۴ تیم برزیل، آرژانتین، روسیه و اسپانیا توانستند هر ۴ بازی خود را ببرند و با ۹ امتیاز کامل در صدر گروه‌شان قرار بگیرند. از این جمع، برزیل با ۱۸ گل زده و ۲ گل خورده صاحب بیشترین گل زده کمترین گل خورده و بهترین تفاضل گل هم شد و در صدر تسمی ۲۴ تیم حاضر در ۴ گروه قرار گرفت. آرژانتین و روسیه با ۱۷ گل زده و ۵ گل خورده مشترکاً در رتبه بعدی قرار گرفتند. آرژانتین و روسیه فینالیست‌های دوره قبلی هستند.

03

تیم ملی ازبکستان که حریف بعدی ایران در جام جهانی فوئسال خواهد بود با یک برد و ۲ باخت و کسب فقط ۳ امتیاز به این مرحله رسیده است. ازبکستان با این آمار ضعیف‌ترین تیم دوم در میان ۶ گروه این رقابت‌هاست. ونزوئلا با ۱۷ امتیاز بهترین تیم دوم بوده و ایران و پاراگوئه با ۱۶ امتیاز تیم‌های بعدی هستند. اما ازبکستان با ۳ امتیاز ضعیف‌ترین عملکرد را داشته و در جمع ۶ تیم دوم گروه‌ها، تنها تیمی است که تفاضل گل منفی دارد. جالب اینکه قزاقستان که احتمالاً حریف بعدی ایران خواهد بود نیز ضعیف‌ترین آمار را در میان تمام صدرنشین‌ها داشته است. از ۶ تیم صدرنشین، ۴ تیم ۹ امتیازی بودند و ۲ تیم قزاقستان و بر تغال با ۱۷ امتیاز در صدر گروه‌های A و C قرار گرفتند اما تفاضل گل بر تغال بهتر از قزاقسان بود.

00

تیم ملی آمریکا با صفر امتیاز و تفاضل گل منفی ۲۰ ضعیف‌ترین تیم رقابت‌های جام جهانی فوئسال ۲۰۲۱ شد. آمریکا که همگروه ایران بود، با ۲ گل زده و ۱۲ گل خورده کمترین گل زده و بیشترین گل خورده این مسابقات را داشت و قاطعانه در جمع ۲۴ تیم بیست‌وچهارم شد. جالب اینکه ۲۳ گل زده آمریکا در مقابل ایران به ثبت رسید و این تیم در ۴ بازی دیگر خودش هیچ گلی به ثمر نرساند. در جمع ۲۴ تیم این رقابت‌ها لیوتوانی (میزبان)، جزایر سلیمان، پاناما، انگولا و آمریکا هفتمی بودند که بدون کسب امتیاز به کار خود پایان دادند. بهترین تیم چهارم در گروه‌های ۶ گانه تیم مصر بود که با ۱۳ امتیاز در گروهش آخر شد، در حالی که ازبکستان با ۱۳ امتیاز در همان گروه دوم شد و به مرحله حذفی رسید.

محمد زارعی

خبرنگار

سعید عزت‌اللهی یکی از مهره‌های ثابت تیم ملی در سال‌های اخیر بوده و حتی زمانی که در تیم باشگاهی‌اش زیاد به بازی گرفته نمی‌شد، جزو ارکان تیم ملی بود؛ تقریباً شبیه ششراپلی که آندو تیموریان در تیم ملی داشت. با باز یکن تیم وایله دانمارک در باره همه چیز گفت‌وگو کردیم؛ از جمله شا یعه دودستگی بین بازیکنان طرفدار کی‌روش و سایر بازیکنان. او از رونالدو مثال زد که هنوز هم خودش را قردان در فگوسن می‌داند. البته رونالدو با کی‌روش هم در منچسترس کار کرد اما در جام جهانی ۲۰۱۸ و قتی‌س رویه‌رو ی هم قرار گرفتند، بر خورد سرد و حتی بدی با هم داشتند.

وزتے در بازی با سوریه به عنوان بازیکن جانشین در ترکیب قرار گرفت و بازی بعدی مقابل عراق فیکس شدی. از این دو تجربه بگو. برای بازی با سوریه من نسبت به سایر لژیونرها خیلی دیرتر به تیم اضافه شدم و فقط توانستم یک جلسه با تیم تمرین کنم اما آماده بودم هر لحظه به زمین بروم و به تیم کمک کنم. خدا را شکر وقتی وارد زمین شدم، توانستم تا حدودی آن چیزی را که کادر فنی از من خواسته بود و تیم نیاز داشت، برای تیم انجام دهم. عراق هم تیمی بود که همیشه برای ما مشکل در سست می‌کرد و یکی از تیم‌هایی است که قطعاً کاندیدای صعود به جام جهانی است. خیلی زمان نبود که بچه‌ها بخواهند از بازی سوریه تا بازی با عراق کنار هم باشند اما خدا را شکر با توجه به آنالیزهایی که کادرفنی در نظر گرفته بودند و تجربه خود بچه‌ها توانستم بازی باز خوب، منطقی و هماهنگ ارائه کنم.

وزتے در بازی با عراق جای بازیکنان تقریباً همان چیزی بود که زمان کی‌روش وجود داشت؛ یعنی تو عقب بودی، امیری هافبک چپ، طارمی و وینگر چپ و جهانبخش و وینگر راست. تقریباً همان سیستم ۲-۳-۴ یا ۴-۱-۴-۴ کی‌روش. به نظر بازیکنان به خاطر اینکه در گذشته با این سیستم بازی کردند با این سبک راحت‌تر هستند و برای همین هم خیلی منظم بودیم. نظر خود چیست؟

طبیعی است شما وقتی یک مدت طولانی با یک سیستم و یک روش بازی می‌کنید، آن هماهنگی و آن ذهنیت و چیزهایی که باید نسبت به آن روش را داشته باشی، در اختیار داری. فکر می‌کنم بچه‌ها این انعطاف‌پذیری را دارند که حالا با هر آرایشی که نسبت به حریف برای هر بازی کادرفنی در نظر می‌گیرد، بتوانند با تمام توانشان بازی کنند.

سلام زنان به هندبال جهان

تیم ملی هندبال دیروز در آخرین بازی مرحله گروهی سوریه را شکست داد و برای نخستین بار به جمع ۴ تیم اول آسیا و مسابقات قهرمانی جهان صعود کرد

شگفتی کامل شد؛ تیم ملی هندبال زنان همانطور که پیش‌بینی می‌شد سوریه را شکست داد. این پیروزی ایران را هم برای نخستین بار به جمع ۴ تیم اول آسیا رساند و هم نخستین سهمیه مسابقات قهرمانی جهان را

وزتے باز یکنسان عراق و سوریه با کری خوانی و ششپنیت‌های سبک خودشان در صدد تحریک بازیکنان تیم ملی بودند. در این خصوص هم صحبت می‌کنی؟ قطعاً این چیزها همه جای دنیا هست. شاید اگر سن خردمان کمتر بود یا ۴ سال قبل بود، احتمالاً یک مقدار تحت تأثیر این جو احساسی عمل می‌کردیم اما خدا را شکر بچه‌ها همه‌شان به آن پختگی لازم رسیده‌اند و در حال حاضر هیچ حواشی و هیچ چیزی نمی‌تواند ما را از هدفمان که رسیدن به جام جهانی است، دور کند.

وزتے وضعیت بینات که در بازی با عراق شکست، در چه حالی است؟ دکترهای تیم همان داخل زمین با وجود درد و خون‌ریزی زیادی که داشتم، توانستند دوباره بینی‌ام را برگرداند گی خودش. فعلاً هم با وجود پشت سر گذاشتن دوران نقاهت، همچنان تورم و کیودی دارد و به همین خاطر باید با ماسک و بوزه تمرین و بازی کنم.

وزتے احتمالاً با ۱۲۰ امتیاز می‌توانیم به جام جهانی برویم که ۱۶ امتیاز آن فعلاً به‌دست آمده. چقدر احتمال صعود می‌دهی؟ استارت بازی‌ها در هر تورنمنتی می‌تواند مهم و حیاتی باشد. فکر می‌کنم ما با این ۴ برد خیلی شانس‌مان را برای صعود افزایش دادیم اما هنوز چیزی تمام نشده است. از الان نباید مغرور شویم و تیمی را دست‌کم بگیریم.

وزتے نتایج اخیر تیم ملی را باید به نام چه کسی بزیم؟

قطعاً نتایج اخیر را به اسم هیچ‌کسی نمی‌توان زد چون حاصل تلاش یک‌مجموعه بوده؛ از مسئولان فدراسیون گرفته تا کادرفنی، آقای اسکوچیچ و همه بازیکنانی که در تیم بودند. فراموش نکنیم چه آنهایی که بازی کردند و چه آنهایی که بازی نکردند، با تمام وجودشان کنار تیم ملی بودند؛ کادر پزشکی، کادر تدارکات و ماساژورها. این قطعاً تلاش کل مجموعه بوده و متعلق به شخص خاصی نیست.

وزتے چرا هنوز با وجود بردهای متوالی عده‌ای اندک از تیم ملی انتقاد می‌کنند؟

انتقاد همیشه بوده، انتقاد همیشه یک رکن از زندگی است و در هر شرایطی و در هر موقعیتی یک‌سری افراد هستند که در هر حال انتقادشان را می‌کنند ولی بستگی دارد به اینکه این انتقادات سازنده باشد یا صرفاً جهت تخریب صورت بگیرد.

اگر جهت تخریب تیم و درست‌کردن حاشیه باشد، قطعاً ارزشی هم ندارد و اصلاً نباید دیده شود. فکر می‌کنم برای مجموعه تیم ملی هم مهم نیست.

وزتے ماه بعد هم با امارات و کره جنوبی بازی داریم. این بازی‌ها را چطور پیش‌بینی می‌کنی؟

کره جنوبی حریف مستقیم ما برای صعود به جام جهانی است و همیشه تیم‌های خوب و بازیکنان باکیفیتی داشته است. امارات هم همینطور، تیم قابل‌احترامی است. به‌هیچ‌عنوان حق نداریم مغرور شویم و در باد این ۴ برد بخواهیم یا دیگران را دست‌کم بگیریم.

وزتے کره‌ای‌ها معمولاً ما را شکست خورده‌اند اما در رده باشگاهی برعکس بوده. فکر می‌کنی نتایج باشگاهی آنها باعث می‌شود به ما نگاه از بالا داشته باشند یا به‌خاطر نتایج ملی پش‌ترند؟ فکر می‌کنم کره‌ای‌ها خودشان می‌دانند قطعاً تیم ملی ایران تیم بزرگی است و پر است از بازیکنان باکیفیت. قطعاً همین باعث شده ما الان تیم اول آسیا باشیم و فکر نمی‌کنم این حقیقت داشته باشد که بخواهند از بالا به پایین به ما نگاه کنند. ما همیشه برای کره‌ای‌ها در در سراساز بوده‌ایم و نتایج اخیر این موضوع را نشان می‌دهد. آنها با همه وجودشان می‌دانند حریف مستقیم‌شان تیم ملی ایران است.

وزتے به‌نظرت در رده ملی تأثیر یک سرمربی چقدر می‌تواند باشد؟ مثلاً علیرضا جهانبخش در مصاحبه‌ای گفته بود من چیزهایی که از کی‌روش یاد گرفتم را حتی در لیگ هلند یاد نگرفتم. حالا به‌نظر خود یک مربی در رده ملی می‌تواند به اندازه یک مربی باشگاهی وی کیفیت بازیکنان تأثیرگذار باشد یا نه؟

قطعاً تأثیر سرمربی خیلی زیاد است. همانطور که می‌دانید سرمربیان تیم ملی به‌خاطر اینکه بازیکنان بیشتر درگیر بازی‌های باشگاهی هستند، زمان خیلی کمی در اختیارشان است و در همین زمان کم باید کل تیم را آماده کنند. آن هم برای بازی‌های حساس که نیاز است بازیکنان هم از لحاظ روحی و ذهنی و هم از لحاظ فنی آماده شوند. در کل به‌نظر من تأثیرشان اگر از مربی باشگاهی بیشتر نباشد، کمتر هم نیست.

وزتے در کل علاقه به کی‌روش بین برخی ملی‌پوشان به‌خاطر چیست؟ آیا به‌خاطر تغییر



شاید زندگی‌ام را کتاب کنم

سعید عزت‌اللهی معتقد است ایران به‌عنوان تیم اول آسیا در مقابل کره جنوبی دست بالا را دارد اما ملی‌پوشان حق مغرور شدن ندارند

نسل و میدان دادن به شماها بوده و اینکه آیا هنوز با کی‌روش ارتباط دارید؟

مطمئناً تغییر نسل پروسه خیلی راحتی نیست. قطعاً باید خیلی سنجیده و ریزبینانه این پروسه انجام شود. طوری که ضربه‌ای به آن اسکلت اصلی تیم و روند پیشرفت تیم زده نشود و صرفاً شما نمی‌توانید بازیکنان جوان را بیابورید و بگویید من دارم تغییر نسل می‌دهم. در فوتبال امروز و خیلی ریزبینانه باشد تا تیم از آن مسیر خودش تغییر نسل باکیفیتی داشته است. امارات هم به حرف‌های آقای کی‌روش بود و قطعاً این برای همه که مثل یک ریل قطار است، خارج نشود. در این بین آقای کی‌روش هم آن دور‌ای که سرمربی تیم ملی بودند خیلی از جوانان را مثل خود من در ۱۸ سالگی وارد تیم ملی کردند. طارمی، سردار، جهانبخش، پورعلی گنجی و خیلی از بازیکنانی هم که الان هستند، اکثرشان ورودشان به تیم ملی با تصمیم آقای کی‌روش بود و قطعاً این برای همه بازیکنان مهم است. همانطور که کریستین رونالدو شاید تا آخر عمر دیگر هیچ‌وقت با فرگوسن کار نکنند، اما مطمئناً در خاطرش می‌ماند چه‌کسی این در را دروازه را به رویش باز کرد و اجازه داد او پیشرفت کند و خودش را نشان دهد. قطعاً این ارتباطی که بین بچه‌های آن نسل از لحاظ عاطفی با آقای کی‌روش است، یقین‌بدانید ارتباط فوتبالی و حرف‌های است که نشان می‌دهد بچه‌هایی ما گذشته خودشان را فراموش نمی‌کنند و قدردان همه مربیانی هستند که با آنها کار کرده‌اند و در پیشرفت‌شان تأثیرگذار بوده‌اند.

وزتے جهانبخش گفته می‌خواهد کتاب داستان زندگی‌اش را بنویسد. تو چنین برنامه‌ای نداری؟ این اتفاق من خودم هم روزهایی به این موضوع فکر می‌کنم. قطعاً همه ما یکسری سختی‌هایی در زندگی‌مان داشتم که شاید تا به امروز هیچ‌کسی نشنیده باشد و فکر می‌کنم جالب باشد که یک‌روز مردم هم بتوانند این تجربه‌ها را بخوانند.

وزتے وایله از ۹ بازی ابتدایی در ۷ بازی شکست خورده و هم‌اکنون با ۱۲ امتیاز حال‌وروز خوشی ندارد. چرا این اتفاق افتاد و آیا امیدی به آینده هست؟ اسمال عادلانه بگویم شرایط تیم خوب نبود. ما خیلی از بازیکنانمان را از دست دادیم. مربی‌مان را از دست دادیم و تیم یک مقدار به زمان بیشتری نیاز داشت و در ۹ هفته واقعا نتایج خوبی گرفته نشد. ولی قطعاً امید داریم و کار می‌کنیم تا در بازی‌های آینده از این روند خارج شویم و بتوانیم نتایج خوبی بگیریم.

وزتے وایله از ۹ بازی ابتدایی در ۷ بازی شکست خورده و هم‌اکنون با ۱۲ امتیاز حال‌وروز خوشی ندارد. چرا این اتفاق افتاد و آیا امیدی به آینده هست؟

اسمال عادلانه بگویم شرایط تیم خوب نبود. ما خیلی از بازیکنانمان را از دست دادیم. مربی‌مان را از دست دادیم و تیم یک مقدار به زمان بیشتری نیاز داشت و در ۹ هفته واقعا نتایج خوبی گرفته نشد. ولی قطعاً امید داریم و کار می‌کنیم تا در بازی‌های آینده از این روند خارج شویم و بتوانیم نتایج خوبی بگیریم.

برنامه بازی‌ها



لیگ قهرمانان – یک چهارم نهایی

شنبه ۲۴ مهر

پرسپولیس ایران – الهلال عربستان



مقدماتی جام جهانی – مرحله‌نهایی

۱۵ مهر ۱۴۰۰

امارات – ایران

۲۰ مهر ۱۴۰۰

ایران – کره جنوبی

۲۰ آبان ۱۴۰۰

لبنان – ایران

۲۵ آبان ۱۴۰۰

سوریه – ایران

۷ بهمن ۱۴۰۰

ایران – عراق

۱۲ بهمن ۱۴۰۰

ایران – امارات

۴ فروردین ۱۴۰۱

کره جنوبی – ایران

۹ فروردین ۱۴۰۱

ایران – لبنان

فوتبال ایران

جریمه ۲۰۰میلیون تومانی کنعانی‌زادگان

فدراسیون فوتبال ایران با انتشار احکامی که از سوی کمیته اخلاق صادر شده، از محرومیت تعلیقی حسین کنعانی‌زادگان و همچنین جریمه نقدی فرشید اسماعیلی خبر داد. بنا بر حکم کمیته اخلاق، فرشید اسماعیلی به پرداخت ۵میلیون تومان جریمه نقدی محکوم شده و ادامه فعالیتش منوط به اخذ تأییدیه از کمیته اخلاق است. همچنین حسین کنعانی‌زادگان نیز به ۲۰۰ میلیون تومان جریمه نقدی و همچنین ۲ جلسه محرومیت تعلیقی به‌مدت ۲سال محکوم شده است. اینکه حکم این ۲ بازیکن مربوط به کدام تخلف آنها بوده در حکم کمیته اخلاق ذکر نشده اما به‌نظر می‌رسد تخلف کنعانی‌زادگان مربوط به همان ویدئویی است که او را در حال توهین به هواداران استقلال به‌تصویر کشیده است. جالب اینکه یکی از این بازیکنان در حال حاضر تیم ندارد و دیگری در قطر فوتبال بازی می‌کند!

نقل قول

کری: هیأت‌مدیره پرسپولیس؟ شایعه است
بعد از اینکه شایعاتی درباره حضور علی کریمی در هیأت‌مدیره باشگاه پرسپولیس منتشر شد، این ستاره اسبق تیم ملی و پرسپولیس در واکنش به این گمانه‌زنی‌ها گفت: «تاکنون هیچ‌کسی در این زمینه با بنده صحبتی نداشته و این موضوع فقط در حد شایعه است. بر کسی پوشیده نیست که پرسپولیس جایگاه ویژه‌ای در قلب من دارد و کنار این تیم بودم برای هر پرسپولیسی‌ای افتخار بزرگی است اما صادقانه می‌گویم که در شرایط کنونی بنده علاقه‌ای به حضور در هیأت‌مدیره باشگاه ندارم و فقط برای باشگاه بزرگ پرسپولیس آرزوی موفقیت و سربلندی دارم.»
کریمی در بین نامزدهایی که برای مدیرعاملی پرسپولیس مطرح شده‌اند، ۲ نفر را شایسته‌تر از بقیه می‌داند: «بنده متعقدم در شرایط کنونی مدیرانی که تجربه به‌مدیریت در فوتبال داشته‌اند، راحت‌تر و بهتری می‌توانند در باشگاه بزرگ پرسپولیس کار کنند. از بین گزینه‌های مطرح‌شده من متعقدم که دکتر محمد دادکان و حبیب کاشانی برای مدیرعاملی پرسپولیس گزینه‌های بهتری هستند.»

جهان

وسط هفته فوتبالی

امشب در اسپانیا، انگلیس، فرانسه و ایتالیا لیگ و جام اتحادیه بر گزار می شود

امشب در انگلیس ، اسپانیا و ایتالیا مسابقاتی بر گزار می‌شود که دنبال کردن آنها خالی از لطف نیست و گرنه مسابقه حساسی بین آنها به چشم نمی‌خورد.

📺 اسپانیا

رنال مادرید که هوادارش را امیدوار کرده، امشب از ساعت ۲۳:۳۰ در هفته ششم لالیگا به مصاف مایورکا می‌رود. زوج کریم بنزما و وینیسیوس ۱۸ تأثیر گذاری گل های تیم‌شان بهترین زوج هجومی در لیگ های اروپایی محسوب می‌شوند. بنزما ۶ گل و ۵ پاس گل در لیگ داشته و وینی هم ۵ گل و ۲ پاس گل. البته زوج کریم در خط حمله در بازی های اخیر، ادن از آن بوده که در دیدار با والنسیا اشتنا خوب بازی کرد اما پست مهاجم کاذب یا مکمل چیزی نیست که خودش دوست داشته باشد. وقتی در چلسی بود هم مصاحبه کرده و گفته بود پست وینگر را ترجیح می‌دهد. رنال مادرید مدت‌هاست باخشی در کارنامه نداشته و از آخرین شکست این تیم در لالیگا که ژانویه گذشته و مقابل لوانته بود، مدتی طولانی می‌گذرد. این تیم در ۳۳بازی بعد از آن باخت ۱۷ برد و ۶ تساوی داشته صحبت از رنال شش دان را هم بدانید که داد گاهی در مادرید که یکی از دادگاه های منتخب و مرجع اتحادیه اروپاست، به یوفا حکم داده طرف ۵ روز تحریم باشگاه های حاضر در سوپر لیگ را بر دارد و گرنه احضار و محاکمه می‌شود. بارسلونا فرداشب به مصاف کادیس می‌رود که شاید آخرین حضور کومان روی نیمکت این تیم باشد.

📺 ایتالیا

دیشب و امشب هفته پنجم سری آ هم در برنامه لیگ فوتبال این کشور گنجانده شده اما از بازی مهم و حساس خبری نیست. میلان امشب از ساعت ۲۲:۱۵ با ونتزیا روبه‌رو می‌شود و یوونتوس هم ساعت ۲۰ در زمین اسپتزیا به میدان می‌رود بلکه بتواند با آلگری نخستین برد در این فصل را دشت کند. یوونتوسی‌ها هم اکنون با ۲ امتیاز در رده هجدهم قرار گرفته‌اند و تنها تیم تازه‌وارد سالرنتینا از تیم تورینی کمتر امتیاز جمع‌آوری کرده. آخرین باری که یووه در ۴ هفته ابتدایی سری آ حتی یک برد هم کسب نکرد، فصل ۶۲-۱۹۶۱ بود، یعنی ۶۰ سال پیش. قبل از آن هم در فصل ۵۶-۱۹۵۵ و ۴۳-۱۹۴۲ این آمار برای بیانکونری ثبت شده بود و در واقع آنها برای چهارمین بار در تاریخ ثبت نتوانسته‌اند در ۴ بازی ابتدایی لیگ، بردی کسب کنند. از آخرین باری که ییووه توانسته در یک بازی کلین‌شیت کند هم ۶ ماه می‌گذرد و از آن به بعد در ۱۸ بازی گل دریافت کرده.

📺 انگلیس

انگلیسی‌ها از دیشب جام اتحادیه را آغاز کرده‌اند و سیتی و لیورپول یک روز زودتر از سایرین بازی داشتند. غیراز آرسنال - ویمبلدون، ولوز - تاتنهام و چلسی - استون‌ویلا که طرفدارانی دارد، بازی بزرگ امشب را باید در جدال دوباره منچستر یونایتد با وستهم جست‌وجو کرد که از ساعت ۲۲:۱۵ آغاز می‌شود. ۲ تیم همین هفته در لیگ بازی کردند و من یونایتد با گل های رونالدو و لینگارد به پیروزی رسید و حالا نوبت رویارویی در جام اتحادیه است. بد نیست بدانید مارک اکتینسون داور بازی وستهم و منچستر یونایتد که ۲ تا ۳ پناثی را روی کریستیانو رونالدو نگرفته بود، در آستانه محرومیت قرار دارد. بعد از پیگیری شکایت یونایتد در کمیته داوران لیگ انگلیس آنها به این نتیجه رسیدند که چند اشتباه در بازی داشته که ممکن بود به تغییر نتیجه منجر شود.

📺 فرانسه

لیگ فرانسه هم توجه بسیاری از نوجوانان علاقه‌مند به فوتبال را به‌خود جلب کرده. پاری سن‌ژرمن که بازی‌های پرتقاضی را در حضور ستارگانی مثل مسی، نیمار و امپایه ارائه کرده، امشب از ساعت ۲۲:۳۰ در زمین متز به میدان می‌رود بلکه مسی بتواند نخستین گل یا پاس گلش را برای تیم جدید دشت کند. تعویض مسی در بازی با لیون انتقاداتی را متوجه پوچتینو کرد. حتی خلیفه حمد آل ثانی، از مدیران بی‌اس‌جی با انتشار تویییتی تهدیدآمیز در واکنش به این تعویض نوشت: «لندن شهر زیبایی است... تو این را خوب می‌دانی...» که منظورش شهر و باشگاه قبلی پوچتینو بود. فعلا ریدان گزینه اصلی جانشینی این سرمربی آرژانتینی است البته اگر تا آن موقع ریزو جیای سولسشائر را روی نیمکت می‌نویانند نگرفته باشد. لئو مسسی از فصل ۱۰-۲۰۰۹ تا ۲۱-۲۰۲۰ تنها در ۱۷ مسابقه از ۳۷۰ مسابقه بارسلونا در لالیگا تعویض شده بود، یعنی در ۵۰ درصد همه بازی‌ها که آن هم به تصمیم خودش بود. او در تمرین آخر پاریس هم مثل امپایه احساس درد داشت اما منتقدان پوچ معتقدند که سرمربی اگر مسی را می‌خواست تعویض کند باید از خود بازیکن اجازه می‌گرفت. آخرین باری که مسی به دلایل فنی در یک بازی بارسلونا تعویض شد، به اوایل حضورش در تیم اصلی برمی‌گردد که زیر نظر فرانک رایکاردر بازی می‌کرد. مصدومیت فعلی مسی مربوط به مصدومیت قبلی او در تیم ملی آرژانتین و بازی با ونزوئلا است که به‌صورت کامل بهبود پیدا نکرده است.

تن تن در خطر اخراج

در کاتالونیا برای برکناری رونالد کومان ساعت شمار گذاشته‌اند

مارتینس که هم اکنون سرمربی تیم ملی بلژیک است و حمایت یوردی کرویف، فرزند یوهان کرویف فقید را به عنوان مدیر ورزشی برای خودش دارد، به‌عنوان یکی از گزینه‌ها نام برده می‌شود.

ژاوی هم مثل همیشه یکی از گزینه‌ها است اما به دلیل اینکه یک‌بار به فرصت مربیگری در تیم سابقش نه گفته و السد قطر را به مربیگری در نوکمپ ترجیح داده، کمتر هواخواه دارد. البته خود لاپورتا علاقه شدیدی به آندرآ پیرلو دارد. پیرلو یک یوونتوسی و با حفظ سمت، رئالی است. او بارها مصاحبه و ابراز تأسف کرده که چرا در دوران بازیگری پیشنهاد رئال مادرید را رد کرد.

یواخیم لسو هم‌زمانی گزینه مربیگری در رئال مادرید بود و یک‌بار علیه تیمی تاکا مصاحبه کرده و گفته بود که ترجیح می‌دهد تیمش به‌جای پاس‌های کوتاه متعدد با کمترین تعداد پاس به دروازه حریف برسد. ممکن است در روزهای آینده و تا پیش از فینادی بعدی کومان که اسطوره بارسلونا و بهترین مدافع گلزن تاریخ لالیگاست و به‌خاطر شباهت ظاهری و مدل موهایش به «تن تن» مشهور بود، از کار در باشگاه موردعلاقه‌اش بر کنار شود و به هر حال یکی از همین گزینه‌ها جای او را بگیرد.

این تیم دارد که یک برد و یک تساوی آن مقابل کومان به‌دست آمده. گراناادا در این فصل لالیگا در ۴ بازی تنها ۲ تساوی و ۲ باخت داشت اما موفق شد یک امتیاز در نوکمپ بگیرد. شاید به همین دلیل ۲ بازی نسبتا ساده آینده هم نمی‌تواند حکم ابقای کومان را امضا کند و او احتمالا در فینادی بعدی نوکمپ را ترک خواهد کرد. قبل از فینادی و موعد احتمالی اخراج کومان، بازی با کادیس، لوانته، بنفیکا و اتلتیکو مادرید می‌تواند آخرین بازی‌های این مربی روی نیمکت تیم باشد. از دوره حضورش در باشگاه کاتالونی همیشه از فینادی‌ها ضربه خورده.

در دوره او ۴ فینادی بر گزار شده که در نخستین مسابقات پس از آن تیم دچار افت شده. نخستین وقفه بازی‌های ملی پس از پایان هفته سوم فصل گذشته در حالی فرا رسید که کومان، لالیگا را با پیروزی ۴ بر صفر مقابل ویا‌رنسال آغاز کرد، پیروزی ۳ بر صفر در بالادوس را جشن گرفت و در خانه مقابل سویا متوقف شد. اما پس از وقفه بازی‌های ملی، بارسا با ۲ شکست پیاپی به لالیگا بازگشت. وقفه دوم پس از پیروزی ۵ بر ۲ مقابل بتیس فرارسید و پس از آن بارسا با شکست مقابل اتلتیکومادرید به لالیگا بازگشت. وقفه سوم در زمان اوج گیری کاتالان‌ها ایجاد شد و در حالی‌که بارسا با برتری جبر یک مقابل سوسیه‌داد به استقبال بازی‌های ملی رفت، با پیروزی در دقایق پایانی مقابل ویا‌دولید به لالیگا بازگشت و پس از آن در ال‌کلاسیکو متحمل شکست شد. در نهایت و در فصل جاری، بارسا با پیروزی ۲ بر یک مقابل ختافه به استقبال آخرین وقفه بازی‌های ملی (تاکون) رفت و پس از آن شکست ۳ بر صفر مقابل بایرن و تساوی مقابل گراناادا را تجربه کرد.

📺 سرمربی آینده کیست؟

برای جانشینی کومان از مربیانی مثل روبرتو

نمایش پرایراد بارسلونا در بازی خانگی مقابل گراناادا یک گام دیگر رونالد کومان را به سمت درهای خروجی به پیش برد. در غیاب وینگرهای تخصصی مثل فاتی و دمبله، تیم برنامه‌ای برای حمله نداشت جز ارسال‌های بلند و فوتبال مستقیم به شکلی که در اواخر نیمه دوم پیکه و آرانوخو به خط حمله اضافه شدند تا یکی از ۵۴ سانس‌تر بازیکنان این تیم را به گل تساوی تبدیل کنند. تعداد ارسال‌های بلند بازیکنان بارسا تنها یکی از کورد بیشترین سانس‌تر در تاریخ لالیگا که در سال ۲۰۱۶ توسط مالاگا به ثبت رسید کمتر بود. هواداران این سبک بازی را نمی‌پسندند و برای همین مربی هلندی را نمی‌خواهند. کومان هم که نسبت به انتقادها پر خاشاک‌تر شده، به هواداران گفت که نمی‌توانند انتظار داشته باشند با این شرایط و چنین بازیکنانی تیم تیکسی تاکا بازی کند. او هنگام به کار بردن این اصطلاح که فلسفه فوتبال بارسلونا محسوب می‌شود، آن را به‌اشتباه «تیکي تاکي» خواند. خبرنگاران کاتالونیا همگی متفق‌القول معتقدند که کومان به‌زودی اخراج می‌شود اما لاپورتا سعی دارد پیش از خبر برکناری او با سرمربی بعدی به توافق برسد.

رئیس باشگاه نمی‌خواهد مربی موقت را جایگزین مربی هلندی کند. اخراج کومان ۱۲ میلیون یورو هزینه خسارت فسخ قرارداد برای بارسا در بر دارد اما انگار منبع آن هم جور شده است. علاوه بر این، بارسا به کومان بدهکار است. مربی بلوگرانا دریافت بخش زیادی از حقوق خود را به دلیل وضعیت اقتصادی باشگاه به تعویق انداخته و حالا این دردسری جدید برای مدیران بارسا است.

📺 کاپوس فینادی

گراناادا در بازی برگشت فصل قبل هم ۳ امتیاز از رونالد کومان گرفته بود. این تیم در تاریخ خود ۴۱ بار به بارسا باخته و تنها ۷ برد و ۶ تساوی مقابل

ریزش مربیان استقلالی

رحمتی، نکونام وفکری فعال بیرون گود هستند

به‌طور کلی استقلال باشگاه مربی‌پروری بوده و معمولا شمار زیادی از بازیکنان سابق این تیم را در حال مربیگری در دسته‌های مختلف فوتبال باشگاهی دیده‌ایم. با این حال فصل گذشته این شرایط از همیشه جالب‌تر شد؛ به‌طوری که در یک مقطع نزدیک به نیمی از سرمربیان تیم‌های لیگ برتری را استقلالی‌های سابق تشکیل می‌دادند. در شروع لیگ ۲۱ اما این شرایط تا حدی تعدیل شده است، چرا که دست کم ۳ سرمربی استقلالی لیگ فعال بیرون هستند. مهدی رحمتی که فصل گذشته با تیم بحران‌زده پدیده نتایج قابل دفاعی گرفت، برای شروع فصل جدید جای خودش را به رضا مهاجری داده است. رحمتی البته گزینه اصلی حضور در نفت مسجدسلیمان است و اگر این اتفاق رخ بدهد، او در شروع فصل جدید هم تیم خواهد داشت. جواد نکونام هم فولاد را ترک کرده و هم‌اکنون تیم ندارد. از او به‌عنوان جدی‌ترین گزینه جانشینی فرهاد مجیدی یاد می‌شده است؛ شرایطی که با شروع مسابقات هم می‌تواند ادامه داشته باشد. محمود فکری که دیگر مربی استقلالی است که فصل جدید را بیرون از گود شروع می‌کند. فکری لیگ بیستم را روی نیمکت استقلال استارت زد و بعد راهی نفت مسجدسلیمان شد، اما عملکردش طوری بوده که فعلا مشتری خاصی ندارد. از جمع استقلالی‌ها، هم‌اکنون فرهاد مجیدی سرمربی خود استقلال است. امیر قلعه‌نویی هدایت گل‌گهر سرچراچان را بر عهده دارد، علیرضا منصوریان نفت آبادان را رهبری می‌کند، رسول خطیبی سرمربی الوهمینوم اراک است و رضا عنایتی هم با هوادار میهمان تازه لیگ برتر خواهد بود.

بازی دوستانه، می‌دانید یعنی چه؟

خوشونت در فوتبال ایران از همین جاشروع می‌شود

تعطیلات طولانی و کسالت‌بار تابستانی در فوتبال ایران، باشگاه‌ها را ناچار کرده برای کسب آمادگی به‌طور گسترده رو به بازی‌های تدارکاتی بیاورند. در این بین گاهی مسابقات دوستانه به تشنج کشیده می‌شود که واقعا اتفاق عجیبی است. در شرایطی که نتایج این مسابقات هیچ کجا ثبت و ضبط نمی‌شود و برد و باخت در آن به سود و زیان هیچ تیمی نیست، باز هم شاهد اعتراض و پرخاش مربیان و بازیکنان هستیم. این دیگر واقعا «تور» است. وقتی اهالی فوتبال ایران ظرفیت لازم برای پذیرش تصمیمات داور در یک بازی دوستانه را ندارند، طبیعی است که در لیگ خورخه هم را می‌چوند. یکی از مسابقات دوستانه اخیر که کمی تنش داشته، بازی فولاد و گل‌گهر بوده است. این دیدار بدون گل مساوی شده، اما رد شدن گل تیم سیرجانی در نیمه نخست، اعلام یک پناثی

به سود فولاد و نیز ادعای گل‌گهری‌ها مبنی بر عدم‌اعلام پناثی آنها، لحظات جنجالی و عجیبی در این مسابقه ساخته است. امیر قلعه‌نویی که به محض شروع مسابقات لیگ برتر ۳ ماه محروم خواهد بود، در این بازی روی نیمکت بوده، اما اقتدر اعتراض کرده که داور لب خط آمده و او را آرام کرده است. محمد خازنده، مدافع گل‌گهر بعد از بازی گفته: «داوران روی تیم‌های قلعه‌نویی ذهنیت دارند.» حتی اگر اینطور باشد، ضربه زدن به تیم امیر در یک بازی تدارکاتی چه سودی برای داور دارد؟ این‌چنین چه تفکری است آخر؟ تکرار می‌کنیم که این اتفاقات در یک بازی «دوستانه» رخ داده، حالا شما ببینید وضعیت فرهنگی فوتبال ایران چگونه است و چطور باید از تیم‌ها در مسابقات حساس رسمی انتظار خوششن داری داشته باشیم؟

بهانه بی‌بهانه

حالا دیگر فرهاد مجیدی توجیهی برای عدم موفقیت ندارد

اگر شروع تمرینات فصل جدید استقلال با

فرهاد مجیدی را حمل بر ابقای قطعی این سرمربی کنیم، او به‌زودی لیگ ۲۱ را روی نیمکت آبی‌ها شروع خواهد کرد. این نخستین فصل فوتبالی است که مجیدی آن را با استقلال استارت می‌زند. و روزهای بسیار ملتهمی را پشت سر گذاشت و حالا در نقطه‌ای ایستاده که اگر بماند، بهانه و توجیهی برای ناکامی و عدم موفقیت نخواهد داشت.

📺 وزیر رفت

روزی پایانی فصل گذشته که مقارن با انتهای کار دولت دوازدهم بود، فرهاد مجیدی به تندی علیه وزارت ورزش و حتی یکی دو وزیر تخانه دیگر موضع گرفته بود. هر چه به پایان دولت نزدیک‌تر می‌شدیم، مواضع مجیدی هم تندتر می‌شد؛ چنان که یک‌بار در یکی از نشست‌های خبری گفت: «قال‌اول‌مان» که کار می‌خواهیم انجام بدهیم، می‌گویند بگذار دولت‌شان تمام شود... حالا به تعبیر فرهاد، «دولت‌شان» تمام‌شده و وزارت ورزش هم تغییرات اساسی داشته است. بنابراین یکی از جدی‌ترین بهانه‌ها برای ناکامی از بین رفته است. غریب‌طبعی است که هم وزارت قبلی دنبال زمین‌زدن مجیدی و استقلال بوده باشد و هم وزارت فعلی این هدف را دنبال کند.

📺 مددی هم رفت

عالم و آدم می‌دانند روابط فرهاد مجیدی و احمد مددی اصل تعریفی نداشت و سرمربی استقلال از مدت‌ها قبل به انتظار تغییرات مدیریتی در باشگاه نشسته بود. سرانجام این اتفاق رخ داد و مددی رفت. خوب و بدش یک بحث دیگر است، اما جدایی مددی از استقلال در شرایطی اتفاق افتاد که هنوز یک‌ماه تا شروع لیگ فاصله داریم. بنابراین دیگر خبری از تنش و مزاحمت یا کم‌کاری عمدی و اینجور چیزها نیست. مجیدی به هدف بزرگش رسیده و حالا راحت‌تر و متمرکزتر از هر زمان دیگری باید کارش را انجام بدهد.

📺 مسئله اسماعیلی و مفاهری

کادر مدیریتی سابق استقلال با چند بازیکن مهم این تیم زاویه پیدا کرده بود که از آن جمله می‌توان



به فرشید اسماعیلی و رشید مفاهری اشاره کرد. مواضع فرهاد مجیدی هم در مورد این نفرت کاملا مبهم و غیر شفاف بوده است؛ یعنی مثلا هیچ‌وقت ندیدیم مجیدی به صراحت بگوید رشید مفاهری را می‌خواهم. در نهایت اما با استعفای مددی، حالا ابتکار عمل برای تصمیم‌گیری در مورد این دو بازیکن در اختیار خود مجیدی قرار گرفته است. اگر عقیده دارد این نفرت تیم خراب‌کن هستند، می‌تواند ردشان کند و اگر گمان می‌کند آنها به‌کار استقلال می‌آیند، می‌تواند نگه‌شان دارد. دیگر بهانه‌ای در مورد همکاری با عدم همکاری اسماعیلی و مفاهری با استقلال قابل قبول نیست. همه‌چیز در اختیار مجیدی است و خودش هم باید پاسخگو باشد.

📺 خودت تیم بستی

فرهاد در مقاطع قبلی که از وسط راه هدایت استقلال را بر عهده گرفته بود، همیشه از شیوه بسته شدن تیم گلایه داشت و می‌گفت دلالت‌ها و مدیرها استقلال را بسته‌اند. حالا اما او برای نخستین‌بار تیم را خودش بسته و خوب است که فرصت دارد با همین تیم از نقطه صفر وارد مسابقات شود. حتما سرمربی آبی‌ها در نقل‌وانتقالات خواسته‌هایی داشته که برآورده نشده، اما این وضع در مورد همه باشگاه‌ها و مربیان صادق است. هیچ تیم نمی‌تواند صدر صد اعضای قیلا به‌طور ضمنی از آن ابراز رضایت کرده و بردارش فرزاد که اصلا مدعی پیروزی استقلال در داریی نقل‌وانتقالات شده است. پس منتظریم نتیجه کار را ببینیم.

[illegible]

اتحادیه جهانی کشتی در پیش خبر مسابقات جهانی نوزادشاره، به‌اینکه در روز اول مسابقات ستارگان سیسیلی روی تشک خاوهند در حین حسن بزدانی و دیوید تیپلور، به‌عنوان سوار استارهای روز نخست با در کلاس دهم ستی و بزدانی و تیپلور، روی تشک جهانی به روی تشک خاوهند رفت و لی، مبارزه آن‌ها در صورت راه‌بانی فیفیل در روز دوم مسابقات رخ خاوهند، این چهارمین مصاف ستاره کشتی خاوهند بود که در آدفعه‌قبله آن تیپلور نوزاد شده است. البته بزدانی در آخرین مسابقات فیفیل به‌حال سوار بود و پیروز شد و او در آخر دسترس نیست تیپلور و بزدانی هم‌اکنون در ده اول و دوم رده‌بندی دنیا قرار دارند و به‌همین دلیل در بالا رتبه جدول قرار خاوهند گرفت و احتمالاً در روز دوم با یکدیگر رقیب خواهند کرد. مسابقات جهانی ۲۰۲۱ طی روزهای ۱۸ تا ۱۹ مه، در اسلوونی برگزار خاوهند.

فدراسیون جهانی در آخرین مرحله از روی تیم ملی ازان تصمیم گرفت به ملی پوشان اجازه تر کرد اردو را تمدد ولی در مقابل برای اینکه کشور ایران را محیط خانه نشود و بتواند در بازیهای آسیایی تیم ملی به همراه آفریبه و یولایی در اطراف تهران (ماوند) رفتند تا بازیگری روحی شوند. دوهایی طواری مدت را نقاط ضعف ملی ایران محسوب می شود که طواری دنیا شنیده شد و سرمریان ملی همگاکان از همان نسخه قدیمی دهههای ۷۰ و ۸۰ استفاده می کنند. به نظر فدراسیون کشور میهم قصد دارد دوهایی طواری را جاسد کرده و بیروس کر و نوافعلی ادبی شده تا همچون سابق یادآور طواری ملی شوند و تیم ملی باشیم.

شاگردان ایراندوست پس از ۲ سال و ۵ ماه در دیداری رسمی به میدان می روند. تیم ملی فوتبال زنان امروز در مقدماتی جام ملت‌ها با بنگلادش بازی دارد

الهام محمودی | تیم ملی فوتبال زنان ایران امروز بعد از ۲ سال و ۵ ماه، نخستین بازی رسمی‌اش را انجام می‌دهد. آخرین بازی این تیم در میدان رسمی حاضر بود، ۴۰ فروردین سال ۱۳۹۸ بود؛ آن روز تیم ملی در مقدماتی المپیک توکیو با چین، نایب‌بازی کرد و ۴ بر یک شکست خورد. بعد از آن تاریخ تا امروز که می‌حله جام ملت‌های آسیا آغاز می‌شود، بازیکنان در حسرت بازی بودند. ایران به همراه ۲۳ تیم دیگر در بازیگستان حضور دارد. این ۴ تیم در ۸ گروه تقسیم می‌کنند و صدرنشینان به هر حله نایب صعود می‌کنند تا به ۴ تیمی که از بازی‌های قبل در مسابقات قطعی است، اضافه شوند. هند، موزان، ژاپن، چین و استرالیا انتظار ۸ تیم منتخب را می‌کشند. آیا ایران می‌تواند یکی از این ۸ تیم باشد؟ این حاشیه تیم است و در تلاش است تا برای نخستین بار به این پرسش، تیم ملی در گروه G مقدماتی ایران و نگلادش هگروهه است. بازی‌های این گروه با دیدار اردن و نگلادش آغاز شد که اردن صفر برتری رسید و میسا زید که در فرانسه بازی می‌کند، هت‌تریک کرد. کار زنان ایرانی چهارشنبه در استادیوم ملی تاشکند در بازی با نگلادش آغاز می‌شود. ایران و نگلادش از اردن‌بان در مقدماتی جام ملت‌های ۲۰۱۲ با هم بازی کردند و ایران این تیم را ۲ بر صفر شکست داد. نگلادشی‌ها در رده‌بندی جهانی در رتبه نازل ۱۳۷ قرار دارند. در حالی که ایران با وجود ۳ سال تعطیلی با رتبه ۷۲ به رنکینگ فیفا با گشت بازیکنان ایران از آردی به‌شدت. ۱۴۰۰ با انتخاب میرم ایران‌دوست به‌عنوان سرمربی، از خواب ساله بیدار شدند.

فدراسیون باریاست شهاب‌الدین عزیزی خادم تا اینجا از زنان نمره قبولی گرفته است. اردوهای منظم، اسکان در هتل المپیک (برای نخستین بار حین اردو)، بازی‌های تدارکاتی برون مرزی، حل مشکل همیشگی لباس، اعزام به مسابقات با

آخرین اردوها منتشر شد. البته باز گشت یکتایی به تیم، باعث رنجش زهر خواجهی شد و دروازبان ذوب آهن در اقدامی عجیب آخرین دعوت به تیم ملی را رد کرد تا به کمیته اخلاق احضار شود. ایراندوست از اردوی جوانان هم چند بازیکن خوب را به خدمت گرفت. نگین زندی پدیده فصل پیش ذوب آهن، سارا، دیتار و ملیکا محمدی بازیکن ایرانی- آمریکایی از نفرات تیم جوانان هستند که به تیم بزرگسالان پیوسته‌اند.

نتیجه دیدار بنگلادش با ایران با توجه به آمادگی بالای تیم ما و تفاوت چشمگیر سطح فوتبال این دو کشور قابل پیش بینی است. چپ‌ها باید با اختلاف بیشتر از بزرگ بنگلادش را شکست دهند تا در صورت تساوی با اردن، تأثیر گل، برای برد نه‌تنها مجوز صعودشان باشد. حال اگر ما بنگلادش را قوی‌تر کنیم و برای اردن به تساوی برسیم، چه خواهد شد؟ کنگدراسیون فوتبال آسیا در آیین نامه مسابقات تأکید کرده است که اگر ۳ تیم در همه آیین‌ها به تساوی برابر باشند، رده‌بندی جهانی تعیین‌کننده است. این برای تیم ملی ایران که در دهه پایانی ۲۰۰۰ نسبت به جهان دارد، کمی نگران‌کننده است. اردن پیش از حضور در این مسابقات، قهرمان جام عربی شده و برای صعود به دور نهایی انگیزه بالایی دارد. پیروزی مقابل بنگلادش، این تیم همه چیز را برای صعود مهیا می‌بیند البته اگر بتواند زان با ال‌نیزه، ایران را شکست دهد. اردن ۳۰ روز استریکات بیشتر، نشانه در برابر اردن با ال‌نیزه، بازی با این دو تیم برای صدرنشینی حتما جذاب خواهد بود.

ایران.....بنگلادش، چهارشنبه ۳۱ شهریور/ساعت ۱۳:۳۰
ایران.....اردن، شنبه ۳ مهر/ساعت ۱۳:۳۰

پرواز اختصاصی و... همه اینها با اینکه در دنیای فوتبال القای تدارکاتی محسوب می‌شوند، اما هیچ وقت برای زنان ایران مهیا نبود. تیم ملی فوتبال خشتی برای اعزام بازیکنان به اردوهای تیمی یکدست پوشید؛ چیزی که قبلاً اساساً داشت. اما با یاد همین مردد از خراش‌ها اگرانگران کرده باشد و روز کفیت بازی‌شان تأثیر بگذارد، تیم به مانتوهای که شبیه کت بود به ازبکستان رفت. واکنش به اقدام فدراسیون طراحی لباس متفاوت بود. افکار عمومی از این لباس استقبال کرد و در فضای مجازی به به و چاه به راه افتاد اما مجلسی‌ها به آن ایراد گرفتند. نمایندگان مجلس که پیش از این باینه داند بودند و از ورزشکاران زن پارالمپیک به خاطر پوشش چادر در مراسم افتتاحیه و اختتامیه بازی‌های المپیک توکیو تقدیر کرده بودند، حالا اعلام کرده‌اند که لباس تیم ملی فوتبال در تضاد با شیوئات اسلامی است. احمد راستی‌نهر، رئیس کمیته تربیت بدنی کمیسون فرهنگی مجلس در اعتراض به لباس‌ها گفت که موضوع طراحی لباس تیم فوتبال زنان قابل توجه و چشم‌پوشی نیست و فدراسیون باید پاسخگو باشد. البته برخی کاربران فضای مجازی در مقایسه با لباس رسمی ایران در رژه المپیک، این لباس را بسیار شکیل دانستند. با این حال، وزارت ورزش برای پایان دادن به این بحث اعلام کرده که تذکر لازم را به فدراسیون دادند و در دست.

۱۴۴۲ هـ. ق. در دوی مظهر شاهرگان مریم ایراندوست از امروز یک جلدی خورند. هدف تیم این است که با پشت سر گذاشتن بنگلادش و ادن، تنها تیم آسیایی باشد که به این مرحله صعود کند. در این ۱۴۴ نفرات زبانی اردو و بنگلادش است. در این مسابقات تیم ایران با شرکت در مرحله مقدماتی انتخاب شد. ملی پوشان در هر بازی در دوران مصدومیت تمام می شود. ضرر مریم یکتالی، ملی پوش سابق و بازیکنی تیم شیکان ترکیه در دوازده تیم خرابی خوبی بود که در

۱۵

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰
ن	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ف	ی	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج
ل	ر	م	ن	ی	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا
ی	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ن	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ی	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ن	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ی	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ن	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ی	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ن	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ی	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ن	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ی	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ن	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ی	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ن	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ی	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ن	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ی	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ن	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ی	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ن	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ی	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ن	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ی	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ن	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ی	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ن	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ی	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ن	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ی	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ن	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ی	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ن	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ی	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ن	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ی	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ن	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ی	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ن	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ی	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ن	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ی	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ن	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ی	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ن	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ی	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ن	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ی	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ن	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ی	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ن	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ی	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ن	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ی	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ن	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ی	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ن	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ی	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ن	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ی	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ن	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ی	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ن	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ی	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ن	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ی	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ن	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ی	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ن	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ی	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ن	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ی	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ن	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ی	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ن	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ی	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ن	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ی	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ن	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ی	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ن	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ی	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ن	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ی	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ن	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ی	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ن	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ی	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ن	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ی	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ن	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ی	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ن	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ن	ا	ب	س	ج	د
ی	ا	ب	س	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ</						

تألفاتی:

- ۱- اختراعات ادیسون -
- ۲- الیوم موسیقی ساخته جلال ذوالفنون با آواز شهرام ناظری - نشانه جمع
- ۳- نیرو و خشد - سقف فرو ریخته - واحد شمارش

۱۳- جاری - بازی ای ... نیاز باز

۱۴- پیشوند سلب - دفتر شعری از زندیاد عمران صالحی

۱۵- ماهما - بیماری عفونی ناشی از ورود باکتری خاک به بدن - واهمه

۱- نیت ششم- متذکر-
صمغ برخی درختان
نوعی انرژي- فوق
ایديهم- همداسان رامین
تکلیف مدرسه-
بشارت دهنده- ایشان
۴- ارتباط- مکان فروش
مواد خوراکی در سبنا-
زندگی مرفه
۵- تاج- شاعر سرشناس
شیلی- درنوردیدن
۶- آقای آلمانی- شب آخر
پاییز- ظالم
۷- عنوانی نظامی-
پندگرفتن- سازی بادی
۸- کامیون ارتشی- شتره
چوب خور- چشم چران
۹- سیل انگاری- هدهد-ادن
شهیدان
۱۰- نخستین دوره از دوران
دوم زمین شناسی- استارت

٧	ا	ج	هـ	ا	ب	ا	ز
ا	ب	ج	د	هـ	و	ز	ا
ا	ج	هـ	ا	ب	ا	ز	ا
ب	د	ج	ا	ا	ا	ا	هـ
هـ	ا	ا	د	ب	ا	ا	ج
ج	ا	ا	ا	ج	هـ	ا	د
ا	ب	ا	ا	ج	هـ	ا	د
ا	ب	ا	ا	ج	هـ	ا	د
ا	ب	ا	ا	ج	هـ	ا	د
ا	ب	ا	ا	ج	هـ	ا	د

[illegible]

شناسه اگهی : ۱۱۹۴۵۲۷

(منقاصه) به مبلغ ۱/۵۷۹/۱۵۰/۰۰۰ ریال (و یا واریز وجه نقد).
۴- کلیه مراحل از طریق درگاه سامانه مدارک الکترونیکی دولت (ستاد) WWW.SETADIRAN.IR انجام خواهد شد. لازم است متقاضیان در صورت عدم عضویت قبلی در سامانه مذکور، مراحل ثبت نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در فرآیند از طریق سامانه مذکور، مطابق فراخوان و اسناد ارزیابی قبلی، به شماره ۰۰۰۰۹۲۲۵۸۰۰۰۴ در سامانه ستاد ایران درج شده است.
۵- گشایش پاکت های منقاصه پس از انجام مراحل ارزیابی قبلی، از طریق درگاه سامانه مدارک الکترونیکی دولت (ستاد) به اطلاع رسانی قبلی انجام خواهد شد.
۶- صورت نیاز به اطلاعات بیشتر، متقاضیان می‌توانند با تلفن های ۰۳۰۴۷۳۱۹۱۳ تماس حاصل نمایند. اطلاعات منقاصه در پایگاه اطلاع رسانی منقاصات یا شماره ۰۳۰۹۶۲۷۳ ثبت شده است.

۱- شماره فراخوان : ۴۰۰۰۱۱۹۱
۲- موضوع فراخوان : آماده سازی محوطه و نصب تاسیسات چاه ۲۸ خانگیران
۳- محل و مدت انجام کار : استان خراسان رضوی ، سرخس، منطقه علمایاتی خانگیران ، به مدت ۴ ماه
۴- آثار و نشانی مناقصه گزار: شرکت پهره‌پریز نفت و گاز شرق - مشهد، بلوارخیام، بلوار ارشاد، خیابان مهندس، نیش مهندس ۶، پلاک ۱۸.
۵- شرایط مناقصه‌گر :
۱-۵ دارا بودن شخصیت حقوقی، کد اقتصادی و شناسه ملی.
۲-۵ داشتن توانائی مالی، تجربه و تخصص در زمینه موضوع قرارداد.
۳-۵ دارا بودن گواهی نامه صلاحیت انجام کار مدیریت رتبه ۲ به رسته آبئیه و ساختمان تاسیسات و تجهیزات از سازمان مدیریت و برنامه ریزی.
۴-۵ دارا بودن گواهی نامه تأیید صلاحیت ایمنی معتبر صادره از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی.
۵-۵ توانایی تهیه ضمانت نامه بانکی شرکت در فرآیند ارجاع کار

نوبت دوم

سازمان بهداشت و درمان صنعت نفت در نظر دارد خرید، حمل، نصب، راه اندازی و آموزش دو دستگاه **PG** مورد نیاز بهداشت و درمان های بوشهر و آبادان را از طریق برگزاری مناقصه عمومی دو مرحله ای (پس از انجام ارزیابی کیفی مناقصه گران) از فروشندگان واجد شرایط خریداری نماید.

۱-۳- اسناد مناقسه بین متقاضیان واجد شرایط به تشخیص مناقسه پس از بررسی مدارک شناسایی و ارزیابی کیفی توزیع می گردد. حداقل امتیاز کیفی قابل قبول جهت شرکت در مناقسه ۶۰ می باشد.

۲-۲- نوع و میزان سپرده شرکت در مناقسه متعاباً از طریق دعونامه که به مناقسه گران واجد شرایط اعلام خواهد گردید.

۳-۲- **تکمیل شده ارزیابی کیفی:** مناقسه گران **نوبت دوم**، اسناد ارزیابی را تکمیل و به **خواست شرکت در مناقسه** به درس: تهران -



۱- نحوه دریافت اسناد ارزیابی کیفی: اسناد ارزیابی کیفی در سایت WWW.PIHO.IR (سازمان بهداشت و درمان صنعت نفت) جهت تهیه و تحویل ارسال اسناد درج می گردد.

۲- مهلت و مراحل تحویل اسناد تکمیل شده ارزیابی کیفی: مناقصه گران حداکثر تا ۱۵ روز پس از درج آگهی نوبت دوم، اسناد ارزیابی و تکمیل و همراه مستندات مورد نیاز و نامه درخواست شرکت در مناقصه به آدرس: تهران میدان ولیعصر (عج) - خیابان کریم خان زند - خیابان به آفرین - پلاک ۲۷ سازمان بهداشت و درمان صنعت نفت - طبقه ۳ - امور پیمان ها تحویل در صورت نیاز به هر گونه اطلاعات بیشتر با شماره تلفن های ۸۳۲۰۷۷۷۷ - ۸۸۸۲۱۵۲ تماس حاصل نمایند.



با مردم

شماره تلفن ارتباطی با خوانندگان: ۰۲۱۳۳۰۲۳۳۳۷
ارسال پیام کوتاه خوانندگان: ۰۲۱۳۳۰۲۳۹۱۶
تلاگرام با مردم: @bamardom_hamshahri

زمین‌های غصب‌شده اهالی شاندیز به آنها بازگرد

حدود ۱۰۰ خانواده از جانبازان، خانواده شهدا، آزادگان، ایثارگران و اهالی شاندیز هشتیم که با وجود دارا بودن اسناد مالکیت و سند تک‌برگی ثبت‌شده در طرح کاداستر متعلق به ۲ قطعه زمین به پلاک ۱۷۲۸ و ۱۷۲۹ اصلی ۹۳ مجزی شده از ۱۳۸۱ بخش ۶ مشهد در شهر شاندیز، ملکمان توسط افرادی غصب شده است. مردم رنجور شاندیز بارها و در پرونده‌های مختلف موضوع را پیگیری کرده‌اند و احکامی نیز در این خصوص صادر شده، ولی تاکنون زمین‌های این مردم به آنها بازنگشته است. تقاضا داریم قوه قضاییه به‌طور ویژه به این موضوع که اغلب دینفعان واقعی آن خانواده‌های جانبازان و شهدا... هستند رسیدگی کند و تیمی را مأمور تعیین تکلیف و احقاق حق مردم ستمدیده نماید که تاکنون صدایشان به جایی نرسیده است.

اهالی شاندیز در مشهد

آمیول ۹۰۰ هزار تومانی ام‌اس ۹ میلیون شده است

بیماران ام‌اس سال‌هاست از داروی آمیول بتافرون برای کنترل بیماری استفاده می‌کنند. قبلا از این نایسانامی‌های گسترده اقتصادی قیمت آن حدود ۹۰۰ هزار تومان بود که به هر سستی بود تهیه می‌کردیم. ۲ ماه در هیچ داروخانه‌ای و با هیچ واسطه‌ای آمیول پیدا نمی‌شد و اکنون که اعلام موجودی کرده‌اند، همان دارو با همان تاریخ قبلی و با اعتبار در سه‌رجه روی آن که چندماه در داروخانه‌ها بود عرضه نمی‌شد با قیمت ۹ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان یعنی صدمبار عرضه می‌شود. در پاسخ نیز می‌گویند با ارز آزاد آمده است. چرا این همه دروغ؟ در چنین شرایطی خود من بشخصه قادر به خرید این دارو نیستم و بسیاری دیگر از بیماران ام‌اسی، در نتیجه چندماه دیگر تاریخ مصرف آمیول به پایان می‌رسد؛ در حالی که وضعیت سلامتی صدها بیمار بدتر شده است. آیا گوش شنوایی صدای بیماران ام‌اس را می‌شنود؟

راستی از تهران

حق سهامداران سیمان خرم‌آباد را هیأت‌مدیره بگیرد

۴۶ هزار سهامدار مالباخته و متضرر سیمان خرم‌آباد که ۱۶ سال پیش با تبلیغات صدا و سیما و بانک اقدام به سرمایه‌گذاری در پروژه سیمان خرم‌آباد کردند، هنوز پلاکتلیف و سرگردانند. تاکنون نزدیک به ۴۰۰ شکایت کتبی و پرونده قطوری از مدار ک اختلاس هیأت‌مدیره این شرکت در جریان است ولی کلاهبرداران آزادانه در برج‌هایی که با پول سهامداران خریداری کرده‌اند وقت می‌گذرانند و حقوق سهامداران ۱۶ سال است که نادیده گرفته شده است. از قوه قضاییه تقاضای اجرای عدالت و حل مشکل سهامداران را داریم. پارسایی از خرم‌آباد

@ اعطای در صد جانبازی به رزمندگان پلاکتلیف ماند

قرار بود بر اساس سنوات خدمت و ایثارگری رزمندگان در صدهایی از جانبازی به این قشر تعلق گیرد که آنها از برخی مزایای ایثارگری برخوردار شوند. تعداد محدودی از این اقدام به‌رهمند شدند و بعد طرح را کد ماند. از بنیاد شهید و امور ایثارگران و نیز نمایندگان مجلس تقاضا داریم این طرح را پیگیری و اجرایی کنند.

علی عباسپور از تهران

واسطه‌های نیروی انسانی در شهرداری تبریز حذف شوند واقعا قابل درک نیست که آیا شهرداری تبریز با دیگر شهرها قادر به شناسایی و جذب نیرو نیست که آن را به‌دست فردی می‌سپارد که نامش پیمانکار یا هر چیز دیگری است. فرض کنید قرار است من به‌عنوان کارمند یک بخش حدود ۷ میلیون دریافتی داشته باشم که اگر قرار دادم با پیمانکار باشم ۵ میلیون می‌گیرم، یعنی واسطه منابع انسانی بابت هر نیرو در ماه ۲ میلیون دریافتی دارد. چرا چنین رانتی باید به یک فرد داده شود؟ چرا باید در شهرداری تبریز ۱۷۱ نفر قرارداد کاری وجود داشته باشد؟ اکنون ضرورت حذف شرکت‌های واسطه نیروی انسانی بیش از هر زمانی احساس می‌شود، زیرا با وجود هزینه‌کرد شهرداری، نارضایتی نیروی انسانی در این میان رقم می‌خورد.

حسین زاده از تبریز

قیمت لبنیات مانند ارز و طلا روزانه تغییر می‌کند

چطور ممکن است یک سطل ماست بشود ۵۰ هزار تومان یا یک بطری شیر بدون لاکتوز بشود ۱۳ هزار تومان؟ تکلیف ما پیرمردها و پیرزن‌ها که چاره‌ای جز خوردن لبنیات برای تامین کلسیم بدن‌مان نداریم چون قدرت خریدمان به دیگر اقلام دارای کلسیم نمی‌رسد، چیست؟ من، همسر و دخترم مجبور شده‌ایم مصرف لبنیات را محدود کنیم که متأسفانه با این گرانی‌هایی که از اول هفته شاهد آن هستیم مجبوریم آن را به‌طور کامل حذف کنیم. موسیان از تهران

رقم قبض برق من چندبرابر شده است

در حالی که منزل ما سال‌هاست در شرق تهران است، صاحبخانه هستیم، سیم‌کشی ساختمان نیز سالم است و وسیله برقی جدیدی در چند سال اخیر به خانه‌ام اضافه نشده، آخرین قبض برق صادرشده برای خانه ما چندبرابر قبض‌های قبلی است. به اداره برق مراجعه و اعتراض کردم، می‌گویند «تعجبی دارد؟! وقتی همه چیز گران شده برق هم گران شده است». به جای اینکه برق مردم را گران کنند رانت را از برق‌خواران بگیرند، نه اینکه در این بحران اقتصادی برای مردم دغدغه جدید بسازند.

هماپونی از نارمک تهران

پاسخ مسئولان

پل مکانیزه زیرگذر و رسالت در صورت تأمین قطعه، وارد مدار سرویس دهی می‌شود
روابط عمومی سازمان حمل‌ونقل ترافیک شهرداری تهران پیرو چاپ پیام مردمی با موضوع ضرورت مرمت و نظافت پل عابر مکانیزه زیرگذر رسالت در دستور با مردم پاسخ داده است: تعداد ۲۰ونیز پله‌برقی در آدرس مذکور به‌دلیل خرابی هندریل غیرفعال است که به‌همین تأمین قطعه تعمیر می‌شود و در مدار سربس دهی قرار خواهد گرفت.

راننده، مقصر صدرصد حادثه واژگونی اتوبوس خبرنگاران

وکیل مدافع اولیای دم: این نظر کارشناسی هنوز به ما ابلاغ نشده است

۲ ماه پس از واژگونی اتوبوس حامل خبرنگاران در حوالی نقده که به‌جان‌باختن ۲ نفر از آنها و مصدومیت شماری دیگر منجر شد، تازه‌ترین نظریه کارشناسی درباره علت وقوع حادثه از قصور صدرصدی راننده حکایت دارد. به گزارش همشهری، این حادثه عصر روز دوم تیرماه امسال اتفاق افتاد. ماجرا از این قرار بود که شماری از خبرنگاران به دعوت سازمان حفاظت از محیط‌زیست برای بازدید از طرح‌های محیط‌زیستی به شمال غرب کشور سفر کرده بودند، اما در نزدیکی نقده اتوبوسی که حامل ۲۶ نفر از

مسافران بود، واژگون شد و ریحانه یاسینی، خبرنگار ایرنا و مهشاد کریمی، خبرنگار ایستنا جان خود را از دست دادند و تعدادی دیگر از سرشنیان اتوبوس مصدوم شدند. این حادثه دلخراش بازتاب گسترده‌ای داشت و روشن شدن دلیل حادثه و شناسایی مقصران آن به یک مطالبه عمومی تبدیل شد. هرچند مدتی بعد از این حادثه سخنگوی وقت قوه قضاییه ۵۰ درصد قصور حادثه را متوجه راننده و ۵۰ درصد دیگر را متوجه سایر متولیان اعلام کرد، اما حالا تازه‌ترین نظریه درباره این حادثه که توسط کمیسیون ۳ نفره صادر شده از قصور صدرصدی راننده اتوبوس حکایت دارد. برتو برهانپور، یکی از وکلای مدافع اولیای دم درباره آخرین وضعیت این پرونده به ایسنا گفت: در تیرماه به وکالت از اولیای دم هر دو خبرنگار عزیز، شکواییه و وکالت‌نامه را در شعبه ۳ بازپرسی دادسرای ناحیه ۲۳ تهران – که ویژه نیابت قضایی است – ثبت کردیم، اما اخیرا متوجه شدیم که در یک نظر کارشناسی به تاریخ ۵ شهریورماه براساس تصمیم یک هیأت ۳ نفره از «کارشناسان وزارت دادگستری در زمینه تصادفات و امور وسایل نقلیه موتوری زمینی» راننده مقصر صدرصد حادثه واژگونی اتوبوس خبرنگاران اعلام شده است. وی ادامه داد: این نظر کارشناسی که در فضای مجازی منتشر شده است، نه به ما

نه به اولیای دم متأسفانه ابلاغ نشده است. ما برای نشان دادن حسن نیت خود و درخواست طی کردن روند قانونی، دوباره در ۱۳ شهریورماه لایحه‌ای را مستقیما به بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان نقده ارسال و تأکید کردیم ما وکلای رسمی این پرونده هستیم و باید نظر کارشناسی را به ما ابلاغ کنند تا بتوانیم نسبت به آن اعتراض کنیم، اما تاکنون نظریه به ما ابلاغ نشده است. وکیل اولیای دم تصریح کرد: از طرفین پرونده برای صدور هر نظریه کارشناسی باید دعوت شود، اما این نظریه بدون دعوت از وکلای اولیای دم و وکیل خبرنگاران و خود خبرنگاران مجروح و استماع اظهارات همگی ما اعلام شده و عدم دعوت از وکلا و خبرنگاران مجروح شده تخلف هیأت کارشناسی نیز محسوب می‌شود. وی با اشاره به بعضی از مستندات قصور برخی دستگاه‌ها که منجر به واژگونی اتوبوس خبرنگاران شد، گفت: از اول راننده اعلام کرد و ما هم می‌دانیم که اتوبوس به شرکت پیمانکار ایاب و ذهاب کارخانه سیمان ارومیه تعلق داشت، فاقد صورت وضعیت بود و زیر نظر هیچ شرکت مسافربری قرار نداشت و تردد آن غیرمجاز بود. برهانپور ادامه داد: طبق مقررات هر گونه جابه‌جایی مسافر مستلزم رعایت قوانین حمل‌ونقل جاده‌ای است. جاده محل تردد اتوبوس

لیزر درمانی، جان زن جوان را گرفت

داخلی

زنی که برای لیزر درمانی (لیزر تراپی) به کلینیک مجهزی در تهران رفته بود در اتفاقی عجیب، جانش را از دست داد و تحقیقات برای شناسایی مقصران را آغاز شده است. به گزارش همشهری، ۱۵ مردادماه امسال، گزارش مرگ زنی جوان به قاضی مصطفی واحدی، بازپرس جنایی تهران اعلام شد. این زن از حدود ۲۰ روز قبل برای انجام لیزر تراپی به یکی از کلینیک‌های مجهز تهران رفته اما در اتاق عمل ناگهان حالتش بد شده و به کما رفته بود. زن جوان برای درمان به بیمارستانی در پایتخت انتقال یافته اما ضربه هوشیاری‌اش پایین بود. تلاش پزشکان برای نجات او نتیجه‌ای نداشت و وی دچار مرگ مغزی شده و پس از حدود ۲۰ روز کما جانش را از دست داده بود. با مرگ این زن، وکیل خانواده وی به دادسرای جنایی تهران رفت و از تیم پزشکی شامل دلیل

معالج، پزشک بی‌هوشی، مسئول فنی و مسئولان کلینیک شکایت کرد و گفت که آنها در مرگ زن جوان مقصر هستند. او به بازپرس شعبه یازدهم دادسرای جنایی تهران گفت: متوفی ساعت ۱۴، ۲۶ تیرماه امسال به همراه همسر و مادرش برای انجام لیزر تراپی به کلینیکی در شمال تهران رفت. پزشک معالج به همسر او اعلام کرد که عمل وی نیم ساعت بیشتر طول نخواهد کشید. به همین دلیل همسرش پشت در ورودی اتاق عمل منتظر وی بود. اما بیشتر از یک ساعت گذشت و خبری از بیمار نشد. همسر و وی مجدداً از پزشک و مسئولان اتاق عمل پرس و جو کرد که علت تأخیر چیست. آنها اعلام کردند که اتاق عمل شلوغ است و کار زیادی دارند. در این شرایط آنها همچنان منتظر زن جوان بودند اما باز هم خبری از او نشد. وکیل خانواده متوفی ادامه داد: همسر متوفی که نگران شده بود برای او دارو سراغ او را گرفت که این‌بار گفتند دستگاه لیزر شارژ ندارد، به همین دلیل

عمل طولانی شده است. به گفته همسر متوفی، حدود ساعت ۱۷:۳۰ ناگهان دکتر سراسیمه از اتاق عمل بیرون آمد و به او گفت که «بیا ببین همسرت در چه وضعی است». مرد جوان نیز وحشتزده وارد اتاق شد و دید که شکم همسرش باد کرده است و تیم پزشکی امکانات لازم برای اکسیژن دادن به وی را ندارند و به‌صورت دستی نیم عمل پرس و وی می‌کنند. حال بیمار اصلا خوب نبود و درخواست آمبولاس شد تا برای درمان به بیمارستان منتقل شود. وقتی آمبولاس اعزام شد، دستگاه اکسیژن نداشت و حدوداً نیم ساعت طول کشید تا اکسیژن آمبولاس وصل شود. در تمام این مدت بیمار بی‌هوش و کلینیک هم فاقد تجهیزات و ملزومات اولیه برای به هوش آوردن او بود. وقتی او به بیمارستان منتقل شد، تحت درمان قرار گرفت اما وی به کما رفته بود و پزشکان مرگ مغزی او را تأیید کردند. پس از ۲۰ روز بستری در بیمارستان، زن جوان به کام اعلام و مشخص کند.

دستور تازه

با شکایت وکیل خانواده متوفی، پرونده به جریان افتاد و پزشکی قانونی نیز علت اصلی مرگ را اعلام کرد. براساس اعلام نظریه پزشکی قانونی، علت تامه مرگ آسیب مغزی متعاقب شوک وقفه‌ای ناشی از لیزر تراپی بوده است. به این ترتیب بازپرس جنایی با توجه به اعلام این نظریه به شکایت وکیل خانواده متوفی دستور داد تا پرونده به سازمان نظام پزشکی فرستاده شود و کارشناسان با انجام بررسی‌ها، میزان قصور پزشکی که در مرگ زن جوان نقش داشته اند را اعلام و مشخص کنند.

مهرتایید بر جنون مادری که نوزادش را کشت



جنایی

نظریه پزشکی قانونی درباره مادر افسرده‌ای که یک روز پس از زایمان، نوزادش را از تراس خانه به بیرون پرتاب کرده بود، نشان می‌دهد که او در زمان حادثه دچار جنون بوده است. به گزارش همشهری، این حادثه شامگاه هجدهم تیرماه در حوالی جنوب شرق تهران رخ داد. آن روز زنی که در طبقه چهارم ساختمانی طبقه زندگی می‌کرد نوزاد دخترش را از تراس به حیاط پرتاب کرد و همسایه‌ها با دیدن جسد نوزاد در حیاط، با این تصور که او دچار حادثه شده وحشتزده خود را به طبقه چهارم رساندند. آنها زنگ در را زدند و زن جوان خونسر دانه در را باز و به همسایه‌ها احوالپرسی کرد اما وقتی همسایه‌ها سراغ نوزادش را گرفتند، وی که به‌نظر می‌رسید دچار فراموشی شده است، انگار که تازه از خواب بیدار شده فریاد زد که نوزادش را به بیرون پرتاب کرده است. او به همسایه‌ها گفت: دخترم خیلی گریه می‌کرد. به همین دلیل او را به بیرون پرتاب کردم. اما فراموش کرده بودم تا اینکه شما زنگ خانه‌ام را زدید



میرسید دچار فراموشی شده است، انگار که تازه از خواب بیدار شده فریاد زد که نوزادش را به بیرون پرتاب کرده است. او به همسایه‌ها گفت: دخترم خیلی گریه می‌کرد. به همین دلیل او را به بیرون پرتاب کردم. اما فراموش کرده بودم تا اینکه شما زنگ خانه‌ام را زدید

کشف جسدی در جاده امامزاده داوود



رویداد

با پیدا شدن جسد مردی در جاده امامزاده داوود معلوم شد که این مرد ۴ روز قبل برای پیدا کردن کار به تهران آمده اما در پایتخت قربانی جنایتی مرموز شده است. به گزارش همشهری، صبح دیروز مأموران کلاتری امامزاده داوود هنگام گشت‌زنی در جاده امامزاده داوود چشمشان به جسد مردی افتاد که دور آن پتو پیچیده شده بود. ماجرا به قاضی رحیم دشتیان، بازپرس جنایی تهران اعلام شد و او به همراه تیم تجسس پلیس آگاهی تهران در محل حادثه حضور یافتند. جسد متعلق به مردی حدوداً ۵۰ ساله بود که داخل پتو قرار داده شده و پتو نیز طناب‌پیچ شده بود. حدود ۱۰ ساعت از مرگ وی می‌گذشت و زیر چشمانش آثار خراش و روی شکمش آثار کبودی به چشم می‌خورد. مأموران در ادامه کارتی کشف کردند که هویت قربانی را فاش می‌کرد. در ادامه مشخص شد که وی ۴ روز قبل برای پیدا کردن کار از شمال شرق کشور به تهران سفر کرده و در همان نزدیکی کاری پیدا کرده و کارگری می‌کرد. علت اصلی مرگ مشخص نبود اما به‌نظر می‌رسید که وی در محل دیگری به قتل رسیده و بعد قاتل با قاتلان، جسد او را پتوپیچ کرده و سپس در جاده امامزاده داوود رهایش کرده‌اند. در این شرایط جسد وی به پزشکی قانونی انتقال یافت تا علت اصلی مرگ او مشخص شود. از سوی دیگر تیمی از مأموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران مأموریت یافتند تا اسرار این جنایت مرموز را فاش کنند.

تصادف یک دستگاه تیبیا با یک کامیون، حادثه هولناکی را رقم زد و هقربانی گرفت.

به گزارش همشهری، این حادثه تلخ بامداد دیروز (سه‌شنبه) در محور ساوه به بوئین زهرا، حوالی مجتمع خدماتی رفاهی خورشیدانتفاق افتاد. بهرام صیدی، سرپرست مرکز مدیریت حوادث و فوریت‌های پزشکی دانشکده علوم پزشکی ساوه گفت: با دریافت خبر این تصادف، بلافاصله تیم عملیاتی اورژانس امانیه و تیم‌های امدادی هلال احمر و آتش‌نشانی به محل وقوع حادثه اعزام شدند و بررسی‌ها نشان داد؛ به‌علت شدت حادثه و جراحات وارده، شش‌نشین تیبیا در همان لحظه‌های اولیه حادثه، جان خود را از دست داده‌اند.

براساس این گزارش، در بررسی کارشناس پلیس راه، علت این سانحه، بی‌مبالاتی راننده سوری تیبیا به علت حرکت در خلاف جهت راه، نسبت به کامیون کشنده اعلام شد.

موسی الرضا

تشنه آب
اجلاس
بنی‌الهی
قجاهوان
در غربت
المؤتمرالدولي السادس
لمجاهدي الغربیة
بامحوریت نقش مقاومت درافول و
اخراج آمریکا از منطقه
۱۴مهرماه همزمان با شب شهادت
غریب‌الغریاء حضرت
علی بن موسی الرضا
تهران اپخش مستقیم از شبکه‌های داخلی و برون مرزی
صداسیماى جمهوری اسلامی ایران



دولت فراگیر؛ سدراه طالبان

محمدامین خرمی

روزنامه نگار

بیش از یک‌ماه از سقوط کابل می‌گذرد اما طالبان هنوز مشغول اعلام اسامی برای پست‌های کابینه است. دیوبند، ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی گروه طالبان و معاون وزارت اطلاعات و فرهنگ در یک نشست خبری اسامی جدیدی برای برخی پست‌های کابینه اعلام کرد. کابینه‌ای که چشم جهان به آن است تا تکلیف چگونگی تعامل با طالبان را مشخص کند.

سازمان‌های بین‌المللی و بسیاری از کشورهای جهان از جمله همسایه‌های افغانستان، تأکیدشان بر تشکیل یک دولت فراگیر است اما طالبان تا به اینجا نشان داده که انقدرها به دنبال تقسیم قدرت با دیگر گروه‌ها و جریان‌های سیاسی افغانستان نیست. با این حال، فشارها بر طالبان برای تشکیل یک دولت فراگیر همچنان ادامه دارد. ایران از ابتدا اعلام کرده که خواستار تشکیل دولتی متشکل از همه قومیت‌ها و گروه‌های سیاسی در کابل است. پاکستان نیز دیروز موضع رسمی خود را اعلام کرد. عمران خان، نخست‌وزیر پاکستان، در گفت‌وگو با شبکه جهانی بی‌بی‌سی گفت که تشکیل دولت فراگیر یکی از ۳ شرط اصلی اسلام‌آباد برای به رسمیت شناختن دولت طالبان است. عمران خان شرط دیگر پاکستان را اینگونه عنوان کرد: رعایت حقوق بشر در افغانستان و جلوگیری از استقرار گروه‌های تروریستی در خاک افغانستان. عمران خان همچنین گفت که کشورش در هماهنگی با دیگر همسایگان افغانستان بر سر به رسمیت شناختن دولت طالبان تصمیم خواهد گرفت. او گفت: به رسمیت شناختن طالبان، باید یک تصمیم جمعی باشد. در فهرست نخست طالبان برای کابینه که کمتر از هفته قبل اعلام شد اما هیچ نشانه‌ای از تمایل به تشکیل یک دولت فراگیر دیده نمی‌شد. همه پست‌های کلیدی کابینه در فهرست نخست در اختیار پشتون‌ها و افراد کلیدی طالبان قرار گرفته بود. بعد از آن بود که رفته‌رفته خبرهایی از بروز اختلافات داخلی میان سران طالبان هم شنیده شد. ۲ جریان اصلی در طالبان بر سر ترکیب کابینه رودرروی هم قرار گرفتند. یک گروه شامل افراد میانه‌رو به رهبری ملا برادر، معاون سیاسی طالبان، و گروه دیگر شامل چهره‌های تندرو به رهبری سراج‌الدین حقانی. سراج‌الدین حقانی رهبر شبکه تروریستی حقانی و معاون رهبر طالبان است که در فهرست نخست یکی از مهم‌ترین پست‌های دولت یعنی کرسی وزارت کشور را در اختیار گرفت. پیش از آن همه تصور می‌کردند که ملا برادر قرار است به عنوان رئیس‌الوزرا یا همان نخست‌وزیر معرفی شود اما در نهایت، نام محمدحسن آخوند اعلام شد. محمدحسن آخوند، رئیس شورای رهبری طالبان در کویت است و به‌نظر می‌رسد در پی بروز اختلافات میان سراج‌الدین حقانی و ملا برادر بر سر تقسیم پست‌های کابینه به‌عنوان نخست‌وزیر معرفی شده‌اند. اما در حالی که تصور می‌شد پایان‌دهنده اختلافات باشد، اختلافات درونی طالبان اما ادامه پیدا کرد. برخی از اعضای ارشد طالبان به رسانه‌ها گفتند که اعتراض ملا برادر به چینی‌ها کابینه و فراگیر نبودن آن به مشاجرات لفظی و حتی فیزیکی میان او و حقانی منجر شده است. طی چند روز حتی این شایعه مطرح شد که ملا برادر در این کشمکش، زخمی شده است. ملا برادر در پی بروز این اختلافات، به قندهار رفت و چند روزی را در این شهر سپری کرد. هر چند او چند روز بعد در مصاحبه‌ای از قبل ضبط شده، دودستگی در میان گروه طالبان بر سر کابینه را تکذیب کرد.

در فهرست جدید برای پست‌های باقی مانده، طالبان تلاش کرده چند کرسی را در اختیار قومیت‌های دیگر قرار دهد تا شاید اندکی از فشارها بکاهد. ذبیح‌الله مجاهد گفت که در این فهرست، «تخصص و نمایندگی» مدنظر قرار داده شده است. معاون وزارت کشور و معاونت وزارت دفاع در اختیار صدر ابراهیم و عبدالقیوم ذاکر، دو تن از فرماندهان میدانی طالبان، قرار گرفته که به‌نظر می‌رسد بیرون ماندن‌شان از کابینه دلیل بروز بخشی از تنش داخلی طالبان بوده است. نورالدین عزیزی، که گفته می‌شود تاجیک و اهلی ولایت پنجشیر است به‌عنوان سرپرست وزارت تجارت معرفی شده است. محمد بشیر از ولایت بغلان و عظیم سلطان زاده از ولایت سرپل به‌عنوان ۲ معاون او معرفی شده‌اند. قلندر عباد، به‌عنوان سرپرست وزارت بهداشت و عبدالباری عمر و محمدحسن غیانی به‌عنوان معاونان او تعیین شده‌اند. طالبان گفته غیانی هزاره است. طالبان تا به اینجا از سوی هیچ کشوری به رسمیت شناخته نشده است. چالش تشکیل دولت فراگیر، می‌تواند در نهایت به پاسنه اشیل دولت طالبان تبدیل شود؛ طالبانی که می‌گوید با ۲۰ سال قبل تفاوت‌های بسیاری دارد.

قمار انتخاباتی ترودو

گزارش

حزب لیبرال کانادا، موفق شد بیشترین آرا را در انتخابات سراسری کسب و تداوم نخست‌وزیری جاستین ترودو را تضمین کند اما نتوانست اکثریت لازم را برای تشکیل مستقلانه دولت به‌دست بیاورد و حالا دوباره باید دولت اقلیت تشکیل دهد. به گزارش گاردین، حزب حاکم کانادا که به‌خاطر تشکیل دولت اقلیت قدرت کافی برای اعمال سیاست‌های خود نداشت، با درخواست برای برگزاری زودهنگام انتخابات دست به قمار زد اما این کار، نتیجه دلخواه این حزب را به همراه نداشت. ترودو بعد از اعلام نتیجه اولیه و مشخص شدن پیروزی حزبی، گفت که این نتیجه پیمانی از سوی مردم است و باید کشور از بحران همه‌گیری کرونا سالم بیرون برود. ترودو دیروز صبح در مونترال اعتراف کرد که تصمیم برای برگزاری زودهنگام انتخابات چندان با اقبال روبه‌رو نشده است. شبکه تلویزیونی سی‌بی‌اس کانادا اعلام کرد که حزب لیبرال بیشترین کرسی‌ها را در پارلمان به‌دست آورده اما همچنان موفق نشده که به حد نصاب ۱۷۰ کرسی برای به‌دست گرفتن پارلمان برسد. بر این اساس، آنها ۱۵۷ کرسی را به‌دست آورده‌اند که دقیقاً برابر با تعداد کرسی‌های این حزب در انتخابات سال ۲۰۱۹ است.

محافظه‌کاران که رقیب اصلی لیبرال‌ها هستند هم بر اساس گزارش سی‌بی‌اس ۱۲۱ کرسی به‌دست آورده‌اند که تکرار نتیجه این حزب در سال ۲۰۱۹ است. حزب چپ‌گرای نئودموکرات‌ها با کسب ۵۵ کرسی بیشتر نسبت به انتخابات قبلی، ۲۹ کرسی کسب کرد و حزب بلوک کبکی با سه کرسی کمتر، در این انتخابات برنده ۲۸ کرسی شده است. سبزها هم همچنان ۴ کرسی دارند.

دانیل بلاند، استاد دانشگاه مک‌گیل کانادا درباره نتیجه انتخابات به الجزیره گفته است: «نتایج دقیقاً مثل همان چیزی است که در اکتبر سال ۲۰۱۹ داشتیم. لیبرال‌ها با دولت اقلیت در قدرت باقی می‌مانند و پارلمان هم تشابه زیادی با دور قبل خواهد

داشت. جاستین ترودو فشارش برای اکثریت را باخته اما بعد از یک شروع سخت، موفق شد اوضاع را تغییر دهد و همچنان در قدرت باقی بماند. بیشتر کانادایی‌ها بر این اساس، آنها ۱۵۷ کرسی را به‌دست آورده‌اند که دقیقاً برابر با تعداد کرسی‌های این حزب در انتخابات سال ۲۰۱۹ است.

محافظه‌کاران که رقیب اصلی لیبرال‌ها هستند هم بر اساس گزارش سی‌بی‌اس ۱۲۱ کرسی به‌دست آورده‌اند که تکرار نتیجه این حزب در سال ۲۰۱۹ است. حزب چپ‌گرای نئودموکرات‌ها با کسب ۵۵ کرسی بیشتر نسبت به انتخابات قبلی، ۲۹ کرسی کسب کرد و حزب بلوک کبکی با سه کرسی کمتر، در این انتخابات برنده ۲۸ کرسی شده است. سبزها هم همچنان ۴ کرسی دارند.

دانیل بلاند، استاد دانشگاه مک‌گیل کانادا درباره نتیجه انتخابات به الجزیره گفته است: «نتایج دقیقاً مثل همان چیزی است که در اکتبر سال ۲۰۱۹ داشتیم. لیبرال‌ها با دولت اقلیت در قدرت باقی می‌مانند و پارلمان هم تشابه زیادی با دور قبل خواهد



بتواند با قدرت بیشتری از همه‌گیری کرونا عبور کند. با این حال علاوه بر احزاب مخالف، کارشناسان هم به این مسئله اشاره می‌کردند که هدف اصلی او به‌دست آوردن اکثریت در پارلمان بوده است. احزاب مخالف تصمیم ترودو، برگزاری انتخابات زودهنگام به فاصله کوتاهی پس از اعلام این تصمیم را توجیه و او را متهم کردند که در موج چهارم کرونا، به فکر منافع حزبی است. آرین اوتول رهبر حزب مخالف محافظه‌کار انتخابات را تلاش برای دزدیدن قدرت توسط لیبرال‌ها خوانده است. او در سخنرانی بعد از انتخابات، ضمن قبول شکست گفته است: «۵ هفته پیش، آقای ترودو خواستار اکثریت بود. امشب، کانادایی‌ها آن اکثریتی که می‌خواست را به او ندادند. در واقع، کانادایی‌ها دوباره و بعد از هزینه ۰۰ میلیون دلاری (دلار کانادا)، اقلیت را به او دادند.»

حزب ترودو در آرای مردمی اکثریت را داشت اما به هر حال در نهایت شکست خورد. کارزار او نتوانست تعداد کافی

رای دهندگان را متقاعد کند که پای صندوق‌های رأی بروند و لیبرال‌ها را بعد از ۶ سال حضور در صدر قدرت پایین بکشند. آخرین باری که محافظه‌کاران در انتخابات سراسری در کانادا پیروز شده، سال ۲۰۱۱ بوده است. اوتول گفته است: «حمایت از ما بیشتر شده، در سراسر کشور بیشتر شده، اما مشخصاً باید همچنان بیشتر کار کنیم تا اعتماد کانادایی‌ها را به‌دست بیاوریم.» به گزارش بی‌بی‌سی، این انتخابات گران‌ترین انتخابات تاریخ کانادا بوده است و دست کم ۲۷۰ میلیون دلار آمریکا هزینه در بر داشته است. در کانادا که از نظر مساحت دومین کشور بزرگ دنیاست و ۳۸ میلیون جمعیت دارد، ۳۳۸ حوزه انتخاباتی وجود دارد. در این میان اسامی مهم‌ترین نقش‌رابط‌های ایفا می‌کنند که در حاشیه شهرهای بزرگ مثل تورنتو، مونترال و ونکوور قرار دارند.

با وجود به‌دست نیامدن اکثریت، نخست‌وزیر احتمالاً در پارلمان به‌خاطر دنبال کردن سیاست چتر حمایتی حزب

حزب لیبرال جاستین ترودو، نخست‌وزیر کانادا، نتوانست اکثریت مطلق انتخابات را کسب کند و او دوباره باید دولت اقلیت تشکیل دهد

لیبرال، از حمایت زیادی برخوردار خواهد بود. این طرح شامل پرداخت روزانه ۱۰ دلار کانادایی به خانواده‌ها به ازای هر فرزند در سراسر کشور است. با این حال، بر اساس نظرسنجی‌های انجام‌شده و نیز نظرسنجی‌های سیاسی، ترودو با وجود برخی موفقیت‌های سیاسی، در میان بخشی از مردم کانادا اعتبارش را تا اندازه‌ای از دست داده است. این به‌دلیل وعده‌های بزرگی است که او داده ولی به آنها عمل نکرده است.

وضعیت مخالفان ترودو

آنامی پل، رهبر حزب سبزها هم که در ماه‌های اخیر تحت فشار زیادی قرار داشت تا از رهبری حزب کنار بگیرد، در انتخابات ترودو مغلوب رقیب خود شد.

مکسیم برنیر، رهبر حزب مردم کانادا هم که علیه اقدامات بهداشتی مثل واکسن و ماسک زدن موضع گرفته و منتقدانش او را نژادپرست و بیگانه‌هراس می‌خواند، همچون دیگر نامزدهای این حزب موفق به راهیابی به پارلمان نشد. او با توجه به حمایتی که در میان گروه‌های ضدواکسن داشت در نظرسنجی‌ها اوج گرفته بود اما در نهایت آرای کافی برای ورود به پارلمان کشورش را به‌دست نیاورد.

با اینکه دولت‌های اقلیت در کانادا مرسوم هستند، دولت‌های ائتلافی در کانادا چندان رایج نیستند و ترودو باید برای تصویب قوانین دولتش، با احزاب مخالف مصالحه کند.

در چنین شرایطی، حزب نئودموکرات‌ها به رهبری جاکوینت سینگ که رویکردی کاملاً چپ دارد می‌تواند به کمک ترودو بیاید. آنها انقدر کرسی به‌دست نیاورده‌اند که نقشی کلیدی در ائتلاف اکثریت داشته باشند اما همچنان می‌توانند در مسئله رأی اعتماد یا حزب لیبرال همراهی کنند. سینگ در سخنرانی بعد از انتخابات در جمع هوادارانش گفته است که از ترودو در ازای همراهی، وعده همکاری گرفته است. آنها درخواست‌های خاصی از جمله توجه بیشتر به تغییرات اقلیمی دارند.

کیوسک



روزنامه تورنتو استار [کانادا]

ابقای اقلیت

تورنتو استار نوشته که انتخابات اخیر در کانادا بیش از هر چیز نشان داد که جامعه این کشور همچنان دوباره است. جاستین ترودو قصد داشت اکثریت پارلمان را در انتخابات زودهنگام به‌دست بیاورد اما باید به دولت اقلیت بسنده کند. این روزنامه نوشته که ترودو بار دیگر نخست‌وزیر شد اما جایگاهش تضعیف شده است.



روزنامه فایننشال تایمز [انگلیس]

تسهیل شرایط سفر به آمریکا رئیس‌جمهور آمریکا مجوز ورود مسافران خارجی به این کشور را به شرط واکسیناسیون صادر کرده است. مسافرائی که قصد سفر به آمریکا دارند، باید قبل از سوار شدن به هواپیما مدارک واکسیناسیون و همچنین آزمایش منفی کرونا را که حداکثر ۴ روز پیش از پرواز گرفته شده، ارائه دهند.

اروپا در مقابل آمریکا

اروپا



اتحادیه اروپا در ماجرای لغو قرارداد ساخت زیردریایی فرانسه برای استرالیا، پشت پاریس در آمده و علیه آمریکا موضع گرفته است.

به گزارش الجزیره، استرالیا قرارداد چند ده میلیارد دلاری با فرانسه برای ساخت ۱۲ زیردریایی را لغو کرده و به جای آن، به‌عنوان بخشی از یک توافق جامع امنیتی با آمریکا و انگلیس، از این کشور زیردریایی هسته‌ای دریافت خواهد کرد. این اقدام استرالیا، فرانسه را به طرز بی‌سابقه‌ای عصبانی و در آستانه شروع مجمع عمومی سازمان ملل، بحرانی بی‌سابقه در دو سوی اقیانوس اطلس ایجاد کرده است.

جو زپ بول، مسئول ارشد سیاست خارجی اتحادیه اروپا، بعد از جلسه‌ای غیرعلنی در مقر سازمان ملل در نیویورک گفته که برای نیل به صلح و ثبات در منطقه هند و اقیانوسیه، ما می‌بینیم که چین قدرت در حال اوج‌گیری است، به همکاری و هماهنگی بیشتری نیاز است. بول گفته است که وزرای خارجه اتحادیه اروپا، همبستگی بدون شرط خود با فرانسه را اعلام کرده‌اند. ژان لوئوربان، وزیر خارجه فرانسه، آمریکا را به خیانت به فرانسه متهم کرده و گفته که اقدام آمریکا و استرالیا، خنجر زدن از پشت بوده است. لوئوربان از اروپایی‌ها خواسته است تا درباره اتحادشان با آمریکا دوباره فکر کنند. او دولت جو بایدن را متهم کرده که یکجانبه‌گرایی، غیرقابل‌پیش‌بینی بودن، بی‌رحمی و بی‌احترامی به شرکا را که در دولت ترامپ رایج شده بود، ادامه می‌دهد. فرانسه چنان از آمریکا خشمگین شده است که برای نخستین بار در تاریخ دو کشور، سفیر خود را از این کشور فراخوانده است. پاریس اقدام مشابهی را هم در قبال استرالیا انجام داده است.

آگهی مزایده عمومی

۱۸۹۷۷۳۴۵۸۱ ارسال نمایند.

هزینه بررسی اسناد مزایده: مبلغ ۸۰۰۰۰۰۰ ریال می باشد که متقاضیان می بایست به روش توضیح داده شده در سامانه مزایده الکترونیک، نسبت به پرداخت آن اقدام نمایند. **میزان سیرده شرکت در مزایده:** متقاضیان می بایست با رعایت موارد مندرج در ماده ۳ و ۲ شرایط اختصاصی، مبلغ سیرده شرکت در مزایده را به روش توضیح داده شده در سامانه مزایده الکترونیک، پرداخت نمایند.

سایر موارد:

۱: متقاضیان محترم توجه داشته باشند که این مزایده به صورت الکترونیک و با ورود به سامانه مزایده به نشانی: mayadinonline.tehran.ir برگزار خواهد شد. ۲: متقاضیان برای کسب اطلاعات بیشتر، همچنین دسترسی به نشانی میادین و بازارها، می‌توانند به سایت سازمان به نشانی: mayadinonline.tehran.ir مراجعه نمایند. ۳: متقاضیان می بایست، ضمن چاپ و الصاق «برچسب شرکت در مزایده» که از سامانه مزایده الکترونیک دریافت می نمایند، بر روی پاکت در بسته ارسالی، حتما مشخصات خود شامل: نام و نام خانوادگی، کد ملی و تاریخ تولد برای اشخاص حقیقی؛ نام و شناسه ملی برای اشخاص حقوقی، شماره تلفن ثابت و همراه و موضوع مزایده را درج نمایند و مطابق مفاد اسناد نسبت به امضاء و مهر و مهر و موم کردن پاکت اقدام نمایند. ۴: سازمان در رد یا قبول هر یک از پیشنهادات مختار خواهد بود و هزینه انتشار این آگهی به عهده برنده یا برندگان مزایده می باشد. ۵: متقاضیان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن‌های ۹۶۰۱۸۳۲۸ – ۹۶۰۱۸۳۲۸ – ۹۶۰۱۸۳۲۸ (مدیریت واگذاری) و تلفن ۹۶۰۱۸۳۲۸ (امور قراردادها) تماس حاصل نمایند.

روابط عمومی و امور بین الملل سازمان مدیریت میادین میوه و تره بار شهرداری تهران

ردیف	موضوع مناقصه	مبلغ برآورد اولیه (ریال)	مدت انجام کار (ماه شمسی)	دوره تضمین (ماه شمسی)	میزان سیرده شرکت (در مناقصه ریال)	نوبت
۱	عملیات احداث، مرمت و بازسازی پیاده‌روها، انبار، جداول و سنگدال در سطح ناحیه ۱ (کوچک مقیاس)	۲۹,۹۰۱,۱۵۳,۰۰۰	۹	۱۲	۱,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰	اول
۲	عملیات احداث، مرمت و بازسازی پیاده‌روها، انبار، جداول و سنگدال در سطح ناحیه ۲ فاز یک (کوچک مقیاس)	۳۴,۷۱۰,۳۴۰,۷۴۰	۹	۱۲	۱,۷۳۶,۰۰۰,۰۰۰	اول
۳	عملیات احداث، مرمت و بازسازی پیاده‌روها، انبار، جداول و سنگدال در سطح ناحیه ۲ فاز دوم (کوچک مقیاس)	۳۳,۳۷۹,۰۴۳,۷۰۰	۹	۱۲	۱,۶۷۰,۰۰۰,۰۰۰	اول
۴	عملیات احداث، مرمت و بازسازی پیاده‌روها، انبار، جداول و سنگدال در سطح ناحیه ۳ فاز یک (کوچک مقیاس)	۳۶,۰۳۲,۲۵۵,۲۰۰	۹	۱۲	۱,۸۰۲,۰۰۰,۰۰۰	اول
۵	عملیات احداث، مرمت و بازسازی پیاده‌روها، انبار، جداول و سنگدال در سطح ناحیه ۳ فاز دوم (کوچک مقیاس)	۳۸,۳۴۸,۳۰۹,۹۰۰	۹	۱۲	۱,۹۲۰,۰۰۰,۰۰۰	اول
۶	عملیات احداث، مرمت و بازسازی پیاده‌روها، انبار، جداول و سنگدال در سطح ناحیه ۳ فاز سوم (کوچک مقیاس)	۴۷,۹۰۵,۵۲۱,۵۴۰	۹	۱۲	۲,۴۰۰,۰۰۰,۰۰۰	اول
۷	عملیات ابنیه متفرقه در سطح منطقه ۸	۶,۱۹۸,۰۳۵,۵۳۷	۶	۱۲	۳۱۰,۰۰۰,۰۰۰	دوم
۸	عملیات احداث، مرمت و بازسازی پیاده‌روها، انبار، جداول و سنگدال در سطح ناحیه ۱ و ۲	۱۴,۰۵۴,۷۷۲,۷۸۰	۶	۱۲	۷۰۳,۰۰۰,۰۰۰	دوم
۹	عملیات احداث، مرمت و بازسازی پیاده‌روها، انبار، جداول و سنگدال در سطح ناحیه ۳	۱۰,۸۲۵,۹۵۳,۸۲۰	۶	۱۲	۵۴۲,۰۰۰,۰۰۰	دوم
۱۰	عملیات مرمت، بهسازی و توسعه شبکه اصلی و فرعی جمع آوری آبهای سطحی منطقه ۸	۱۱,۰۹۲,۴۰۲,۸۴۰	۶	۱۲	۵۵۵,۰۰۰,۰۰۰	دوم
۱۱	عملیات تراش و روکش مکانیزه آسفالت در سطح نواحی ۱ و ۲ (کوچک مقیاس)	۳۰,۵۳۰,۱۸۸,۳۶۰	۹	۱۲	۱,۵۳۰,۰۰۰,۰۰۰	دوم
۱۲	عملیات تراش و روکش مکانیزه آسفالت در سطح ناحیه ۳ (کوچک مقیاس)	۳۰,۲۱۷,۰۷۲,۹۶۰	۹	۱۲	۱,۵۲۰,۰۰۰,۰۰۰	دوم
۱۳	عملیات تراش و روکش مکانیزه آسفالت در سطح منطقه ۸	۲۱,۱۷۸,۶۴۹,۳۸۰	۶	۱۲	۱,۰۶۰,۰۰۰,۰۰۰	اول

- دستگاه مناقصه‌گزار در قبول یا رد پیشنهادات مختار می‌باشد.
- همراه داشتن معرفی‌نامه رسمی از طرف شرکت و همچنین کارت ملی، جهت دریافت اسناد شرکت در مناقصه الزامی است.
- اسناد مناقصه از طریق تالار آگهی معاملات شهرداری تهران به نشانی business.tehran.ir قابل رویت و دریافت می‌باشد.
- متقاضیان می‌توانند ضمن تحویل اسناد مناقصات بصورت فیزیکی در محل تحویل و در مدت زمان مقرر، نسبت به بارگذاری اسناد (پاکت الف) در سایت <http://business.tehran.ir> اقدام و در صورت نیاز به دریافت اطلاعات و اخذ راهنمایی با شماره تلفن های ۸۴۱۶۱۷ و ۸۴۱۶۲۰۲ سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران تماس حاصل نمایند.

روابط عمومی شهرداری منطقه ۸

- **شرایط اختصاصی شرکت کنندگان:** در اسناد مناقصه منظور شده است.
- **سیرده شرکت در مناقصه:** بصورت واریز نقدی به حساب شماره ۱۰۴۵۷۵۴۵۱ شهرداری منطقه ۸ و یا در قالب ارائه ضمانتنامه بانکی معتبر از یکی از بانک های مستقر در شهر تهران
- **مدت قبول پیشنهادها:** از تاریخ انتشار آگهی به مدت ۱۰ روز
- **محل اخذ و تسلیم پیشنهادها:** میدان نیسوت ابتدای جانبازان غربی طبقه دوم ، دبیرخانه شهرداری منطقه ۸
- پیشنهاد دهندگان می بایست یک نسخه از مدارک و شرایط مهم و کامل مناقصه را از امور قراردادهای دریافت و ضمن مطالعه دقیق آنها ، کلیه اوراق پاکت های الف و ب خود را با مهر و امضای مجاز تسلیم نمایند.
- هیچگونه پیش پرداختی در موارد فوق منظور نشده است.
- هزینه انتشار آگهی به نسبت برآورد اولیه بر عهده برنده مناقصات خواهد بود.
- **روز، ساعت و محل قرائت پیشنهادها:** در اسناد منظور شده است.

تولید: پشتیبانی‌ها، مانع‌زدایی‌ها

■ چهارشنبه ۳۱ شهریور ۱۴۰۰ ■ سال بیست و نهم ■ شماره ۸۳۲۱

همشهری

چاپ: همنشهری ■ تلفن: ۰۲۱-۷۵۰۰۰۰۰ ■ دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه نورج، شماره ۱۴ ■ کدپستی: ۰۵۹۵۶-۱۹۶۶۶ ■ تهران صندوق پستی: ۱۹۳۴۵/۵۵۴۶۶ ■ همنشهری: www.hamshahronline.ir ■ تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰ ■ سایت روزنامه: newspaper.hamshahronline.ir

■ حضرت امیر المؤمنین علی(ع): کسی که پند گرفتنش بسیار باشد، لغزشش کم شود.

■ آذان ظهر: ۱۱:۵۷ ■ غروب آفتاب: ۱۸:۰۱ ■ آذان مغرب: ۱۸:۱۹ ■ نیمه شب شرعی: ۲۳:۱۵ ■ آذان صبح: ۴:۲۹ ■ طلوع آفتاب: ۵:۵۳

روزنامه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی

■ صاحب امتیاز: مؤسسه همنشهری

گرونیوچ

کنترل تلویزیون و چوب ماهیگیری

بشری که هنوز چندان مدرن نشده و ادعای پیشرفته بودن بفقارش را نچسبیده بود با وجود تمام مشکلات معیشتی کمتر به بیماری‌های روانی مبتلا می‌شد. ابزارها اما به ظاهر کار او را ساده‌تر کرده‌اند، اما این ابزارها ممکن است با سلامت روحی او سازگار نباشند؛ برای نمونه پشر برای گذراندن وقت، یک چوب ماهیگیری دست می‌گرفت و شاید ساعت‌ها در کنار آرامش رودخانه منتظر توک زدن یک ماهی به طعمه سر قلاب بود؛ اکنون اما کنترل تلویزیون و دستگاه‌های دیگر جای این چوب ماهیگیری را که هر روانشناسی بر آرامش بخش بودنش تأکید می‌کند، گرفته است. اگر تصور می‌کنید که کنترل به‌دست گرفتن چندان وقتی از شما نمی‌گیرد به نتایج تحقیقی که در بریتانیا انجام شده توجه کنید. به گزارش سایت میورو، اگر به ساعت‌هایی که یک بریتانیایی جلوی تلویزیون صرف دیدن برنامه‌ها می‌کند توجه نکنیم و فقط به رقم جست‌وجوی برنامه مورد علاقه تمرکز کنیم به رقمی باورنکردی می‌رسیم. بر اساس این تحقیق هر بریتانیایی ۱۰۰ روز کامل از عمرش را فقط صرف به قول ما ایرانی‌ها این کانال آن کانال کردن می‌کند. لازم به ذکر است که زمانی که صرف دیدن برنامه‌های پرنامیهایی مورد علاقه‌شده در اندازه‌گیری این زمان لحاظ نشده است، جامعه آماری این تحقیق ۲هزار نفر بزرگسالی بوده‌اند که طی ۵هزار روز رفتارهایشان به‌عنوان مخاطب برنامه‌های تلویزیونی مورد بررسی و اندازه‌گیری قرار گرفته است. در این تحقیق همچنین مشخص شده بیش از ۲۵درصد بینندگان برنامه‌های تلویزیونی بریتانیا برنامه‌های مورد علاقه‌شان را در تکرار دوباره آنها هم نگاه می‌کنند.

دربور یک الملی وارد مغازه

سامان رضایی

شد و بعد از اینکه فروشنده اصرار کرد که او باید ماسک بزند به روی فروشنده اسلحه کشید و او را کشت. ما هم هر از چندگاهی شاهد یک جر و بحث میان ماسک‌زن‌ها و ماسک بزن‌ها هستیم. فیلم‌هایش هم به سرعت در شبکه‌های مجازی منتشر می‌شود. حال کمی بپردازیم به ریشه‌یابی این اقلیت خودهمه چیز پندار ماسک‌زن. آدمیزاد برای اثبات خودش به‌خود یا دیگران، دست به هر کاری می‌زند. مثلاً رنه دکارت که به همه‌چیز شک کرد تا رسید سر وقت اندیشیدن و نتوانست تشکیکی در این مورد بیابد و اعتراف کرد که «می‌اندیشم، پس هستم». اما همه مثل رنه دکارت نیستند. برخی بدن خود را با یوم نقاشی اشتباه می‌گیرند و یک فول تتو می‌زنند در حد

تتلو و برخی هم آنقدر دروغ می‌گویند که فقط به دیگران ثابت کنند هستند، نکند نادیده انگاشته شوند. ماجرای هویت‌سازی برای دیگران یکی از بزرگ‌ترین معضلات بشر است که مثل هر اخلاق زنبله دیگری، فقط کم و زیاد دارد و سوخت و سوز اصلاً و ابداً. یعنی اگر می‌خواهیم با ماسک آدم خوبه یا ماسک آدم تمیزه یا حتی دلسوزه هم وارد گود اجتماع شوید، باز هم در حال هویت‌سازی هستیم. از این مقدمه که شاید از منظر کارشناسان این حوزه جای کارشناسی داشته باشد که بگردیم، یک نتیجه می‌توان گرفت. نتیجه اینکه آن دوست و همکار و فامیلی که بعد از شیوع کرونا، بادی به غیغ انداخته، در ستایش ضدماسک بودنش گوش فلک را کر می‌کند، در واقع همه جور ماسکی می‌زند، الا ماسک ضد کرونا. این دوست عزیز هم در واقع برای هویت‌سازی می‌گوید: «ماسک نمی‌زنم،

ماسک نمی‌زنم، پس هستم!

پس هستم». برخی از آنها می‌ترسند اگر ماسک بزنند شبیه بقیه آدم‌ها شوند. شبیه بقیه آدم‌ها شوند هم، بحران هویت‌شان را می‌چسبد. در واقع نظام فکری درست و درمائی ندارد که به واسطه یک‌بار همرنگ جماعت شدن، آن هم از نوع عقلانی‌اش احساس بی‌هویتی می‌کند. پیروان «ماسک نمی‌زنم، پس هستم‌ها» علاقه خاصی به شنای خلاف جهت رودخانه دارند. مثلاً اگر پای یک فیلم کمدی بنشینند، علاقه خاصی به نخندیدن دارند. در پاسخ به این گروه باید گفت: اگر علاقه‌ای ندار بد شبیه دیگران باشید، بهتر است مثلاً کت را داخل شلوار بگذارید یا پاچه یکی از شلوارهایتان را بالا بزنید یا هزار کار دیگر. اما ماسک نزنن خلاف عرف، هنجارها، ارزش‌ها و از همه مهم‌تر قانون این کشور است. لطفاً این ماسک را هم روی آن هزارها هزار ماسک دیگر تان بزنید.

اول آخر

واکسیناسیون در جبهه

مسعود میر | خوب به عکس نگاه کنید، این‌ها قصه نیست که در گوش‌هایمان بخوانند و کم و زیاد به باد بسپاریم بلکه واقعیت‌هایی است که موجودیت‌شان در چشم‌ها، قلب‌ها و کلمه‌هایمان حک شده است. روی تقویم امروز مصادف است با آغاز حمله رژیم بعث عراق به خاک ما. آغاز جنگی که با ما تحمیل شد و البته آغاز رشادت و جوشش وطن‌پرستی و رنگ‌آمیزی شدن تاریخ ایران به خون و خاطره... حالا دوباره به عکس نگاه کنید تا یک‌تکرار عجیب برایتان تداعی شود: رزمنده‌ها در حال تزریق واکسن هستند. خبری از کرونا نیست اما کزاز از چرک زخم، جنگ‌ناشن می‌داد و مراتب مراقبت از مدافعان سرزمین باید اجرایی می‌شد. این روزها بسیاری در تکاپوی تزریق واکسن هستند، بسیاری که شاید در ظاهر شباهتی به این مردان مرد نداشته باشند اما باطنشان زلال است برای ایران، برای جان دادن و دفاع...

رزمندگان لشکر ۱۷ علی‌ابن ابیطالب (ع) گردان امام سجاد(ع) در حال تزریق واکسن کزاز / سال ۱۳۶۴



ناصحم گفت که جز غم چه هنر دارد عشق بروای خواجه عاقل هنری بهتر از این حافظ

عدد خبر

۶۲۶۰۰۰

مسافر

رئیس سازمان امداد و نجات جمعیت هلال احمر از پایش سلامت، کنترل و غربالگری بیش از ۶۲۶ هزار مسافر ورودی به کشور از نظر ابتلا به کرونا از اسفند ۱۳۹۹ تا ۳۰ شهریور سال جاری خبر داد.

۱۶۱۰۰۰

تست کرونا

طی این مدت و با اجرای طرح کنترل بهداشتی مسافران ورودی به کشور در مبادی مرزی، ۸۸ هزار و ۱۱۱ مورد تست فوری از مسافران اخذ شده است. همچنین ۷۳ هزار و ۶۶۷ مورد تست PCR هم از مسافران مشکوک به کرونا گرفته شده است که در مجموع بیش از ۱۶۱ هزار تست را شامل می‌شود.

۲۱۲

مسافر

به گفته رئیس سازمان امداد و نجات جمعیت هلال احمر، از ابتدای اجرای طرح تاکنون ۲۱۲ نفر از مسافران ورودی به کشور نیز به دلیل داشتن علائم مشکوک به کرونا یا مثبت شدن تست‌ها به صورت موقت قرنطینه شده‌اند.

۲۸

پایانه

۴۷۱ نیروی عملیاتی در اجرای این طرح مشارکت دارند و این طرح در ۲۸ پایانه مرزی زمینی، هوایی و دریایی اجرا شده که هم‌اکنون ۱۴ مورد آن فعال است.



بدون چهار چرخ لطفاً!



فاطمه عباسی

حالا دیگر در انواع مطالعات و پژوهش‌ها ثابت شده است که بخش زیادی از آلودگی هوادر شهرها مربوط به خودروهای شخصی و ترک نشین است. همین امر باعث شده که یک روز در سال (۲۲ سپتامبر) را به‌عنوان روز جهانی بدون خودرو نامگذاری کنند و در بیشتر شهرهای جهان برنامه‌هایی را ترتیب دهند تا حداقل در این روز مردم کمتر از خودروی شخصی استفاده کنند. در ایران و در کلانشهرهای بزرگ مانند تهران، اصفهان و شیراز و... شهرداری‌ها تلاش‌های زیادی برای کم کردن خودروهای شخصی در خیابان‌ها کرده‌اند. افزایش ظرفیت ناوگان حمل‌ونقل عمومی مانند خطوط اتوبوس و مترو و راه‌اندازی مسیرهای دوچرخه، از جمله این کارهاست. هر چند که هنوز راه زیادی مانده تا این فعالیت‌ها به نقطه مطلوب برسد و در یکی دو سال اخیر هم شیوع کرونا باعث شده تا مردم بیشتر از وسیله شخصی استفاده کنند، اما هنوز هم خیلی از افراد ترجیح می‌دهند صبح‌ها که می‌خواهند برای رفتن به سر کار از خانه بیرون بزنند، به جای اینکه خودروی‌شان را از پارکینگ بیرون بیاورند، به نخستین ایستگاه اتوبوس یا مترو بروند و از شر ترافیک خلاص شوند و به راحتی مسیر مورد نظرشان را طی کنند. آنهایی هم که اهل ورزش هستند، دوچرخه یا پیاده‌روی را انتخاب می‌کنند. حالا که در آستانه فصل سرد قرار گرفت‌ایم و پدیده وارونگی هوا و به تبع آن آلودگی هوادر پیش داریم، بهتر است از همین امروز در نحوه تردد‌هایمان در شهر کمی تجدید نظر کنیم. اگر همیشه خودروی شخصی انتخاب اولتان بوده، بد نیست یک‌بار هم با رعایت پروتکل‌های بهداشتی، سسری به مترو و اتوبوس بزنید یا اگر اصرار به استفاده از وسیله نقلیه شخصی دارید، پیشنهادمان این است که عزمتان را جزم کنید و یا به رکاب شوید. این روزها دوچرخه‌های اینترنتی در بیشتر خیابان‌ها گذاشته شده تا بتوانید به راحتی با آنها در شهر سفر کنید. تازه فراموش نکنید که به‌زودی تعداد بسیار زیادی اسکوتر برقی هم قرار است شما را تا مقصدرات یاری کنند و تهران به این وسیله نقلیه شخصی امایی دود و ترافیک لبخند جدی‌تری بزند.

قصه شهر

ما آدم‌های معمولی



داود پنهانی

در ترافیک صبح تهران، میان انبوه ماشین‌ها که مانند گان‌ان همجوار طلوع آفتاب شده‌اند تا به محل کار برسند و بادی ملایم شاخه‌های بیدهای مجنون حاشیه بزرگراه را تکان می‌دهد، مثل بقیه نشست‌ها در ماشین و خیره شده‌ام به رویه‌رو و رویه‌رویم چیزی نیست جز بن بست ماشین‌ها و آدم‌ها و بزرگراه انبوه از خودرویی که تبدیل به قطاری طولانی شده‌اند، در مسیری که انگار به تاکجا می‌رود. نگاه می‌کنم به آینه ماشین و چشمم می‌افتد به خودرویی که از پشت سر می‌آید. خانواده‌ای معمولی. مرد حرف می‌زند، زن نشسته روی صندلی کنار دست مرد و خیره به رویه‌روست. دخترشان صندلی عقب نشسته و دست گذاشته زیر چانه و سرش را تکیه داده به شیشه و خیره به جایی است که نمی‌دانم کجاست اما دوست دارم بدانم کجاست و دوست دارم که تصور کنم کجاست و مرد که حرف می‌زند یک ریز و حین رانندگی چه می‌گوید برای خودش. زن نگاه می‌کند به سمت چپ، مرد فرمان می‌چرخاند که راه بگیرد و کسی راه نمی‌دهد و مرد به خط خود برمی‌گردد و حرف می‌زند و زن و دختر چیزی نمی‌گویند و سر به تأیید تکان نمی‌دهند و هر یک در عالم خود سیر می‌کند. صبح تهران، صبح مجموعه‌ای از آدم‌هاست که هر یک شبیه همین ماشین‌هاست که از پشت سرم می‌آمد، در عالم خود سیر می‌کنند، متفرق در مجموع خود. صبح تهران، صبح ما آدم‌های معمولی تنهاست که راه می‌افتیم تا به محل کار برسیم و تنها دلخوشی‌مان این است که به موقع برسیم و جوری برسیم که آفتاب از خط طلوع خود نگذشته باشد. ما آدم‌های معمولی. نوی ماشین‌های معمولی. حین مکالمه‌های معمولی از خانه راه می‌افتیم، در ترافیک گیر می‌افتیم و همه تلاشمان این است که جوری راه بگیریم که ۲ ماشین و نصفی زودتر به محل کار خود برسیم و آفتاب که طلوع می‌کند، نصف بزرگراه تا رسیدن به مقصد فاصله داشته باشیم. ما آدم‌های معمولی همیشه از پشت سر قابل مشاهده‌ایم. نوی ماشین. نزدیک و دور از هم. بخت اگر همراهان باشد، نوی مسسیر اگر تصادفی اتفاق نیفتاده باشد، چراغی اگر خراب نشده باشد، یکی دوتا از همشهری‌هایمان اگر توی خط این و آن حرکت نکنند، از ساعت ۶ صبح که راه افتاده باشیم، می‌توانیم امیدوار باشیم که به موقع به محل کارمان برسیم. ما آدم‌های معمولی، غصه‌هایمان معمولی است. نگاه کردنمان به رویه‌رو معمولی است. هر روز صبح که آفتاب طلوع می‌کند، خانه را به سمت محل کار ترک می‌کنیم و خوب می‌دانیم که دست بر چانه و سر تکیه دادن به شیشه ماشین بابا و خیره شدن به کوه‌های البرز و بیدهای مجنون حاشیه بزرگراه یعنی چه.



دیالوگ

سرب

دکتر: هیچ چیز نمی‌تواند مثل دندان‌های خوب، انسان را نجات دهد. هر آنچه هست و گفته می‌شود، هر آنچه تاریخ می‌شود از دهان است. دندان زبان یعنی تمام زندگی. ما برای تحکیم نسل آینده فقط اصول علمی را رعایت می‌کنیم. معنویت هم از دهان سرچشمه می‌گیرد. برای ساختن یک سرزمین تازه، با بزرگ‌ترین و متمدن‌ترین قوم جهان، همه‌چیز باید کنترل شود. اضافات و آلودگی در این سرزمین تازه جایی ندارد. این دندان شما باید از دهانتان خارج شود. چون فاسد است، متعفن می‌شود و تعفن در مغز و فکر شما وارد می‌شود. اول باید جای تعفن را بی‌حس کرد. هر جا که به عقیده ما شک به درد، شک به مزاحمت و مخالفت، شک به وبا و تیفوس و شک به افکار ناشناخته باشد، اول باید مثل این دندان بی‌حس شود و بعد جای آن را خارج کرد. اینطور؛ و جای آن را و درد آن را تحمل کرد. عفونت چرک باعث گوارش بد می‌شود. از گوارش بد نارضایی به‌وجود می‌آید. نتیجه از دست دادن کار است و بیکاری در سرزمین موعود وجود ندارد. آنهایی که تیفوس دارند باید بمایند و بیایند. آنهایی که مشکوک به تیفوسند، هادی آن باید از آنها جدا شود. دندان کرم‌خورد، موی آلوده به تیفوس، زخم چرک‌کرده باید جدا شود.

مسعود کیمیایی

آخر مصور

تحصیل دختران افغان

اثر فیروزه مظفری



بوک مارک

سفر به انتهای شب

لویی فردینان سلین

آدم به سرعت پیر می‌شود؛ آن هم بدون اینکه بازگشتی در کار باشد. وقتی بسودن اراده به بدبختی‌ات عادت کردی و حتی دوست داشتی، آن وقت متوجه قضیه می‌شوی. طبیعت از توفوی‌تر است. تو را در قالبی امتحان می‌کند و آن وقت دیگر نمی‌توانی از آن بیرون بیایی. نقش‌ت و سرنوشت را بدون اینکه بفهمی کم کمک جدی می‌گیری و بعد وقتی سر برمی‌گردانی، می‌بینی که دیگر برای تغییر وقتی نیست. سر تا پا دلشوره شده‌ای و برای همیشه به همین شکل ثابت مانده‌ای.

تهران من



سارا اکرمیان

کوچ تابستان

پیش از این جهان شتابزده که در آن ثانیه‌ها و دقائق سرنوشت‌ساز می‌شوند، آهنگ زندگی با تغییر فصول منطبق بود. گذر از تابستان به پاییز علاوه بر جلوه‌های بصری فریبنده‌اش، بسیاری از عادات‌ها و آداب را نیز با خود همراه می‌آورد. انطباق با طبیعت به معنای رفع نیازهای روزمره و پیروز خلافت‌های کنش‌های فردی و اجتماعی در قالب‌های گوناگون رسوم و هنر است. الزامی که دیگر وجود ندارد و دغدغه‌ای که معنات‌های گشته است. عصر غلبه انسان بر طبیعت به گسست وابستگی و حیات‌بخشی آن می‌انجامد. ایرانیان در دوران باستان سال زراعی خود را از ابتدای پاییز یعنی روز اول مهر تا پایان تابستان سال بعد مقرر می‌کردند؛ نامگذاری ماه مهر نیز مظهر از آیین مهرپرستی و میترائیست است. انسان امروز، در تمام فصول هوای ۲۰ درجه را فراهم آورده است و دیگر چیزی را به وقتش نوبر نمی‌کند. مدرسه مهم‌ترین و اصلی‌ترین مایابای کوچ تابستان و مهر است؛ قاعده‌ای که بیش از کوتاه شدن تابش خورشید و سرد شدن هوا، زندگی شهروند مدرن را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. تهران که روزگاری باغ شهر بوده، یقیناً پاییزهایی به‌غایت زرد و زمستانی سفید داشته است. باغداری و کشت و زرع معنای به جوشش تابستان کوشیدن و برای رزق به سرانگشت درختان پویندن است. باغ‌هایی که بعدتر تفرجگاه بیرون شهر شدند و پاییزها قصه‌های شاعرانه می‌پروارند. سفره ایرانی منائر از فصول بوده است، شب‌های طولانی و سوز تازه نفس ملزوماتی می‌طلبید که پیش‌تر مهیا شده بود. دوراندیشانه «سنگ تابستون» نقل زمستون» و ابرای گذران کنار گذاشته بودند. علاوه بر مجالی که در خانه دست می‌داد تا به وقت استراحت فصل خنک، تقدی بر دقاتر شعر و قصه داشته باشند. فضاهای عمومی مانند قهوه‌خانه و زورخانه نیز در این وقت سال شور و حال دیگری داشت و مجالس نقالی و شاهنامه‌خوانی با مخاطبان بیشتری بر گزار می‌شد. بازیابی هماهنگی با تاریک و روشن طبیعت شاید راهکاری برای التیام سرسام بی‌وقفه شهروند امروز باشد، به یادداشتن آنکه فصل‌ها و روزها، اعلامی برای شروع و پایان کارها و مشغله‌ها نیست. پرسه در باغ باران خورده پاییزی، متاعی نیست که بتوان عطایش را به لقایش بخشید، نیازی است از سر انسان بودن و تمنا یافتن کمی طمأنینه...





در دسرهای تحصیل آنلاین در روستاها

سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ در حالی طی چند روز آینده آغاز می‌شود که با توجه به وضعیت همه گیری ویروس کرونا در کشور، امسال نیز مانند سال تحصیلی گذشته، ارائه آموزش های آنلاین در دستور کار بیشتر مدارس کشور قرار دارد و آموزش های حضوری در سطح محدودی ارائه خواهد شد. این در حالی است که در کنار همه مشکلات موجود، نبود دسترسی مناسب به اینترنت پرسرعت، از اصلی ترین چالش های دانش آموزان، به ویژه در مناطق روستایی در مسیر حضور در کلاس های مجازی بوده است؛ مشکلی که به نظر می رسد با وجود انجام اقدام های گسترده در یکی دو سال اخیر در سطح استان های مختلف، همچنان در برخی مناطق پابرجاست.

۳۱



زعفران منبع جدید در آمد در لرستان

۴

چهارشنبه ۳۱ شهریور ۱۴۰۰ • ۱۵ صفر ۱۴۴۳ • سال بیست و نهم • شماره ۸۳۲۱ • ۴ صفحه



آخرین روز تابستان به یاد خوزستان

۳۱ شهریور، سالروز آغاز جنگ تحمیلی
با نام هفته دفاع مقدس و یاد خوزستان
به عنوان خط مقدم جنگ، گره خورده است

ستاره حجتی

خبرنگار

خوزستان بود و صدای مهیب بمباران و آوار؛ از هوا به زمین. خوزستان ماند و ۱۲ هزار و ۵۰۰ شهید گلگون. آخ که گل چه واژه غریب، ظریف و کوچکی است برای این داغ و درده داغ فرزند پدر، مادر، کاشانه، داغ وطن. دشت، تحمل سنگینی غم این لاله های به خون نشسته را ندارد. قلبی می خواهد به بزرگی زاگرس، به بلندی البرز، درد بله های شکسته، پل های فروریخته، نخل های سربریده و جوانان بی غسل و بی کفن به طهارت شهادت به خاک رفته را، خوزستان می خواهد که تحمل کند. خوزستان می خواهد یک بار دیگر از جا بلند شود. آی خوزستان! مادر به سوگ نشسته ایران، ماینز چون تو، بختک جنگ هشت ساله را فراموش نخواهیم کرد.

خرمشهر؛ اول مهر ۱۳۵۹

قرار بود صبح پاییز با رنگ مدرسه و هوای کم نشان از شرجی کشنده خرمشهر برای کودکان از راه برسد. اما به جای آواز درس و مدرسه، آوار خانه و فریاد بمب نصیبشان شد. ۱۲ لشکر عراقی به سمت خرمشهر روانه شدند تا خونین شهر به پا کنند. یک ماه و چهار روز جنگ در کوچه و خیابان و پستو به پستو جریان داشت. نمی شد از شهر گذشت که جان مردمش در گرو این خاک بود. ۴

آبان اما نفس شهر برید. آنقدر جوان و پیر کشته شدند که دیگر یارای مقاومت نماند. دست خالی کجا و دشمن تا دندان مسلح کجا. نیرو و تجهیزات نرسید و خرمشهر سقوط کرد، اشغال شد. ماه ها طول کشید اما ورق روزگار برگشت. عملیات بیت المقدس با هدف آزادسازی خرمشهر به فرماندهی مشترک علی صیاد شیرازی از ارتش و محسن رضایی از سپاه پاسداران انجام شد و سرانجام در روز سوم خرداد سال ۱۳۶۱ پس از ۵۷۶ روز، نیروهای مسلح ایران، خرمشهر را از اشغال ارتش عراق، در آوردند. این نبرد از لحاظ نظامی، به عنوان نقطه عطفی در تاریخ جنگ ایران و عراق شناخته می شود. شاید پس از پیروزی انقلاب اسلامی، کمتر روزی گیشه مطبوعات ایرانی تیرتی به این دلنشینی به خود دیده باشد: «خرمشهر آزاد شد»

آبادان؛ ۱۸ مهر ۱۳۵۹

خبر جنگ به گوش آبادان رسیده بود. کارون و بهمنشیر ملتهب از اینکه مسیر خدعه دشمن می شوند و شهر در انتظار، ۱۸ مهر سال ۵۹ نیروهای ارتش عراق، با احداث دو پل شناور در منطقه مارد و سلمانه از رودخانه کارون گذشتند و به خاک ایران هجوم آوردند. آنها با قطع جاده ارتباطی آبادان به اهواز و آبادان به ماهشهر به شمال آبادان و ساحل شمالی بهمنشیر رسیدند و دور تا دور آبادان را اشغال کردند. مردمی که در حال عبور بودند، اسیر شدند

و شهر محاصره شد. آبادان در حصر بود اما مقاومت از درون کوی و برزنش ادامه داشت. یک سال بعد، عملیات ثامن الائمه برای شکستن حصر طولانی آبادان انجام شد. یک بامداد ۵ مهر ۱۳۶۰ ساعتی است که از حافظه تاریخ آبادان پاک نمی شود. شهری که عروس جنوب ایران نام داشت در آن سال تنها برای بقا دست و پا می زد. عملیات شکست حصر آبادان در محور آبادان به شرق کارون آغاز شد و پس از ۴۲ ساعت نبرد بی وقفه، با بازپس گیری بیش از ۱۵۰ کیلومتر مربع از خاک ایران به پایان رسید. این بار نیز این مژده به سراسر کشور مخابره شد: «حصر آبادان شکست».

دزفول؛ شهر هزار موشک

شاید وقتی صبح ۱۹ مهر ۱۳۵۹ که نخستین موشک عراقی به دزفول اصابت کرد، هیچ کس صدای موشک را نمی شناخت. اما بی گمان در پایان جنگ تحمیلی اهالی دزفول، صدای موشک و بمب و گلوله و خمپاره را به درستی می شناختند. رزمنده های قدیمی به دزفول لقب شهر هزار موشک را داده اند. شهری که با وجود بمباران های پی در پی، هیچ وقت خالی از سکنه نشد و این دلیلی شد تا به دزفول لقب شهر مقاومت ایران را بدهند. مقاومتی که تصویرش برای بسیاری از ما هم ممکن نیست. ۲۸ آذر ۱۳۶۱ نخستین موشک زمین به زمین رژیم بعث به دزفول اصابت کرد. اگر چه شهر پیشتر هم مورد تهاجم هوایی قرار

گرفته بود اما از این تاریخ حمله عراق به دزفول بی امان شد. ۱۷۶ موشک دور برد، ۴۸۹ راکت، ۵ هزار و ۸۲۱ گلوله توپ، بلایی بود که صدام بر سر دزفول آوار کرد؛ «اما مقاومت نشکست»

اهواز؛ ۱۰:۲۵ صبح ۱۵ آذر ۶۵

از ابتدای جنگ واهمه از اشغال اهواز وجود داشت. اگر اهواز می رفت گویی همه خوزستان از کف رفته بود. گرچه حملات گاه و بیگاه عراق به اهواز ادامه داشت اما فاجعه اهواز در صبح روز ۱۵ آذر ۶۵ رقم خورد. فاجعه ای که در میان کوران فجایع جنگ، کمتر به یاد مانده است. ساعت ۱۰ و ۲۵ دقیقه صبح، ۵۲ نقطه اهواز مورد حمله موشکی هوایی واقع شد. آمار دقیقی از شهدای این حادثه در دست نیست. مرکز حفظ و اشاعه آثار بنیاد دفاع قدس هم اعلام می کند که تخمین دقیق تعداد شهدای این حمله موشکی امکان پذیر نیست اما تعداد ۶۰ شهید فقط در یک منطقه مورد حمله، نشان از عمق فاجعه دارد.

بهبهان و دانش آموزان شهیدش

ممکن است شما هم این تصویر فیلم های دفاع مقدس را به خاطر داشته باشید که رزمنده ای، سرداری یا سربازی ماسک صورتش را در حمله ای شیمیایی بر داشته و بر صورت هموطن دیگری می گذارد. این تصویر آشنای سسینمای پس از جنگ،

عکسی است که شهید سردار دانایی در بمباران شیمیایی جاده بهبهان - شلمچه به نام خودش ثبت کرده است. اما این تنها تصویر دلخراش و البته غرور آفرین بهبهان نیست. صبح روز ۴ آبان ۱۳۶۳ صدام با بمباران یک مدرسه راهنمایی در این شهر، ۷۴ دانش آموز و معلم را شهید کرد. چنانچه جنگی که حتی در دادگاه کیفری برای آن محکوم نشد.

خوزستان سال ها پس از جنگ

بیش از ۳ دهه از پایان دفاع مقدس می گذرد. گرچه بلافاصله پس از پایان جنگ، بازسازی خوزستان شروع شد اما این منطقه تا رسیدن به وضعیت مطلوب فاصله زیادی دارد. نرخ بیکاری برای این استان به ویژه در مناطق کمتر برخوردار به بالای ۴۵ درصد می رسد. بیش از ۵۰۰ روستای خوزستان با مشکل نبود آب آشامیدنی دست و پنجه نرم می کنند. اغلب شهرهای استان مشکل بنیادین فاضلاب دارند و هر بار ندگی، روی ناخوشی از شهر را نشان می دهد. طبق آمار رسمی منتشر شده از سوی استانداری، ۶۲ درصد خانوارهای شهری و روستایی خوزستان درآمدی کمتر از متوسط کشوری دارند و هنوز بیش از هزار روستا و یک شهر در این استان گاز ندارند. اینجا فقط بخش کوچکی از مشکلات خوزستان است. بگذریم از خشکی تالاب ها، ریز گرد، آلودگی گسترده هوا و ...

همشهری در آستانه آغاز سال تحصیلی جدید، وضعیت پوشش اینترنت در استان های مختلف کشور را بررسی کرده است

دردسرهای

تحصیل آنلاین در روستاها

با وجود انجام اقدام های گسترده در یکی دو سال اخیر در سطح استان های مختلف، همچنان در برخی مناطق پابرجاست. با توجه به این موضوع، در پرونده پیش رو در کنار ارائه آمار های مربوط به پوشش اینترنت در استان های مختلف کشور، به بررسی وضعیت پر مشکل ترین نقاط شهری و روستایی استان ها در زمینه تحصیل آنلاین دانش آموزان می پردازیم و اقدام های انجام شده در راستای بهبود زیر ساخت های مورد نیاز در این حوزه را مورد واکاوی قرار می دهیم که در ادامه می خوانید.

زنجان

استان زنجان ۷۰۰ روستای بالای ۲۰ خانوار جمعیت دارد که تاکنون ۴۰۰ روستا از این تعداد به شبکه ملی اطلاعات دسترسی یافته اند و به اینترنت پرسرعت مجهز شده اند. با این وجود روستاییان برخی مناطق استان معتقدند حتی در روستاهایی که به شبکه اینترنت متصل هستند، گاه در داخل منازل دسترسی به اینترنت ممکن نیست و دانش آموزان باید خود را به پشت بام یا نقاط مرتفع برسانند تا بتوانند از آموزش های آنلاین بهره مند شوند. در سال تحصیلی گذشته پوشش ضعیف اینترنت در برخی روستاهای استان زنجان سبب شد در شرایط زرد و نارنجی کرونا یی، برخی مدارس روستایی استان که دارای دانش آموزان کمتری بودند، کلاس های خود را به صورت حضوری برگزار کنند. در حال حاضر استان زنجان هزار ۵۰۰ مدرسه دارد که حدود ۲۹۳ مدرسه هنوز به شبکه اینترنت متصل نیستند. از طرفی نبود گوشی تلفن همراه هوشمند و تبلت سبب شده تعدادی از دانش آموزان زنجانی شرایط مناسبی برای تحصیل آنلاین نداشته باشند. بررسی ها نشان می دهد روستاییان شهرستان های ماهنشان و خداآینده مشکلات بیشتری در زمینه دسترسی به اینترنت دارند و به گفته مسئولان، جغرافیای سخت منطقه، سبب عقب ماندگی این شهرستان ها در حوزه توسعه زیر ساخت های مخابراتی و اینترنتی شده است.

کرمانشاه

استان کرمانشاه با بیش از ۲ میلیون نفر جمعیت، هزار و ۷۱۲ روستای بالای ۲۰ خانوار جمعیت دارد که با فعالیتهای انجام شده از سوی وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات در سال های اخیر، اکنون از این تعداد هزار و ۵۲۸ روستا دارای اینترنت پرسرعت هستند. در واقع ۸۰ درصد از روستاهای بالای ۲۰ خانوار جمعیت استان کرمانشاه به شبکه ملی اطلاعات متصل شده اند. همچنین سال گذشته هزار و ۲۲۹ مدرسه شهری و هزار و ۳۰۰ مدرسه روستایی استان با تجهیزات رایگان به اینترنت متصل شده اند. اینها در حالی است که تعدادی از روستاهای استان از داشتن اینترنت محروم مانده اند که به گفته مسئولان مربوط، قرار است به زودی مشکل اتصال آنها به اینترنت رفع شود.

قم

وضعیت پوشش اینترنت در استان قم مطلوب و در حدود ۹۹/۹ درصد است. ضرب نفوذ اینترنت (تعداد مشترکان اینترنت تقسیم بر جمعیت استان) نیز ۱۴ درصد برای اینترنت پهن باند ثابت و در حدود ۱۰۰ درصد برای اینترنت سیار و در مجموع ۱۲۱ درصد است. پس از همه گیری ویروس کرونا به همه دانش آموزان و معلمان استان اینترنت رایگان اختصاص یافت و در مناطق روستایی، دسترسی ۱۰۰ درصدی روستاهای بالای ۲۰ خانوار جمعیت به اینترنت پرسرعت و شبکه ملی اطلاعات محقق شد. با این وجود مهم ترین مشکل در حوزه ارائه آموزش های آنلاین در استان، بر خوردار نبودن برخی از خانواده ها از تبلت یا گوشی هوشمند تلفن همراه است. افزایش پهنای باند، نصب و راه اندازی و ارتقای سایت ها برای تکمیل پوشش شبکه ملی اطلاعات در روستاها، ایجاد رومینگ دیتای بین اپراتوری برای استفاده حداکثری مشترکان از اینترنت پرسرعت و اتصال تمام ۷۵۱ مدرسه استان به اینترنت پرسرعت و شبکه ملی اطلاعات با ترافیک رایگان ۲ ساله سبب شده استان قم از پوشش ۱۰۰ درصدی اینترنت پرسرعت و شبکه ملی اطلاعات در سراسر استان برخوردار باشد.

همدان

به گفته مسئولان اداره کل ارتباطات و فناوری اطلاعات همدان، ۱۰۰ درصد از روستاهای بالای ۲۰ خانوار جمعیت این استان زیر پوشش اینترنت قرار دارند و مصوبات سفر وزیر سابق ارتباطات به استان، قرار بود مشکل تعداد محدودی از روستاهای استان که به اینترنت دسترسی نداشتند، تا پایان شهریور ماه رفع شود که به گفته مسئولان مربوط، این موضوع محقق شده است. اکنون اگر چه سرعت اعلام شده برای اینترنت این روستاها مطلوب از بای می شود، اما مشکلات موجود در شبکه ششاد، مانع از دسترسی آسان دانش آموزان به این شبکه شده است؛ در واقع مشکلات شبکه شاد بیش از شبکه اینترنت ارزیابی می شود.

سیستان و بلوچستان

در حال حاضر سیستان و بلوچستان از پر مشکل ترین استان های کشور در توسعه زیر ساخت های فناوری اطلاعات به حساب می آید. با وجود اقدام های انجام شده در این حوزه در سال های اخیر، از ۳ هزار و ۷۰۰ روستای استان ۸۰۰ روستا همچنان در زمینه دسترسی به شبکه ملی اطلاعات با مشکل مواجه هستند. آمار ها نشان می دهد حدود ۷۳ درصد از روستاهای سیستان و بلوچستان به شبکه اینترنت متصل هستند، اما ۲۷ درصد روستاها هنوز اینترنت ندارند. بنا به گفته مسئولان، برنامه های توسعه محور وزارت ارتباطات در سیستان و بلوچستان و به ویژه در بخش روستایی پیشرفت ویژه ای نداشته و این استان از سایر نقاط کشور عقب تر است. دلیل اصلی این مشکل نیز بروز چالش هایی در تأمین تجهیزات مورد نیاز بوده است. با این وجود سال گذشته وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات اعلام کرد هزار میلیارد تومان برای رفع عقب ماندگی های ارتباطی این استان در نظر گرفته شده است، اما با این وجود مشکل اینترنتی هزار و ۲۰۰ روستا همچنان باقی است. این در حالی است که مقرر شده بود تا پایان سال ۱۳۹۹ همه روستاهای سیستان و بلوچستان به اینترنت متصل شوند. اکنون سیستان و بلوچستان به دلیل نداشتن زیر ساخت های لازم، همچنان با مشکل اینترنت مواجه است که در این میان محرومیت در منطقه دسترسی را بیشتر است. سال گذشته قطع اینترنت از جمله مشکلاتی بود که در دسر های زیادی را برای شهروندان و به ویژه دانش آموزان برای بهره مندی از آموزش های آنلاین به وجود آورد.

یزد

بر اساس اعلام مسئولان اداره کل ارتباطات و فناوری اطلاعات یزد، با تکمیل عملیات اجرایی اتصال ۲۲ روستای باقی مانده استان به شبکه ملی اطلاعات، دسترسی همه ۳۳۷ روستای بالای ۲۰ خانوار جمعیت استان یزد به شبکه ملی اطلاعات تکمیل می شود. به این ترتیب با وجود هدف گذاری برنامه توسعه ششم کشور مبنی بر دسترسی ۸۰ درصد از روستاهای بالای ۲۰ خانوار جمعیت به شبکه ملی اطلاعات، با اقدام های صورت گرفته، قبل از پایان برنامه ششم توسعه، ۱۰۰ درصد از روستاهای استان زیر پوشش قرار گرفتند. به این ترتیب اکنون بسیاری از روستاهای استان به اینترنت متصل شده اند و نگرانی های موجود در زمینه ارائه آموزش های آنلاین در مدارس روستایی تقریباً ازیان رفته است. این در حالی است که جمعیت دانش آموزان روستایی استان یزد، به جز در شهرستان تفت که بیشترین تعداد روستاهای استان را دارد، در سایر شهرستان ها محدود است. در چنین شرایطی اما نگرانی از کیفیت اینترنت تنها به روستاها خلاصه نمی شود، بلکه بسیاری از خانواده های شهری نیز از وضعیت کنونی در این بخش گلایه دارند. معلمان و والدین به ضعف زیر ساخت های اتصال به اینترنت برای آموزش آنلاین دانش آموزان نیز انتقاد دارند. به عنوان مثال تعداد قابل توجهی از والدین یزدی در گفت و گو با خبرنگار همشهری اعلام کردند که از برنامه شاد راضی نیستند و معتقدند این برنامه کارایی چندانی ندارد تا جایی که برخی از معلمان و مدارس به استفاده از اپلیکیشن دیگر مانند واتس آپ رو آورده اند.

آذربایجان غربی

آمار های اداره کل آموزش و پرورش آذربایجان غربی نشان می دهد این استان حدود ۶۰۰ هزار دانش آموز دارد که در ۲ سال گذشته با توجه به همه گیری ویروس کرونا و تعطیلی مدارس، به صورت آنلاین آموزش می بینند. این در حالی است که با توجه به کوهستانی بودن برخی نقاط استان و عدم دسترسی حدود یک سوم دانش آموزان به شبکه «شاد»، همکاری خیران و مسئولان اداره کل آموزش و پرورش استان برای توزیع تبلت و اتصال به شبکه شاد قابل توجه بوده است. امسال در آستانه آغاز سال تحصیلی جدید، در برخی نقاط استان مشکل دسترسی به شبکه شاد همچنان وجود دارد؛ دانش آموزان مناطقی مانند تکاب و تعدادی از روستاهای پیرانشهر و ماکو همچنان برای دسترسی به شبکه شاد با مشکلات زیادی مواجه هستند. با توجه به این موضوع اداره کل آموزش و پرورش آذربایجان غربی برای رفع مشکلات موجود در این بخش ۳ راهکار «اعزام معلم و ارائه آموزش های حضوری» و «تهیه تبلت برای دانش آموزان» را تدبیر کرده است. بر این اساس تاکنون بیش از ۱۸ هزار تبلت برای دانش آموزان این مناطق تهیه شده است. همچنین در مناطقی مانند تکاب و برخی نقاط کوهستانی استان دکل های مخابراتی مورد نیاز نصب شده و مسئولان مربوط اعلام کرده اند مشکل دسترسی به اینترنت و برنامه شاد در استان نسبت به سال گذشته کاهش چشمگیری داشته است.

اردبیل

آمار ها نشان می دهد استان اردبیل از نظر شاخص دسترسی مردم به اینترنت، در رتبه های میانی کشور قرار دارد. این در حالی است که پس از همه گیری ویروس کرونا و به دنبال آن تعطیلی مدارس و برپایی کلاس ها به صورت آنلاین، دسترسی به شبکه اینترنت برای همه خانواده ها اهمیت دوچندانی یافته است. گفته می شود در این استان ۸۷ درصد از دانش آموزان زیر پوشش شبکه شاد قرار دارند و از آموزش های مجازی استفاده می کنند و ۲ هزار مدرسه نیز از زیر ساخت های شبکه ملی اطلاعات بهره مند هستند. اینها در حالی است که در ۲۴۳ روستای اردبیل امکان دسترسی به اینترنت وجود ندارد و حدود ۳ هزار و ۶۵۱ دانش آموز این روستاها از آموزش های حضوری یا تلویزیونی استفاده می کنند. در این میان مسئولان استان می گویند در سال گذشته هیچ دانش آموزی از تحصیل جان نمانده است و مدارس باقی مانده مشکل دسترسی به اینترنت در مناطقی مانند بخش «موران» گرمی در نقطه مرزی اردبیل و برخی روستاهای خلخال در جنوب استان بیشتر احساس می شود. علاوه بر دسترسی به اینترنت، تهیه امکاناتی مانند تبلت و گوشی هوشمند تلفن همراه از مشکلات دانش آموزان در زمینه آموزش آنلاین است که با مشارکت خیران و برخی نهادهای دولتی، این مشکل تا حدودی رفع شده است.

خراسان رضوی

در حال حاضر ساکنان ۲ هزار و ۲۲۳ روستای استان خراسان رضوی، که ۸۶ درصد از روستاهای دارای بیش از ۲۰ خانوار استان را شامل می شوند، زیر پوشش شبکه اینترنت هستند. همچنین ۵۵ درصد از روستاهای دارای کم تر از ۲۰ خانوار نیز که «آبادی» نامیده می شوند، به شبکه اینترنت متصل شده اند و ساکنان آنها از این خدمت بهره می برند. بر این اساس ۱۶۸۵ آبادی در خراسان رضوی وجود دارد که تاکنون ۳۷۰ آبادی زیر پوشش شبکه اینترنت قرار گرفته اند. دسترسی به اینترنت پرسرعت در روستاها و همچنین پایین بودن نرخ خدمات برای کاربران روستایی و سرویس دهندگان شبکه ملی اطلاعات در این مناطق از ویژگی شاخص خدمات به روستاییان در این استان محسوب می شود. همچنین باید اشاره کرد که اتصال ۲۸۱ روستای خراسان رضوی به شبکه اینترنت از محل اعتبارات طرح های وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات طرف یک سال اخیر انجام شده و پوشش شبکه ملی اطلاعات در ۱۴۵ روستای این استان نیز در حال اجراست. اینها در حالی است که بیش از ۷ هزار دانش آموز عشاری در استان حضور دارند که به امکانات تکنولوژی از قبیل تلویزیون و اینترنت دسترسی ندارند. سال گذشته با همکاری اداره کل ارتباطات و فناوری اطلاعات استان و اپراتور های تلفن همراه،سیم کارت دارای اینترنت رایگان در میان دانش آموزان عشایری مدرسه شکوفه های انقلاب روستای «اردو لوک» منطقه رضویه به صورت نمادین توزیع شد و پس از آن ۷ هزار و ۷۰۰ سیم کارت دیگر به دانش آموزان عشایر و مناطق محروم اختصاص یافت. امسال نیز قرار است دانش آموزان این مناطق با شارژ سیم کارت های خود، از اینترنت بهره مند شوند.

آذربایجان شرقی

مجموع دانش آموزان استان آذربایجان شرقی حدود ۷۵۰ هزار نفر است که آمار ها نشان می دهد حدود ۱۵۰ هزار دانش آموز مقاطع تحصیلی ابتدایی، متوسطه اول و متوسطه دوم، امکان دسترسی مناسب به آموزش های مجازی را ندارند و نمی توانند به شبکه آموزش صداوسیما نیز دسترسی پیدا کنند. بر همین اساس ۲۴ درصد از مجموع دانش آموزان مقطع ابتدایی، ۲۰ درصد از مجموع دانش آموزان مقطع متوسطه اول و ۲۰ درصد از مجموع دانش آموزان مقطع متوسطه دوم نمی توانند از آموزش های مجازی بهره مند شوند. با توجه به این موضوع، مسئولان مربوط در استان اعلام کرده اند با نصب تجهیزات مربوط، درصد دسترسی دانش آموزان به اینترنت در استان نسبت به سال گذشته افزایش ۱۰ درصدی داشته است. اینها در حالی است که بر اساس آمار های اداره کل آموزش و پرورش آذربایجان شرقی، حدود ۴۰ درصد از دانش آموزان این استان در مقاطع مختلف تحصیلی، به اینترنت پرسرعت و ۲۵ درصد به گوشی تلفن همراه مناسب دسترسی ندارند. همچنین حدود ۵۰ درصد از دانش آموزان استان نیز از گوشی تلفن همراه والدین خود برای بهره مندی از آموزش های مجازی استفاده می کنند. بر اساس بررسی های انجام شده، در برخی روستاهای بخشایش، هوراند، مراغه، بناب، شبستر، مرند، خاروانا و ورزقان دسترسی به شبکه شاد و گوشی های هوشمند تلفن همراه با مشکلات بیشتری همراه است.



لبیز

طرح تحقق پوشش ۱۰۰ درصدی اینترنت در توسعه زیر ساخت های اینترنتی به حساب می آید. در سال های گذشته رشد زیر ساخت های اینترنتی و ارتباطی این استان در حدی بود که سبب شد طی ۵ سال اخیر سمنان در میان ۳ استان برتر از نظر توسعه زیر ساخت های اینترنتی قرار گیرد. ضرب نفوذ اینترنت در این استان از حدود ۸۷ درصد در ۳ سال قبل، به حدود ۹۸ درصد رسیده است. به همین دلیل ارائه آموزش های آنلاین در این استان شرایط مطلوب تری نسبت به سایر استان ها دارد. در چنین شرایطی همه مناطق شهری سمنان زیر پوشش نسل چهارم اینترنت قرار دارند و دسترسی به اینترنت همراه در ۹۵ درصد از جاده های این استان نیز میسر است، اما هنوز دانش آموزان برخی از روستاهای این استان از دسترسی به اینترنت محروم هستند که بیشترین مشکل هم در روستاهای شهرستان میامی دیده می شود. بر اساس آمار های رسمی، حدود ۵۰ روستا در این استان به اینترنت متصل نیستند که برنامه ریزی برای اتصال آنها به شبکه اینترنت در حال انجام است. تعداد دانش آموزانی که به دلیل دسترسی نداشتن به اینترنت یا نداشتن گوشی هوشمند تلفن همراه و تبلت امکان استفاده از آموزش های آنلاین را ندارند حدود ۱۵ هزار نفر تخمین زده می شود که نزدیک به ۸ درصد از جمعیت حدود ۱۲۰ هزار نفری دانش آموزان این استان است.

قزوین

۸۸ درصد از دانش آموزان استان قزوین به سامانه شاد دسترسی دارند و بررسی ها نشان می دهد بخش قابل توجهی از ۱۲ درصد باقی مانده، به دلیل دسترسی نداشتن به اینترنت از شبکه شاد محروم شده اند و حدود ۲ درصد نیز به دلیل نداشتن گوشی هوشمند تلفن همراه یا تبلت امکان حضور در شاد را نداشته اند. با این وجود در سال تحصیلی گذشته برای استفاده دانش آموزان فاقد اینترنت و گوشی هوشمند از محتوای درسی، اقدام هایی از جمله ارائه بسته های آموزشی خود آموز و برگزاری کلاس های حضوری با رعایت پروتکل های بهداشتی در استان انجام شد تا هیچ دانش آموزی از آموزش دور نماند. اینها در شرایطی است که بررسی های آماری نشان می دهد ضرب نفوذ اینترنت در مناطق شهری و روستایی استان ۹۸ درصد است. با این حال حدود ۲۰۰ روستای استان همچنان فاقد شبکه اینترنت هستند.





مرکزی

۲۳ درصد از جمعیت استان مرکزی در روستاها و ۷۷ درصد در شهرها سکونت دارند و با توجه به پوشش نسل چهارم اینترنت در همه شهرهای استان، بستر ارائه خدمات آموزشی در مناطق شهری کاملاً مهیاست. همچنین با توجه به اقدام‌های انجام شده برای توسعه ارتباطات در روستاهای مرکزی و با احتساب ارتقای ۱۰ سایت روستایی از نسل دوم به نسل سوم و چهارم طی هفته‌های اخیر، بیش از ۸۵ درصد از روستاهای بالای ۲۰ خانوار جمعیت استان به شبکه ملی اطلاعات متصل شده‌اند. در راستای تحقق عدالت آموزشی و کاهش شکاف دیجیتال با هدف ایجاد امکان دسترسی برابر دانش‌آموزان مناطق شهری و روستایی به محتوای درسی و منابع آموزشی، طرح اتصال مدارس استان به شبکه ملی اطلاعات از سال گذشته آغاز شد و تاکنون ۶۹۵ مدرسه شهری و ۱۷ مدرسه روستایی با دریافت یک دستگاه مودم و اشتراک رایگان ۲ ساله و ماهانه ۷۰ کیگ اینترنت، به شبکه ملی اطلاعات متصل شده‌اند. اینها در حالی است که استان مرکزی در سال تحصیلی گذشته موفق به کسب رتبه سوم کشور در زمینه دسترسی دانش‌آموزان به شبکه شاد شد و مسئولان اداره کل ارتباطات و فناوری اطلاعات استان امیدوارند با اقدام‌های انجام شده، این رتبه در سال تحصیلی پیش‌رو را تقا یابد.

کهنگیلیه و بویراحمد

براساس اعلام مسئولان شرکت مخابرات استان کهگیلیه و بویراحمد، در ۲ سال اخیر علاوه بر گسترش خدمات مخابراتی، ۹۸ درصد از روستاهای استان از پوشش ارتباطی برخوردار شدند. اینترنت حتی در دورافتاده‌ترین روستاهای استان در مناطق دیشموک، زیلایی و جاهای دیگر برقرار شده است. همچنین قرار است همه روستاهای بالای ۲۰ خانوار جمعیت استان از اینترنت پرسرعت برخوردار شوند. هرچند با همه تلاش‌های صورت گرفته، بسیاری از مناطق محروم کهگیلیه و بویراحمد به دلیل پراکندگی، کوهستانی یا صعب‌العبور بودن به اینترنت دسترسی ندارند، به‌طوری که اتصال این مناطق به اینترنت سال گذشته به دستور کار ویزه وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات قرار گرفت. بنابر اعلام آموزش و پرورش استان، حدود ۴۰ درصد از دانش‌آموزان کهگیلیه و بویراحمد به اینترنت دسترسی ندارند یا در مناطقی هستند که سرعت اینترنت پایین است یا تمکن مالی برای خرید گوشی و تبلت ندارند.

خوزستان

براساس اعلام اداره کل ارتباطات و فناوری اطلاعات خوزستان، ۹۳ درصد از روستاهای بالای ۲۰ خانوار جمعیت این استان یک شبکه ارتباطی دارند. در مجموع بیش از ۵۰ درصد از روستاهای این استان به اینترنت پرسرعت دسترسی دارند و این استان در زمینه توسعه یافتگی ارتباطات و فناوری اطلاعات، یازدهمین استان کشور است. همچنین بیش از ۹۰ درصد شهرهای خوزستان از اینترنت نسل سوم و چهارم تلفن همراه بهره‌مند شده‌اند. سال گذشته و بعد از همه‌گیری ویروس کرونا اعلام شد که دانش‌آموزان بسیاری از روستاهای خوزستان به‌ویژه در بخش غیزانیه، شهرستان‌های کارون، ایذه، اندیکا و... به دلیل آنتن دهی ضعیف اینترنت از آموزش آنلاین محروم هستند و به همین دلیل در بسیاری از این روستا معلمان به‌صورت حضوری سر کلاس‌های درس حاضر می‌شدند یا کودکان بسیاری به‌ویژه دختران، مجبور به ترک تحصیل شدند. در ماه‌های گذشته پهنای باند دیتای همراه اول در مراکز روستایی حسن آباد اندیکا، سلطان آباد راهبرمز، شهر قدس شوش و کاشکی و ده کهنه موزرم ایذه آبرابر افزایش یافت.

خراسان‌شمالی

استان خراسان شمالی با توجه به ضعف زیرساخت‌های شبکه ارتباطی در حوزه پوشش اینترنت، در بسیاری از مناطق روستایی و مرزی نتوانسته به این نیاز مردم پاسخ مناسبی دهد. قرار گرفتن استان در تبه‌های پایانی جدول ضریب نفوذ اینترنت نشان دهنده مشکلات موجود در خراسان شمالی است. مسئولان مربوط در خراسان شمالی اما وعده می‌دهند که اینترنت پرسرعت تا پایان سال جاری به همه روستاهای خراسان شمالی می‌رسد. اکنون تمام ۲۴ شهر خراسان شمالی زیرپوشش اینترنت نسل سوم و چهارم قرار دارند و ۹۰ روستای استان به اینترنت پرسرعت متصل هستند که نشان می‌دهد ضریب نفوذ اینترنت روستایی در استان ۸۱/۵ درصد است. به گفته مسئولان اداره کل ارتباطات و فناوری اطلاعات خراسان شمالی، هزار و ۴۴۶ مدرسه استان به اینترنت پرسرعت متصل هستند و با توجه به اینکه در حال حاضر ۸۰ درصد از روستاهای بالای ۲۰ خانوار جمعیت استان به اینترنت پرسرعت متصل شده‌اند، بقیه روستاهای بالای ۲۰ خانوار نیز تا پایان سال جاری به اینترنت متصل می‌شوند.

فارس

در حال حاضر ۹۷ درصد از روستاهای استان فارس به اینترنت متصل شده‌اند. به عبارت دیگر همه ۴ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر جمعیت استان، به‌جز ۳۳ هزار روستایی، از اینترنت بهره‌مند شده‌اند. به گفته مسئولان اداره کل ارتباطات و فناوری اطلاعات این استان، بیش از ۹۰ درصد از روستاهای بالای ۲۰ خانوار جمعیت استان به اینترنت پرسرعت مجهز شده‌اند. همچنین در حال حاضر ۳ هزار و ۹۰۰ مدرسه شهری و روستایی در فارس از اینترنت پرسرعت رایگان برخوردارند. در یک ماه گذشته نیز گروه‌های دیگر فارس به شبکه ملی اطلاعات و اینترنت پرسرعت دسترسی پیدا کردند. این روستاها در شهرستان‌های خنج، لارستان، پاسارگاد و فرشبند قرار دارند.



خراسان جنوبی

استان خراسان جنوبی ۹۱۶ روستای بالای ۲۰ خانوار دارد که تاکنون حدود ۷۰ درصد از این روستاها به شبکه ملی اطلاعات و اینترنت پرسرعت متصل شده‌اند و با توجه به برنامه‌ریزی‌های اداره کل ارتباطات خراسان جنوبی، تا پایان سال جاری بیش از ۸۰ درصد از شهرها و روستاهای این استان به اینترنت پرسرعت مجهز می‌شوند. اینها در حالی است که پس از همه‌گیری ویروس کرونا و با توجه به لزوم تحصیل آنلاین دانش‌آموزان، روند ایجاد دسترسی به اینترنت در خراسان جنوبی شتاب بیشتری گرفت، به‌طوری که از اواسط سال گذشته تاکنون بیش از ۹۰ سایت نسل سوم و چهارم تلفن همراه در استان راه‌اندازی شده‌است.

لرستان

به گفته مسئولان شرکت مخابرات لرستان، اینترنت نسل‌های دوم تا چهارم اپراتور همراه اول در بیش از ۹۸ درصد از مساحت استان قابل دسترسی است و مقدمات پوشش نسل پنجم نیز فراهم شده است. براساس برآوردهای موجود، برای تحقق این موضوع ۹۰۰ کیلومتر فیبر نوری جدید باید در لرستان اجرا شود که برنامه‌ریزی‌های لازم در این زمینه انجام شده است. اینها در حالی است که در سال جاری روستاهای «داربر رازآبایی»، «پیرماهی»، «بوگنه رازآبایی» و «چنارباشی» واقع در مناطق گردشگری استان با اتصال به شبکه ملی اطلاعات، زیرپوشش اینترنت نسل چهارم قرار گرفتند. همچنین قرار است تعداد کمی از روستاهای استان که تاکنون به شبکه اینترنت پرسرعت متصل نشده‌اند، به‌زودی از این امکان بهره‌مند شوند. براین اساس پیش‌بینی می‌شود در سال تحصیلی پیش‌رو دانش‌آموزان لرستانی، به‌ویژه در مناطق روستایی با مشکلات کم‌تری در زمینه دسترسی به اینترنت مواجه باشند.



مازندران

بیش از ۳ میلیون مشترک، یعنی حدود ۱۰۰ درصد از جمعیت این استان کاربر اینترنت هستند و همه شهرهای مازندران زیرپوشش شبکه اینترنت قرار دارند، اما بخشی از روستاهای دورافتاده و کوهستانی مازندران هنوز از زیرساخت‌های مناسب اینترنتی برخوردار نیستند. از ابتدای همه‌گیری ویروس کرونا تاکنون تعداد روستاهای متصل به اینترنت در مازندران، با انجام اقدام‌هایی برای گسترش زیرساخت‌های موردنیاز، افزایش یافته و به حدود ۲ هزار و ۷۵۰ روستا رسید که بیشتر از تعداد روستاهای بالای ۲۰ خانوار جمعیت در استان است. اینها در حالی است که سکونت برخی دانش‌آموزان در روستاهای زیر ۲۰ خانوار جمعیت سبب دسترسی مناسب آنان به اینترنت ممکن نباشد. البته تعداد دانش‌آموزانی که به دلیل شرایط مالی نامناسب از تحصیل آنلاین بازمی‌مانند بیشتر از دانش‌آموزانی است که به اینترنت دسترسی ندارند. از طرفی در شهرها و روستاهای متصل به اینترنت نیز دانش‌آموزانی به دلیل نداشتن تبلت و گوشی امکان دسترسی به آموزش‌های آنلاین را ندارند. سال گذشته حدود ۴۰ هزار دانش‌آموز مازندران امکان دسترسی به آموزش‌های آنلاین را نداشتند که با کمک خیران و برخی نهادهای، بیش از ۱۰ هزار گوشی هوشمند تلفن همراه و تبلت برای تعدادی از آنان تأمین شد. در سال جاری افت کیفیت اینترنت در مازندران به دلیل افزایش تعداد کاربران و ضعیف شدن آنتن‌دهی اپراتورهای تلفن همراه را نیز باید به مشکلات آموزش آنلاین در مازندران افزود.

ایلام

پوشش اینترنت در شهرها و شهرستان‌های استان ایلام مطلوب است و سال گذشته بیش از ۳۶۰ خانوار روستایی در این استان به اینترنت پرسرعت مجهز شدند. با این حال هنوز برخی از روستاها مانند روستاهای شهرستان آبدانان و سیروان از داشتن اینترنت محرومند و دانش‌آموزان این روستاها در سال تحصیلی گذشته مجبور بودند با طی مسافت طولانی به بالای تپه‌های روستا بروند تا بتوانند از اینترنت بهره‌مند شوند. مسئولان ایلام اما خبرهای خوبی از تجهیز روستاها به اینترنت می‌دهند و اعلام می‌کنند که امسال ۹۷ درصد مردم ایلام به فناوری روز و ارتباط امن و شبکه اینترنت با کیفیت دسترسی دارند. در حال حاضر ۸۶ درصد از روستاهای بالای ۲۰ خانوار در استان به اینترنت موبایلی تجهیز شده‌اند و تلاش مسئولان این است که در نیمه دوم سال جاری روستای فاقد اینترنت موبایلی وجود نداشته باشد.

هرمزگان

از ابتدای همه‌گیری ویروس کرونا و با توجه به افزایش نیاز مردم به استفاده از خدمات مجازی بر بستر اینترنت، روند ارتقای شبکه‌های تلفن همراه و تجهیز سایت‌های مخابراتی در استان هرمزگان شتاب قابل توجهی گرفته است. براساس اعلام مسئولان مربوط در استان، تا پایان سال گذشته، ۹۸ سایت تلفن همراه در این استان به سامانه‌های اینترنت نسل سوم و چهارم مجهز شده‌اند که هدف گذاری آنها عمدتاً در مناطق روستایی بوده است. همچنین پوشش تلفن همراه در جزیره هندورابی به‌تازگی کامل شده و در جزیره ابوموسی نیز ۳ سایت تلفن همراه ارتقا یافته است. در جزیره قشم نیز از ابتدای سال جاری تاکنون ۵۳ سایت تلفن همراه ارتقا داده شده و در این مدت در کیش نیز اقدام‌های قابل توجهی در این حوزه انجام شده است. با توجه به اقدام‌های انجام شده در این حوزه اکنون ۸۷ درصد از مناطق این استان چه در نقاط شهری و چه روستایی، به اینترنت دسترسی دارند. با این وجود در دوره همه‌گیری ویروس کرونا، دسترسی نداشتن دانش‌آموزان برخی مناطق استان مانند بشاگرد به اینترنت پرسرعت و کمبود امکانات موردنیاز برای دریافت آموزش‌های آنلاین، بر تعداد دانش‌آموزان محروم از تحصیل این استان افزوده است.

گیلان

در حال حاضر همه مدارس شهری و بیش از ۹۰ درصد از روستاهای بالای ۲۰ خانوار جمعیت استان گیلان به شبکه ملی اطلاعات متصل شده‌اند. این در حالی است که براساس آمارهای موجود، بیش از ۸۴ روستای استان به شبکه ملی اطلاعات و اینترنت دسترسی ندارند. در عین حال در ابتدای همه‌گیری ویروس کرونا و آغاز آموزش‌های آنلاین، اداره کل آموزش و پرورش گیلان اعلام کرد حدود ۴۰ درصد از دانش‌آموزان مناطق مختلف استان به گوشی هوشمند تلفن همراه و تبلت دسترسی ندارند؛ آماری که در پایان سال تحصیلی گذشته به حدود ۱۵ درصد رسید. براساس آمارهای موجود در سال تحصیلی گذشته ۷۳ درصد از دانش‌آموزان گیلانی از شبکه شاد بهره‌مند بوده‌اند.

جهارمحال و بختیاری

آخرین آمارهای منتشر شده نشان می‌دهد از مجموع ۲۷۵ هزار و ۴۲۰ خانوار استان، ۹۸/۸۲ درصد به اینترنت پرسرعت ۶۶/۹۵ درصد به رایانه دسترسی دارند و ۶۳/۹۴ درصد افراد نیز از اینترنت استفاده می‌کنند. در چهارمحال و بختیاری همه شهرها به اینترنت پرسرعت متصل هستند و از مجموع ۵۷۵ روستای بالای ۲۰ خانوار جمعیت این استان، ۵۵۰ روستا دارای اینترنت پرسرعت هستند. از این ۵۰۰ روستا، ۲۲۰ روستا از خدمات اینترنت پرسرعت ثابت برخوردارند و کمبود تجهیزات، مهم‌ترین مشکل موجود در زمینه رساندن «اینترنت پرسرعت ثابت» به روستاها عنوان می‌شود. در سال تحصیلی گذشته دانش‌آموزان روستایی استان، به‌ویژه در مناطقی از اردل، لردگان و کوهرنگ، به دلیل نبود دسترسی مناسب به اینترنت، با مشکل اتصال به شبکه شاد روبه‌رو شدند و کلاس‌های حضوری با رعایت پروتکل‌های بهداشتی برای آنها برگزار شد. این در حالی است که اتصال به شبکه شاد حتی در برخی نقاط شهری استان نیز با مشکل روبه‌رو بوده است. از سوی دیگر در سال تحصیلی گذشته سرعت پایین نرم‌افزار، برای بسیاری از دانش‌آموزان و معلمان دردسرفرین بود، اما گفته می‌شود در سال تحصیلی جدید با افزایش پهنای باند اینترنت و اتصال بسیاری از مدارس در مناطق روستایی به شبکه شاد، آموزش مجازی وضعیت مناسب‌تری خواهد داشت.

کرمان

در حال حاضر ضریب نفوذ اینترنت در استان کرمان از ۶۴ درصد در سال ۱۳۹۶ به ۸۱ درصد در سال جاری رسیده است. براین اساس در هفته‌های اخیر و باهدف بهره‌مندی حداکثری دانش‌آموزان روستایی از آموزش‌های آنلاین، تکمیل پروژه‌های تقویت اینترنت روستایی از سوی اداره کل ارتباطات و فناوری اطلاعات استان سرعت گرفته است. در این راستا در شهرستان راین با اتصال ۵۰ روستا به شبکه ارتباطات سیار، همه مدارس شهری و روستایی این منطقه به اینترنت پرسرعت متصل شدند و اجرای طرح‌های متنوع در شهرستان‌های مختلف، میزان دانش‌آموزان روستایی استان کرمان را به اینترنت افزایش داده است.



کردستان

در سال‌های اخیر ضریب نفوذ اینترنت در استان کردستان به بیش از ۹۸ درصد رسیده است که از این مقدار ۸۸/۶ درصد مربوط به اینترنت سیار است و ۹/۷۲ درصد هم به اینترنت ثابت اختصاص دارد. در این میان حدود ۸۰ درصد از روستاهای کردستان به اینترنت پرسرعت دسترسی دارند و مسئولان استان تلاش می‌کنند با بهره‌راری از ۱۰۰ سایت مخابراتی دیگر، این میزان به ۹۰ درصد افزایش یابد. اینها در شرایطی است که کمبود پهنای باند و کوهستانی بودن منطقه از مشکلاتی است که اجرای طرح‌های توسعه دسترسی به اینترنت را در استان با مشکل مواجه کرده است. با این وجود مسئولان استان قول داده‌اند که تقویت زیرساخت‌های موردنیاز، پوشش اینترنت پرسرعت روستایی به ۹۵ درصد افزایش یابد. در حال حاضر دانش‌آموزان بیش از نیمی از روستاهای دهگلان، سقز و پانه با مشکلات ناشی از دسترسی نداشتن به اینترنت مواجه هستند.

اصفهان

استان اصفهان هزار و ۶۹۹ روستا دارد که در حال حاضر ۸۴/۶۴ درصد از آنها از زیرساخت‌های ارتباطی از جمله شبکه اینترنت بهره‌مند هستند. با این وجود شهرستان‌های فریدون‌شهر، سمیرم، چادگان، خور و بیابانک و اصفهان بیشترین روستاهای بدون اینترنت را دارند که در طرح توسعه ارتباطات روستایی (تار) در قالب فیبر نوری با هدف ایجاد دسترسی اینترنت پرسرعت در مناطق محروم، برای استان اصفهان ۶ ولایت در نظر گرفته شده که تاکنون برای اولویت اول در شهرستان فریدون‌شهر، ۱۵۳ کیلومتر فیبر نوری اجرا شده است. اینها در حالی است که در ابتدای همه‌گیری ویروس کرونا و افزایش دوبرابری کاربران آنلاین، زیرساخت‌های موجود توان پاسخگویی نداشت، اما با افزایش ۳ برابری ظرفیت‌های زیرساختی در این حوزه، مشکل تاحدودی رفع شد. در استان اصفهان هزار و ۳۴۴ مدرسه به شبکه اینترنت پرسرعت رایگان مجهزند که از میان آنها ۲۰۷ مدرسه روستایی با مودم سیار و هزار و ۱۱۷ مدرسه شهری و روستایی با مودم ADSL به شبکه اینترنت متصل هستند.

بوشهر

براساس اعلام شرکت ارتباطات زیرساخت بوشهر، ضریب نفوذ اینترنت در این استان به ۸۵/۶ درصد رسیده است. با این وجود مسئولان کارگروه آموزش مجازی اداره کل آموزش و پرورش استان بوشهر معتقدند یکی از چالش‌های اصلی در ارائه آموزش‌های آنلاین به دانش‌آموزان، ضعف‌های موجود در پوشش اینترنت و نداشتن تجهیزات سخت‌افزاری مناسب مانند رایانه و گوشی هوشمند تلفن همراه است. بر همین اساس با همکاری اداره کل آموزش و پرورش بوشهر و اداره کل فناوری اطلاعات استان، ۷۵۰ مدرسه روستایی و ۷۵۰ مدرسه شهری به اینترنت پرسرعت رایگان متصل شدند. همچنین با کمک خیران، شرکت‌های پتروشیمی و کمیته امداد امام خمینی (ره) هزار لپ‌تاپ در اختیار دانش‌آموزان استان قرار گرفت. علاوه بر اینها در مواردی که امکان اتصال به شبکه اینترنت وجود نداشت، از راهکار «ارائه بسته‌های آموزشی» و «آموزش حضوری» استفاده شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد یکی از مهم‌ترین مشکلات موجود در استان در زمینه ارائه آموزش‌های آنلاین به دانش‌آموزان، آشنایی نداشتن برخی معلمان با تولید محتوای الکترونیک بود که با آموزش‌های ارائه و همت معلمان استان، امروز بوشهر یکی از قطب‌های اصلی تولید محتوا در این حوزه به حساب می‌آید. با توجه به این موضوع مسئولان استان معتقدند بوشهر یکی از موفق‌ترین استان‌ها در زمینه ارائه آموزش‌های غیرحضوری به دانش‌آموزان بوده است.

گلستان

در ماه‌های پایانی سال ۱۳۹۸ و هم‌زمان با همه‌گیری ویروس کرونا در کشور، تلاش‌ها در استان گلستان برای افزایش بهره‌مندی شهرها و روستاها از اینترنت بیشتر شد. براساس اعلام استانداری گلستان، اکنون ۹۹ درصد از روستاهای بالای ۲۰ خانوار جمعیت استان به اینترنت دسترسی دارند و همه مدارس شهری و روستایی گلستان نیز به شبکه ملی اطلاعات متصل شده‌اند. همچنین در حال حاضر بیش از ۹۹ درصد از روستاهای بالای ۲۰ خانوار جمعیت استان دارای حداقل یک ارتباط (اپراتورهای ثابت و سیار) هستند و در برخی مناطق کوهستانی استان که یک اپراتور سیار فعال وجود داشته، با برقراری رومینگ ملی، مشکل پوشش اینترنت برطرف شده است. اینها در حالی است که عمده‌ترین مشکل دانش‌آموزان گلستانی در زمینه دریافت آموزش‌های آنلاین، دسترسی نداشتن به امکانات موردنیاز مانند گوشی هوشمند تلفن همراه و هزینه بالای اینترنت همراه با خانگی است که بر شمار بازماندگان از تحصیل در میان قشرهای ضعیف افزوده است.

زعفران؛ منبع جدید درآمد در لرستان

۴۵۰ هکتار از اراضی کشاورزی لرستان زیر کشت زعفران است و سالانه ۱۹۰۰ کیلوگرم محصول در این استان تولید می‌شود

فاطمه کاظمی
خبرنگار

نام زعفران که می‌آید، ذهن اغلب ما به سمت خراسان می‌رود و نام قائنات در آن نقش می‌بندد در حالی که بر اساس تحقیقات انجام شده، کیفیت زعفران تولیدی در لرستان بیشتر و بالاتر از زعفران خراسان است. در حال حاضر ۴۵۰ هکتار از اراضی لرستان زیر کشت زعفران است و با تکیه بر کیفیت بالای زعفران آن، می‌توان کشتش این محصول را عامل توسعه اقتصادی و ارزش افزوده برای لرستان دانست.

تولید ۱۹۰۰ کیلوگرم زعفران در سال مدیر امور باغبانی سازمان جهاد کشاورزی لرستان با بیان این که ۶ هزار هکتار از اراضی کشاورزی استان زیر کشت گیاهان دارویی است و این استان در زمینه کشت برخی گیاهان دارویی مانند گشنیز مقام‌های بالای کشوری دارد، درباره وضعیت کشت زعفران به همشهری می‌گوید: از سال ۷۶ این گیاه به صورت آزمایشی در لرستان کشت و کار شد و در حال حاضر ۴۵۰ هکتار از اراضی کشاورزی استان تحت کشت این گیاه مهم دارویی است و در سال ۱۹۰۰ کیلوگرم زعفران در این استان یعنی به ازای هر هکتار، ۵ کیلوگرم برداشت می‌شود. محمدحسن کیانی‌فر با بیان اینکه اراضی زیر کشت

این گیاه از هزار متر تا ۲ هکتار را شامل می‌شود، توضیح می‌دهد: با توجه به آزمایش‌های انجام‌شده روی اساس زعفران لرستان، کیفیت آن بالاتر از زعفران خراسان و قائنات و مهم‌ترین دلیل آن ارتفاع بالای استان نسبت به خراسان است.

سیاست افزایش کشت زعفران وی با اشاره به این که زعفران جزو کشت‌های کم‌آبر است، تشریح می‌کند: با وجود این که لرستان چهارمین استان پربارش کشور محسوب می‌شود، اما تغییرات اقلیمی و خشکسالی‌های اخیر موجب شده افزایش کشت زعفران به عنوان یکی از اهداف سازمان جهاد کشاورزی لرستان تعریف شود. زمان کشت و برداشت زعفران در فصل پاییز و یک بار آبیاری این محصول کافی است. به منظور تشویق کشاورزان به کشت این محصول، تسهیلاتی در نظر گرفته شده و این افراد برای دریافت تسهیلات به بانک کار آفرین معرفی می‌شوند. خبر خوب این که بیشتر شهرستان‌های لرستان به کشت این محصول روی آورده‌اند.

مدیر امور باغبانی سازمان جهاد کشاورزی لرستان تأکید می‌کند: از آن جایی که یکی از سیاست‌های وزارت جهاد کشاورزی، کاهش کشت محصولات پرابر است، سازمان جهاد کشاورزی لرستان، افزایش کشت گیاهان دارویی را در برنامه خود قرار داده و به این سمت حرکت می‌کند.

ظرفیت بالای لرستان در کشت زعفران یک دانشجوی برنامه‌ریزی دکترای محیط‌زیست هم به همشهری می‌گوید: لرستان دارای اقلیم معتدل و کوهستانی و میانگین بارش سالانه آن حدود ۵۰۰ میلی‌متر و متوسط دمای آن از ۱۱/۹ تا ۲۳ درجه سانتیگراد در تغییر است. بنابراین، زمین مستعد کشت گیاه زعفران در بخش‌هایی از استان وجود دارد. مهر داد نهاوندچی ادامه می‌دهد: ظرفیت‌ها و محدودیت‌های اقلیمی و ضرورت ملاحظه این شرایط در کشاورزی منطقه‌ای با توجه به توسعه پایدار و امنیت غذایی موجب می‌شود قبل از هر گونه سرمایه‌گذاری توسعه‌ای توان تولید مستمر محصولات کشاورزی در واحدهای اکولوژیکی مورد مطالعه و تحقیق قرار گیرد. تعیین ظرفیت اقلیمی مناسب محصول، مقدمه و پیش‌نیاز آمایش سرزمین و مطالعات الگوی کشت منطقه‌ای نیز هست.

بررسی شرایط لرستان این دانشجوی برنامه‌ریزی دکترای محیط‌زیست یکی از روش‌های کاربردی برای بهبود تولیدات کشاورزی را هماهنگی با آب و هوای غالب در منطقه می‌داند و می‌گوید: این کار با درک اقلیم کشاورزی غالب در منطقه امکان‌پذیر است. با تحلیل هر یک از عناصر اقلیمی موثر در زراعت زعفران در لرستان، شاهد

محدودیت‌هایی در مناطق مختلف استان هستیم که از میان این عناصر، دما عامل مهمی برای محدودیت کشت زعفران در منطقه است. نهاوندچی با تأکید بر اینکه عنصر طبیعی دما می‌تواند در کاهش مرغوبیت، تأخیر در زمان گلدهی و افت محصول زعفران موثر باشد، می‌افزاید: عواملی نظیر ساعات آفتابی، شیب، جهت، ارتفاع و کاربری اراضی نیز اثرات ملموسی بر محصول زعفران دارند.

زعفران؛ عامل توسعه لرستان این دانشجوی برنامه‌ریزی دکترای محیط‌زیست تأکید می‌کند: تحلیل نقشه‌های محدودیت کشت زعفران در لرستان نشان می‌دهد مناطقی در استان امکان کشت زعفران را دارند و با تغییر الگوی کشت در مناطق کشت این گیاه و تغییر این اراضی به کاربری کشت زعفران، می‌توان سود و درآمد کشاورز را تضمین و سبب توسعه اقتصادی شد و ارزش افزوده برای منطقه ایجاد کرد. به گفته وی، با توجه به بررسی‌های اقلیمی و تحلیل نقشه‌ای محدودیت کشت زعفران در لرستان، نوار شمالی و غربی استان (شهرستان‌های ازنا، درود، بروجرد، بخش‌هایی از خرم‌آباد، سلسله، دلفان و کوهدشت) با توجه به داشتن زمین‌های کشاورزی بیشتر، در بالاترین سطح مطلوبیت کشت محصول زعفران قرار دارند. جنوب استان به دلیل شرایط مناسب اقلیمی و همچنین بخش‌هایی از شرق استان (به خصوص شهرستان‌های پلدختر و الیگودرز) به دلیل رخداد دماهای بالاتر از آستانه تحمل دمایی گیاه به عنوان مناطق با توان کمتر برای رشد این گیاه شناسایی شده‌اند.



عکس: همشهری



روستای کولیز در استان کردستان
عکس: آرمان صالحی

صدای همشهری



۰۲۱-۲۳۰۲۳۴۰۵

ستون صدای همشهری برای نوشتن مشکلات شما شهروند گرامی است. معضلاتی که منعکس می‌شوند تا مسئولان آنها را بخوانند و در پی یافتن راه حلی برای رفع آنها برآیند. برای بازگو کردن مشکلات خود از ساعت ۱۷ تا ۹ به شماره دفتر همشهری تماس بگیرید.

لزوم حمایت از کار آفرینان

به‌عنوان یک کارآفرین کرمانی از مسئولان استان درخواست می‌کنم از کارآفرینان بخش خصوصی که از همه‌گیری ویروس کرونا آسیب دیده‌اند، حمایت کنند. از سال ۱۳۹۵ موفق شدم باوجود مشکلات فراوان، یک کارگاه تولیدی صنایع دستی در شهر کرمان راه‌اندازی و حدود ۱۵ نفر را نیز مشغول به کار کنم. این‌در حالی‌است که پس‌از همه‌گیری ویروس کرونا و به‌دنبال آن بروز چالش‌های اقتصادی در کشور، مجبور شدم کسب‌وکار خود را تعطیل کنم. مسئولان استان باید برای کاهش بیکاری در کرمان از کارآفرینان کوچک مانند من نیز حمایت کنند تا بتوانیم به فعالیت خود ادامه دهیم.

رسول امیدی از کرمان

نگرانی از نحوه بازگشایی مدارس

به‌عنوان مادر ۲ کودک که یک پسر ۱۸ ساله مبتلا به بیماری ربوی است، از اینکه کودک کم را بدون واکسیناسیون به مدرسه بفرستم و ناقل شود و فرزند دیگرم را درگیر بیماری کند، نگرانم. اگر چه تدریس مجازی برای کودکان سخت بود، اما تدریس حضوری را وقتی ترجیح می‌دهم که از سلامت فرزندم در محیط مدرسه اطمینان پیدا کنم. علاوه‌براین شلغوی مسیر منزل تا محیط مدرسه هم نگران‌کننده‌است. از مسئولان استان درخواست می‌کنم برای بازگشایی مدارس تدابیری بیندیشند که فرزندان ما در معرض خطر ابتلا به ویروس کرونا قرار نگیرند.

محبوبه انوری از اصفهان

بزرگ‌ترین خشکسالی ۵۰ سال اخیر در مناطق عشایری خراسان جنوبی خسارت زیادی وارد کرده است

عشایر ۷ میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان اعتبار نیاز است و امیدواریم بتوانیم با توجه ویژه فرمانداران و کمیته‌های برنامه‌ریزی شهرستان‌ها، مشکلات کم‌آبی عشایر استان را به حداقل برسانیم.

وی ادامه می‌دهد: ما در مجموعه خود تلاش می‌کنیم با امکاناتی که در دست داریم در شرایط خشکسالی موجود یاری‌رسان عشایر استان باشیم و آب مورد نیاز آن‌ها را به موقع تأمین کنیم، اما همچنان با کمبود دامی و تبع روبرو هستیم به طوری که در حال حاضر مبلغ ۲ میلیارد و ۹۰۰ میلیون تومان به پیمانکاران آبرسانی سیار بدهکار هستیم. با توجه به شرایط سخت اقتصادی کشور، اگر بتوانیم حمایت‌های بیشتری را از سوی دولت جلب کنیم، مشکلات عشایر زودتر حل خواهد شد.

این مسئول درباره تأمین آب عشایر با آبرسانی پایدار اظهار می‌کند: سال گذشته آبرسانی پایدار ۴۰ محله عشایری در منطقه بمرود زیر کوه به پایان رسید. آبرسانی پایدار با هدف تأمین آب باکیفیت و بهداشتی برای عشایر نیز ایجاد اشتغال می‌کند. عصمتی‌پور با بیان اینکه در زمینه تأمین آب پایدار عشایر طرح‌های مطالعاتی زیادی در شهرستان‌های مختلف استان انجام شده است، می‌گوید: هم‌اکنون در حال اجرای طرح آبرسانی پایدار به مناطق عشایری دستگردان طیس، چاه زرد نهبندان و خواجه منجیکوه هستیم.



نهادهای دامی به عشایر استان پرداخت شده است، ادامه می‌دهد: ۶۵ میلیارد تومان تسهیلات امسال تا کنون ۴۳ میلیارد تومان به حساب عشایر واریز و بقیه، پروسه تشکیل پرونده و انعقاد قرارداد را طی می‌کنند. تسهیلات پرداختی در بهار امسال نسبت به سال گذشته افزایش ۲/۵ برابری داشته است.

عصمتی‌پور با بیان اینکه خرید دام مازاد عشایر توسط شرکت پشتیبانی امور دام انجام می‌شود، اعلام می‌کند: به دلیل کمبود در زیرساخت‌های استان اجرای این طرح با مشکلات بسیاری مواجه شده و به کندی پیش می‌رود، اما با توجه مسئولان ذی‌ربط و پیگیری‌های انجام شد و امضای قرارداد با کشتارگاه بزد شاهد بهتر شدن شرایط اجرای این وضع خواهیم بود.

افزایش آبرسانی

مدیرکل امور عشایر خراسان جنوبی با بیان اینکه در ماه‌های گرم امسال و ادامه معضل خشکسالی آبرسانی سیار به عشایر استان ۲ برابر افزایش داده شده است، می‌گوید: سال گذشته به ۴۵۰۰ خانوار عشایری آبرسانی سیار انجام می‌شد و به دلیل کاهش نزولات آسمانی و خشک شدن ۲۴۰ چاه مالداري در محلات عشایری این رقم به ۷۶۰۰ خانوار رسیده است. عصمتی‌پور می‌افزاید: در ماه‌های باقی‌مانده سال برای تأمین آب مورد نیاز

مشکلات خرید تضمینی دام

مدیرکل امور عشایر خراسان جنوبی می‌گوید: در ۲ سال گذشته که وضعیت آبی به دلیل بارندگی‌ها مناسب‌تر بود، دام‌های عشایری زاد و ولد بیشتری داشتند به طوری که از نظر تعداد به ۲ برابر افزایش یافت. همین مساله و در ادامه بروز خشکسالی در سال جدید و همچنین گران شدن علوفه و نهاده‌های دامی، عشایر را در نگهداری دام با مشکلات بسیاری روبرو کرده است.

عصمتی‌پور درباره انتظار عشایر برای خرید تضمینی دام مازاد اظهار می‌کند: شرکت پشتیبانی امور دام باید حمایت‌های بیشتری نسبت به عشایر داشته باشد، زیرا کمبود علوفه و کم‌آبی خسارت سنگینی به عشایر وارد کرده است و باید به همان نسبت در تخصیص اعتبار مدیریت بحران و سایر اعتبارات به صورت ویژه دیده شوند.

تأمین علوفه دامداران

مدیرکل امور عشایر خراسان جنوبی درباره توزیع علوفه غیرپارانه‌ای نیز توضیح می‌دهد: با همکاری و حمایت بنیاد برکت، بسیج، اتحادیه استان و ۱۰ تعاونی عشایری علوفه خشبی یا خشک از دیگر استان‌ها خریداری و به استان منتقل می‌شود. این نهاد دامی با قیمت مناسب در اختیار عشایر قرار می‌گیرد تا برای فصل زمستان ذخیره‌سازی شود.

وی با اشاره به خسارت ۸۸۰ میلیارد تومانی خشکسالی در ۹ ماه گذشته به عشایر استان می‌افزاید: در یک سال گذشته عشایر استان در زمینه تولید محصولات لبنی ۸۰ درصد کاهش داشته‌اند و همچنین به دلیل خشکسالی و فقر مراتع هیچ برداشتی در زمینه جمع‌آوری گیاهان دارویی نداشته‌اند در حالی که سال‌های پیش از آن عشایر درآمد خوبی از طریق برداشت گیاهان دارویی در مراتع استان داشتند.

این مسئول با بیان اینکه سال گذشته تسهیلات ارزان‌قیمتی بیش از ۲۶ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان و در سال جدید نیز ۶۵ میلیارد تومان برای تهیه و تأمین

محمد بلیلی

خبرنگار

خراسان جنوبی ۱۱ شهرستان با جمعیتی کمتر از ۸۰۰ هزار نفر دارد و چهارمین استان عشایری کشور محسوب می‌شود. ۸۰ درصد عشایر این استان در شهرستان‌های مرزی درمیان، زیرکوه، سربیشه و

نهبندان سکونت دارند. عشایر خراسان جنوبی علاوه بر تأمین بخش عمده‌ای از نیاز گوشت قرمز و لبنیات کشور، مرزبانان دلیر ایران نیز به حساب می‌آیند، اما آنها در چند سال اخیر به دلیل خشکسالی‌های پی‌درپی با معضلات گوناگونی از جمله تأمین علوفه دامی و تبع آن مشکلات معیشتی مواجه شده‌اند. این شرایط زنگ خطر مهاجرت عشایر را به صدا درآورده است.

سال سخت عشایر

مدیرکل امور عشایر خراسان جنوبی با بیان اینکه عشایر این استان تا این لحظه سال بسیار سختی را پشت سر گذاشته‌اند به همشهری می‌گوید: امسال با خشکسالی بی‌سابقه‌ای در استان مواجه بودیم. به طوری که ۲۴۰ چاه مالداري در مناطق عشایری خشک شد و بیش از ۸۰ درصد مراتع بر اثر خشکسالی از بین رفت. مهدی عصمتی‌پور با بیان اینکه خراسان جنوبی با بحرانی‌ترین شرایط خشکسالی در ۵۰ سال اخیر مواجه شده است، می‌افزاید: از ۴۴ درصدی که در استان مورد مطالعه قرار گرفتند ۱۳ دشت آزاد، ۹ دشت محدوده بحرانی و ۲۲ دشت ممنوعه است که شرایط سختی را برای عشایر استان که اکثراً دامدار هستند، رقم زده.

وی با بیان اینکه عشایر نهاده‌های دامی را به ۲ شکل علوفه خشک و خشبی باقیمت آزاد، اما ارزان‌تر و سهمیه‌ای که یارانه‌ای ست تهیه می‌کنند، ادامه می‌دهد: برای هر دام سبک در ماه ۳ کیلوگرم نهاده دامی به صورت یارانه‌ای توزیع می‌شود به طوری که در بهار امسال ۱۰ هزار و ۳۷۷ تن نهاده دامی به عشایر تحویل داده شد.

جای‌تان در کنار ما خالی است. شما می‌توانید سهمی بزرگ در دیده شدن استان، شهر، روستا و محله خود داشته باشید. فقط کافی است موبایل را بردارید و با ارسال یک پیام صوتی یا متن، حتی عکس و فیلم در تلگرام، ما را در جریان رویدادها، محرومیت‌ها و دیدنی‌های محل زندگی‌تان قرار دهید.

صدای شما در همشهری شنیده می‌شود
بر ایمان بگویید... بر ایتمان می‌نویسیم



ارتباط با ادین

hamshahriostanha_admin

#همشهری_استانها

@hamshahriostanha

اینستاگرام

Instagram.com/hamshahriostanha



خط مستقیم

۰۲۱-۲۳۰۲۳۴۴۲

۰۲۱-۲۳۰۲۳۴۴۲

پیام گیر

۰۲۱-۲۳۰۲۳۴۰۵



چهارشنبه

۳۱ شهریور ۱۴۰۰

۱۵ صفر ۱۴۴۳

شماره ۸۳۲۱

روایت‌محور

هشت داستان کمتر شنیده شده
از رشادتهای زنان
در سال‌های دفاع مقدس



تنه‌هایی، ترس، جنگ

روایت فاطمه معبودیان، همسر شهید احمد رضا عراقی از زندگی زنان در سال‌های دفاع مقدس

ماه‌های ابتدایی ازدواج‌شان و در واقع ماه‌عسل‌شان در بیمارستان و شهرهای جنگی می‌گذشت. این روند مجروح شدن و حضور ما در بیمارستان‌ها اما ادامه‌دار بود و دوباره شهید عراقی در عملیات کربلای ۵ مجروح شد و این بار جراحت بیشتری داشتند و ما مجبور شدیم برگردیم تهران. یک‌ماه گذشت و حالشان که بهتر شد مجدد به جبهه برگشتند. همچنین یادم می‌آید یک‌بار که ۲ هفته‌ای بود از ایشان بی‌خبر بودم همراه پدرم به خط مقدم رفتیم؛ خیلی وحشتناک بود تا اینکه خبردار شدیم باز مجروح شده و به بیمارستان اصفهان منتقل شده‌اند. می‌توان گفت من همسر را بیشتر در بیمارستان‌ها می‌دیدم تا خانه. در طول مدتی که ما زندگی مشترک‌مان را آغاز کرده بودیم احمد رضا یا در بیمارستان بود یا جبهه جنگ. این در حالی است که وقتی یک شخص تصمیم می‌گیرد ازدواج کند در واقع می‌خواهد برنامه زندگی‌اش تغییر کند و بنای آن را باهمراهی یک نفر دیگر می‌چیند. اما جنگ همه چیز را یکباره تغییر داد. گویی اصلاً نباید برای زندگی برنامه‌ریزی کرد. هیچ چیز قابل پیش‌بینی نبود. با این حال ما همه اینها را قبول کرده بودیم و می‌دانستیم زندگی با رزمندگان راحت نخواهد بود و سطح انتظارات خود را پایین آورده بودیم. اما شیرینی‌هایی که ما در آن روزها تجربه کردیم شاید هیچ وقت دختران جوان الان تجربه نکنند. بعد از تقریباً ۳۴ سال از آن روزها هنوز خاطراتش برایم شیرین است. همه دلخوشی‌های من در مدت زندگی مشترکم تلفن‌ها و همچنین نامه‌هایی بود که همسر من از جبهه برایم می‌نوشتند. هنوز هم وقتی دلتنگ می‌شوم نامه‌های همسر من را می‌خوانم. روزی که همسر من شهید شد (در عملیات کربلای ۸ فروردین ماه) نیمه شعبان سال ۶۶ بود. چون همیشه سابقه مجروح شدن داشتند وقتی دوباره خبر دادند من با خودم گفتم احتمالاً دوباره مجروح شدند و اصلاً انتظار نداشتم این‌بار همسر من شهید شده باشد. اما وقتی رفتم معراج دیگر فهمیدم او به آرزویش رسیده

قریب به اتفاق همسران شهدا خودشان انتخاب کردند که با رزمندگان ازدواج کنند و بهترین روزهای‌شان در تنه‌هایی و فراق همسرشان بگذرد اما هیچ وقت فکرتش را نمی‌کردند این تنه‌ایی دائمی باشد و بعد از این قرار است مشکلات زندگی را خودشان به دوش بکشند. آنها می‌دانستند که هر لحظه امکان دارد شوهرانشان در جبهه جنگ شهید یا جانباز شود. چرا که معلوم نبود که جنگ چند سال ادامه خواهد داشت و چه اتفاقی در انتظار آنهاست. خود من زمانی که شهید عراقی به خواستگاری‌ام آمد جانباز بود؛ یعنی یک پایش را در یکی از عملیات‌ها از دست داده بود. من اواخر سال ۱۳۶۴ وقتی که ۲۳ ساله بودم با شهید احمد رضا عراقی ازدواج کردم که او هم یک سال از من بزرگ‌تر بودند. وقتی ازدواج کردم از شغلم که معلمی بود و تازه استخدام شده بودم، استعفا کردم. چون انتخابم این بود که همسر یک رزمنده باشم و همیشه در کنارش باشم. بعد از عروسی همراه همسر به اهواز رفتم و مدتی را در آنجا زندگی کردیم. چرا که اکثر مواقع همسر من جبهه بود و شاید ماهی یک، دوبار مرخصی می‌آمد. هر بار که همسر من آمد مرخصی موقع رفتن اصرار می‌کردم که یکی دو روز بیشتر بماند اما او می‌گفت شرایط در جبهه خیلی سخت است و نمی‌توانم دوستانم را آنجا تنها بگذارم. با این حال همه دلخوشی من در آن مقطع که تازه ازدواج کرده بودیم نامه‌هایی بود که برایم می‌نوشت. طبیعتاً هر دختر جوانی که ازدواج می‌کند برنامه‌های زیادی برای آینده دارد و آرزوهایی که می‌خواهد در کنار همسر و همراهی او، آنها را به دست بیاورد. اما شاید هیچ کدام از آرزوهای ما زنان رزمندگان و شهدا محقق نشد. چند ماهی از ازدواج ما نگذشته بود که همسر من در عملیات والفجر ۸ مجروح شد و ما خیلی سریع برای درمان به تهران برگشتیم. تقریباً حدود ۲ ماه در تهران بودیم و بعد از اینکه شرایط جسمی همسر من بهبود یافت دوباره به اهواز برگشتیم. البته این شرایط مختص من نبود و اکثر همسران رزمندگان از همان

روایت دیگر



فرزانه آیینی
روزنامه‌نگار

روایت جنگ اگر نگوییم روایتی مردانه است، اغلب در رئای فتح‌الفتوح مردان است و لبریز از رشادت‌ها و ایثارگری‌های آنان. یعنی مردانی کوچک و بزرگ با لباس خاکی بر تن، کلاه آهنی بر سر و لیخندی بر لبان خشک‌شان که تاوازه دفاع و جنگ بر زبان می‌چرخد بی‌درنگ مقابل چشم بیننده، شنونده و خوانندگان آن - روایت - ترسیم می‌شود. روایتی با تکیه بر نقش آفرینی‌های خط مقدمی مردان که حتماً در ردای شهادت جوییشان قابل تعظیم و احترام بی‌پایان است، مقابل این روایت غالب که در لوای آن مدح ایثارگری، دفاع و جانفشانی‌هایشان مکرر گفته شده است، باز خوانی ۸ سال دفاع مقدس روایتی گمشده از نقش زنان در جنگ دارد.

روایتی که لایه‌لای کارهای تیمی زنان در زیرزمین خانه‌هایی فرسنگ‌ها دورتر از مناطق جنگی، امداد رسانی در بیمارستان‌های صحرایی یا همراهی نوع‌روسان با مردان جنگ و فرزندآوری برای قهرمانان جنگ محصور شده است، قوام این همراهی زنانه چنان است که مجالی به بروز آنچه بر زنان در همه آن سال‌ها گذشت نمی‌دهد. دفاع مقدس، روایتی گمشده دارد، روایتی مهجور و چندلایه از نقش زنان در جنگ که هم‌راوی اثرگذاری مؤثر و بلاواسطه آنها در دفاع از مرز وطن هم‌پای مردان است و هم‌راوی دشواری‌ها و خشونت‌های پیدا و پنهانی که بر زنان و دختران در ۸ سال جنگ گذشت.

روایتی که تکریم نجوای مادران مکتب عاشورا در راهی کردن پسرانشان به جبهه و تسلیم نوع‌روسان در دست‌افشانی دامادها مقابل خاکریزهای دشمن، رشادت‌های زنان و دختران شهرهای آغشته به خون و خمپاره را به حاشیه رانده است. حاشیه‌ای که خود اصل متن دفاع است و ۸ سال مستمر یعنی دو هزار و نهصد و بیست روز تاب آورد، نه کم‌رنگ شد و نه رنگ باخت. زنان جنگ حامیان دفاعی بودند که از قلبشان جوشید و لحظه‌ای بر سر آن نه تردید کردند و نه در پی جراحت آن افسوس خوردند. به هر روی در میان روایت‌های مرسوم از جنگ طرح روایتی نواز جنگ جسارت می‌خواهد، جسارتی که واژه‌های دفاع، شجاعت، شهامت، شهادت و وطن را کنار هم بچینی و با گذشت چهاردهه از آن در یخ‌های نو برای بازخوانی‌اش بیانی و بگویی که روایت دفاع مقدس محدود به شاهدان عینی خط مقدم و خاطرات فرماندهان و برنامه‌ریزان آن نیست و روایتی کمتر دیده شده دارد که با جسم و جان‌شان در آن پایداری کردند. روایتی که جانفشانی‌های لب‌خطی‌ها مانع از دیده و شنیده شدن ایثارگری‌هایشان شد. زنان راویان پنهان جنگ تحمیلی هستند که از جان‌شان برای دفاع مایه گذاشتند و جسمشان را فرش زیر پای رزمندگان کردند و روحشان همچنان در آن سال‌ها پرواز می‌کند. روحی که یا در خط مقدم پی‌جامانده‌اش سرگردان است یا به بیمار جسم خود یا جانبازی مشغول است یا فراق یاری را می‌کشد. روایتی که هم، همسنگر شهادت و جانبازی و اسارت شدند و هم توانم مردان را به پایمردی در دفاع تشویق کردند. داستان‌های پیش رو نقل مقاومت و ماندن و همراهی زنانه است که ۸ سال دوشادوش نبرد تن به تن مردان با اشغالگران ایستادگی کردند و در لوای این پایمردی شهید، اسیر و جانباز شدند. ۸ روایت این چند صفحه سرگذشت زنانه بی‌ادعاست؛ فراق، حسرت، اسارت، پشت خط، ایثارگری و شجاعت و شهادت زنان در سال‌های دفاع را شرح می‌دهد. روایتی که نقل برخی از فرازهای آن همچنان راز سر به مهر دارد و هنوز فصل بازخوانی‌شان نرسیده است.

سربازان بی‌پلاک

در طول ۸ سال دفاع مقدس، زنان سربازان گمنامی بودند که بار سنگین تدارکات جنگ را بر دوش کشیدند. هر چند راویان و قهرمانان تاریخ جنگ تحمیلی مردان هستند اما نمی‌توان از حضور و رشادت‌های این زنان به عنوان سربازان بی‌ادعا و بی‌پلاک چشم‌پوشی کرد. برای مثال، مسئولیت بخش تسلیحات سپاه را شهید جهان‌آرا به تعدادی دختر مجرد سپرده بود.

تعدادی از آنها هنوز در قید حیات هستند و وقتی قصه‌های زندگی‌شان را در زمان جنگ می‌شنوی، فکر می‌کنی که واقعیت ندارد. تعدادی از زنان به رموز دفاعی کاملاً مسلط



بودند. در تمام این ۸ سال حتی یک روز از خرمشهر خارج نشدند. درواقع زنان و دختران در زمان جنگ تحمیلی روزها به دفاع از شهر و وطن مشغول بودند و شب‌ها هم شهدا را دفن می‌کردند.

گزارش پیش‌رو بازخوانی اجمالی است از نقش آفرینی و حضور خودخواسته جمعی از زنان در ۸ سال جنگ تحمیلی و آنچه نخواست به زندگی جمعی دیگر از زنان تحمیل شده است.

آمار چه می‌گویند؟

براساس آمارهای منتشر شده از فهرست شهدای جنگ



انتخاب ما بود و هدف همه ما دفاع از وطن و اسلام بود. انقلابی که خون‌های زیادی برای زنده نگه‌داشتن آن ریخته شده بود.

شاید الان زندگی من تا حدودی بهتر شده باشد اما در بهترین روزهای عمرم تنها بودم و این تنهایی رنج زیادی را برای اکثر زنان شهدا داشته و دارد.

آن زمان سه‌راه خرمشهر یک ایستگاه تلفن وجود داشت که برای رزمندگان بود و سربازان صف می‌ایستادند تا هر کدام به خانواده‌هایشان زنگ بزنند. ما هم زنانی که آنجا غریب بودیم برخی روزها می‌رفتیم صف تلفن تا به خانواده‌های خودمان زنگ بزنیم. از دلخوشی ما همین تلفن‌زدن‌ها بود.

هر چند جنگ زندگی مرا به گونه‌ای دیگر رقم زد، با این حال باز افتخار می‌کنم که همسر شهید هستم و او را در راه یک هدف بزرگ از دست دادم. تنهایی من در راه یک هدف والا و بزرگ رقم خورده است.

و شهید شده است. دلتنگی همه زندگی مرا پر کرده بود و تمامی نداشت چه الان و چه زمانی که احمد رضا هنوز شهید نشده بودند.

شهید عراقی واقعا همسر ایده‌آل من بودند اما به هر حال سختی‌هایی هم در کنارش وجود داشت؛ نبودن‌ها، تنهایی‌ها، جنگ، ترس، جراحت‌های زیاد و بستری شدن و حضور در بیمارستان بخش زیادی از زندگی کوتاه مشترک من بود. اما همه اینها را من تحمل می‌کردم و امید داشتم یک روز جنگ تمام شود و همسرم برای همیشه برگردد خانه. من هم مانند بسیاری از زنان و دختران دیگر بچه‌دار شوم و زندگی نرمالی خواهم داشت. اما جنگ همه اینها را از من گرفت و به جای آن همه آمل و آرزو حالا اما تنهایی نصیبم شده و امید دارم در آن دنیا خداوند اجر همه این سختی‌ها را به مادران و زنان شهدا و جانبازان بدهد. جنگ انتخاب ما نبود اما ماندن در کنار مردان رزمنده

نخستین زن شهید خرمشهر

شهناز حاجی‌شاه، نخستین زن شهید خرمشهر است. او در سال ۱۳۳۶ در خرمشهر به دنیا آمد. تحصیلاتش را تا دبیرستان ادامه داد. با آغاز جنگ و اشغال خرمشهر، در کنار برادرانش - ناصر و محمدحسین - به دفاع از شهر پرداخت. هشت ماه سال ۱۳۵۹ وقتی که خمپاره‌های عراقی‌ها بخشی از خرمشهر را هدف قرار دادند او به همراه جمعی از زنان به طرف خانه‌های ویران شده دویدند تا



تحمیلی، ۶ هزار و ۴۲۸ زن ایرانی در سال‌های دفاع مقدس شهید شده‌اند و بیشتر آنها در بمباران و موشکباران شهرها به شهادت رسیده‌اند. براساس آماری به نقل از نشریه داخلی بنیاد شهید و امور ایثارگران، ۵۰۰ نفر از این افراد، رزمنده بودند، بیشتر این زنان مجرد و ۲ هزار و ۵۰۰ نفر از آنان در سن ۱۰ تا ۳۰ بودند. براساس آمار بنیاد شهید و امور ایثارگران تعداد کل جانبازان زن ۵ هزار و ۷۳۵ نفر است که از این تعداد ۳ هزار و ۷۵ نفر بالای ۲۵ درصد جانبازی دارند. درباره تعداد اسرای زن جنگ تحمیلی، آمار روشنی منتشر نشده، اما در برخی منابع از رقم ۱۷۱ اسیر زن در جنگ هشت‌ساله سخن به میان آمده است. همچنین در ۸ سال دفاع مقدس ۲۲ هزار و ۸۰۸ امدادگر و ۲ هزار و ۲۷۶ پزشک زن به جبهه‌ها اعزام شدند.





انقلاب پیش بیاید و خانم‌ها هم باید کار با اسلحه را یاد بگیرند. نخستین بار آنجا بود که من اسلحه را دیدم و حتی نخستین بار سریع تر از همه اسلحه را باز و بسته کردم. علاقه زیادی داشتیم و به دلیل همین پشتکار مسئولیت‌هایی به ما سپرده شد.

«**پس پیش از شروع جنگ حدود بیست زن آموزش دیده در شهرستان شوش تمام آموزش‌های نظامی و آمادگی را دیده بودید؟**

بله دقیقاً همینطور است. ما نمی‌دانستیم که جنگی در راه است اما به دلیل عشق به انقلاب در حوزه‌های مختلف کار کرده بودیم و آمادگی داشتیم.

«**اولین تصویر و مواجهه شما با جنگ چطور بود؟ چه روزی متوجه شدید که عراق به ایران حمله کرده است؟**

به ما گفتند که عراق به خر مشهر حمله کرده است و باید شما را ببریم به این شهر. از بین خواهران هم فقط من آماده اعزام شدم و دیگر خانواده‌ها اجازه ندادند. ما به اهواز رفتیم و دو روز هم بودیم اما ما را برگراندند. وقتی برگشتیم شوش نخستین بار بود که جنگنده‌های میگ را دیدیم و آژیر خطر و بمباران آغاز شد. در محله ما تمام مردم از شب تا صبح در کوچه‌ها بودند و به ما هم اسلحه‌هایی برای نگهداری دادند. چون شوش شهر مرزی بود منافقین با عده‌ای از جنبشی‌ها فعالیت داشتند و ما برای مقابله با آنان مدام نگهداری می‌دادیم. پس از مدتی بمباران به شوش رسید و مردم رفته رفته با ماشین و بدون ماشین شهر را ترک هم کردند. مردم به امید اینکه جنگ یک هفته بیشتر طول نمی‌کشد به روستاهای اطراف، اندیشمک، هفت تپه، دزفول و نقاط دیگر رفتند. اما جنگ هشت سال ادامه پیدا کرد.

«**شما در شهر ماندید؟**

بله ما در شهر ماندیم. ابتدا به مردم برای خروج از شهر کمک می‌کردیم و مجروحان را مداوا می‌کردیم. اما من مردم را با خمپاره بریده بودند و در همان روزها بسیاری از مردم شهید یا مجروح شدند. به این ترتیب مردم از شهر خارج شدند. از خانواده من نیز فقط پدرم چون قصاب بود در شهر ماند و دام‌هایی را که ترکش می‌خوردند ذبح می‌کرد تا غذا درست کنیم. از زنان دیگر نیز فقط حدود پنج نفر که هم‌سن و سال بودیم در شهر باقی ماندیم. درحالی که آب، برق و همه چیز قطع شد و شهر زیر بمباران بود. ارتش پشت تپه‌ها در حال جنگ با بعضی‌ها بود و شهر شوش شبیه جبهه شده بود. مادر خانهای مستقر بودیم و برای رزمندگان پخت‌وپز می‌کردیم و از مجروحان محافظت می‌کردیم. بعد از مدتی غنا نیز از هفت تپه می‌آوردند و من مسئول تقسیم غذا بودم. یکی از همین روزها که وارد اتاق شدم تا غذا را آماده کنم خمپاره به اتاق خورد و من دیگر متوجه هیچ چیز نشدم. بعد از پنج دقیقه من را از اتاق بیرون آوردند. من با اصرار برگشتم تا برای رزمندگان کسرو بیاورم و وقتی چشم باز کردم در بیمارستان بودم، البته

«**شما چه سالی و کجا متولد شدید؟**

من سال ۱۳۳۹ در شهرستان اهواز در خیابان نوذر که وسط شهر اهواز بود متولد شدم و تا پنج سالگی هم آنجا بودم. بعد از آنجا به دزفول رفتم و تا چهارم ابتدایی را در آن شهر درس خواندم. از کلاس پنجم به شوش نقل مکان کردم و تا زمان دیپلم گرفتن که جنگ آغاز شد در آنجا بودیم.

«**قبل از پیروزی انقلاب در فعالیت‌های انقلابی شرکت داشتید یا فقط مشغول درس و تحصیل بودید؟**

قبل از پیروزی انقلاب ما مکتب ولایی را در مسجد جامع شهر از شهید دانش امام جماعت مسجد یاد گرفتیم. آن زمان دو خانم بودند که از دزفول آمدند و کلاس‌های مکتبی داشتند و به ما درس‌های مذهبی و دینی می‌دادند. از آن زمان ما در فعالیت‌های انقلابی از جمله تظاهرات و پخش اعلامیه و غیره حضور داشتیم. شوش شهر کوچکی بود و حتی در آن مقطع رئیس پاسگاه به پدرم گفته بود که به دخترت بگو که چند روزی از شوش برو چون اسمش در لیست ساواک قرار گرفته است. به این ترتیب من چند صبحی را در اهواز و دزفول خانه آشنایان و اقوام گذراندم تا اوضاع تغییر کرد و سپس به شوش بازگشتم و در نهایت انقلاب پیروز شد.

«**در جریان فعالیت‌های انقلابی مبارزه مسلحانه هم داشتید؟**

نه. فقط کوکتل مولوتوف درست کرده بودیم.

«**بعد از پیروزی انقلاب فعالیت‌ها بتان چطور ادامه پیدا کرد؟**

بعد از انقلاب کمیته تشکیل شد و شهید دانش، بنده را به عنوان مسئول قسمت خواهران انتخاب کردند. این اتفاق به تشکیل بسیج متصل شد و من مسئول بسیج خواهران شوش شدم. در کمیته فعالیت‌های فرهنگی از جمله تئاتر داشتیم. وقتی مسئول بسیج شدم آموزش‌های نظامی آغاز شد. مادر تپه‌های شوش آموزش تیراندازی، کار با اسلحه، رزم شبانه و همه اینها را دیدیم.

«**چند زن در بسیج شهر حضور داشتند و آموزش نظامی دیدند؟**

بسیاری از مردم حضور داشتند اما حدود ۲۰ زن بودیم که حضور فعال داشتیم و با هم کار می‌کردیم. در روستاها قرآن درس می‌دادیم و در جهاد سازندگی حضور داشتیم. در بیمارستان‌ها نیز کارهای آمادگی می‌کردیم و آموزش‌هایی را هم در این زمینه دیده بودیم. به این ترتیب پیش از شروع جنگ ما آموزش‌هایی در حوزه‌های نظامی، آمادگی و جهادی دیده بودیم. آن زمان من مربی آموزش شدم و به مدارس می‌رفتم و کلاس‌هایی برای دختران در این زمینه‌ها برگزار می‌کردیم.

«**شما چطور مربی آموزش شدید؟**

در آن مقطع در بسیج می‌گفتند که ممکن است مشکلی برای



نگهبان شهر

۸ سال هر شب با چادر می‌خوابیدیم تا در صورت بمباران یا شهادت زیر آوار عریان دیده نشویم. خیلی از زنان دزفول را با چادر از زیر آوار بمباران بیرون کشیدند

«**فردوس مجدی‌ان:** هنوز دبیرستان را تمام نکرده بود که جنگ هشت ساله با حمله عراق به ایران آغاز شد. در خوزستان و شهر مرزی شوش زندگی می‌کرد که از نخستین هدف‌های دشمن بود. او اما وقتی شهر به سرعت تخلیه و تبدیل به جبهه شده، همراه با رزمندگان در شهر مانده و اسلحه به دست گرفته است. پر از خاطرات جنگ از شوش تا اهواز و دزفول و خر مشهر است و در تمام آن سال‌ها پشت جبهه به عنوان پرستار حضور داشته است. فردوس مجدی‌ان همان زنی است که برای روایت‌های تازه از دفاع مقدس از نگاه زنان سراغ او رفتیم. در گفت‌وگویی که از فعالیت‌های انقلابی و آموزش‌های نظامی او آغاز شد و به خطرات و ماجراهایی که به عنوان تنها زن باقی‌مانده در شهر شوش گذرانده بود رسید. مجدی‌ان البته از جمله زنانی است که فعالیت‌های نظامی‌اش پس از جنگ نیز ادامه پیدا کرد. او مسئول آموزش نظامی و عملیات گردان‌های الزهرا در اهواز است. در ادامه مشروح گفت‌وگو با فردوس مجدی‌ان را می‌خوانید.



اگر زنی در آنجاست، او را بیرون بیاورند خمپاره‌ای میان آنها به زمین خورد و منفجر شد. ترکش مستقیماً به قلب شهناز اصابت کرد. شهلا حاجی‌شاه، خواهر شهید شهناز حاجی‌شاه در وصف شهادت خواهرش گفته است: «... زمانی هم که خواهرم شهید شد و می‌خواستیم او را دفن کنیم، جلو مسجد جامع، برادرم حسین را دیدم. به او گفتم: «بیا می‌خواهیم شهناز را دفن کنیم». گفت: «من نمی‌آیم. عراقی‌ها از دروازه شهر وارد شده‌اند و جنگ تن‌به‌تن شروع شده. آنجا بیشتر به من احتیاج است...» در بهشت شهدا آبی برای غسل دادن خواهرم نبود. آقای گفت: «احتیاج به غسل ندارد...». درحالی که گلوله‌های توپ در نزدیکی ما فرود می‌آمد، مادرم با دست‌های خودش خواهرم را در قبر گذاشت و خطاب به شهناز گفت: «دعا کن که

معرکه‌ای به نام نصرت

گزارشی از زندگی «نصرت بسیطی»
تنها زن رزمنده در خط مقدم جبهه گیلانغرب



مجروحان و جمع آوری و رساندن آنها پشت خط بود. پای ثابت امدادگری بود و مجروحان را تفنگ بر دوش کول می کرد. سر و صورت مجروحان را می شست و زخم‌هایشان را مداوا می کرد.

اجساد کشته‌گان جنگ را در اتاقی جمع می کرد تا مبادا حیوانات به آنها نزدیک شوند.

نصرت در عملیات مطلع الفجر در سال ۱۳۶۰ باز همانند روزهای وقوع انقلاب و راهپیمایی‌ها، کنار برادر قرار گرفت؛ بعد از یک هفته نبرد سنگین، عملیات نیمه تمام ماند، پیکر شهدای ایرانی بالای ا ارتفاعات شیاکوه و زیر دید عراقی‌ها ماند. اجساد چندین روز بالای ا ارتفاعات زیر باد و باران و آفتاب ماند. این به یک دغدغه و حسرت برای بچه‌های رزمنده تبدیل شده بود. نصرت به همراه گروه داوطلبی که امیدی به بازگشت‌شان نبود، رفتند تا جنازه شهدا را از ارتفاعات پایین بکشند. بی‌خستگی و همپای مردهای دیگر جسد شهیدی را بردوش گرفته بود.

در بهداری نیز فقیه روی صورتش پیچیده و بالای سر شهدا حاضر شد و کار کفن شهدا را انجام داد. بعد از این کار به ثبت و ضبط نام و نشان شهدا پرداخت. از آن روزها دیگر کسی نبود که حسین و خواهرش نصرت را در آن منطقه نشناسد.

بعد از عملیات والفجر و فتح‌المبین دشمن تا حدودی عقب رفت. نصرت هم کارش را در بهزیستی از سر گرفت اما ظاهرها بعد از کار بهزیستی به بهداری خط مقدم می‌رفت و کار رسیدگی به زخمی‌ها، غسل و کفن شهدا و نایلون پیچ کردن آنها را انجام می‌داد. لباس‌های خونین شهدا را می‌شست. اینها گوشه کوچکی از تلاش نصرت بسیطی در جنگ بود که تا سال ۱۳۶۶ ادامه داشت. ۱۳ آبان سال ۱۳۶۲ حسین که آن روزها فرمانده خط مقدم هم شده بود در یک عملیات پاکسازی، شهید شد.

نصرت نه فقط برادر که دوست، همراز و هم‌رزمش را از دست داد که ضربه جبران‌ناپذیری برای او بود. خود جنازه برادر شهیدش را غسل و کفن کرد. گویی سال‌های مبارزه برای او در حال تبدیل شدن به سال‌های رنج و غم بود؛ چرا که سال ۱۳۶۵ هم مادرش بر اثر سرطان از دنیا رفت و او تنها از همیشه شد. سال ۱۳۶۶ درخواست انتقالی به کرمانشاه را داد و ساکن کرمانشاه شد. دیگر از آن زن پرتوان خستگی‌ناپذیر خبری نبود. تحمل دشواری‌های روزهای جنگ زخم‌هایی بر روح او زده بود که جبران‌ناپذیر بود. چندی بعد به دلیل افسردگی و مشکلات روحی در بیمارستان اعصاب و روان فارابی بستری شد و سرانجام در اردیبهشت سال ۱۳۶۸ درگذشت.

فر حناز چراغی: همه او را به نام نصرت بسیطی می‌شناسند: نصرت خداپاری شهسواری معروف به خواهر بسیطی: از رزمندگان هشت سال دفاع مقدس که سرگذشت سلحشوری‌هایش را گیلانغربی‌ها به خوبی به یاد دارند. در جبهه گیلانغرب کسی نبود که بسیطی‌ها را نشناسد؛ خواهر و برادر شجاعی که هنوز هم گمنامند. به ویژه روایت نصرت، دختر شجاع گیلانغربی و رنج‌هایش که گرچه نقل دهان‌هاست اما کمتر در رسانه‌ها منعکس شده.

نصرت سال ۱۳۳۰ در روستای «نیم دانگ» در گیلانغرب به دنیا آمد. تحصیلاتش را تا ششم ابتدایی ادامه داد و چون خانواده تنگدستی داشت در امرار معاش به خانواده‌اش کمک کرد. دهه ۵۰ بود که نصرت و برادرش حسین با حضور در تظاهرات و راهپیمایی‌ها چهره انقلابی خود را در منطقه گیلانغرب نشان دادند. در کنار این فعالیت‌ها نصرت در اداره رفاه آن زمان یا همان بهزیستی فعلی مشغول به کار شد.

با شروع جنگ در سال ۱۳۵۹ در همان روزهای نخست، نصرت به همراه برادرش حسین به نیروهای مدافع در جبهه پیوستند.

هنگامی که عراق به شهر گیلانغرب حمله کرد، زن‌ها، بچه‌ها، پیرمرد و پیرزن‌ها همه شهر را ترک کردند و فقط عده‌ای از جوانان برای مبارزه و مقاومت در شهر ماندند که نصرت نیز با وجود اصرارها در شهر ماند و نرفت. او در تمام روزهای شش سال اول جنگ در جایگاه رزمنده، مددکار، امدادگر، نیروی پشتیبانی و... در گیلانغرب حضور داشت.

نصرت تنها زنی بود که در آن معرکه به عنوان رزمنده حضور داشت؛ با ظاهر و پوششی خاص که همه او را می‌شناختند. شجاع و نترس بود و قدی بلند داشت؛ با یک تفنگ ژ۳ بر دوش. هنگام امدادگری هم همیشه پوتین پوش بود. مانتوی بلندی داشت که رویش اورکت نظامی می‌پوشید. زمان امداد سلاحش را عوض می‌کرد و برنو بر می‌داشت.

اولین دفاع رزمندگان از گیلانغرب و شهرها و روستاهای مرزی در همان روزهای اول با موفقیت انجام شد.

در آن روزها که شهر خالی از سکنه بود، نصرت پایه پای دیگر رزمندگان شب‌ها نگهبانی می‌داد. تفنگش را روی دوش می‌انداخت و در کوچه‌ها قدم می‌زد یا از پشت بام‌ها نگهبانی می‌داد.

صبح‌ها هم برای کمک و روحیه‌دهی به رزمندگان سمت «گور سفید» (یکی از جبهه‌های رزمندگان در گیلانغرب) می‌رفت که حداکثر ۴۰۰ متر با عراقی‌ها فاصله داشت.

او در چند جبهه می‌جنگید و هفته‌ای یک بار به دیدن مادرش می‌رفت و به امورات او رسیدگی می‌کرد.

سال ۱۳۶۰ حجم سنگین آتش عراقی‌ها روی شهر گیلانغرب و جبهه گور سفید بود.

نصرت آن روزها در بیمارستان کارش امدادگری به



صدمه‌ای ندیدم. در این زمان خانم‌های دیگر شهر را ترک کرده بودند و فقط من با رزمنده‌ها باقی مانده بودم.

«در آن دوران شما و دیگر زن‌هایی که در شهر بودید از چیزی هراس نداشتید؟»

هیچ ترسی نداشتیم. می‌ترسیدیم که دشمن وجبی از خاک ما را اشغال کند. خانم‌های دیگر هم با گریه و با اصرار خانواده‌هایشان شهر را ترک کردند. البته این در حالی بود که من قبل از انقلاب بسیار ترسو بودم و مثلاً اگر مرده‌ای می‌دیدم نمی‌توانستم حتی آب بخورم. اما آن زمان که در بیمارستان دزفول کار می‌کردیم یک روز تعدادی مجروح آوردند. شهید فعال که ترس من را می‌دانست به من گفت دو نفر از پرستاران را برای رسیدگی به مجروحان ببرم. در حالی که آنها مجروح نبودند و همه کشته‌شده‌های عراقی بودند. من در حالی که یکی از این افراد را گرفته بودم شهید فعال به من گفت که او مرده است. آن لحظه حال عجیبی به من دست داد و به شدت شوکه شدم و سر آن عراقی را رها کردم. اما در نهایت این اتفاق باعث شد که همه ترس از وجود من خارج شود.

«آن زمان که در شوش بودید با نیروهای عراقی مواجه نشدید؟»

در واقع ما خاگر یز دوم جنگ بودیم اما من به شکل مستقیم در عملیات جنگی حضور نداشتم و عراقی‌ها را به چشم ندیدم. اما یک شب با بچه‌ها خط مقدم رفته بودم و من تنها در مقرمان با یک فانوس مانده بودم. بخشی از اتاق خمپاره خورده بود و فقط با تعدادی آجر آن را پر کرده بودند. صدایی آمد و متوجه شدم که کسی از آن بخش خمپاره خورده وارد خانه شده است. من نارنجک را برداشتم و به سایه‌ای که نزدیک می‌شد گفتم که تا سه می‌شمارم و اگر نرفتی نارنجک را منفجر می‌کنم. فکر می‌کردم که آن شخص از منافقین و ستون پنجم‌ها بود. به او گفتم که یا برو یا هر دو کشته می‌شویم. شروع به شمارش کردم و وقتی می‌خواستم به سه برسم یکی از برادرها در خانه را زد. آن سایه سریع خارج شد. برادرها وقتی متوجه این اتفاق شدند دیگر من را تنها نگذاشتند و هر بار که به خط مقدم می‌رفتند یکی از آنها در خانه می‌ماند.

«تا چه زمانی در شوش حضور داشتید؟»

تا اواسط سال ۶۰ که آمدند و از تعداد خواهرها در شهر پرس‌وجو کردند. گفته بودند که من نیز باید شهر را ترک کنم. چون در آن مقطع بعد از اتفاقات سوسنگرد تصمیم گرفته شده بود تا زنان در خط مقدم حضور نداشته باشند و همه پشت جبهه خدمت کنند. پس از آن از طریق فرمانداری بهمن‌ها به شهر کی رفتیم و آنجا آموزش نظامی می‌دادیم. در مقطعی هم به اهواز رفتیم و در بیمارستان ناری که در هتل نادران تشکیل شده بود به پرستاری و کارهای امدادی پرداختیم. این وضعیت تا پایان جنگ ادامه داشت. من در همین دوران با یکی از پاسدارها نیز ازدواج کردم و دو فرزند از سه فرزندم در دوران جنگ به دنیا آمدند.

«روزی که جنگ به پایان رسید را به خاطر دارید؟ چه حال و هوایی داشتید؟»

از طرفی خوشحال بودیم اما نوشیدن جام زهر از سوی امام برای ما بسیار سخت بود. ما هشت سال هر شب با چادر می‌خوابیدیم تا در صورت بمباران یا شهادت زیر آوار عریان دیده‌نشویم. خیلی از زنان دزفول را با چادر از زیر آوار بمباران بیرون کشیدند. بنابراین پایان چنین سختی‌هایی برای ما خوشحال‌کننده بود. اما پایان جنگ نیز به آن صورت برای ما تلخ بود و ناراحتی امام را حل برای ما بسیار سخت بود.

«اگر نکته یا حرف ناگفته‌ای باقی مانده

بفرمایید؟»

خاطرات جنگ که بسیار است و اینجا قطره‌ای از دریا را گفتیم. ممنون و شاکر خداوند هستم و هر آنچه دارم از لطف اوست.

در جنگ پیروز شویم و دل امام شاد شود». برادرهایم با حکاکای روی یک سنگ نام و نشان شهان را نوشتند و بعدها با همین نشانه‌ها توانستیم قبر وی را پیدا کنیم... بعد از هر حمله‌ای که در شهر می‌شد خانواده‌ها و نزدیکان برای شناسایی شهدا می‌رفتند. خیلی از مادران و زنان، شهدا را می‌شستند؛ گاهی هم فرزندان یکدیگر را، بچه‌های خودشان را، اشک می‌ریختند و می‌شستند. بعضی هم قبر می‌کندند.»

پایان غیبت یازده ماهه یک مبارز

شهید ناهید فاتحی کر جو در چهارمین روز از تیرماه



سال ۱۳۴۴ در شهر سنندج به دنیا آمد. با شروع حرکت‌های انقلابی مردم ایران، ناهید هم به سبیل خروشان انقلابیون پیوست و در جرگه دختران مبارز کردستان قرار گرفت. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و شروع فعالیت‌های ضدانقلاب در مناطق مختلف کردستان، ناهید همکاری‌اش را با ارتش و سپاه آغاز کرد.

اوایل زمستان سال ۱۳۶۰ در بحبوحه ناآرامی‌های سنندج در میان جنگ تحمیلی بود که ناهید به شدت بیمار شد و برای مداوا به درمانگاهی در میدان مرکزی شهر سنندج مراجعه کرد. چند ساعتی از رفتن ناهید گذشته بود اما از بازگشتش خبری نبود. ۱۱ ماهه از روده شدن ناهید می‌گذشت که پیکر مجروح و کبودش را با سری شکسته و تراشیده در روستایی



میان آتش باران

خدیجه میرشکاری، نخستین زنی که در جنگ به اسارت نیروهای عراقی درآمد، از جانفشانی‌های پنهان زنان در مناطق جنگی می‌گوید

الهام یوسفی: خدیجه میرشکاری، نخستین اسیر زن ایرانی و همسر شهید است که در اوایل جنگ در شهر سوسنگرد توسط نیروهای عراقی اسیر شد و پس از ۲ سال به کشور بازگشت. میرشکاری زمانی که به اسارت عراقی‌ها درآمد به شدت مجروح بود و روزهای سختی را در اردوگاه‌های عراق پشت سر گذاشت. این زن آزاده از رنج اسرای ایرانی می‌گوید که شاید در مطبوعات ما چندان به آنها پرداخته نشده است؛ سربازان گمنامی که اگر امثال میرشکاری روایتگر روزهای سخت آنها نباشند، هیچ‌گاه کسی نمی‌داند در پشت خط مقدم چه گذشته است. روایت میرشکاری از حضور زنان در جبهه و داستان‌های پشت خط را در گفت‌وگویی با همشهری بخوانید.

«خودتان را معرفی کنید و بگویید شروع جنگ چندساله بودید؟»

من در یک خانواده مذهبی در شهر بستان به دنیا آمدم. پدرم یک روحانی بود که داروخانه و عطاری داشت و در واقع نخستین داروخانه شهر متعلق به پدرم بود. البته پدر، متولی مسجد جامع شهرمان نیز بود. خودمان یک حسینی‌ه نیز در خانه داشتیم که از زمان پدر بزرگم و حتی قبل از انقلاب برپا بود و همیشه مراسم‌های مذهبی در این حسینی‌ه برگزار می‌شد.

من تقریباً ۲۰ سال داشتم و ۳ ماه قبل از شروع جنگ ازدواج کرده بود. همسرم ابتدا فرهنگی بود، اما به‌خاطر نیاز انقلاب نوپای کشورمان وارد سپاه شد و فرمانده سپاه دشت‌آزادگان بود؛ بنابراین هم به‌خاطر شغل همسر و هم خانواده‌ای که در آن بزرگ شده بودم و نیز زندگی در شهر مرزی بستان جنگ خیلی زود وارد زندگی‌مان شد و من بیشتر درگیر شدم. این توفیقی اجباری بود که نصیب من شد.

«برای حضور در جنگ آموزش خاصی دیده بودید؛ مثلاً کار با اسلحه را می‌دانستید؟»

بله تقریباً. در زمان عقد همسر یک دوره آموزش‌های نظامی به من داد و حتی خواهرزاده ۷ ساله‌ام قبل از من، این آموزش‌ها را فراگرفت. وقتی همسر در خانه نبود، بچه خواهرم آموزش‌های نظامی را به من یاد می‌داد.

«یعنی قادر بودید که اسلحه به‌دست بگیرید و تیراندازی کنید؟»

باز و بسته کردن سلاح‌هایی چون کلاشنیکف، ژ ۳ و کلت‌های کم‌ری از جمله دوره‌هایی بود که من آموزش دیدم؛ طرز کار با آنها و تیراندازی را هم یاد گرفتم. من همه اینها را یاد گرفته بودم؛ چرا که امام خمینی (ره) هم گفته بودند یک ارتش ۲۰ میلیونی باید تشکیل شود؛ بنابراین ما که مقلد امام (ره) و رهبرمان بودیم، تلاش کردیم مانند دیگران این دوره را یاد بگیریم.

«چطور متوجه شدید که جنگ آغاز شده است؟»

ما صدای گلوله‌های جنگ و خمپاره‌ها را از مرز شنیدیم. من از بالای پشت‌بام نگاه می‌کردم می‌دیدم که آمبولانس‌ها همگی از

آن طرف مرز به سمت شهر پشت سرهم حرکت می‌کنند. شهر ما بیمارستان نداشت و فقط یک بهداری داشت که پزشکان آن هم بیشتر هندی بودند و بیشتر بیماران از بهداری به شهر سوسنگرد منتقل می‌شدند.

«سوسنگرد چقدر با شهر شما (بستان) فاصله داشت؟»

۲۵ کیلومتری می‌شد. ما در آن زمان یک ستاد پشتیبانی در حسینی‌ه پدرم ایجاد کردیم و در آن حسینی‌ه به همسر و دوستانشان که به خط مقدم می‌رفتند، کمک می‌کردیم.

«چه کارهایی برای رزمندگان انجام می‌دادید؟»

لباس‌های خونی آنها را می‌شستیم. چون رزمندگان مجروحان را کول می‌کردند، اکثراً لباس‌هایشان خونی بود. چون حالم از دیدن خون به‌هم می‌خورد و تحمل نداشتیم، چشمانم را می‌بستم و به دور از چشم مادرم در حمام را می‌بستم و لباس‌های خونی رزمندگان را می‌شستم. من این کار را به‌خاطر انقلاب، سرزمین و علاقه‌ای که به همسر و هموطنانم داشتم انجام می‌دادم. آن زمان رزمندگان لباس اضافه زیادی نداشتند و ما مجبور بودیم خیلی سریع آنها را تمیز کنیم تا استفاده کنند.

«چند روز طول کشید که شهر بستان نیز مستقیم وارد جنگ شد؟»

دقیق به‌خاطر ندارم، اما بیشتر از هر روز گذشته بود که خمپاره‌های دشمن به شهر بستان برخورد می‌کرد. یادم هست که یکی از همین خمپاره‌ها به خانه همسایه ما برخورد کرد و در آن حادثه عروس آن خانواده شهید شد. کم‌کم اهالی بستان از



دستم زیر سر

حبیب بود. همین

که ساکت شد،

گفتم چرا حرف

نمی‌زنی؟ گفت:

دارم راز و نیاز

می‌کنم و می‌خواهم

نماز صبحم را

بخوانم با من حرف

زن. چشمانش

را بست. من فکر

کردم از خستگی

خوابش برده... او

شهید شده بود

شهر خارج شدند. برخی به شهر دیگری می‌رفتند و عده‌ای هم به روستاهای اطراف پناه می‌بردند.

«چرا از بستان خارج نشدید؟»

پدرم با این قضیه مخالف بود و می‌گفت ما مردم و ارتش را در کنار خود داریم چرا باید شهر را خالی کنیم. کمیته و سپاه در کنار ارتش دشمن را مجبور به عقب‌نشینی می‌کنند، من نمی‌توانم بروم و باید اینجا بمانم و در حسینی‌ه اذان بگوییم و به رزمندگان کمک کنم. اما برادرم دیگر طاقت نیاورد و به پدرم گفت اگر نروید خودم را با همین تفنگی که در دست دارم می‌کشم. عراقی‌ها کم‌کم دارند وارد شهر می‌شوند و باید هر چه سریع‌تر اینجا را ترک کنید.

دقیقاً چند روز قبل از اسارت بود که همسرم همراه برادرم آمده بودند که ما را بفرستند خارج از شهر. صبح زود بود پدرم چون ۷۰ سال مودن مسجد بود، گفت: بگذارید اذان بگویم و بعد از نماز صبح می‌رویم. وسایل صبحانه را جمع نکرده راه افتادیم و برادرم ما را به سوسنگرد برد. همسرم خودش اهل سوسنگرد بود و خانواده‌اش آنجا زندگی می‌کردند. به من گفت: برو اگر زنده ماندم من هم می‌آیم. روزهای خیلی سختی بود؛ برق، آب و تلفن همگی قطع شده بودند و ما دیگر هیچ خبری از آنها نداشتیم؛ مگر اینکه خودشان می‌آمدند.

«چند روز در سوسنگرد ماندید؟»

تقریباً ۷ مهر بود که جنگ به سوسنگرد هم کشیده شد و شهر را محاصره کردند. خانواده من از آنجا به اهواز رفته بودند، اما من هنوز آنجا بودم. وقتی شهر توسط عراقی‌ها محاصره شد، همسرم

در روند این درگیری‌ها شهید چمران دستور می‌دهد که پرستاران، زنان، کودکان و زخمی‌ها را داخل یک وانت گذاشته و یک محلفه روی آنها بکشند و با عنوان زخمی از بیمارستان خارج و به خانه سپاه که از بیمارستان فاصله داشت منتقل کنند. فوزیه هم یکی از این افراد بود. در همان هنگام یک بالگرد به منظور رساندن مهمات به نیروهای شهید چمران به پناه اعزام شده بود.

فوزیه به‌منظور علامت دادن به بالگرد از زیر محلفه بیرون می‌آید و از ناحیه پهلو مورد هدف گلوله منافقان قرار می‌گیرد ولی کوتاه نمی‌آید و باز هم تیر می‌خورد و از پا می‌افتد و تازه متوجه گرمی و خونریزی پهلویش می‌شود تا اینکه به خانه سپاه می‌رسد.

فوزیه و امدادرسانی تا پای جان

از دیگر شهیدای زن می‌توان به اسم فوزیه شیردل اشاره کرد که ۲۵ مرداد ۱۳۵۸ در جریان حمله ضدانقلاب به بهداری پناه و محاصره بهداری به شهادت رسید. بیمارستانی با ۱۰ تخت‌خواب و دارای کمترین امکانات در شهر پناه محل خدمت فوزیه بود که در جریان تشدید درگیری‌های آن منطقه به محاصره نیروهای ضدانقلاب درآمده بود.



در نزدیکی شهر یافتند. شهلا فاتحی کر جو، خواهر ناهید در باره شهادت او گفته است: «موهای سرش را تراشیده بودند و همه ناخن‌های دست و پایش را کشیده بودند. تمام سر و بدنش به‌علت ضربات ناشی از شکنجه کبود بود. کوموله به ناهید گفته بود اگر به (امام) خمینی دشنام بدهی تو را آزاد می‌کنیم. سرانجام او را شبانه به بیابان‌های اطراف روستا می‌برند و جلوی چشمان خودش برایش قبر حفر کرده و او را زنده زنده دفن می‌کنند. ناهید شانزده ساله زنده زنده دفن می‌شود.»

خانواده شهید فاتحی کر جو، صلاح ندیدند وی را در سنجند دفن کنند و پیکرش را به تهران منتقل و در قطعه شهدای انقلاب بهشت‌زهرا (س) تهران دفن کردند.

من محکم چادر و لباسم را گرفتم و گفتم اجازه نمی‌دهم اینجا کوتاه هستند و حجاب ندارند؛ درحالی که سرم خون به دستم بود، تخت را محکم گرفتم و جیغ می‌زدم که نمی‌خواهم لباسم را عوض کنید. داد می‌زدم که بیا بید مرا بکشید. من این لباس‌ها را نمی‌پوشم. تا اینکه یکی از پزشکان آنها گفت: نمی‌بینید که این خانم چقدر حجاب دارد و برایش مهم است که چادر از سرش نیفتد. با وجود گرمای هوا او نمی‌خواهد حجابش را کنار بگذارد. اذیتش نکنید نمی‌تواند این لباس‌ها را بپوشد. من که پزشک هستم می‌گویم ایرادی ندارد. در آن بیمارستان ترکش‌ها را از بدن من خارج نکردند و واقعا فکر می‌کردند من زنده نمی‌مانم. الان وقتی تعریف می‌کنم احساس می‌کنم آن زن من نبودم. حالا که فکرش را می‌کنم می‌گویم چطور جرأت داشتم در آن شرایطی که اسیر بودم اینگونه رفتار و جیغ و داد کنم. خدا را شکر در طول زمان اسارت - از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۱ که در اردوگاه موصل بودم - هیچ‌گاه جلوی سربازها و نیروهای عراقی گریه و اظهار پشیمانی نکردم.

«چه مدت در بیمارستان بستری بودید؟»

چند روزی در بیمارستان العماره عراق بستری بودم و در یک اتاق ۴ نفری زن نگهبان من بودند که قصد فرار به سرم نزن. بعد از اینکه به‌نظر آنها شرایطم بهتر شد و بهبود یافتم به زندان انفرادی بغداد منتقل شدم. نزدیک ۴ ماه آنجا بودم که هر هفته مرا به بهداری می‌بردند و پانسمانم را عوض می‌کردند و اگر مسکنی هم لازم بود به من می‌دادند.

«بازجویی‌ها از چه زمانی شروع شد و چطور بود»

و آیا شکنجه هم می‌شدید؟

بازجویی از همان زمان بازداشت شروع شد؛ تقریبا هفته‌ای یکی، دوبار من بازجویی می‌شدم. به این صورت بود که یا وارد سلولم می‌شدند یا به جایی دیگر منتقل می‌شدم. از جنگ، اقتصاد و وضعیت ایران می‌پرسیدند. از امام خمینی (ره)، خانواده و همسر سؤال می‌کردند. تا از همسر صحبت می‌کردم و سرافش را می‌گرفتم، می‌گفتند: او سرباز (امام) خمینی است. اصلا حرفش را هم نزن. برو دعا کن خودت تا حالا زنده مانده‌ای. وقتی که مرا از سلول انفرادی به اردوگاه موصل بردند در بیمارستان شهر موصل مورد عمل جراحی قرار گرفتم و ۱۰ روز آنجا بودم و بعد از عمل به بهداری اردوگاه موصل برگرداندم. بهداری موصل یک سالن بزرگ داشت که هم تخت داشت و هم مجروحان مختلف. اینکه می‌گویم تخت به این دلیل است که در اردوگاه ما تخت نبود. تنها زن آن بهداری من بودم و همگی اسرای مرد ایرانی بودند. پرستاران نیز اسرای ایرانی بودند و فقط روزها از شهر پزشک عراقی می‌آمد به بیماران سرکشی می‌کرد.

«در بین اسرای ایرانی پزشک مرد وجود نداشت؟»

چرا بود، اما اجازه نمی‌دادند طبابت کند. یکی از آنها مجید جلال‌وند، اهل تهران و خیلی معروف بود، اما آنجا مترجم بود؛ چون هم ترکی بلد بود و هم انگلیسی. شهر موصل بیشترشان ترک هستند. او اجازه طبابت نداشت، اما پنهانی برخی مواقع دارو از داروخانه آنها برمی‌داشت و مریضان را مداوا می‌کرد. برخی مواقع وقتی پزشکان عراقی می‌رفتند یا در حال استراحت بودند، این دکتر مجید می‌آمد بهداری و بقیه پتو را به عنوان پرده می‌گرفتند و اینگونه پانسمان مرا عوض می‌کرد. عراقی‌ها اصلا آنتی‌بیوتیک برای ما استفاده نمی‌کردند و خیلی کم اتفاق می‌افتاد برای درمان مجروحان استفاده کنند، اما دکتر مجید همیشه از داروخانه آنها یواشکی آنتی‌بیوتیک برمی‌داشت و برای من می‌آورد.

پرستاران و پزشکان اسیر ایرانی بیشتر برای کمک به اسرای مجروح آنجا بودند؛ نه طبابت. آنها کمک می‌کردند اسرایی که اوضاعشان خیلی نامناسب بود و صدمه شدید دیده بودند، کارهای روزانه‌شان را انجام دهند.

می‌گفتند تو همسرش نیستی. گفتم ما داشتیم از شهر فرار می‌کردیم که شما به سمت ما تیراندازی کردید. عراقی‌ها می‌گفتند اگر پاسدار نیستید، چرا این ماشین پر از مهمات دست شماست.

«چه زمانی متوجه شدید همسرتان شهید شده است؟»

قبل از رسیدن به بیمارستان همسر چشمانش را بسته بود و من فکر می‌کردم یا خوابش برده یا بیهوش شده است؛ چراکه در کل مسیر ما با هم حرف می‌زدیم، قرآن می‌خواندیم و دعا می‌کردیم. دست من زیر سر حبیب بود، همین که ساکت شد، گفتم چرا حرف نمی‌زنی؟ گفت: دارم راز و نیاز می‌کنم و می‌خواهم نماز صبحم را بخوانم. با من حرف نزن. چشمانش را بست. من فکر کردم از خستگی خوابش برده است. در ادامه مسیر نزدیک عراق که شدیم ۵ اسیر چشم و دست بسته انداختند توی آمبولانس، درواقع پرت کردند. من جیغ زدم و گفتم مجروح داریم، مراقب باشید. اسرا گفتند: نمی‌بینی چشمان ما بسته است. ما از کجا بدانیم که شما کجا هستید. یکی از آنها گفت: دست و چشم مرا باز کن تا کمک کنیم، اما من اصلا دستانم را نمی‌توانستم بلند کنم. با هر بدبختی که بود چشمانم را باز کردم و در تاریکی فضای داخل آمبولانس دیدم که محکم دستان آنها را با طناب بسته‌اند. با سختی و کشان‌کشان یکی از آنها خودش را به من نزدیک کرد و با سختی دستش را باز کرد. او هم دست و چشم بقیه را باز کرد. بعد صورتش را به حبیب نزدیک کرد و نفس و نبضش را که چک کرد، گفت اصلا هیچ علامت حیاتی ندارد و شهید شده است. آنها حبیب را شناختند و گفتند: این حبیب شریفی است. همسایه ما اینجا چه کار می‌کند؟ من هم ماجرا را تعریف کردم. من اصلا باورم نمی‌شد و می‌گفتم امکان ندارد او شهید شده باشد. ما چند لحظه پیش داشتیم صحبت می‌کردیم. یکی از اسرا گفت: خواهرم به فکر خودت باش. او به آرزویش رسید و شهید شد. تو از این به بعد اسیر بعضی‌ها هستی و به فکر خودت باش. با این حال، من هنوز باورم نشده بود او شهید شده است.

البته این را هم بگویم در همان زمان که همراه خانواده به سوسنگرد رفته بودیم، هلال احمر سوسنگرد اعلام کرد که همه دختران بیا بیا و یک دوره امدادگری آموزش ببینند که من هم رفتم و این دوره را فشرده از صبح تا شب گذراندم.

«کجا از بقیه جدا شدید؟»

صبح ما را به بیمارستان جمهوری شهر العماره عراق بردند. من دیگر از آنها جدا شدم و بعد از یک سال و خرده‌ای فهمیدم آنها را همراه جنازه همسرم کجا بردند.

«بعد از یک سال چطور مطلع شدید؟»

یکی از همان افرادی که اسیر بود در اردوگاه را دیدم و برایم تعریف کرد.

«وقتی شما را به بیمارستان بردند، آنجا وضعیت چطور بود؟»

سالن خیلی بزرگی بود پر از مجروح، حالا دقیق نمی‌دانم همه عراقی بودند یا ایرانی. اورژانس بیمارستان خیلی شلوغ بود. نیروهای عراقی همگی با همدیگر صحبت می‌کردند و می‌گفتند: یک زن نظامی ایرانی را آورده‌ایم. مرا بردند و روی یک تخت بستری کردند. دیگر چندان به هوش نبودم تا اینکه با سیلی یکی از نظامیان عراقی به هوش آمدم. او خیلی محکم به صورتم سیلی زد. من یکدفعه چشمانم را باز کردم و گفتم چرا سیلی می‌زنی؟ گفت: تو خون زیادی از دست داده‌ای و پزشکان می‌خواهند برای تو خون تزریق کنند، اما می‌گویی من خون بعضی نمی‌خواهم؛ درحالی که من اصلا نمی‌دانستم اینگونه گفته‌ام و به‌شدت بی‌حال بودم.

تمام لباس‌هایم و چادرم پاره شده بود. پرستاران می‌خواستند لباس‌هایم را عوض و لباس کوتاه بیمارستان را تنم کنند. یکی از پرستاران قیچی آورد تا لباس‌های خونی و پاره را عوض کند.

دنبالم آمد و گفت دیگر صلاح نیست اینجا بمانی و باید تو هم بروی اهواز. با یک ماشین جیپ سپاه که پر از مهمات بود دنبالم آمد که مرا به اهواز ببرد. من سمت صندلی شاگرد نشسته بودم و پاهایم را بالا جمع کرده بودم؛ چون زیر پاهایم پر از نارنجک بود. همسر یک اسلحه به من داد و گفت: نترس تو دیگر دوره آموزشی کار با اسلحه را گذرانده‌ای و یاد گرفته‌ای. شهر خالی است و هر آن ممکن است منافقان یا عراقی‌ها سر راهمان را بگیرند و تو باید اگر لازم شد، تیراندازی کنی. مراقب اطراف باش و از پنجره فضای بیرون را دید بز.

شاید من هیچ وقت فکرش را نمی‌کردم که روزی از اسلحه برای کشتن آدم استفاده کنم. همسرم می‌گفت: ما هیچ مهمات و نیروی زیادی نداریم وقتی تو را به مقصد رساندم باید این ماشین و مهمات را به نیروها برسانم.

من تفنگ را محکم بغل کرده بودم. یک چادر مشکی با مقنعه بلند و مانتوی بلند بر تن داشتم. اکثر ما زنان با همین لباس‌ها هم شب‌ها می‌خوابیدیم؛ چرا که هر آن امکان داشت که عراقی‌ها حمله کنند و ما مجبور باشیم به سرعت خانه را ترک کنیم یا حتی احتمال کشته شدن و مجروح شدن ما به‌خاطر خمپاره‌های عراقی زیاد بود.

«شما همچنان در داخل سوسنگرد بودید که عراقی‌ها شهر را تصرف کردند؟»

بله. وقتی همسرم می‌خواست مرا از شهر دور کند، تقریبا عراقی‌ها وارد شهر شده بودند. با این حال جاده هنوز در اختیار نیروهای خودمان بود. همسرم گفت تا جاده به‌دست عراقی‌ها نیفتاده باید هر چه زودتر تو را از شهر خارج کنم. وقتی که از شهر سوسنگرد بیرون رفتم، یکی، دو نفربر و تانک عراقی هم‌زمان با ما به آنجا رسیده بودند؛ یعنی عراقی‌ها پل زده بودند و کم‌کم نفربرها نیز از آن عبور کرده و وارد شهر شده بودند. وقتی چشم‌ام به نفربرها افتاد، خوشحال شدم و به همسرم گفتم که برای شما نیرو و کمک رسیده است. همین جمله را که گفتم، عراقی‌ها به سمت ما تیراندازی کردند. هوا گرم و شیشه ماشین هم پایین بود. از سمت صندلی شاگرد که من نشسته بودم به ما شلیک می‌کردند. من سرم را پایین نگه داشته و محکم اسلحه را بغل کرده بودم. با صدای بلند فریاد می‌زدم: «الله اکبر»، «یا حسین»، «یا فاطمه زهرا»... همینطور فریاد می‌زدم. عراقی‌ها لاستیک‌های ماشین را زدند و ماشین از کار افتاد.

هر دوی ما به‌شدت مجروح شده بودیم. پهلوی راست من خیلی می‌سوخت. وقتی دستم را بردم سمت پهلویم، دیدم سوراخ خیلی بزرگی ایجاد شده و خونریزی شدید دارم. همچنان اسلحه را محکم بغل کرده بودم. عراقی‌ها که به ما رسیدند، مرا از ماشین به بیرون پرت کردند. در همین حین تفنگ از بغلم زمین افتاد. این صحنه را که دیدند فریاد می‌زدند زن نظامی، زن نظامی. زبان عربی آنها را متوجه می‌شدم. عراقی‌ها فکر می‌کردند که من باز هم سلاح یا نارنجکی همراه دارم و می‌خواستند مرا تفتیش بدنی کنند. من جیغ زدم که هیچ چیز دیگری همراه خودم ندارم و فقط همین اسلحه بود. فریاد من باعث شد که عقب بروند. همسرم را نیز از ماشین آوردند پایین. استخوان قلم پایش زده بود بیرون و همینطور خونریزی شدید داشت.

همه نیروهای عراقی همراه تانک‌ها و نفربرها جاده را پر کرده بودند. یک آمبولانس عراقی آمد و ما را همراه ۲ سرباز مسلح سوار آمبولانس کردند. ما را به سمت شهر العماره عراق بردند. دقیق یادم نیست، اما به‌نظر می‌رسید یک شب در راه بودیم. جاده بسیار وحشتناکی داشت و من از درد و خونریزی شدید جیغ می‌زدم، اما هیچ کاری برای ما نمی‌کردند که درمان کمتر شود و می‌گفتند شما پاسدار خمینی هستید. به ما می‌گفتند اگر زنده به عراق رسیدید ما شما را بازجویی و در نهایت اعدام‌تان می‌کنیم. عراقی‌ها فکر می‌کردند من هم پاسدار هستم و همکار حبیب، همسرم. هر چه می‌گفتم ما پاسدار زن نداریم، باور نمی‌کردند و

خانه سپاه فاقد هرگونه امکانات از جمله آب و برق بود. فوزیه در این شرایط و با زبان روزه و بدون هیچ درمانی ۱۷ ساعت خونریزی داشته است... بعد از فرمان امام خمینی (ره) مبنی بر آزادسازی پاهو، نیروهای به آنجا اعزام شدند و افرادی که در خانه سپاه بودند را به داخل بالگرد انتقال دادند. جسم ناتوان فوزیه که اندکی جان داشت همراه آنها بود. بالگرد هنگام اوج گرفتن مورد هدف ضدانقلاب قرار گرفت و با کوه برخورد کرد و متلاشی شد. شهید چمران درباره او گفته بود که دردناک‌ترین صحنه‌ای که دیدم صحنه پرستار جوانی بود که با لباس سفید آغشته به خون و کبود شده از هلی‌کوپتر آویزان شده به‌گونه‌ای که پاهایش در داخل هلی‌کوپتر و بدنش روی زمین کشیده می‌شد.»



فکر می کردم اگر بروم دیگر از همسرم بی خبر می شوم و اینجا باید به افرادی که مانده اند و به کمک احتیاج دارند، کمک کنم.

«**به نظر تان جنگ چه تأثیری بر زنان و خانواده گذاشت؟**

قطعاً تأثیرات زیادی داشته است؛ به خصوص زنانی که در شهرهای مرزی با کشور عراق زندگی می کردند و حتی آواره شدند. با این حال جدا از آن تأثیرات منفی ای که گذاشت اینها بعداً مادران و همسرانی شدند که همین الان نیز عزیزان خود را مدافع حرم می کنند. دفاع مقدس زنان را فداکارتر کرد. من الان زنانی را می بینم که با وجود سن کم و داشتن فرزند کوچک، همسرشان شهید مدافع حرم است. شاید اگر آن روزها نبود، الان ما این مادران و زنان را با این حجم از فداکاری نداشتیم.

«**وقتی جوان بودید، چه آرزویی داشتید و آیا الان محقق شده و به آن رسیده اید؟**

من از همان اوایل جوانی و نوجوانی خیلی علاقه داشتم که در حوزه درس بخوانم و دروس آن را یاد بگیرم. اتفاقاً وقتی ازدواج کردم به همسرم گفتم باید در شهری زندگی کنیم که من بتوانم به حوزه بروم و آنجا تحصیل کنم؛ چرا که شهر خودمان حوزه نداشت. همسرم نیز چون خودش فرهنگی بود، استقبال کرد. وقتی که از اسارت برگشتم، مادر من نذر کرده بود که من در مشهد باشم و نزد امام رضا(ع). بعد از چند مدتی که برای کارهای درمانم به شهرهای تهران و اصفهان رفتم، برای زندگی به مشهد رفتم و خدا را شکر من آنجا به حوزه رفتم و اینطوری به آرزویم رسیدم؛ یعنی چندسالی قبل از ازدواج دوبارم در مشهد درس خواندم.

«**شما زنی را می شناسید که در جبهه جنگ به عنوان رزمنده حضور داشته باشد و مانند مردان اسلحه به دست بگیرد؟**

نه نمی شناسم. اصلاً اجازه نمی دادند. شاید برخی می خواستند این کار را انجام دهند، اما مردان اجازه نمی دادند. من خودم بارها التماس کردم و گفتم بگذارید یکبار هم که شده بیایم و این خط مقدم را ببینم؛ جایی که سربازان عراقی حضور دارند، اما اجازه ندادند. زنان در آن مقطع بیشتر امدادگر بودند و در پشت خط حضور داشتند. اسیر زن داشتیم، اما به عنوان اینکه در جبهه جنگجنگیده باشند نه؛ لااقل من نشنیدم.

«**فعالیت زنان در پشت خط مقدم چه بود و چه خدماتی به رزمندگان ارائه می کردند؟**

من بعد از اینکه از اصفهان در سال ۱۳۶۳ به سوسنگرد برگشتم همچنان جنگ ادامه داشت. آنجا بسپج زنان تشکیل شده بود و از صبح تا غروب مشغول فعالیت های مختلف برای رزمندگان بودند. لباس برای رزمندگان می دوختند، خوراکی و غذا آماده می کردند، کلاه و لباس زمستانه می بافتند و شستن لباس ها از جمله کارهایی بود که زنان در آن مقطع انجام می دادند. یادم هست اگر برخی از زنان دیر می آمدند کمک، جریمه می شدند و باید ۲ روز روزه می گرفتند. تا این حد کارها جدی بود. آن روزها روحیاتی از زنان می دیدم که هنوز باورم نمی شود چگونه این اندازه زنان دشواری ها را تحمل می کردند و سختی ها را تنهایی به دوش می کشیدند. حتی زنان بارداری که هر روز با وجود خستگی زیاد آنجا کمک می کردند؛ مثلاً ما برای رزمندگان آجیل بسته بندی می کردیم. بودند زنانی که بچه کوچک داشتند و اتفاقاً همراه شان می آمدند، اما واقعا حتی یک دانه از آن آجیل ها را نه خودشان و نه بچه هایشان بر نمی داشتند؛ به هر حال شاید دل شان می خواست به خصوص بچه ها. ما از صبح تا شب آنجا بودیم، اما هیچ وقت من ندیدم این زنان دلشان بخواهد ذره ای از آن آجیل ها را حتی یک عدد بخورند و حتی خودشان اگر در منزل آجیل داشتند می آوردند و اضافه می کردند.

یکی دیگر از کارهایی که البته زنان در کنار دیگران انجام می دادند، اهدای خون به مجروحان جنگی بود.

همان تعلیمات مختصر، ۲ ساعت به خط مقدم جبهه می رفتیم و دفاع می کردیم. آنجا وضع خیلی فرق می کرد. خمپاره مثل باران می بارید. از چپ و راست گلوله می زدند. تا آن لحظه نه خمپاره دیده بودیم و نه می دانستیم خمسه خمسه چیست. بچه ها پایه پای هم و با جان می جنگیدند. اینار و فداکاری در مرز، مرزی نداشت. یکی دو روز بعد، برادر جهان آرا، حفاظت از مهمات را به ما سپرد... پس از سقوط شهر خر مشهر به آبادان رفتم و در ساختمان های مسکونی صدا و سیما ساکن شدم. من به دلیل آنکه ازدواج کرده بودم و خداوند یک فرزند به من و همسرم هدیه کرده بود، نمی توانستم مانند دیگر بانوان به انجام کارهای رزمی یا امدادی بپردازم. آن زمان رباب، خواهرم، در امداد رسانی فعالیت می کرد و من هم به دلیل شرایطی که

خواهم شد و ذره ای پشیمان نیستم از فعالیت هایی که در گذشته داشته ام. این مردم هیچ فرقی با گذشته نکرده و ندارند.

«**جنگ با آن چهره و بیرانگرش از نگاه یک زن چگونه بود؟**

هیچ انسانی برای جنگ آفریده نشده است؛ چرا که فطرت انسان با جنگ همخوانی ندارد، اما اگر مجبور باشد و مانند ما یک جنگ ۸ ساله به او تحمیل شود، چاره ای ندارد که برای دفاع از وطنش وارد جنگ شود. زن با آن روح لطیف و زنانه اش مسلم است که برای جنگ ساخته نشده است. با این حال اگر فداکاری ها و از خود گذشتگی های زنان در دفاع مقدس نبود، شاید هیچ وقت اینگونه پیش نمی رفت. زنان در این ۸ سال پشتیبان همسران و فرزندان خودشان در جنگ بودند و آنها را تشویق می کردند که به میدان بروند.

من خودم مادر هستم و یک ساعت هم نمی توانم از فرزندانم بی خبر باشم، اما ببینید در طول این ۸ سال مادران چگونه فرزندان خود را راهی جبهه جنگ می کردند؛ در حالی که احتمال داشت آنها را دیگر هیچ وقت نبینند. در واقع زنان اهدافی قوی داشتند که حتی مهر مادرانه نتوانست جلوی آن هدفشان را بگیرد. ایمان زنان قوی بود و به خاطر انقلابی که به سختی آن را به دست آورده بودند، حاضر بودند فداکاری کنند. همین الان هم اگر خدایی نا کرده چنین شرایطی پیش بیاید همانطور شاهد این فداکاری ها و از خود گذشتگی ها خواهیم بود.

«**از نظر شما بزرگ ترین درس جنگ چه بود؟**

صبر، شاید بزرگ ترین درس ۸ سال دفاع مقدس بود. همانطور که خداوند در قرآن می فرماید از صبر و نماز می توانید کمک بگیرید. من بیشترین درس سی که از دوران جنگ و آن روزها گرفتم، صبر بود. روزها و سال های بسیار سختی را با پشت سر گذاشتیم. خانواده ها با صبوری توانستند مقابل دشمن بایستند و خدا را شکر که نتیجه گرفتند. اگر من در دوران اسارت صبر نبودم و ایمانم قوی نبود، شاید پناهنده عراق می شدم یا حتی خودکشی می کردم. به خاطر دارم من نزدیک به ۴ ماه حمام نرفته بودم و اصلاً لباسی نداشتیم که عوض کنم، در جوانی همسرم را از دست دادم، نمی دانستم چه بلایی سرش آمده، اسیر شدم و از خانواده ام هیچ خبری نداشتیم، با این حال صبوری و در مقابل شکنجه ها مقاومت کردم. خدا را شکر می کنم که با همان حجاب و ایمانی که داشتم رفتم و با همان حجاب و با افتخار برگشتم. هیچ وقت نه التماس دشمن را کردم و نه گریه و ناله ای یا درخواستی داشتم. مردم قبل از انقلاب سختی های زیادی را گذرانده بودند و حالا نمی خواستند به همین راحتی آن را از دست بدهند.

«**از زنان هنگام جنگ بگویید؛ به خصوص در شهرهای مرزی چه وحشتی داشتند و نگرانی های آنان چه بود؟**

شرایط خیلی سختی بود. بیشتر مردم به سمت روستاها هجوم برده بودند؛ چرا که روستاها از شهر دور بودند و معمولاً نیروهای عراقی کمتر به سمت روستاها می رفتند. روزهای وحشتناکی بود. زنان همیشه با استرس و دلهره روزها و شب ها را پشت سر می گذاشتند. برای نجات فرزندان کوچکشان به روستاها پناه برده بودند. شب ها همیشه منور می انداختند و آسمان روشن بود. دلهره مادران نمی گذاشت بخوابند. صدای خمپاره از همه جا شنیده می شد و نمی دانستیم که کجا اصابت می کند. جنگ به ما تحمیل شده بود. من هر لحظه که همسرم بیرون می رفت، فکر می کردم دیگر بر نمی گردد. شرایط غیر قابل پیش بینی بود. آنقدر که من به فکر همسرم و خانواده ام بودم به هیچ چیز دیگری فکر نمی کردم و اصلاً خودم مهم نبودم. این شرایط همه زنان شهر بود. دلشوره و استرس های همیشگی و صدای خمپاره ها زندگی همه ما را تلخ کرده بود. حجم این اضطراب ها چنان بود که وقتی خانواده ام از سوسنگرد رفتند به اهواز من همراه شان رفتم؛ چون

«**در زندان وقتی اسیر بودید، چیزی هم یاد گرفتید؟**

بله. وقتی در بهداری بستری بودم، یکی از جوانان ایرانی که آنجا بود به من زبان انگلیسی یاد داد. او جلد پاکت های سیگار یا کاغذ باطله را می آورد و روی آن کلمات انگلیسی را به من آموزش می داد و می گفت، بهتر است بخوانی و کمک می کند؛ چون صلیب سرخ جهانی که می آمد ما باید انگلیسی صحبت می کردیم. در واقع کلماتی که مورد نیاز اسرا بود به ما یاد می داد. من خودم نیز علاقه داشتم و او هم از من امتحان می گرفت و سؤال می کرد. من البته همانجا تزریقات را کامل یاد گرفتم. همیشه می گفتند اینجا بهترین فرصت است که اینها را یاد بگیرى و وقتی برگشتی ایران می توانی به رزمندگان کمک کنی که اتفاقاً همینطور هم شد و سال های ۱۳۶۲ و ۶۳ توانستم در بیمارستان شهر سوسنگرد این کار را انجام دهم. بعداً به جهاد سازندگی رفتم تا آنجا بتوانم همراه پزشکان اعزامی به روستاییان کمک کنم.

«**شکنتجه هم شدید؟**

به شدت مجروح بودم، اما خوب به نحو دیگری مرا اذیت می کردند؛ مثلاً هر ۲۴ ساعت یکبار به من غذا می دادند. در یک محیط کاملاً مردانه و به مدت ۴ ماه در یک سلول انفرادی بودم. در همین بازجویی ها وقتی یکبار مرا بردند با یک خلبان آشنا شدم که فارسی صحبت می کرد. خودش را ایرانی معرفی کرد و به عراقی ها گفت: ما اصلاً زن رزمنده که در جبهه جنگ حضور داشته باشد، نداریم. حتماً او را در شهر اسیر کرده اید. این خلبان به زبان انگلیسی نیز مسلط بود. به من گفت: مشخصات خودت را به من بده که در کدام اردوگاه هستی تا هر جور شده اطلاعات تو را به صلیب سرخ جهانی بدهم. آنها به امور اسرا رسیدگی می کنند. این خلبان گفت: احتمالاً زنان زیادی اسیر شده اند که من در جریان نیستم.

«**خودش را معرفی کرد؟ اسمش را به خاطر دارید؟**

نه متأسفانه به یاد ندارم. بعد از چند روز از آن دیدار، مرا به اردوگاه موصل منتقل کردند که ۱۵۰۰ ایرانی در آنجا زندانی بودند.

«**زنان دیگری در آن اردوگاه بودند یا فقط شما آنجا حضور داشتید؟**

نه همگی مرد بودند. من هیچ اسیر زن دیگری ندیدم. بعد از یک سال و چند ماه دوباره مرا به بغداد، زندان استخبارات، اردوگاه رمادیه منتقل کردند. من در آن مقطع بعد از ۶ ماه به خاطر خارج کردن برخی ترکش ها دوباره برای عمل به بیمارستان موصل منتقل شدم. صلیب سرخ جهانی وقتی مرا دید، گفت: باید این زندانی مبادله شود.

«**قبل از شما هم زندانی ها مبادله شده بودند؟**

بله. تقریباً ۲ گروه قبل از من مبادله شده بودند که اکثر نابینا، قطع نخاع یا دست و پاهایشان قطع شده بود. من گروه سوم بودم که همراه ۳۷ نفر دیگر با زندانیان عراقی مبادله شدم؛ یعنی بعد از ۲ سال ما از طریق کشور قبرس آزاد شدیم و به تهران آمدیم.

«**چه سالی بود؟**

اوایل سال ۱۳۶۱ بود.

«**وقتی آزاد شدید، کجا رفتید؟**

بعد از دیدار با خانواده و طی روند درمان، ۲ سال بعد باز به مناطق جنگی برگشتم. به سوسنگرد رفتم و یک دوره آموزش امدادگری را گذراندم. همراه چند نفر دیگر از زنان امدادگر تست کزار انجام می دادیم. اما متأسفانه به حدی من در زمان اسارت اذیت شده بودم و ضعف داشتم که دیگر مانند گذشته توان نداشتیم؛ به طوری که حتی خون می دیدم حالم بد می شد.

مطمئن باشید اگر زمان به عقب برگردد، دوباره همان کارها را انجام خواهم داد. الان هم اگر اتفاقی بیفتد با همه توانم حاضر



اسوه مقاومت ۴۵ روزه خر مشهر

سکینه حورسی، از دیگر زنانی است که نامش در روایت های دفاع مقدس ماندگار شده است و به او اسوه مقاومت زنان در ۴۵ روز مقاومت خر مشهر لقب داده اند. حورسی در جریان دفاع از خر مشهر شیمیایی و جانباز شد.

خاطرات این رزمنده و همرزمانش، در کتابی به نام «شهر من در امان نیست» گردآوری شده، او در بخشی از این کتاب روایت کرده است: «به علت دگیری های فشرده و نگهبانی های شبانه، فرصتی برای تعلیم نظامی بقیه خواهران نبود. ناچار شب ها با



داستان‌های انتظار

سینمای دفاع مقدس چه تصویری از زنان ارائه داده است؟



«هیوا» (۱۳۷۷) رویکردی متعارف‌تر در پیش گرفت و البته باز هم سراغ تصویری تازه از زن در سینمای دفاع مقدس رفت. هیوا عاشقانه‌ای است که همه انرژی‌اش را از رفت و برگشت در گذشته و حال می‌گیرد و کاراکتر هیوا (گلچهره سجادی) به‌عنوان همسر رزمنده‌ای که از سنگرش بیرون نیامده و همه بر شهادتش اذعان دارند، شمالی است از صبر و انتظار زنانه که همسرانشان را راهی جبهه‌ها کرده‌اند. تم عاشقانه هیوا و پیوند میان گذشته و حال واقعیت و رؤیا در سکانس پایانی، ترکیبی پذیرفتنی با حال و هوای کلی اثر می‌یابد و ادای دین فیلمساز به همسران شهدای دفاع مقدس را به نقطه مطلوبی می‌رساند. در این سال‌ها سینمای ایران ملودرام جنگی «شیدا» (کمال تبریزی ۱۳۷۷) را هم داشت که ماجرای عاشقانه‌ای را در بستر جنگ روایت می‌کرد. احمد رضا درویش هم در فیلم «سرزمین خورشید» (۱۳۷۵) به شکلی پررنگ‌تر از فیلم قبلی‌اش به حضور زنان در فضای جنگی پرداخت. چنانکه ابراهیم حاتمی‌کیا هم از تجربه‌هایی چون «برج‌مینو» و «بوی پیراهن یوسف» (هر دو محصول ۱۳۷۴) که هر کدام تصویری از حضور زنان در متن و حاشیه دفاع مقدس را به نمایش می‌گذاشتند، در فیلم نمادین «روبان قرمز» (۱۳۷۷) شمالی از زن را تصویر کرد که در سینمای جنگ مسبوق به سابقه نبود. می‌شود گفت در دهه ۷۰ تقریباً همه کارگردان‌های مهم سینمای دفاع مقدس، سهمی برای زنان در روایت‌هایشان از سال‌های جنگ قائل شدند. همه آنها در دهه ۶۰ فیلم‌های مردانه ساخته بودند و با تغییر شرایط اجتماعی، فرهنگی در دهه ۷۰، با رسمیت شناختن حضور زنان در عرصه دفاع، هوایی تازه به فیلم‌هایشان بخشیده بودند.

مادران صبر و انتظار

تصویر زنان در سینمای دفاع مقدس دهه‌های ۸۰ و ۹۰ را بیشتر با چهره رنج‌کشیده مادران و همسران رزمندگان به یاد می‌آوریم. فیلم «گیلانه» (رخشان بنی‌اعتماد و محسن عبدالوهاب ۱۳۸۳) روایتی است از رنج و ایثار ننه‌گیلانه (فاصله معتمد آریا) که همه هستی‌اش را پای فرزند جانبازش اسماعیل (بهرام رادان) می‌گذارد؛ تصویری به یادماندنی از مادر که تلخی و اندوه فراوان آب شدن اسماعیل مقابل چشمان ننه‌گیلانه را به یکی از فرازهای مهم سینمای جنگ دهه ۸۰ بدل می‌کند. در این سال‌ها «مزرعه پدری» (رسول ملاقلی‌پور، ۱۳۸۲) همه آنچه از سینمای جنگ در همه این سال‌ها دیده‌ایم را به چالش می‌کشد. از منظر حضور زن در فیلم دفاع مقدسی هم مزرعه پدری نمونه منحصر به فردی است و مشابهش حتی در فیلم‌های قبلی ساندش هم مسبوق به سابقه نیست. خاطره‌ای از عشق و زنانگی که محمود (مهدی احمدی) شخصیت محوری فیلم، در سراسر اثر تحت تأثیرش است، به روایت غیرخطی فیلم، ابعادی تازه می‌بخشد. در مزرعه پدری، همسر محمود زنی است عاشق که از گذشته به حال می‌آید و در میانه پر تنش‌ترین سکانس‌های جنگی فیلم‌های ایرانی، اندوه و حسرتی تراژیک برای کاراکتر رزمنده به‌ارمغان می‌آورد. در دهه ۹۰ مشخصاً فیلم مرتبط با سینمای دفاع مقدس با محوریت حضور زنان بیشتر به چشم آمد. در «شیار ۱۴۳» (نگرین آبیاری، ۱۳۹۲) با تم مادر رنج‌کشیده و چشم‌انتظار بازگشت فرزند یا آمدن خبری از او، دستمایه جهان‌رمانتیک اثر قرار می‌گیرد. در «ویلا یی‌ها» (منیر قیدی، ۱۳۹۵) هم دوربین فیلمساز به جای جبهه، به فضای پشت جبهه قرار دارد و تمرکز کارگردان بر زندگی و زمانه همسران و مادران رزمندگان است. می‌شود گفت سینمای دفاع مقدس ایران حضور زن‌ها در سال‌های جنگ را به مرور و با گذشت زمان بیشتر به رسمیت شناخته است؛ چوری که شاید بتوان گفت جنگ در آینده فیلم‌های بعد از پایان دهه ۶۰، چهره زنانه به‌خود گرفته و زنان در آثاری که به نوعی در حوزه سینمای دفاع مقدس تعریف می‌شوند (و بسیاری‌شان در رده فیلم‌های کلاسیک جنگی قرار نمی‌گیرند) از حاشیه به متن آمده‌اند.

مهری (رویا نونهالی) در همراهی با حاجی (محمود بی‌غم) رزمنده آرمان‌گرایی که در شهر، سوگوار کمرنگ شدن آرمان‌های انقلاب بود در دل متن و فضای عروسی‌خوبان، قابل فهم‌تر از جهان نه چندان منسجم وصل‌نیکان بود. هر دو فیلم تصویری از خصایص و ویژگی‌های زنان پشت جبهه که برخاسته از گفت‌وگوهای مسلط دهه ۶۰ بود را می‌ساختند.

زنان امدادگر و پزشک در دل جنگ

دهه ۷۰، دهه تغییر و پوست‌اندازی سینمای ایران بود و دامنه این تغییرات به سینمای دفاع مقدس هم رسید و یکی از نشانه‌های تغییر حضور زنان در فیلم‌های جنگی بود: از ملودرام‌های فراموش شده و ناکامی چون «پرنده آهنین» (علی شاه‌حاتمی ۱۳۷۰) که بگذریم به «از کرخه تا راین» (ابراهیم حاتمی‌کیا، ۱۳۷۱) می‌رسیم. در نخستین کوشش جدی فیلمساز محبوب سینمای دفاع مقدس برای ورود به عرصه‌ای تازه و بردن آدم‌های جنگ از دل کرخه به کرانه‌های راین، لیلا (هماروستا) خواهر سعید (علی دهکردی) رزمنده شیمیایی‌ای که برای درمان به آلمان آمده، هیچ ربطی به زنان فیلم‌های جنگی قبل از خود ندارد. زنی که به آلمان مهاجرت کرده و تشکیل خانواده داده برخلاف فیلم‌های دفاع مقدسی پیشین هیچ همپوشانی ایدئولوژیک با کاراکتر رزمنده فیلم ندارد و حتی مخالف جنگ است. ولی در دل ملودرام جنگی حاتمی‌کیا، لیلا همراه و همدل برادر جانبازش می‌شود؛ جایی که اگر اشتراک عقیده امکان‌پذیر نیست، پیوند عاطفی و رابطه خواهر و برادری، از شخصیت زن، کاراکتری پشتیبان و همدل می‌سازد.

«کیمیا» (احمد رضا درویش، ۱۳۷۳) با ۲ تیمه جنگی و شهری، مطلعی بر ورود زن‌ها در سینمای دفاع مقدس گشود. ماجرای شکوه (بینا فرهی) پزشکی که در هنگامه حمله دشمن به بیمارستان، جان دخترپچه‌ای تازه متولد شده را نجات می‌دهد؛ در حالی که رضا (خسرو شکیبایی) به اسارت درمی‌آید. در سکانس‌های پر تنش نیمه اول فیلم، فرصت چندانی برای شخصیت‌پردازی کاراکتر زن پزشک فراهم نمی‌شود، ولی حضور این کاراکتر در بیمارستانی که زیر آتش دشمن است، واجد منطق داستانی است. سینمای دفاع مقدس ایران برای نخستین‌بار با محملی مناسب برای حضور زنان در فضای جنگ فراهم می‌کند. اما مهم‌ترین نمود حضور زنان در سینمای دفاع مقدس دهه ۷۰ را باید در فیلم «نجات‌یافتگان» (رسول ملاقلی‌پور، ۱۳۷۴) جست‌وجو کرد. ملاقلی‌پور به شکلی ملموس، زن را از پشت جبهه مستقیم به خط آتش می‌برد؛ جایی که پرستاری به نام مریم (عاطفه رضوی) و رضا (علی یعقوب‌زاده) رزمنده‌ای قطع نخاع شده به‌عنوان تنها بازماندگان یک بیمارستان صحرایی که توسط عراقی‌ها مورد حمله قرار گرفته، می‌کوشند تا راه نجاتی بیابند. تفاوت دیدگاه پرستار و رزمنده دیالکتیکی جذاب در نجات‌یافتگان آفریده که با حضور عبدالرحمان (جمشید اسماعیل‌خانی) افسر عراقی (که او هم در مانده‌ای است به دنبال راه گریز) جمع آدم‌های ناهمگون تکمیل می‌شود. نقش‌کنش‌مند مریم در طول فیلم و در نهایت ایثار و فداکاری‌اش برای نجات جان رضا، تصویری است ملموس از زن ایرانی در هنگامه آتش و خون. نجات‌یافتگان مثل همزادش «سفر به جزایه» (رسول ملاقلی‌پور، ۱۳۷۴)، فضایی دیده نشده در سینمای دفاع مقدس ارائه می‌کرد که خیلی متناسب با حال و هوای سینمای ایران در نیمه اول دهه ۷۰ نبود. فیلم سال‌ها پشت خط ماند و در نهایت با تغییر نام به «تا آخرین نفس» اکران مهجوری را تجربه کرد. ملاقلی‌پور در

سعید مروتی، تصویر زن در سینمای جنگی ایران از کلیشه آغاز شد. در دل فیلم‌هایی که منطقی با زن‌مان، لحن حماسی، تهییجی داشتند و در حاشیه فضای مردانه آثار دهه ۶۰، سیمای زنان با تکیه بر الگوهای تکراری بازتولید می‌شد. با پایان جنگ و ورود به دهه ۷۰، کارگردان‌های شاخص سینمای جنگ با رویکردی متفاوت سراغ قصه‌های سال‌های دفاع مقدس رفتند. از اینجا بود که نقش زنان در فیلم‌های جنگی ایرانی به مرور پررنگ‌تر شد و از کلیشه‌های دهه ۶۰ فاصله گرفت. به شکلی جالب توجه هر دو کارگردان مهم سینمای جنگ دهه ۶۰، رسول ملاقلی‌پور و ابراهیم حاتمی‌کیا در ساخته‌های دهه هفتادشان به کاراکترهای زن پها دادند: چنانکه احمد رضا درویش و کمال تبریزی هم در همین دوره در فیلم‌های جنگی‌شان رویکردی مشابه را در پیش گرفتند. در سال‌های بعد فیلمسازان زن هم وارد عرصه شدند و از رخشان بنی‌اعتماد تا نرگس آبیاری و منیر قیدی هر کدام به شکلی تصویری از مادران صبر و همسران انتظار ارائه دادند.

جنگ چهره زنانه ندارد؟

میان شروع جنگ تحمیلی و نخستین فیلم جنگی سینمای ایران («مرز» جمشید حیدری، ۱۳۶۰) فاصله زیادی وجود نداشت، ولی سال‌ها طول کشید تا زنان به سینمای جنگ راه یابند. جالب اینکه در فیلم مرز که ماجرای مقاومت اهالی یک روستا در برابر تهاجم عراقی‌ها را به تصویر می‌کشد، زن‌ها حضور دارند و حتی آهو خردمند در جایی اسلحه به‌دست می‌گیرد و کنار مردان روستایی جنگ، ولی در سال‌های بعد، زن‌ها از سینمای جنگ حذف می‌شوند و اگر هم در مواردی محدود مثل فیلم «رهایی» (رسول ملاقلی‌پور، ۱۳۶۲) حضور دارند، نقش‌شان حاشیه‌ای و کلیشه‌ای است. یادمان باشد که در آن سال‌ها چگونگی حضور زنان در سینما، معمایی بزرگ بود و فیلمسازان برای دستمال نیستن بر سری که درد نمی‌کند تا می‌توانستند زن‌ها را به حاشیه می‌رانند تا دچار مشکل نشوند. از میانه‌های دهه ۶۰، بازنمایی تصویری زن در ملودرام‌ها اغلب مبتنی بر کلیشه‌ها و نگاه مردسالارانه است. در ملودرام‌های این دوره، زن‌ها اغلب با سینی چای وارد کادر می‌شوند و مهم‌ترین کنش‌شان غرزدن یا گریستن مقابل دوربین است. در فیلمی چون «گمشده» (مهدی صباغ‌زاده، ۱۳۶۴) در نهایت همه کاسه و کوزه‌ها بر سن زن شکسته می‌شود و این افسانه بایگان بود که باید بابت آنچه بی‌مسئولیتی خوانده می‌شد با چشمانی اشک‌آلود عذرخواهی می‌کرد. در شرایطی که سینمای ایران به تبع شرایط، مردانه بود و در فیلم‌های شهری‌اش هم زنان جایگاهی نداشتند، طبیعی بود که در فیلم‌های جنگی خبری از زن نباشد.

طبیعی بود که در فیلم‌های حماسی بار تیزانی سینمای تجاری مثل «عقاب‌ها» (ساموئل خاچیکیان، ۱۳۶۴) زن‌ها در حاشیه کامل باشند و در آثار نوگرایی فیلمسازان برخاسته از جبهه و جنگ (مشخصاً رسول ملاقلی‌پور و ابراهیم حاتمی‌کیا) همه چیز در پشت خاکریزها و ارائه تصویری باورپذیر از رزمندگان خلاصه شود و در فضایی کاملاً مردانه، جایی برای زن‌ها نباشد. ابراهیم حاتمی‌کیا بعد از ۲ فیلم دفاع مقدسی «دیده‌بان» (۱۳۶۷) و «مهاجر» (۱۳۶۸) وقتی در «وصل‌نیکان» (۱۳۷۰) دوربینش را از جبهه به پشت جبهه آورد، در شهر سهمی هم برای زنان قائل شد. وصل‌نیکان به‌عنوان فیلمی واکنشی (که پاسخی بر «عروسی خوبان» مخملباف بود) تصویری از زن منطقی با آرمان‌گرایی دهه شصتی بود؛ زنی که در پشت جبهه باید با دغدغه‌های مردی که سر در آرمان و دل در گروی جبهه دارد، تفاهم داشته باشد. در مقام مقایسه زن فیلم عروسی خوبان، با وجود انبوه شعارها و اغراق‌های فیلمساز، به مراتب قابل درک‌تر بود. انگیزه



داشتیم در بخش شهدا فعال بودیم. سال ۱۳۶۱ در آبادان بودیم و برای تحویل سال همراه چندین نفر از دوستانمان به گلزار شهدای این شهر رفتیم و تا جایی که مقدور بود با وسایلی که در اختیار داشتیم، سفره هفت‌سین را سر مزار شهید ابراهیم علامه پهن کردیم. سال تحویل ۶۲ نیز بر سر مزار شهدای آزادسازی خرمشهر رفتیم. از آن موقع تاکنون این سنت ادامه دارد..... سکینه حورسی از جمله افرادی بود که همواره برای گرامیداشت سوم خرداد نقش محوری در شهر داشت و هنگامی که صدایش را بلند می‌کرد و نظری می‌داد کسی جرأت نمی‌کرد روی حرفش سخنی بگوید. در حقیقت سکینه حورسی یکی از فرماندهان و راهبران زنان و مردان مدافع خرمشهر بود که اکنون به جهان دیگری سفر کرده است.



نگهبان ویرانه‌ها

مرضیه اصفهانی‌الاصل، همسر صادق آهنگران از ایستادگی زنان خرمشهر پشت خط مقدم می‌گوید

جنگ یکباره وارد خانه‌ها شد و همه چیز را با خودش ویران کرد. صدای آژیر، آهنگ مشترک مردم شهر شده بود. نعره‌وسان نخستین سالگردشان را در کنار قبرهای همسر شهیدشان برگزار کردند. کودکان و مادرانی که چشم‌شان برای برگشت پدران و پسران به در خشک شد؛ اینها تنها بخش کوچکی از رنج زنان جنگ است که مرضیه اصفهانی‌الاصل در گفت‌وگو با ما به آنها اشاره می‌کند. او که در زمان آغاز جنگ ۱۶ سال بیشتر نداشت هیچ وقت فکرش را نمی‌کرد که بهترین روزهای عمرش در ویرانی و وحشت بمباران بگذرد. او که صادق آهنگران (همسرش) پای ثابت عملیات‌های کوچک و بزرگ جنگ بود، حالا از حال و روز زنان و کودکان اهوازی در ۸ سال دفاع مقدس می‌گوید که چگونه رنج جنگ را زندگی کردند.

«وقتی جنگ آغاز شد شما چند سال داشتید؟»

من در سال ۱۳۴۳ در شهر اهواز به دنیا آمدم. ما ۹ فرزند بودیم، ۸ دختر و یک پسر که من فرزند پنجم خانواده بودم. زمانی که جنگ شروع شد من تقریباً ۱۶ سال سن داشتم و حدود ۳ ماه قبل از شروع جنگ به واسطه خواهرم با همسرم، صادق آهنگران آشنا شدم و ازدواج کردم؛ یعنی در خردادماه ۱۳۵۹ عروسی کردیم.

«خب شما در شهر اهواز که هم‌مرز با عراق است زندگی می‌کردید چطور متوجه شدید که جنگ آغاز شده است، حال و هوای شهر در همان روزهای آغازین چگونه بود؟»

من در آن زمان با خواهران بسیجی و زنانی که در زمان انقلاب فعالیت می‌کردند در ارتباط بودم. در همان زمان یک سفر زیارتی به شهر قم برای ما پیش آمد که حدود ۱۵ الی ۱۶ نفر بودیم؛ در راه برگشت بود که متوجه شدیم در مرز تحرکاتی از سوی عراق صورت گرفته است. روز اولی که برگشتیم متوجه شدیم جنگ شروع شده و عراق به ایران حمله کرده است؛ ما چون ساکن اهواز بودیم در متن وقایع قرار داشتیم.

زمانی که من ازدواج کردم همسرم به من گفت که به واسطه شغل (پاسدار)، برنامه مشخصی ندارم و هر آن ممکن است من به جایی دیگر منتقل شوم و مشکلی پیش بیاید و مجبور باشم مدت‌ها از شما دور بمانم. این صحبت‌ها را ما از قبل داشتیم اما قبل از این هیچ وقت کسی فکرش را نمی‌کرد جنگ شود و هنوز درگیر شلوغ کاری‌های انقلاب بودیم و ترورهای قبل جنگ. بنابراین با شروع جنگ همه ما بهت زده و شوکه شده بودیم. هر روز یک اتفاق بد و خبر بدی از اطراف شهرهای مرزی به ما می‌رسید و بمباران‌های وحشتناکی که رخ می‌داد. اوایل جنگ ماه‌های اول بارداری من بود و مرتب هواپیماهای عراقی می‌آمدند و دیوار صوتی را می‌شکستند و یک صدای وحشتناکی شنیده می‌شد.

یکی دیگر از اتفاقات وحشتناک این بود که شب‌ها خاموشی کامل بود. من به‌خاطر دارم که اعلام کرده بودند که شب‌ها برای اینکه دشمن نتواند تشخیص بدهد که اینجا شهر و منطقه مسکونی است حتی چراغ‌های کوچک آیفون خانه‌ها را آپیوشانید؛ یعنی تاریکی محض می‌شد، ما تمام شیشه‌ها را با نوارهای زرد چسب زده بودیم. شکل خانه‌ها تغییر پیدا کرد؛ پرده‌های ضخیم، خاموشی محض و

ترس از بمباران‌هایی که هر آن ممکن بود بر سر ما آوار شود.

اینها قبل از آژیر قرمز بود؛ وقتی این صدا

به گوش می‌رسید دیگر تاریکی و سکوت

مطلق بود. بدترین و وحشتناک‌ترین اتفاقی که

در مهرماه یا آبان ۱۳۵۹ افتاد و مصادف بود با بارداری من،

انفجار زاغه مهمات بود؛ یعنی زاغه مهمات لشکر ۹۲ زرهی را منفجر

کردند. این انفجار به حدی وحشتناک بود که تمام شهر می‌لرزید و

همه شیشه‌ها شکسته شدند.

«در آن زمان تنها زندگی می‌کردید یا همراه خانواده همسرتان؟»

زمانی که ازدواج کردم یکی از شروط همسرم این بود که همراه خانواده‌اش زندگی کنیم و ما طبقه بالای خانه پدرش زندگی می‌کردیم چون خانه بزرگی داشتند. خیلی از اقوام نزدیک که حدوداً ۶۰، ۵۰ نفر بودند هم به منزلشان آمده بودند. معمولاً زمان انفجارها به زیرزمین می‌رفتیم. بعد زیرزمین خانه پدرش هم، خیلی بزرگ بود. اغراق نیست اگر بگویم که نزدیک به چندماه همه ما، یعنی این ۵۰، ۶۰ نفر، با هم زیرزمین زندگی می‌کردیم.

ما وسط زیرزمین را پرده زده بودیم و خانم‌ها در یک طرف آن می‌خوابیدند و آقایان در سمت دیگرش. همه زنان به‌خصوص مادر همسرم طی این مدت برای این تعداد از جمعیت غذا درست می‌کردند. برخی خانواده‌ها وسیله‌هایی مثل پتو با خودشان آورده بودند. وقتی جنگ ادامه پیدا کرد و شرایط شهر روز به روز سخت‌تر شد این روند ادامه پیدا نکرد و برخی از آنها از اهواز رفتند و مهاجرت کردند اما خانواده همسرم و خانواده خود تا آخر جنگ اهواز ماندیم.

«از حال و هوای شهر وقتی جنگ شدت گرفت بگویید. زنان در آن زمان چگونه به رزمندگان کمک می‌کردند و بیشتر چه فعالیت‌هایی داشتند؟ بالاخره شما در شهر حضور داشتید و از نزدیک شاهد حضور زنان در پشت خط بودید.»

زنان از زمان انقلاب و حتی قبل از شروع جنگ تحصیلی فعال بودند. من خودم به همراه تعداد زیادی از آنها یک دوره آموزشی استفاده از اسلحه را گذرانده بودیم. دوره‌های نظامی فشرده برای زنان از قبل گذاشته بودند. ما را می‌بردند میدان تیر آنجا تیراندازی می‌کردیم؛

چهره شهر بیشتر

نظامی شده بود

و اکثراً خانواده‌ها

به‌خصوص زنان

رفته بودند و یا

معمولاً در خانه

حضور داشتند و

بیرون نمی‌آمدند.

اگر یک زمانی

لازم بود که بیرون

از خانه برویم

می‌دیدیم که

هیچ‌کس نیست

فقط سربازان

در شهر حضور

داشتند

یعنی از قبل ما تمام این دوره‌ها را آموزش دیده بودیم اما بعد از شروع جنگ به‌خاطر شرایط بارداری که داشتم نتوانستم در آن دوره‌ها شرکت کنم. با این حال دوره‌های آموزشی امدادگری وجود داشت و زنان در زمان جنگ به‌طور خیلی فشرده تمام این دوره‌ها را طی می‌کردند و در زمینه‌های مختلف که امکان حضورشان بود فعال بودند.

یک گروهی بود به نام «کاروان حضرت زینب(س)» که خدا رحمتشان کند مادر شهید علم‌الهدی مسئولیت این کاروان را بر عهده داشتند. این کاروان در طول هفته به تمام خانواده‌های شهدا سرکشی می‌کردند. همه اعضا در خانه مادر شهید علم‌الهدی جمع می‌شدند و به خانواده‌هایی که فرزندانشان شهید شده سرکشی می‌کردند، دعا می‌خواندند و به آنها دلگرمی می‌دادند.

همین کاروان یک فضایی درست کرده بودند به نام «چهارخانه» اگر اشتباه نکنم مقرر شستن و آماده کردن لباس رزمندگان بود. همه لباس‌ها و پتوهای خونی رزمندگان را می‌آوردند در این مقر شست‌وشو می‌دادند، بسته‌بندی می‌کردند و دوباره به جبهه جنگ می‌فرستادند. همچنین در همین مکان توسط زنان مواد غذایی آماده و بسته‌بندی می‌شد؛ درواقع یکی از مهم‌ترین جاهای اهواز که زنان خیلی جدی فعال بودند همین کاروان حضرت زینب(س) بود.

«تعداد زنانی که در اهواز مانده بودند زیاد بود؟»

چهره شهر بیشتر نظامی شده بود و اکثراً خانواده‌ها به‌خصوص زنان رفته بودند و یا معمولاً در خانه حضور داشتند و بیرون نمی‌آمدند. اگر یک زمانی لازم بود که بیرون از خانه برویم می‌دیدیم که هیچ‌کس نیست فقط سربازان در شهر حضور داشتند و ما برخی مواقع همراه

۳ شب بود که در آشپزخانه می‌گذشت. کار بعد از ظهر ما تا ساعت ۳ بعد از ظهر که شام بیمارستان آماده و توزیع می‌شد، شست‌وشو و همه ظروف، زمین، در و دیوار بود و از ساعت یک هم مشغول شستن قابلمه‌ها و آبکش‌ها و... بودیم... یکی از مشکلات مهم هر سه بیمارستان آبادان کمبود خون بود. مجروحان معمولاً دچار خونریزی‌های شدید می‌شدند و نیاز به چند واحد خون داشتند، از طرفی بیشتر این مقدار خون مورد نیاز نیز در منطقه تهیه می‌شد... خواهران امدادگر از منابع اصلی تأمین خون بودند. به یاد دارم در بیمارستان امدادگران، فرشته بدری که گروه خونس O منفی بود به‌خاطر اهدای ضروری خون به یک رزمنده، جنین چهار ماهه‌اش را سقط کرد.»



امدادگری در میدان

جنگ تنها تجربه متفاوتی را برای زنان بالغ و بزرگسال رقم نزد، بلکه موجب پایان یافتن دوره کودکی و نوجوانی بسیاری از دختران هم شد. بعضی از آنها دیگر بازی‌های کودکانه را رها کردند همراه مسیر دفاع مادرانشان شدند، معصومه رامهرمزی، امدادگر چهارده ساله جنگ، یکی از این افراد است. او در این باره در کتاب خاطراتش نوشته است: «در آن مقطع تا ظهر یک لحظه هم بیکار نبودم. وسط آشپزخانه روی زمین می‌نشستم و هر کاری دستور آشپز بود انجام می‌دادم... کار در بیمارستان و در زمان جنگ در همه قسمت، ۱۲ ساعته بود؛ شیفت اول از ساعت ۳ صبح تا



همسران شهدا داشته و دارد؛ چه آنها که ازدواج نکردند بعد از همسر شهیدشان و چه آنها که مجدداً ازدواج کردند. حتی من معتقدم زنانی که مجدداً ازدواج کردند حتی مشکلات بیشتری داشتند؛ از جمله مشکلاتی که با خانواده شهدا یا حتی خانواده خودشان داشته‌اند. زنان شهدا آسیب‌هایی دیدند که فکر نمی‌کنم تا آخر عمرشان ترمیم شود. به عقیده من هر سختی‌ای که همسران شهدا می‌کشند هر کدامشان ممکن است یک شهادت حساب شود. خداوند رحیم است و قطعاً سختی‌های آنها را می‌بیند و اجرشان می‌دهد. شاید الان بزرگ‌ترین امیدشان محسوس شدن با همسران شهیدشان در آن دنیا باشد.

اگر الان همه در جریان سختی‌های مردم و جوانان و زنان آن زمان قرار بگیرند خیلی راحت به این انقلاب پشت نمی‌کنند. از آن سو همچنین مسئولان ما هم یادشان نرود که چه خون‌هایی ریخته شده و چه رشادت‌ها و سختی‌هایی کشیده شده تا این نظام به اینجا رسیده است.

«شما به سختی‌ها و رنج‌های زنان جنگ اشاره کردید که برخی از آنها همچنان درگیر آن هستند. به نظر شما چه چیزی باعث شد که در آن شرایط زنان تا این اندازه از خودگذشتی داشته باشند؟»

یکی از تفاوت‌های دفاع مقدس این بود که درواقع یک جنگ اعتقادی بود و مردم همه با اعتقادشان در مقابل دشمن می‌جنگیدند. روحیه شهادت‌طلبی داشتند. فرهنگ عاشورا بود که توانست خانواده‌ها را دلگرم کند تا بتوانند سختی‌ها را تحمل کنند. تا زنان و مادران بی‌قرار می‌شدند همه می‌گفتند حضرت زینب (س) پس چگونه آن همه سختی را تحمل می‌کرد. واقعاً نمی‌شود تاریخ جنگ را از واقعه کربلا و حادثه عاشورا جدا کرد.

«آیا باز حاضرید با وجود همه سختی‌ها دوباره به آن روزها برگردید؟»

جنگ، ویرانگر، وحشتناک و خشن است؛ برخی مواقع که تصاویر جنگ را می‌بینم آرزو می‌کنم دیگر هیچ وقت جنگ وارد هیچ کشوری نشود. جنگ در آن برهه زمانی به ما تحمیل شد اما اگر باز چنین اتفاقی بیفتد و جنگی به ما تحمیل شود به حدی لحظات زیبای معنوی برای من در جنگ اتفاق افتاد که بعداً هیچ وقت تجربه نکردم، با آغوش باز می‌پذیریم و برای دفاع از وطنم می‌جنگم. محبت در زمان جنگ در رأس همه امور بود؛ انگار مردم از دنیا دل کنده بودند و هیچ چیزی در این دنیا برایشان ارزش نداشت.

با سختی بود، را داشتیم. درواقع صفا، صمیمیت‌ها و محبت‌هایی که بین خانواده‌ها بود را دیگر در زندگی بعد از جنگ هیچ وقت تجربه نکردم؛ یعنی تا این اندازه هوای همدیگر را داشتند با هم صمیمی باشند و در مشکلات کنار یکدیگر باشند. واقعاً زنانی که در شهر اهواز غریب بودند و خانواده خودشان در دیگر شهرها ساکن بودند شرایط بسیار دشواری را پشت سر گذاشتند؛ مثلاً اتفاق می‌افتاد که همسران آنها تا یک‌ماه از جبهه نمی‌آمدند و دلخوش به تلفن‌های گاه‌به‌گاه از سوی همسرانشان بودند.

«از دید شما به عنوان یک زن که در زمان جنگ حضور داشتید و جنگ وارد خانه و زندگی تان شد، بزرگ‌ترین ضربه‌ای که جنگ به زنان و خانواده‌ها زد چه بود؟»

من همیشه به بچه‌های خودم که متعلق به این نسل هستند می‌گویم واقعیت‌های آن زمان و سختی‌هایی که زنان کشیدند واقعاً به تصویر کشیده نشده است. نسل جنگ اصلاً با جوانان الان هیچ فرقی نداشته و علایق‌شان هم متفاوت نبود. آنها نیز مانند جوانان الان عاشق می‌شدند، دوست داشتند مسافرت بروند و به کارهای مورد علاقه خودشان بپردازند اما جنگ همه این آمال و آرزوها را از آنها گرفت. دختران جوان هم مانند بقیه دوست داشتند ماه‌عسل با همسرشان بروند سفر یا دست بچه‌شان را بگیرند مانند دیگر خانواده‌ها پارک بروند یا خرید کنند اما این امکان فراهم نبود؛ زنان جوانی که پا روی همه علایق خود گذاشتند و آرزوی خیلی چیزها به دلشان ماند. آنها همه چیز را فدای هدف‌شان کردند؛ برای مثال شاید الان رفتن به پارک یا مسافرت برای خانواده‌ها و یا زن و شوهر جوان یک امر عادی باشد اما برای ما در آن مقطع آرزو بود. من به یاد ندارم که با همسر یک روز بچه‌هایم را به پارک برده باشم. خوب است الان ما تاریخ را بخوانیم و در جریان مشکلات و از خودگذشتگی زنان جنگ قرار بگیریم.

آن زمان در بحبوحه جنگ شاید ما زنان به خیلی چیزها فکر نمی‌کردیم یا اصلاً فرصت فکر کردن به آنها را نداشتیم. اوضاع خیلی پیچیده و وحشتناک بود اما کم‌کم که جنگ تمام شد اثرات آن بر روح و روان زنانی که همسران آنها در جبهه جنگ بودند و تمام مسئولیت زندگی بر دوش خودشان بود، آشکار شد؛ مثلاً می‌بینیم زنی که همسرش جانباز است الان مشکلات فراوانی از نظر جسمی دارد و فرسودگی‌هایی که شاید خیلی به چشم نیامده است.

نبود پدر در خانواده شهدا تأثیرات زیادی روی زندگی فرزندان و

چند زن دیگر می‌رفتیم بیرون تا به سربازان روحیه بدهیم که شهر خالی نیست. در آن زمان بیشتر صدای ماشین و آمبولانس شنیده می‌شد. شهر خیلی خلوت شده بود و در کل تعداد خانواده‌هایی که در اهواز حضور داشتند زیاد نبود و اکثرشان به شهرهای دیگری مهاجرت کرده بودند.

«زنان و خانواده‌های رزمندگان و جانبازان در آن زمان چه شرایطی داشتند؟»

من زمانی که ازدواج کردم با خانواده دوستان همسر م که همگی تقریباً هم‌سن بودند در ارتباط بودیم و رفت‌وآمد داشتیم. تقریباً ۱۵ خانواده بود که همگی آنها از دوستان نزدیک همسر م بودند و اکثر زنان آنها هم‌سن من، یعنی ۱۷ الی ۱۸ سال داشتند. قرار گذاشته بودیم هر چند وقت یک‌بار دور هم جمع شویم و غذا درست کنیم و دور هم باشیم اما متأسفانه تعدادی از آنها شهید شدند و زنان و بچه‌هایشان حالا تنها بودند. شهید فرشاد مرعشی یا شهید مجدزاده از جمله افرادی بودند که در این مهمانی‌ها و دورهمی‌ها حضور داشتند و از نزدیک در جریان مشکلات خانواده و همسران‌شان بوده و از نزدیک دشواری‌ها را لمس می‌کردند.

حتی برخی از پاسداران در آن مقطع برای اینکه زن و بچه‌شان تنها نباشند و یا امکان اجاره یک خانه جدا را نداشتند با خانواده دیگری در یک خانه زندگی می‌کردند و با همدیگر هم‌خانه می‌شدند. شهدایی که ما با آنها در ارتباط بودیم واقعاً زندگی بسیار عاشقانه و صمیمی‌ای با همدیگر داشتند. ما یک همسایه داشتیم به نام شهید مجدزاده که خیلی با هم صمیمی بودیم و از نزدیک شاهد عشق و علاقه این زن و شوهر بودم. در آن زمان آقایان خیلی اسم همسرشان را به زبان نمی‌آوردند و بیشتر از کلمه خانم یا حاج خانم و این دست کلمات استفاده می‌کردند اما شهید مجدزاده به حدی همسرش را دوست داشت که تا از در می‌آمد، حتی اگر منزل آنها مهمان و مردها بودند، همسرش را به اسم زهرا جان، عزیزم و جانم صدا می‌کرد و اول همیشه سراغ او را می‌گرفت. حالا شما در نظر بگیرید این زن جوان یک‌دفعه همسرش شهید می‌شود و با یک بچه کوچک در شهر جنگ‌زده تنها می‌شود؛ این چقدر به روحیه او و این جمعی که با هم صمیمی بودیم صدمه وارد می‌کند! یا دوستان دیگری که همسرانشان جانباز شدند. درواقع همه ما عزادار می‌شدیم و با خانواده‌ها سوگواری می‌کردیم. روزهای سختی را پشت‌سر گذاشتیم؛ تا می‌آمدیم از سوگواری شهید مجدزاده خارج شویم یک خانواده دیگر عزادار می‌شد.

من تا بعد از به دنیا آمدن فرزند اولم همراه خانواده همسر م زندگی می‌کردم و تقریباً پسر م که ۲ سالش که شد ما مستقل شدیم و اینجا تازه شروع مشکلات من بود. تنهایی شاید بزرگ‌ترین مشکل زنان آن روزها بود. بعضی روزها پیش می‌آمد که ما در خانه نان خالی هم نداشتیم. چون منزل ما از مرکز شهر و بازار خیلی دور بود. تنهایی همراه آنچه واقعاً سخت بود. حالا باز شرایط من بهتر بود و خانواده پدرم و همسر م در اهواز حضور داشتند و در سختی‌ها به داد ما می‌رسیدند اما بودند زنان جوانی که همسرشان شهید شده، خانواده‌شان هم در یک شهر و حتی استان دیگر زندگی می‌کردند؛ اینها واقعاً روزهای سختی را در یک شهر می‌گذراند که هر آن ممکن بود بمباران شود یا یک یا ۲ فرزند کوچک پشت سر گذاشتند؛ برای مثال شهید زین‌الدین همسایه خواهر من بود که خانواده نیش در یک شهر دیگر بودند و همیشه تنها بودند که بعد از شهید شدن همسرش، تنها تر از همیشه آن هم در سن خیلی پایین مسئولیت زندگی را به دوش می‌کشید.

«بزرگ‌ترین درس جنگ از نظر شما چه بود؟»

جنگ چهره و وحشتناکی دارد و ما خاطرات خیلی بدی از آن روزها داریم اما اتفاقات خوب هم داشت. ما تقریباً چند خانواده بودیم و زنان معمولاً هوای همدیگر را داشتند؛ مثلاً زنان حوزه‌های نمایندگی به کمک همدیگر می‌رفتند، همسران ما که اکثر اوقات نبودند. ما در آن زمان با خانواده سردار صفوی که آن زمان فرمانده بودند و یا برخی فرماندهان دیگر در ارتباط بودیم. شاید آن زمان بهترین ایام که توأم

در بحبوحه جنگ

شاید ما زنان به

خیلی چیزها

فکر نمی‌کردیم

یا اصلاً فرصت

فکر کردن به آنها

را نداشتیم. اوضاع

خیلی پیچیده و

وحشتناک بود اما

کم‌کم که جنگ

تمام شد اثرات آن

بر روح و روان زنانی

که همسران آنها

در جبهه جنگ

بودند آشکار شد

خانواده هستند یا در مواردی کاری از دست خانواده‌هایشان بر نمی‌آید، ناچارند تدبیری برای احتمال خشونت دشمن نسبت به خود ببینند، این مسئله ذهن اغلب زنانی را که با جنگ مواجه شده‌اند به خود مشغول کرده و موجب شکل‌گیری نوع ویژه‌ای از تجربه اساساً زنانه از جنگ شده است که شکل‌دهنده اضطراب و نگرانی دائمی آنان در روزهای جنگ است.

زنان سربازان گمنامی بودند که بار سنگین تدارکات جبهه جنگ و برخی وظایف دیگر را بر دوش می‌کشیدند. چرا که هجوم یک باره دشمن به مناطق مرزی و هم چنین بمباران‌های هوایی به شهرها ایجاب می‌نمود که زنان به صورت مستقیم در مناطق جنگی حضور پیدا کنند.

خشونت پنهان جنگ

در نخستین روزها و هفته‌های آغاز جنگ تحمیلی، زنان نیز چون مردان اسلحه بر دوش گرفته و به مقابله با دشمن شتافتند و در این راه شهید، زخمی و آواره شدند. و رای این مقاومت تجربه ترس و اضطراب از مورد خشونت قرار گرفتن در روزهای جنگ، تجربه مشترک اغلب زنان در فرهنگ‌ها و موقعیت‌های مختلف است.

یکی از ابعاد خشونت زنانه در مورد زنان شهرهای مرزی مورد هجوم نیروهای صدام، مسئله اضطراب‌های زنانه از خشونت‌های مورد نظر در جنگ است. در شرایطی که دشمن وارد خاک کشور شده و این زنان عمدتاً دور از حمایت



برای شهادت پسرم دعا می کردم

مادر شهید اشرفی گودرزی: وقتی فهمیدم پسرم شهید شده یک قطره اشک هم نریختم و پیگیر یافتن پیکرش هم نشدم

سلمان زند: حکایت عجیبی است ماجرای مادران انتظار؛ مادرانی که فرزندان شان یک روز برای جنگیدن از خانه رفته اند و هنوز نه خودشان باز گشته اند و نه تن و نه نشانی از رفتنشان؛ مادرانی که همچنان منتظرند که نشانی بیاید از جگر گوشه شان. روایت های مکرر در این میان روایت فراق است و زجر انتظار که ۴۰ سال از گذشتنش نه آن را کمرنگ کرده و نه تسکین داده است. در این میان اما روحیه برخی از مادران حیرت انگیز است. آنجا که شهادت پسرشان را افتخاری می دانند که نباید برای آن گریست و پیدا نشدن جنازه را هم - به تاسی از حضرت فاطمه زهرا (س) - با چنان ایمانی تحمل می کنند که در آن رنج و سختی ای نمی بینند. خانم اقباله اشرفی گودرزی یکی از این مادران است؛ مادر شهید حسین اشرفی گودرزی. شهیدی که هجدهم مرداد ۱۳۴۵ در شهرری چشم به جهان گشود. پدرش محمدحسین، کارگر شرکت نفت بود؛ مردی خیر، مومن و انقلابی. حسین ۱۶ ساله و دانش آموز سوم متوسطه در رشته اقتصاد بود که با اصرار خودش و البته رضایت مادر و پدرش به عنوان بسیجی در جبهه حضور یافت. بیست و یکم بهمن ۱۳۶۱ در فکه بر اثر اصابت ترکش توسط نیروهای عراقی شهید شد و تاکنون هم اثری از پیکرش به دست نیامده است. یعنی حدود ۴۰ سال است که اقباله، مادر او بدون هیچ اثر و نشانی نبود پسرش را تحمل کرده است. اقباله انتظار برای بازگشت پسرش را به انتظار برای ظهور امام زمان (عج) پیوند زده که چگونگی آن را در ادامه می خوانید. این مادر اما هنوز همانند سال های جنگ فعال است؛ آن زمان در پشت جبهه و اکنون در عرصه اجتماعی. به گفته خودش تاکنون بیش از ۲۰۰ زوج را به خانه بخت فرستاده و شرایط ازدواج را برایشان فراهم کرده و دست خانواده های محروم بسیاری را گرفته است. خود و همسرش هر دو خیر هستند و در ساخت مسجد و دستگیری از محرومان و دیگر زمینه های اجتماعی هم فعالند. مشروح گفت و گوی همشهری با اقباله اشرفی گودرزی، مادر شهید حسین اشرفی گودرزی که خودش را زن «انقلابی و مبارز» معرفی می کند در پی می آید.

« شما با جبهه رفتن پسر تان موافق بودید یا اینکه با اصرار راضی شدید؟
بله. به راحتی پذیرفتم که حسین به جبهه برود؛ چون حرف اسلام در میان بود.
« دلیل این نگاه شما چه بود و چرا رضایت داشتید که فرزند نوجوان تان را به جنگ بفرستید؟
شوهر من یک شخص خیر، انقلابی و مومن بود و مرا هوشیار کرده بود. ما اسلام را دوست داشتیم و برای حفظ اسلام و حفظ ناموس

کشور بچه هایمان باید به جبهه می رفتند؛ از این رو من نه تنها مخالفتی نداشتم که خودم هم کاملاً موافق بودم.
« حسین آقا نخستین بار چگونه از شما خواست که به جبهه برود؟
اول که فکر می کرد شاید موافق نباشم به من التماس کرد که اجازه بدهم به جبهه برود، اما من راحت پذیرفتم و خودم او را بردم و راهی کردم.
« آن زمان چند سال داشت؟

۱۶ سال و ۶ ماه داشت. البته هر ۴ پسر من هم بعداً به جبهه رفتند که ۲ نفرشان جانباز شدند و یکی از آنها بر اثر همان عوارض جانبازی حدود ۲ سال ونیم پیش فوت کرد.
« دلنات چگونه راضی شد که همه پسران تان به جبهه بروند؟

دل من راضی شد؛ چون اسلام در خطر بود. چرا آقا امام حسین (ع) برای ما این همه مهم است و این همه مبارزه کرد؟ چون او دید اگر نجنگد، چیزی از اسلام باقی نمی ماند. پیروزی او در این جنگیدن و شهادتشان بود. امام حسین (ع) و فرزندان شان برای حفظ دین به شهادت رسیدند. من هم باید برای حفظ دین با جبهه رفتن فرزندانم موافقت می کردم.
« همسر تان هم رضایت داشتند؟
بله. پدر شهید، خبری مسجد ساز با ایمان و باتقواست. ایشان از جوانی در راه امام خمینی (ره) بودند. وقتی بچه هایم خردسال

از کوکتل مولوتف تا اسلحه

اولین مسئولیتی که زنان در دفاع مقدس، به صورت خودجوش و همپای مردان بر عهده گرفتند، جنگیدن با دشمن یعنی در جنوب و مزدوران داخلی در کردستان بود. حتی آنان، کوکتل مولوتف ساختند تا به جنگ تانک های عراقی بروند که قصد داشتند از مرز شلمچه بگذرند. تهیه و به کار بردن کوکتل مولوتف، ابتدایی ترین کار رزمی خواهران و زنان به شمار می آمد، بعدها آنها خود را به سلاح مجهز کردند تا مردانه با دشمن بجنگند. در روایتی از روزهای بمباران خرمشهر آمده است: «در قبرستان خرمشهر زن ۶۵ ساله ای را دیدم که تفنگ ام یک بر دوش داشت. گفتم: مادر چه می کنی؟ گفت: پسر و



تنها زن حاضر در عملیات

فاطمه سادات نواب صفوی، فرزند شهید سید مجتبی نواب صفوی در عملیات آزادسازی خرمشهر در سال ۶۱ به عنوان زن رزمنده دوشادوش مردان به مبارزه پرداخت. در خاطراتی که از جانباز ایران خواه منتشر شده است در مورد حضور فاطمه سادات در عملیات بیت المقدس چنین آمده است: «خانم فاطمه نواب صفوی، فرزند شهید نواب صفوی، به عنوان دیدبان به طرف بهمن شیر رفته بود. او با اطلاعات مؤثر و مفیدی که از موقعیت دشمن می داد، در موفقیت عملیات نقش تعیین کننده ای را ایفا کرد. در آخرین دیدار او را در حالی دیدم که پیکر شهیدی را با خود حمل می کرد. معلوم شد که از یک عملیات موفق چریکی باز می گردد.»



عکس از مجموعه مادران انتظار / همشهری / امیر رستنی



دلم راضی شد؛
چون اسلام در
خطر بود. چرا آقا
امام حسین (ع)
برای ما این همه
مهم است و این
همه مبارزه کرد؟

چون او دید اگر
نجنگد، چیزی
از اسلام باقی
نمی‌ماند. پیروزی
او در این جنگیدن
و شهادتش بود

ما به جبهه‌ها می‌رفت.

« شما چه زمانی مطلع شدید که حسین شهید شده است؟
بعد از اینکه به جبهه رفت، یک‌بار به مرخصی آمد و همدیگر را دیدیم و دوباره برای رفتن به جبهه او را همراهی و بدرقه کردیم. این‌بار که رفت، شهید شد. آن زمان که تلفن نبود، یکی از همسایگان ما که دوست او بود، آمد و گفت حسین شهید شده است. بعد دیگر خبری نشد. تا اینکه ۴۰ روز بعد از بنیاد شهید شادگان نامه آمد که حسین شهید شده است و جنازه‌اش هم جامانده و برنگشته است.

« بعد از لحظه شهادتش خاطره‌ای یا روایتی برای تان تعریف نکرده‌اند؟
چرا. بعدها برایمان گفتند وقتی سینه‌اش گلوله (یا ترکش) خورده و هنوز زنده بود، نیروهای امدادی می‌خواهند او را برگردانند، اما او با اصرار از آنها می‌خواهد که اول دوستش را که او هم زخمی شده بود، ببرند و سپس بیایند و او را ببرند. بعد از آوردن دوستش موفق به بازگرداندن او نمی‌شوند و جنازه‌اش را هم پیدا نکردند.

« چه روزی شهید شد؟

شب ۲۱ بهمن ۱۳۶۱ شهید شد.

« از حال و هوای آن روزهای خودتان اگر خاطره‌ای هست، بگویید.

اجازه بدهید این خاطره را بگویم که همان ایام یک شب که می‌دانستم عملیات دارند و قرار است حمله کنند، در خانه داشتم گوشت چرخ می‌کردم. در دلم گفتم: «خدا یا این بچه من خیلی بچه خوبی است و بسیار هم فعال است، می‌خواهم او را به تو هدیه دهم، شهیدش کن. جنازه‌اش هم گم شود و نیاورند؛ مثل حضرت فاطمه که جنازه‌اش معلوم نیست کجا به خاک سپرده شده. دوست دارم روزی که آقا امام‌زمان (عج) ظهور کردند و لایق بودم، بگویم که جنازه‌اش کجاست.»

« یعنی دقیقاً چیزی که اتفاق افتاد را همان شب از خدا خواستید؟

بله. دقیقاً همین را خواستم.

« این سال‌ها برایتان سخت نبوده که قبری، نشانه‌ای و جنازه‌ای از پسر تان نداشته‌اید؟
چه سختی باشد؟ من افتخار می‌کردم پسر شهید شده. ۴ پسر

بودند، ساواک پدرشان را از کار برکنار کرد؛ چون انقلابی و طرفدار امام (ره) بود.

« اشاره کردید به امام خمینی (ره)، سخنان ایشان و دیگر انقلابیون و حتی مداحی‌های آن زمان تا چه اندازه در اینکه شما و دیگر مادران با رضایت قلبی فرزندان را به جبهه بفرستید، تأثیر داشت؟

قطعاً تأثیر زیادی داشت. سخنان امام (ره) روی ما خیلی تأثیر داشت؛ خصوصاً ما که یک خانواده مذهبی و انقلابی بودیم.

« آن زمان فضا چطور بود و با دیگر مادران تا چه اندازه ارتباط داشتید و آیا مادران رزمندگان از یکدیگر برای فرستادن فرزندان به جبهه‌ها می‌گرفتند؟

بله صدرصد الگو می‌گرفتند. خود من همه ۸ سال دفاع مقدس را پشت جبهه با مادران رزمندگان کار می‌کردم و فعال بودیم. طبیعی است که در آن فضا همه از یکدیگر الگو می‌گرفتند.

« چه فعالیت‌هایی می‌کردید؟

همه مدت ۸ ساله که دفاع مقدس طول کشید، زیرزمین خانه ما در اختیار مردم بود برای کمک‌های پشت جبهه. خودم به روضه‌ها و مراسم مختلف می‌رفتم و پول جمع می‌کردم. با این پول، شکر و شیشه و دیگر مواد لازم را می‌خریدم و با دیگر مادران برای رزمندگان می‌فروشتم و درست می‌کردیم. همچنین با هم لباس می‌دوختیم یا شال و کلاه و... می‌بافتم. اینها برخی از فعالیت‌هایی بود که ما مادران رزمندگان با یکدیگر انجام می‌دادیم.

« این کارها را در شهری انجام می‌دادید؟

ما تا اوایل انقلاب در شهری بودیم. بعد به تهران آمدم و در همین خانه فعلی‌مان در تهرانپارس ساکن شدیم و این اقدامات در این خانه انجام می‌شد. در شهری هم فعالیت انقلابی داشتیم، اما وقتی به تهران آمدم و جنگ هم شروع شد، فعالیت ما هم چند برابر شد.

« تعداد مادران فعال زیاد بود؟

بله خیلی بودیم. آن زمان از هر کس کمک می‌خواستیم می‌آمد و کمک می‌کرد. گاه مثلاً ۲۰ گونی کاموا می‌آوردند و من در جلسات تقسیم می‌کردم و شال و کلاه می‌بافتم.

« پس خانه شما یکی از کانون‌های محلی برای جمع‌آوری و آماده‌سازی کمک به جبهه بود؟

بله. جمعه هر هفته یک کامیون مواد غذایی و کمکی از در خانه

دخترم آنقدر جنگیدند تا شهید شدند و اینجا خفته‌اند. می‌روم راه‌شان را ادامه دهم، هر چه او را منع کردم، نپذیرفت و گفت: باید از دینم دفاع کنم. این تنها وظیفه شما پسرانم نیست بلکه وظیفه من هم هست، جنگید و سرانجام با ترکش خمپاره شهید شد. زنان رزمنده در خرمشهر، کارهای دیگری را نیز بر عهده داشتند که مراقبت از تسلیحات، تسلیح رزمندگان، نگهداری از پیکر شهدا و توزیع سلاح بین رزمندگان از آن جمله بوده است.

روایت شجاعت زنان سوسنگردی

سوسنگرد از جمله شهرهایی بود که جنگ در آن غوغا به پا

من وقتی فهمیدم
که پسر شهید
شده یک قطره
اشک هم نریختم؛
این اعتقاد که بچه
من از اهل بیت
امام حسین (ع)
بالاتر نبوده به من
قدرت می‌داد



را به جبهه فرستادم. خودم آنها را به جبهه می‌فرستادم و افتخار می‌کردم که پسر برای اسلام شهید شده است. بچه من که از حضرت علی‌اکبر بالاتر نبوده. از اهل بیت امام حسین (ع) که بالاتر نبوده. امام حسین (ع) آن همه شهید داد... حضرت قاسم، حضرت علی‌اکبر و علی‌اصغر و... الان هم می‌گویم اگر روزی اسلام در خطر باشد، دوست دارم دوباره فرزندانم را خودم به جبهه بفرستم.

« در لحظه‌ای که فهمیدید شهید شده است و پیکرش جامانده، چه احساسی داشتید و در این سال‌ها هر وقت یاد ایشان می‌افتید، چه احساسی دارید؟

من وقتی فهمیدم که پسر شهید شده یک قطره اشک هم نریختم؛ چون این اعتقاد که بچه من از اهل بیت امام حسین (ع) بالاتر نبوده به من قدرت می‌داد. هر وقت هم یادش می‌افتم افتخار می‌کنم و خوشحال می‌شوم که چیز ناقابل داشتیم که در راه خدا دادم. من این مواقع یاد مادر و هب می‌افتم که روز عاشورا وقتی سر پسرش را بریدند و برایش آوردند، سر را برداشت و به‌سوی لشکر دشمن پرتاب کرد و گفت ما آنچه در راه خدا داده‌ایم، پس نمی‌گیریم. اسلام بالاتر است یا بچه من؟

« یعنی در این سال‌ها هیچ‌گاه برای پسر تان گریه نکرده‌اید؟

چرا گریه کرده‌ام. به‌هر حال انسان یک وقت‌هایی گریه می‌کند، اما من خیلی دوست ندارم که برای شهدا گریه کنم. بچه‌ای که برای اسلام داده‌ام، دیگر گریه ندارد. گریه کرده‌ام، اما آنقدر که برای پدر و مادرم گریه کرده‌ام برای پسر شهیدم گریه نکرده‌ام.

« برای پیدا کردن پسر تان تاکنون به مناطق جنگی نرفته‌اید؟

تاکنون بارها به مناطق جنگی رفته‌ام؛ حداقل ۵، عبار به مناطق جنگی رفته‌ام، اما نه برای یافتن پسر، بلکه رفته‌ام تا از نزدیک ببینم رزمندگان در چه فضایی جنگیده‌اند و ببینم با چنگ و دندان چه چیزی را حفظ کرده‌اند. رفته‌ام که آن سرزمین و آن خاک و آن فضا را ببینم، اما برای جست‌وجوی پسر نرفته‌ام.

« یعنی تاکنون برای جست‌وجوی جنازه ایشان هیچ اقدامی نکرده‌اید؟

به‌خدا نه! به‌والله نه! همانطور که گفتم دوست دارم آقا امام‌زمان (عج) او را به من برگرداند. در غیر این صورت دوست دارم همچنان همانند حضرت زهر (س) قبرش گمنام بماند.



کرد. زن و مرد و پیر و جوان همه در کنار هم ایستادند و از شهر و خاکشان دفاع کردند. در روایت‌های منتشر شده از این رشادت‌ها یک زن سوسنگردی با آرد مسموم نان پخت و با آن تعدادی از عراقی‌ها را از پای درآورد. در روایتی دیگر در این شهر مادر شهید الحانی، ۱۱ سرباز عراقی را به خانه‌اش دعوت می‌کند، به آنها غذا می‌دهد، و زمانی که آنها به استراحت پرداختند و به خواب رفتند، در اتاق را قفل می‌کند و بسیجی‌ها را با خبر می‌سازد و خود او هم با چوب‌دستی به جان بعضی‌ها افتاد. داستان این زن شجاع اینگونه نقل شده است که در سوسنگرد خانم عرب مُسنی زندگی می‌کرد که همسرش نابینا بود. او با وجود اینکه ۵۰-۴۰ سال داشت، خیلی شجاعانه و در حقیقت مردوار از شهر دفاع می‌کرد. معروف بود که با چوب‌دستی، چند سرباز عراقی را با انداخته است.



« در زمان جنگ، شما چند سال داشتید و چرا

تصمیم گرفتید به عنوان امدادگر در مناطق جنگی بمانید؟
نزدیک به ۲۰ سال داشتم و در دزفول زندگی می کردیم. با شروع جنگ و حمله عراقی ها دفاع از شهر و رزمندگان را وظیفه خودم می دانستم و باید هر کاری که از دستم برمی آمد انجام می دادم، خب از آنجا که تا حدودی به کار امدادی آشنا بودم بی درنگ مشغول امدادگری شدم.

« قبل از آن برای امدادگری آموزش خاصی دیده

بودید؟

اینکه تمام زنان امدادگر در شهر پیش از شروع جنگ آموزش خاصی دیده باشند، نه اینگونه نبود. اما خود من تابستان همان سال قبل از شروع جنگ، یک دوره آموزشی کوتاه دیده بودم.

با آغاز حمله نیروهای عراقی به خاک کشور و شروع جنگ تحمیلی یکی از همسایگان ما به نام شهید محمد بهاء الدین در مسجد از زنان شهر دعوت کرد که در یک دوره آموزشی امدادگری برای کمک به رزمندگان شرکت کنند. ابتدا نزدیک به ۶۰ نفر شرکت کردند اما در نهایت به خاطر شرایط سخت شهر و موشکباران های پی در پی تعداد کمی از آنها در شهر ماندند. یعنی تقریباً یک سوم زنان آموزش دیده در شهر دزفول باقی ماندند و بقیه شهر را ترک کردند. شهید بهاء الدین ابتدا یک خانه که در نزدیکی مسجد قرار داشت را به عنوان مقر انتخاب کرد تا زنان امدادگر آنجا حاضر باشند اما با راه اندازی بیمارستان ارتش همگی به آنجا رفتیم.

« یعنی همه زنان آموزش دیده بدون وقفه مشغول

امدادگری شدند؟

بله. در آن مقطع همگی زنانی که در شهر ماندند به عنوان امدادگر در بیمارستان ۵۸۰ نیروی زمینی ارتش در شهر دزفول مشغول شدند. ما تقریباً یک گروه ۱۸ نفره از زنان بسیجی بودیم که یک دوره آموزشی را گذرانده و به ۲ گروه ۹ نفره تقسیم شدیم. هر گروه یک روز کامل یعنی ۲۴ ساعته شیفت بود.

« از همان ابتدا همگی به بیمارستان منتقل شدید؟

بیمارستان ارتش بعد از شروع جنگ راه اندازی شد. ابتدا همه مجروحان را به یک بهداری کوچک آوردند. این بهداری در یک ساختمان دوطبقه واقع شده بود. اما تعداد مجروحان بیشتر شد و هر روز مجروحان زیادی را به بهداری منتقل می کردند. بنابراین ما زنان امدادگر هر ۲ طبقه را برای حضور مجروحان و مداوای آنان آماده کردیم و دیگر بهداری نبود بلکه بیمارستان ارتش نام گرفته بود. در این بین البته چند نفر از زنان امدادگر از تهران برای کمک به ما به شهر دزفول آمده بودند اما نتوانستند با شرایط جنگی در آن مقطع کنار بیایند و بمباران ها و موشکباران شهر به دست عراقی ها باعث شد پس از یک ماه مجدد به تهران برگردند و دیگر ما امدادگری خارج از شهر دزفول نداشتیم.

« یعنی همه نیروهای امدادگر، بومی دزفول بودند؟

بله.

« روند کار شما به چه صورت بود و بیشتر چه

خدماتی ارائه می کردید؟

هر کاری که از دستمان برمی آمد انجام می دادیم. برخی مواقع کمک پزشکی بودیم و برخی مواقع نیز به عنوان پرستار خدمت می کردیم. چرا که پرستاری وجود نداشت. در واقع همه کارهای بیمارستان را خودمان انجام می دادیم. در همان اوایل جنگ اصلاً نیرویی وجود نداشت و بیشتر زنان بومی در کنار پزشکان به کار مداوای مجروحان جنگی مشغول بودند.

زنان در آن مقطع شرایط خیلی سختی را پشت سر گذاشتند

و حفاظت از مهمات رزمندگان نقشی فعال داشته اند. خواهران ذخیره سپاه خرمشهر در مسجد امام صادق (ع) در حالی که خود مسلح بودند، کار حفاظت از مهمات را به صورت پست های نگهبانی دوساعته بر عهده داشتند و نیز در بعضی از مواقع کار توزیع سلاح بین نیروهای داوطلب و مردمی توسط زنان صورت می گرفت.

تمیز کردن سلاح رزمندگان، خساب گذاری، خالی کردن بار مهمات از کامیون ها و... نیز از زمره فعالیت های تدارکاتی زنان برای جبهه های جنگ بود و در مسجد جامع خرمشهر زنان جهت پشتیبانی رزمندگان به نگهبانی از انبار مهمات و تعمیر اسلحه و گلوله گذاری خساب های پرداختند. در مسجد سیدالشهدای خرمشهر نیز زنان به نگهبانی از مهمات

برخی از گزارش ها از جمع آوری مقادیر زیادی میوه، رب گوجه فرنگی، نان، حلب های خیابان شور و... توسط زنان حکایت دارد و در ایام محرم بسیاری از بانوان با پخت حلوا آنها را به خط مقدم می فرستادند. در استان ایلام و جبهه غرب و کردستان خواهران عضو گروه انصار المجاهدین - که غالباً از قشر فرهنگی بودند - با تشکیل پایگاه هایی اقدام به جمع آوری کمک های مردمی برای جبهه می کردند.

سنگر سازی و محافظت از مهمات

در پاره ای از مواقع نیز بانوان در جابه جایی، نگهداری، نگهبانی

امدادرسانی ۲۴ ساعته در شهر موشك ها

گیتی مخدوم: چند امدادگر از تهران برای کمک به دزفول آمدند اما نتوانستند با شرایط جنگی، بمباران و موشکباران در آن مقطع کنار بیایند و پس از یک ماه مجدد به تهران بازگشتند

گیتی مخدوم از امدادگران دوران جنگ تحمیلی در شهر دزفول است. او از جمله زنانی است که لایه ای بمباران و موشکباران در شهر ماند و بی وقفه به همراه ۱۸ زن دیگر دزفولی مشغول امدادرسانی و مداوای مجروحان جنگی شد؛ آن هم ۲۴ ساعته و به صورت متوالی. مخدوم در گفت و گو با همشهری روایتش از روزهای دفاع را بازخوانی کرد و گفت: «در دزفول یک گروه ۱۸ نفره از زنان بسیجی بودیم که یک دوره آموزشی را گذرانده و به ۲ گروه ۹ نفره تقسیم شدیم. هر گروه یک روز کامل یعنی ۲۴ ساعته شیفت بود. در مقطعی چند امدادگر زن از تهران برای کمک به دزفول آمدند اما نتوانستند با شرایط جنگی در آن مقطع کنار بیایند. بمباران ها و موشکباران شهر به دست عراقی ها باعث شد پس از یک ماه مجدد به تهران برگردند و دیگر ما امدادگری خارج از شهر دزفول نداشتیم». در ادامه این گفت و گو مروری داریم بر خاطراتی که شاید به ما برای درک بهتر نقش زنان در جنگ کمک کند.

جمع آوری کمک های مردمی

یکی دیگر از فعالیت های خودجوش زنان در دوران دفاع مقدس جمع آوری کمک های مردمی و تلاش در جهت تهیه اقلام بر مصرف و ضروری و سایر مایحتاج جبهه ها بود. برخی زنان با ارتباط یافتن با خیرین بازار پارچه فروشان تهران، اقدام به گردآوری و تهیه پارچه، دوک نخ ریزی، مبلغی وجه نقد و... می کردند و با یاری سایر بانوانی که غالباً از شرکت کنندگان در کلاس های قرآن و احکام مساجد بودند با کار شبانه روزی زیر چادرهای برزنتی در حیاط مساجد، اقدام به تهیه البسه، آجیل، پسته، نان لواش، شکلات، شیرینی و... کرده و با کامیون به مناطق جنگی می فرستادند.

دزفول؛ شهر موشک‌ها

پایگاه چهارم شکاری دزفول (پایگاه وحدتی) یکی از پایگاه‌هایی بود که در نخستین روز جنگ یعنی ۳۱- شهریورماه سال ۵۹- مورد حمله هوایی عراقی‌ها قرار گرفت و در زمان جنگ بیش از ۱۶۰ بار به آن حمله موشکی شد. این حملات به قدری زیاد بود که اعراب نام «بلد الصوار یخ» به معنی شهر موشک‌ها را به دزفول دادند. دزفول به عنوان شهری که جزو اهداف اصلی حملات موشکی عراق بود شناخته می‌شد و در ترتیب ایجاد موشک‌های عراقی همیشه «الف» دزفول بوده است. مردم دزفول با وجود موشکباران شدید همچنان مقاومت می‌کردند و نماز جمعه دزفول هر هفته با حضور مردم و رزمندگان اقامه می‌شد. پایداری و مقاومت دزفول در جنگ ۸ ساله منجر به شهادت ۲۶۰۰ تن از هموطنان مان شد. یکی از مهم ترین اهداف رژیم بعث عراق از بمباران و موشکباران شهر ها به ویژه شهر دزفول این بود که باز بین بردن زیر ساخت های اقتصادی و ناامن کردن شهر ها، به مردم ایران بگوید که از مقاومت دست بردارید. این تاکتیک، یک تاکتیک مرسوم در هر جنگی محسوب می‌شود. یعنی فشار غیر مستقیم به طرف مقابل برای عقب‌نشینی از مواضع سیاسی و دفاعی اما صدام با همه ادعاها ایش هیچ گاه نفهمید که دفاع ملت ایران نه تنها با سایر جنگ‌ها تفاوت دارد بلکه مردمی هم که در مقابلش ایستاده‌اند، یک مردم انقلابی با پیشینه دینی و اسلامی هستند که راهبری مدبر، آنها را هدایت می‌کند. در سال ۱۳۹۰ به پاس مقاومت و پایداری مردم دزفول در طول ۸ سال دفاع مقدس، چهارم خردادماه به عنوان روز مقاومت و پایداری، روز دزفول نامگذاری شده است.

به خصوص زنانی که به عنوان امدادگر در بیمارستان‌ها مشغول خدمت‌رسانی بودند. حتی به‌خاطر دارم وقتی مجروحان را با جراحات‌های زیاد به بیمارستان می‌آوردند ما بعد از دیدن آن صحنه‌ها نمی‌توانستیم غذا بخوریم. زنان در بیمارستان‌ها تحت فشار روحی بسیار شدیدی بودند. در زمان عملیات فتح‌المبین بیمارستان‌های شهر تقسیم شدند به همین خاطر بیمارستان ۵۸۰ برای مجروحان عراقی در جنگ در نظر گرفته شد که در منطقه مسکونی کارکنان ارتش قرار داشت.

«اینکه بخواهید از دشمنی که به سرزمین شما تجاوز کرده مراقبت کنید و به نوعی او را درمان کنید، سخت نبود؟ در وهله نخست آنها قبل از اینکه دشمن ما باشند مجروح بودند. ما وظیفه‌مان در زمان مجروحان جنگی بود. با این حال چون این بیمارستان در منطقه خانواده‌های ارتشی قرار داشت واکنش‌هایی صورت گرفت. زنان و خانواده‌های ارتشی از این موضوع خیلی ناراحت بودند و می‌گفتند همسران و فرزندان ما را عراقی‌ها به شهادت می‌رسانند و حالا ما باید اینجا از مجروحان‌شان مراقبت کنیم. به همین خاطر خیلی از این قضیه ناراحت بودند و روزهای نخست می‌آمدند نسبت به این مسئله جلوی بیمارستان اعتراض می‌کردند.

«با اعتراض‌ها چگونه کنار آمدید؟

این ماجرا چندان طول نکشید به گونه‌ای که حتی خودشان نیز برای درمان و بهبود اسرا وارد میدان شدند و به ما کمک کردند. برخی از نیروهای زخمی عراقی به‌خاطر شدت جراحات‌ها دست و پایشان قطع می‌شد یعنی پزشک معالج برای نجات جان آنها چاره دیگری نداشت. بنابراین وقتی زنان و مادران نیروهای ارتشی برای اعتراض جلوی بیمارستان تجمع کرده بودند یکی از پزشکان برای آرام کردن آنان رو به زنان معترض گفت، ببینید ما آنها را درمان نمی‌کنیم بلکه دست و پایشان را قطع می‌کنیم و شکنجه می‌دهیم. این امر باعث شد که ورق برگردد و این بار صدای اعتراض‌شان در حمایت از اسرا درآمد. بنابراین آن پزشک از این طریق باعث شد که اعتراض‌ها کم شود و حتی به کمک ما نیز بیایند.

«از نگاه شما زنان در جنگ چه نقشی داشتند و چه

تصویری از آن می‌توانید به ما ارائه کنید؟

اوایل جنگ فشار زیادی روی زنان به خصوص در شهرهای مرزی بود. این نیروهای پشتیبان درواقع پشت جبهه می‌جنگیدند؛ جایی که شاید خیلی دیده نشدند. به‌خاطر دارم در بیمارستان ۲ طبقه ارتش حتی راهروها نیز از زخمی‌های عراقی پر بود. با این حال تعداد زنان امدادگر تقریباً ۷ تا ۸ نفر بود. شیفت کاری معمولاً ۲۴ ساعته بود. بعد از شیفت وسایل را استریل می‌کردیم برای شیفت بعدی. از بیمارستان به خانه که برمی‌گشتیم باز آنجا همراه مادران به کار دیگری برای کمک به رزمندگان می‌پرداختیم. مثلاً سبزی پاک می‌کردیم، لباس رزمندگان را می‌شستیم یا غذا درست می‌کردیم. درواقع می‌شود گفت استراحتی وجود نداشت. همه زندگی ما جنگیدن بود. درست است که در جبهه جنگ، زنان مانند مردان حضور نداشتند اما کارشان کمتر از آنان نبود و نبرد زنان پشت خط مقدم بود.

حتی برخی روزها از بیمارستان که می‌آمدیم به بهداری سپاه می‌رفتیم برای کمک به دیگر زنان که در آنجا خدمت می‌کردند. یک روز از بیمارستان که شیفتم تمام‌شده بود و می‌خواستم برگردم بهداری به حدی خسته و خواب‌آلود بودم که وسط خیابان چشمانم دیگر ندید و خستگی زیاد باعث شد که با یک موتورسوار تصادف کنم. بیشتر زنانی که در شهر مانده بودند چنین وضعیتی داشتند.

«آیا هیچ‌گاه اتفاق نیفتاده بود که یکی از شما

به‌خاطر کار زیاد و خستگی تصمیم بگیرید از دزفول به شهرهای دیگری که درگیر جنگ نبودند، برود؟

نه؛ اتفاقاً زخمی‌هایی که ما خیلی به آنها رسیدگی می‌کردیم بیشترشان سربازان عراقی بودند که از سوی رزمندگان در جبهه اسیر شده بودند. واقعاً اینجا رفتار بسیار خوبی با آنها داشتیم. اصلاً برای ما فرقی نمی‌کرد که آنها دشمنان ما هستند. اینها نیز جوانانی بودند که به دستور صدام از کشور خودشان دور شده بودند. اینجا همه آنها انسان



زنان در ایام

جنگ از یک

طرف همسران و

فرزندانشان را برای

فرستادن به جبهه

آماده می‌کردند

و از طرف دیگر

خودشان خدمات

و کمک‌های

فراوانی در پشت

جبهه جنگ به

رزمندگان داشتند.

برای مثال زنان

در برخی خانه‌ها

پتوهای رزمندگان

را می‌شستند، در

خانه دیگری غذا

درست می‌کردند.

همه توان و زندگی

خود را برای جنگ

گذاشته بودند. واقعاً

تمام هم و غم زنان

به دفاع، جنگ و

جبهه ختم می‌شد

و زندگی زنان در

آن مقطع با جنگ

عجین شده بود



در برخی خانه‌ها پتوهای رزمندگان را می‌شستند یا در خانه دیگری غذا درست می‌کردند. همه توان و زندگی خود را برای جنگ گذاشته بودند. واقعاً تمام هم و غم زنان به دفاع، جنگ و جبهه ختم می‌شد و زندگی زنان در آن مقطع با جنگ عجین شده بود. مادر دزفول یک رسمی داشتیم که ۷ روز بعد از عروس شدن، دختر خانواده کلوچه‌های مخصوصی برای این مراسم می‌پخت و برای خانواده داماد می‌برد. حالا اما دیگر زندگی همه‌اش جنگ بود و این کلوچه‌ها برای سربازان و رزمندگان پخته می‌شد. حتی پیش می‌آمد برخی مواقع شب تا صبح یا صبح تا شب زنان مشغول پختن کلوچه‌های محلی برای رزمندگان بودند. من در ادامه مجبور شدم که برای دیگر زنان شهر کلاس‌های آموزشی امدادگری برگزار کنم. شرایط سخت بود و باید هر چه زودتر نیرو به بیمارستان‌ها می‌فرستادیم بنابراین برای تسریع کار گاهی مجبور می‌شدم بخش عملی را روی خودم تمرین کنند. یادم هست یک روز که تزیین آمپول را به آنها آموزش دادم تقریباً حدود ۶ نفر روی دست خود امتحان می‌کردند و آمپول زدن یا رگ گرفتن بیشتر روی خود من انجام می‌شد.

بودند که باید درمان می‌شدند.

حتی پیش می‌آمد که ما برای مرگ نیروهای عراقی و جوانانشان به‌خاطر شدت جراحات وارده ناراحت می‌شدیم. اینکه دست یا پایشان قطع می‌شد واقعاً قابل تحمل نبود. شرایط بسیار سختی را زنان امدادگر در آن مقطع زمانی تحمل می‌کردند. برای من که ۲۰ سال بیشتر نداشتم دیدن چنین صحنه‌هایی آزاردهنده بود. برای مثال یک خلبان عراقی جوانی بود که وقتی او را آوردند بیمارستان وضعیت چندان مطلوبی نداشت و چند ساعتی بیشتر دوام نیاورد. مرگ آن خلبان جوان به‌خاطر جنگ همچنان از ذهن من با وجود گذشت چندین سال پاک نشده است. درواقع جنگ چهره زندگی را بسیار تلخ و زشت کرده بود.

«نقش زنان دزفول در مقاومت و پایداری شهرشان

را چگونه می‌بینید؟

زنان در آن مقطع از یک طرف همسران و فرزندانشان را برای فرستادن به جبهه آماده می‌کردند و از طرف دیگر خودشان خدمات و کمک‌های فراوانی را در پشت جبهه جنگ به رزمندگان داشتند. برای مثال زنان

دفاع بدون توقف

صحنه‌های رزم زنان، اگر چه اندک بود ولی تا پایان دفاع مقدس کم و بیش ادامه یافت و تأثیر عمیقی بر روحیه رزمندگان داشت. به علاوه، زنان نقش‌های اطلاعات رزمی فراوانی را انجام دادند. سبکینه حورسی از مدافعان خرمشهر در این باره در کتاب خاطر آتش آمده است: «ما از آن لحظه‌ای که به نیروهای شناسایی ملحق شدیم، کار شناسایی دشمن، خنثی کردن بمب، شناسایی ضدانقلاب و پیدا کردن رد پای آنها در شهر و روستاها را دنبال کردیم. نوع دیگری از کار اطلاعاتی و امنیتی را خواهران بسیجی انجام می‌دادند. مثلاً آنها در لباس امدادگر و پرستار به شناسایی منافقینی دست می‌زدند که به صورت ناشناس در بیمارستان‌ها تحت درمان بودند یا ماموریتی بر عهده داشتند.»



می‌پرداختند. برخی از زنان در شرایط حساس بمباران‌های هوایی دشمن کامیون‌های مهمات را از منطقه خطر و تیررس به محل امن منتقل می‌کردند. یکی دیگر از اقدامات زنان در آغازین روزهای جنگ تحمیلی، ساختن سنگر و پناهگاه بود. بر پایه گزارش‌های برخی از بانوانی که در مقاومت سلحشورانه خرمشهر حضور داشته‌اند، زنان در چیدن دیوار جهت مدافعان پل خرمشهر پیش قدم شدند و همچنین با پر کردن گونی‌های شنی و ساخت سنگرهای خیابانی و مجهز کردن آنها به کوکتل مولوتف در پی جلوگیری از سقوط شهر به دست دشمن یعنی برآمدند. در سایر مناطق جنگی نیز زنان در پر کردن گونی‌ها برای ساخت سنگر و تهیه کوکتل مولوتف فعال بودند.





فرنگیس بانوی شجاعت

تبر را دودستی گرفتم و با تمام قدرت توی سر افسر عراقی زدم. تبر بر تن اش جا ماند. چشمه از خون سرخ شد، پدرم هم بهت زده بود و حرکتی نمی کرد

فرحناز چراغی: نامش «فرنگیس حیدرپور» است و روایت شجاعتش در پنج مهرماه سال ۵۹ در دفاع از

خاک و مردم روستایش او را به یکی از زنان نام آور دفاع مقدس بدل کرده است. مهرماه ۴۱ سال قبل، پس از حمله عراق به روستای آوه زین، مردم به دره های اطراف فرار می کنند. فرنگیس که در آن زمان ۱۸ سال داشت، شب هنگام همراه پدر پیرش برای تهیه غذا به روستا بازمی گردند اما در طول راه آنها به صورت تصادفی با ۲ سرباز مسلح عراقی روبه رو می شوند. پدر فرنگیس به شدت غافلگیر و شوکه می شود اما او بی تردید وارد میدان می شود و با تبر که همراه داشته یکی را می کشد و دیگری را زخمی و با تمام تجهیزات جنگی اسیر می کند. فرنگیس حیدرپور حالا نزدیک به ۶۰ سال سن دارد؛ هنوز هم ایستاده و محکم به نظر می آید. از او ۴ تن دیس یادبود به عنوان «بانوی مقاوم» و «اسطوره زنان شجاع» در استان کرمانشاه وجود دارد؛ یکی در پارک شیرین کرمانشاه و دیگری در میدان مقاومت شهر گیلانغرب نصب شده است. او می گوید اگر داستان باز هم تکرار شود، باز هم بی تردید برای نجات جان خود و مردم روستا همان کار را خواهد کرد. مشروح گفت و گوی ما با او در پی می آید.

«از حال و هوای روزهای ابتدایی جنگ بگویید.

چگونه مطلع شدید که عراق به ایران حمله کرده است؟

من اهل روستای «آوه زین» بودم و همسر اهل روستای «گورسفید» به همین دلیل ساکن روستای گورسفید بودم. البته فاصله کمی با آوه زین داشت. آن روزها که تازه جنگ شروع شده بود زمزمه حمله عراق به ایران دهان به دهان به گوش مردم رسید؛ وسایل ارتباطی مانند امروز نبود. مردم از طریق دیدار با همدیگر متوجه اخبار و اتفاقات می شدند. تابستان که تمام شد حملات عراق هم بیشتر شد. عراق شهرها و روستاهای را یکی یکی می زد و به پاسگاههای مرزی حمله می کرد.

«روستای شما کی در گیر جنگ شد؟

جوانان روستای گورسفید تصمیم گرفتند تا قبل از ورود دشمن به روستا، در مرز به جنگ با عراقی ها بروند. مدتی از رفتن این جوانان نگذشته بود که جوانان روستای آوه زین (روستای پدری فرنگیس) در پی یافتن آنها، تصمیم گرفتند که به مرز بروند. این جوانان که ۸ نفر بودند در وسط راه به عراقی ها برخورد می کنند و همگی با شلیک بمب و خمپاره شهید می شوند.

مردم روستا بعد از شنیدن خبر، جنازه ها را برای خاکسپاری به روستا برمی گردانند. شهادت این ۸ نفر برای اهالی شوک بزرگی بود مردم مشغول مراسم سوگواری بودند که نیروهای بعثی وارد روستا شدند. مردم از ترس جان بدون هیچ غذا و امکاناتی، به دل کوه های اطراف پناه بردند؛ به این ترتیب عراقی ها توانستند روستا را تصرف کنند.

«از شبی بگویید که تصمیم گرفتید برای تهیه آذوقه

به روستا برگردید.

بله... شب همان روز گرسنگی طاقت کودکان را گرفته بود. بچه ها گریه می کردند. در این لحظات بود که من با پدرم تصمیم گرفتیم که شبانه برای آوردن آرد و برنج به روستا برویم.

«چرا تصمیم گرفتید که شما بروید؟ مردها کجا بودند؟

بیشتر مردها نبودند. برای جنگ با بعثی ها به مرز رفته بودند.

«با ورود به روستا چه دیدید؟ چه احساسی از دیدن

خانه و روستا پتان داشتید؟

اوایل صبح با پدر به آوه زین برگشتیم. روستا سوت و کور بود. به خانه نزدیک شدیم. در خانه چهار تاق باز بود. برای آوارگی و بی صاحب شدن خانه عزیزمان روی سر زدم. زیر لب برای آوار بدبختی ها مرثیه خواندم و اشک در چشمم جمع شد. وارد خانه شدیم، آرد، برنج، نمک و روغن

را برداشتم و در کیسه

گذاشتم.

کمی به در و دیوار نگاه کردم. با نهنیب

پدرم بلند شدم که برگردیم. پدر جلو

افتاد و من پشت سرش حرکت کردم.

در حیاط منزل چشمم به تبری افتاد که برادر

همسرم برایش ساخته بود. تبر را برای جمع آوری هیزم و درست کردن

آتش برداشتم و روی دوشم گذاشتم.

«چه زمانی با عراقی ها روبه رو شدید؟

از خانه دور شدیم. اطراف خود را می پایدیم. صدای چند گوسفند از خانه های اطراف می آمد. از سرازیری روستا به طرف چشمه راه افتادیم. برای رسیدن به کوه باید از وسط چشمه می گذشتیم. چشمه روستا آوه زین نزدیک منزل ما بود. موقع برگشت از منزل متوجه حضور ۲ نفر شدم که مسیر چشمه را به طرف سر چشمه طی می کردند. نزدیک تر که شدیم من و پدر از دیدن ۲ سرباز مسلح عراقی خشک مان زد. رنگ صورت پدرم مثل گچ سفید شده بود. ۲ عراقی قوی هیکل هم کنار چشمه ایستاده بودند. معلوم بود که خسته و تشنه بودند و متوجه حضور ما نبودند.

«در آن لحظات ترس و تردید چطور تصمیم گرفتید

که بجنگید؟

سرم داغ شده بود. در آن لحظه تمام زندگی ام جلوی چشمم آمد. اگر دیر می جنبیدم اسیرشان می شدیم و کارمان تمام بود. حال پدرم بدتر بود. نگرانی تمام وجودش را گرفته بود و تنها نگاهی به من بود. راهی جز نبرد نداشتیم. به یاد حرف همیشگی پدر افتادم که مرا همیشه هم پشت و یاور خود می خواند. عزم جزم شد که بجنگم. با سر به پدر اشاره دادم که سکوت کند.

در یک لحظه کیسه های غذا را زمین گذاشتم و تبر را دودستی گرفتم و جلو رفتم. دهانم خشک بود و دست و پاهایم می لرزید. تبر را محکم گرفتم و بالای سر بردم و با تمام قدرت توی سر افسر عراقی که پشتش به من بود، زدم... چنان زدم که تبر بر تن اش جا ماند. افسر عراقی با صورت توی آب افتاد. چشمه از خون سرخ شد.

«عکس العمل دیگر سرباز عراقی چه بود؟

دیگر سرباز عراقی که از دیدن این صحنه وحشت کرده بود به طرفم آمد. آن لحظه هیچ وسیله ای برای دفاع در دست نداشتیم؛ تبرم بر فرق سر افسر عراقی جا مانده بود.

سرباز دست برد تا تفنگش را از دوش بردارد که من نیز سریع سنگی از داخل چشمه برداشتم. آن سنگ را با قدرت تمام به سمت سرباز عراقی پرت کردم. خون از سر و صورت این عراقی هم سرازیر شد. سرباز وقتی خونش را روی دستش دید ترسید.

آن لحظات تنها جیغ و فریاد بود که آرامام می کرد... پدرم هم هنوز بهت زده بود و هیچ حرکتی از خود نشان نمی داد. یک لحظه خون توی چشمان سرباز سرازیر شد. سرباز تا آمد خون را پاک کند، من و پدرم به سرباز نزدیک شدیم. به پدر گفتم: «دستش را بگیر». پدر باز نتوانست عکس العملی از خودش نشان دهد.

خودم مجبور شدم دست سرباز را بگیرم و بیچانم. تفنگ سرباز در این



سرم داغ شده بود.

در آن لحظه تمام

زندگی ام جلوی

چشمم آمد. اگر

دیر می جنبیدم

اسیرشان می شدیم

و کارمان تمام بود.

حال پدرم بدتر

بود. نگرانی تمام

وجودش را گرفته

بود و تنها نگاهی

به من بود. راهی

جز نبرد نداشتیم. به

یاد حرف همیشگی

پدر افتادم که مرا

همیشه هم پشت و

یاور خود می خواند.

عزمم جزم شد که

بجنگم. با سر به

پدر اشاره دادم که

سکوت کند

لحظه از دستش افتاد. آن لحظه بود که پدر به کمک من آمد و دست سرباز را از پشت بستیم و اسیرش کردیم. تفنگ را گرفتم به سمت پشت اسیر و او را به طرف کوه حرکت دادم.

وقتی پیش اقوام رسیدیم جیب های اسیر را خالی کردیم. در داخل جیب عراقی عکس بچه هایش بود. برای لحظاتی از دیدن عکس آن بچه ها ناراحت شدم اما با خودم گفتم اگر من حمله نمی کردم آنها ما را اسیر می کردند.

«برخورد مردم روستا بعد از دیدن اسیر عراقی و شنیدن ماجرا چه بود؟

مردم روستا از شنیدن واقعه و دیدن اسیر به هم ریختند و یکسره من را شمات کردند که الان عراقی ها به سراغ ما خواهند آمد و تک ما را خواهند کشت. حتی پدرم نیز با ناراحتی و ترس از عراقی ها از این اتفاق برای مردم تعریف می کرد. از شنیدن این حرف ها خیلی ناراحت و عصبانی شدم و همه را با ناراحتی از خودم دور کردم. دلم برای اسیر عراقی سوخت. با جای و زردچوبه زخم عراقی را پانسمان کردیم. مردم روستا هنوز ماتم زده این موضوع بودند و بچه ها گرسنه و غذای خواستند. زنان زانو می غم بغل کرده بودند. خودم بلند شدم برای بچه ها غذا هم درست کردم. هنوز کارم تمام نشده بود که دایم ام هم از راه رسید. او نیز ۲ سرباز عراقی را به اسیری گرفته بود. در همان روز ۳ اسیر عراقی را با هم به رزمندگان تحویل دادیم.

«بعد از آن روزها چه شد که در گیلانغرب ماندید؟

من خانم،م، روستایم و زادگاهم را دوست داشتم، حتی روزهایی که در گردنه و کوه های اطراف آواره بودیم. هر بار که شرایط مهیای می شد به روستا و خانم سرمی زدم تا مبادا خانه مان خراب شود. بارها روستای مان توسط بعثی ها خراب شد اما برگشتیم و خانه های روستا را بازسازی کردیم. مادر کوه ها برای حفظ خاک و آب و وطن مان ۸ سال آواره بودیم و آوارگی کشیدیم. حتی مدتی را در کوه های اسلام آباد به سر بردیم. آنجا در کوه حتی خانه ساختیم. مدت ها بالش ما از سنگ بود و با کمترین امکانات ساختیم تا وطن را به دشمن نفروشیم. یکبار دیگر برای سر زدن به خانه آمدم و دیدم خانه مان را به درماتگاه تبدیل کرده اند و در و دیوار را میخ زده اند و سرم آویزان است و... خیلی دلم گرفت و ناراحت شدم.

«چرا به دیگر شهرها نرفتید؟

می شد به شهرهای دیگر برویم و در امن و امان زندگی کنیم اما چرا می رفتیم و خانه مان را دودستی تقدیم بعثی ها می کردیم؟ اینجا خانه و آب و خاک ما ست. حداکثر مهاجرت ما رفتن به ۵ کیلومتری روستا و کوه و کمر اطراف آن بود. ترجیح دادیم به کوه و کمر پناه ببریم؛ ما خانه مان را دوست داشتیم و این بعثی ها بودند که باید می رفتند.

«اگر جنگ و آن روز دوبار تکرار شود باز هم در روستا می مانید؟

بله اگر جنگ تکرار شود باز هم خواهم ماند و دفاع خواهم کرد. ما شهید و جوانان زیادی را در این راه دادیم. اگر ما نمی جنگیدیم آنها صدبار بدتر سر ما می آوردند. اگر باز هم آن روز تکرار شود من باز هم آن عراقی را می کشم.